

شش متن سعدی

(. بخش نخست)

کزارنده

دکتر زهرا زرشناس



پوششگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



Six Sogdian Texts

(Part I)

by
Dr. Zohreh Zarshenas



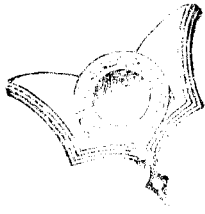
Institute for Humanities
and
Cultural Studies

Tehrān 2001

۱۸۰۰ تومان

شابک ۹۶۴-۴۲۶-۱۵۷-۷

ISBN 964. 426. 157. 7



تاسیس ۱۳۷۶
کتابخانه تخصصی ادبیات

آدم جبر

۴, ۹۰۰

نشش متن سغدی

(بخش نخست)

گزارنده

دکتر زهره زرشناس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۸۰

زرشناس، زهره، ۱۳۳۰
 شش متن سغدی (بخش نخست) / گزارنده زهره زرشناس. — تهران: پژوهشگاه علوم انسانی
 و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
 سی و یک، ۲۶۴ ص.: مصور، نمونه. — (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: ۸۰-۱۹)
 ISBN 964 - 426 - 157 - 7
 ۱۸۰۰۰ ریال:
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 ص.ع. به انگلیسی:
 کتابنامه: ص. [۱۸۹] - ۲۰۴.
 ۱. زبان سغدی — متنها — ترجمه.
 الف. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ب. عنوان.
 ۵ ش ۴ ز / PIR ۲۳۲۴ ۰۸۷ / فا. ۸
 کتابخانه ملی ایران
 محل نگهداری:
 ۸۰-۱۷۶۷۵



شش متن سغدی (بخش نخست)

گزارنده: دکتر زهره زرشناس
 ویراستار: فرزانه وزوایی
 ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مدیر نشر: رحمت الله رحمت پور
 چاپ اول: زمستان ۱۳۸۰
 تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
 حروف نگار: افسانه محبوب آفاق
 ناظر چاپ: سید ابراهیم سیدعلی
 لیتوگرافی چاپ و صحافی: شرکت چاپ فرشیه
 ردیف انتشار: ۸۰-۱۹

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است

ISBN 964. 426. 157. 7

شابک ۷-۱۵۷-۴۲۶-۹۶۴

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۰۴۶۸۹۱، فاکس: ۸۰۳۶۳۱۷

پیشگفتار

زبان سغدی، از نظر تنوع و حجم ادبیات مکتوب، مهم‌ترین زبان ایرانی میانه شرقی است که بررسی و مطالعه آثار آن در آغاز قرن بیستم و با کشف گنجینه تورفان آغاز شده است. اکثر آثار منتشر شده در باره زبان سغدی به زبان‌های اروپایی است.

زبان سغدی، به رغم انتشار کتاب فرهنگ سغدی به زبان فارسی (بدرالزمان قریب ۱۳۷۴) و دیگر آثار سرکار خانم دکتر قریب درباره این زبان که از سال ۱۳۴۵ تاکنون به صورت کتاب و مقاله به زبان فارسی انتشار یافته است و اندک مقالاتی که نگارنده در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تاکنون در نشریات مختلف به چاپ رسانیده است و مقاله‌های معدود دیگر، در میان فارسی‌زبانان هنوز زبانی کم شناخته است. به همین دلیل، نگارنده دست زدن به این پژوهش را امری سودمند دانست. هدف از این کار، در مرحله نخست، شناساندن بیشتر زبان سغدی و، سپس، بازشناساندن فلسفه و آیین بودا و اصطلاحات خاص آن آیین، که این روزها در میان قشر کتاب‌خوان فارسی‌زبان هواداران بسیار دارد، از طریق این زبان دوره میانه و خویشاوند زبان فارسی و از طریق اصطلاحاتی است که مترجم سغدی زبان در مقابل آنها به کار برده است. پژوهش در این آثار، افزون بر آشکار کردن وجوه اصیل و کهن آثار بودایی، گامی در جهت شناخت بیشتر واژه‌های دخیل از زبان سغدی در زبان فارسی و راهنمایی مؤثر در واژه‌گزینی و واژه‌سازی خواهد بود و امکان انتخاب نزدیک‌ترین معادل‌ها را از نظر زبان‌شناسی (آوایی و ریشه‌شناسی) در زبان فارسی فراهم خواهد کرد.

در این تلاش، وظیفه خود می‌دانم از کسانی که بدون یاریشان این پژوهش به فرجام نمی‌رسید، سپاسگزاری نمایم. نخست از استادام سرکار خانم دکتر بدرالزمان قریب سپاس دارم که مرا با زبان سغدی آشنا کردند و انتخاب این متن‌های خاص سغدی به پیشنهاد ایشان بوده است و، جز این، آثار این دانشمند برجسته و ممتاز همواره راهگشا و راهنمای من و هر پژوهنده زبان سغدی است.

سپاس قلبی خود را به دوست فرزانه و دانشمند سرکار خانم دکتر کتایون مزدپور

عرضه می‌دارم که با صرفِ وقتِ بسیار متن این کتاب را پیش از چاپ خواندند و اگر متن این کتاب از دیدهٔ تیزبین ایشان نمی‌گذشت و اگر تذکرات و راهنمایی‌های فاضلانه و هوشمندانهٔ ایشان نمی‌بود، چاپ این کتاب هرگز میسر نمی‌شد؛ و هرگاه که دشواری کار مرا از ادامهٔ آن ناامید می‌ساخت، این دوست خردمند و فاضل و بسیار مهربان همواره گره‌گشای مشکلات و مشوقِ راهم بوده‌اند.

همکاری دوست عزیز و مترجم زبردست، سرکار خانم مهران کندری، را که نخستین بار ویرایش بخش اول کتاب را برعهده داشته‌اند و در تنظیم و شکل گرفتن کتاب زحمت فراوان کشیده‌اند، صمیمانه ارج می‌نهم. البته، با توجه به مقاله‌های جدید منتشر شده دربارهٔ این متن‌ها و به دلیل رفع برخی ابهاماتِ متن چینی، تجدید نظر کلی در کتاب ضرورت یافت و ویرایش دوبارهٔ کار از سوی ادارهٔ انتشارات به دوست نکته‌سنج و نازنینم سرکار خانم فرزانه وزوایی سپرده شد. ایشان، به رغم تألمات روحی بسیار، بار دیگر به ویرایش دقیق و هوشمندانهٔ این بخش از کتاب پرداختند و مرا سپاسگزار محبت صمیمانهٔ خویش ساختند.

از همکاران محترم در پژوهشگاه خانم‌ها فرح‌امینی و مهوش لطیفی و از سرکار خانم مهنوش ملایری دانشجوی دورهٔ دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران سپاس بسیار دارم که مرا، به‌ویژه هنگامی که دچار آسیب سخت بودم، در سرانجام دادن به این کار یاری دادند. همچنین یآوری‌های دوست هوشمند و مهربانم سرکار خانم نسرین طباطبایی را برای حل برخی مشکلات متن انگلیسی کتاب ارج می‌نهم و سپاس می‌دارم.

سرکار خانم افسانه محبوب‌آفاق حروفچینی این کتاب را، با وجود دشواری کار، با دقت و باریک‌بینی بسیاری انجام داده و مرا سپاسگزار خود ساخته‌اند.

از سرکار خانم فیروزه شاه‌محمدی، که بخشی از آماده‌سازی نهایی این کتاب را برعهده داشته و بادقت و تلاش بسیار در نهایت صمیمیت این کار را به انجام رسانیده‌اند، سپاس بسیار دارم.

در پایان، از مقام محترم ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و

همکاران بخش انتشارات برای انتشار این اثر سپاسگزارم.

در اینجا، لازم می‌دانم اندکی از دشواری‌های بسیار ترجمه این متن‌ها را که می‌تواند پاسخگوی دشواری قرائت متن باشد، بیان کنم. به رغم استادی، مهارت و شایستگی مکنزی، ایران‌شناس برجسته و استاد کم نظیر فقه‌اللغة ایرانی و استاد بارز زبان چینی، در ترجمه این متن‌های سغدی به زبان انگلیسی و مقایسه آنها با متن چینی اساس ترجمه سغدی و ارائه یادداشت‌های مشروح برای تبیین مطالب مبهم سغدی و چینی، دشواری‌ها و پیچیدگی‌های زبان ترجمه‌ای ادبیات سغدی بودایی (← مقدمه ۱-۳-۳) و بازتاب ویژه آن در این متن‌ها - به ویژه در متن چهارم - بسیار چشمگیر است. در حقیقت، مکنزی با ترجمه کتاب سوتره چم و پادافراه کردار (Machenzie 1970) و این شش متن سغدی صرفاً گام‌های نخستین را در راه بررسی ادبیات سغدی بودایی برداشته است و دشواری‌های کار هنوز پابرجا است و بسیاری از پرسش‌ها هنوز بدون پاسخ. (← مقدمه ۱-۳-۳)

به همین جهت، از آغاز راه، پروفیسور مکنزی در جریان انجام دادن این کار قرار گرفته‌اند. ایشان با توجه خاص به این کار نگریسته و بامهربانی مشوق من بوده‌اند و از راهنمایی‌ها و تذکرات فاضلانه و ارزشمندشان در طول انجام شدن این کار بهره جسته‌ام. افزون بر متنی که در اصل بر این کار و بر من دارند، ترجمه فارسی این متن‌ها را پیش از چاپ دیده‌اند و اصلاحات پیشنهادی ایشان نیز بار دیگر در این اثر، اعمال شده است. از این لطف ایشان سرافرازم و سپاس ویژه خود را نثار این ایران‌شناس دانشمند می‌نمایم. طبیعی است که مسئولیت هرگونه اشتباهی در این کار بر عهده اینجانب است.

با توجه به مشکلات مذکور و با عنایت به این مطلب که این متن‌ها نخستین بار به فارسی برگردانده شده است و همراه با حرف‌نویسی متن سغدی و عکس دستنویس‌ها می‌آید، از خواننده گرامی می‌خواهم که با یادآوری خطاهای آن، که بی‌گمان بسیار است، مرا رهین منت خویش سازد.

به یاد مادر بزرگ عزیز و مهربانم

بانو لیلا کوهی که خواندن و نوشتن را از او آموختم

فهرست

یک	مقدمه
۱	متن اول: قطعه وجرچ چدیکا
۱	معرفی
۹	حرف نوشت متن سغدی
۱۱	برگردان فارسی
۱۳	پی نوشت های برگردان فارسی
۲۳	متن دوم: بخش پایانی سوتره اندرنکوهش نوشابه مستکاره
۲۳	معرفی
۲۵	حرف نوشت متن سغدی
۲۸	برگردان فارسی
۳۱	پی نوشت های برگردان فارسی
۴۱	متن سوم: سوتره چنتامنی - دارنی
۴۱	معرفی
۴۹	حرف نوشت متن سغدی
۵۴	برگردان فارسی
۵۹	پی نوشت های برگردان فارسی
۷۰	متن چهارم: بخشی از سوتره ویمله کیرتنر دشه
۷۰	معرفی
۷۷	حرف نوشت متن سغدی

۸۸	برگردان فارسی
۱۰۳	پی‌نوشت‌های برگردان فارسی
۱۵۰	ضمیمه
۱۵۱	متن اصلی چینی
۱۵۵	برگردان فارسی متن چینی
۱۶۵	پی‌نوشت‌های متن چینی
۱۸۳	اختصارات
۱۸۷	کتابنامه
۱۹۸	کتابنامه <i>BSTBL</i>
۲۰۳	فهرست‌های راهنما
۲۲۷	دستنویس سغدی

۱. زبان و ادبیات سغدی

۱-۱. پیشینه سرزمین سغد (۱)

نام سرزمین سغد را نخست در نوشته‌های کتاب دینی زردشتیان (اوستا)، در سنگ‌نبشته‌های فارسی باستان و در نوشته‌های مورخان یونانی می‌بینیم. اما، پس از آن، گه‌گاه و فقط در زمینه رویدادهای تاریخی، به هنگام فتح سغد به دست اسکندر مقدونی در قرن چهارم پیش از میلاد و به هنگام غلبه اعراب بر آن در قرن هشتم میلادی، با این نام روبه‌رو می‌شویم و آنچه در این میان بر سرزمین سغد گذشته – و این نیز از قضا دوران رونق و شکوه و استقلال سیاسی آن بوده است – نامعلوم و در پس پرده ابهام است.

سرزمین سغد را، از دید منابع تاریخی، ناحیه‌ای کم وسعت در کنار رود زرافشان می‌یابیم؛ اما کشف آثار و مدارک سغدی در گستره جغرافیایی عظیمی، از روسیه تا ترکستان چین (ایالت سین کیانگ امروزی)، حکایت از آن دارد که سغدیان روزگاری ساکنان چنین سرزمین پهناوری بوده‌اند، هرچند مطالعات دقیق‌تر نشان می‌دهد که آنان را باید صرفاً مهاجرانی در این سرزمین‌های بیگانه به شمار آورد.

سمرقند، پایتخت سرزمین سغد، از نظر سوق‌الجیشی نقش بسیار مهمی در جاده ابریشم، شاهراه تجاری میان چین و دنیای غرب، داشته است. بازرگانان سغدی، در طول این جاده، مهاجرنشین‌های متعددی احداث کرده بودند و این مطلب را منابع عربی و نوشته‌های مورخان اسلامی، که از مهاجرت سغدیان پیش از حمله اعراب و نیز از فعالیت‌های تجاری آنان سخن می‌گویند، تأیید می‌کند. نتیجه بارز این امر اهمیت یافتن نقش زبان سغدی، به صورت زبان میانگان^۱ در طول جاده ابریشم بوده است. از این

1. lingua franca

دیدگاه، نقشِ سغدی‌ان را در آسیای مرکزی می‌توان با از آن یونانیان در دنیای باستان، البته در مقیاسی محدودتر، قابلِ قیاس دانست. در پرتو همین نقشِ زبانِ سغدی است که بیشترِ دستنویس‌های آن در این ناحیه، به خصوص در تون‌هوانگ^۱ و نواحی اطرافِ تورفان به دست آمده است.

۱-۲. زبان سغدی

زبانِ سغدی، پیش از کشفِ گنجینهٔ تورفان در ترکستانِ چین، در اوایلِ قرنِ حاضر، مشتمل بر دستنوشته‌هایی به زبان‌های گوناگون ایرانیِ میانه، زبانی تقریباً ناشناخته بوده است. گرچه ابوریحان بیرونی در حدود هزار و اندی سال پیش، با ذکر نام روزها، ماه‌ها و جشن‌های سغدی، تلویحاً به این زبان اشاره کرده بود.

آندرئاس^۲، در میانِ دستنوشته‌های گنجینهٔ تورفان، به وجود زبانِ ناشناخته‌ای پی برد و آن را سغدی دانست و مولر^۳ با نشرِ شماری از دستنوشته‌های یاد شده صحتِ نظرِ آندرئاس را به اثبات رساند. طیِ نود سال پس از آن، با کوششِ هیئت‌های اکتشافیِ متعدد، آثارِ مکتوبِ این زبان، به صورتِ پراکنده از نواحیِ نزدیکِ شهرِ سمرقند تا یکی از برج‌های داخلی دیوارِ بزرگِ چین و از مغولستانِ شمالی تا درهٔ علیای رودِ سند در شمالِ پاکستان کشف شده است. با انتقالِ این اسناد و مدارک به موزه‌های شهرهای برلین، پاریس، لندن و لنینگراد (سن پترزبورگ)، دانشمندان اروپایی و امریکایی به مطالعهٔ این نوشته‌های کهن پرداختند. بسیاری از این متون به زبان‌های متعددی اروپایی ترجمه شد. زبان‌شناسان ویژگی‌های صرفی و نحویِ زبانِ سغدی را مشخص و حقایقِ بسیاری دربارهٔ این زبان آشکار ساختند. زبانِ سغدی یکی از زبان‌های گروهِ شرقیِ ایرانیِ میانه، زبانِ ناحیهٔ حاصلخیزِ سغد، واقع در میانِ دو رودِ سیحون و جیحون، بوده است. این زبان در طولِ ده قرن (قرن‌های دوم تا دوازدهم میلادی) مهم‌ترین زبانِ ایرانی در

آسیای مرکزی، زبانِ تجاریِ جادهٔ ابریشم و از دیر زمان ابزارِ ارتباط و پیوندِ فرهنگ‌های سرزمین‌های شرقی و غربی آسیا بوده است.

زبانِ سغدی بر اثر نفوذ و توسعهٔ تدریجیِ فارسیِ میانه (برخوردار از پشتیبانیِ دولتِ ساسانی) و نیز زبانِ ترکی (ارمغانِ هجومِ قبایلِ ترکِ زبان به آسیای مرکزی) از رواجِ افتاد و سیرِ نابودیِ آن از قرنِ یازدهمِ میلادی به بعد، همزمان با رواجِ زبانِ فارسی (با فرمانرواییِ امرایِ فارسی‌زبان در خراسان و ماوراءالنهر)، از یک سو، و نفوذِ زبانِ عربی و ترکی، از دیگر سو، شتابِ بیشتری یافت.

هرچند امروز گویشِ دورافتادهٔ یغنابی (رایج در درّهٔ رودخانهٔ یغناب در شمال کوه‌های پامیر در جمهوری تاجیکستان) یگانه یادگارِ زنده از زبانِ سغدی است، لیکن تأثیرِ مستقیمِ زبانِ سغدی بر ادبیاتِ فارسی، به‌ویژه در دورانِ متقدّمِ آن، انکارناپذیر است.

این تأثیر را به‌ویژه باید ناشی از قابلیتِ خاصِ زبانِ فارسی در جذب و پذیرشِ واژه‌های بیگانه دانست. علاوه بر انبوهِ واژه‌های عربی و شمارِ بسیاریِ واژه‌های آرامی و ترکی، باید از وجودِ شمارِ درخورِ توجهیِ واژه‌های ایرانیِ شرقی نیز در آن نام برد. از آنجاکه در میانِ گویش‌های پدید آورندهٔ فارسیِ نو هیچ‌یک از زبان‌های ایرانیِ شرقی را نمی‌توان یافت که بتواند ادامهٔ زبانِ متداولِ فرهنگی و تجاریِ توسعه یافته در ایرانِ دورانِ ساسانی باشد، لذا واژه‌های ایرانیِ شرقی در زمرهٔ واژه‌های دخیل در زبانِ فارسی محسوب می‌شوند. سغدی از جمله زبان‌های ایرانیِ شرقی و رایج‌ترین آنها است که زبانِ فرهنگ و ادب و بازرگانی در مناطقیِ فارسی‌زبان تا مرزهای چین بوده است. حال اگر نقشِ بسیار مهمِ بخارا و سمرقند، مادرشهرهای قلمروِ زبانِ سغدی، را نیز در گسترشِ ادبیاتِ آغازینِ فارسی در نظر بگیریم، ورودِ شمارِ چشمگیری از واژه‌های سغدی – مانندِ خوک، ستیغ، زیور، سنگسار – را در زبانِ فارسی امری طبیعی می‌یابیم. بررسیِ آثارِ بزرگانی چون رودکی، ابوشکور بلخی و اسدی طوسی نیز مؤیدِ این معنی است.

۱-۲-۱. ویژگی‌های زبان سغدی (۲)

زبان سغدی همانند دیگر زبان‌های شرقی ایران، نظیر خوارزمی و ختنی، نظام صرفی اسمی، ضمیری و فعلی بسیار گسترده‌ای را به نمایش می‌گذارد. این ویژگی به طور کلی زبان‌های گروه شرقی ایرانی میانه را از گروه غربی آن، با نظام صرفی تقلیل یافته و ساده شده، متمایز می‌سازد. از نظر آواشناسی تاریخی، متمیزترین تفاوت میان زبان‌های ایرانی میانه غربی و شرقی، طرز باقی ماندن صامت‌های انسدادی واکدار آغازی ایرانی باستان (g-, d-, b-) است. در زبان‌های غربی، این صامت‌ها به همین شکل باقی می‌مانند، اما در زبان‌های شرقی به سایشی‌های متناظر خود یعنی $-(w-\beta)$ ، δ و γ بدل شده‌اند.

در زبان سغدی ویژگی غالبی نیز با برجسب و عنوان «قانون هم‌وزنی مصوت‌ها»^۱ (Tedesco 1926: 102) وجود دارد که به نظر می‌رسد تا حد قابل توجهی در باقی ماندن یا از میان رفتن واکه‌های شناسه‌های صرفی، که احتمالاً پیامد نقش تکیه در واژه بوده است، تأثیر گذاشته است (۳). نظام فعلی زبان سغدی (۴) نیز بسیاری از زمان‌های مختلف (نظیر مضارع، انواع ماضی، که از ماده مضارع یا از ماده ماضی ساخته شده است، استمراری و مستقبل) و وجه‌های گوناگون (از جمله امری، التزامی، تمنایی) را حفظ کرده است.

۱-۲-۲. جایگاه زبان سغدی

برای تعیین جایگاه این زبان در میان دیگر زبان‌های ایرانی بررسی‌های بسیاری انجام شده است (Henning 1958:108). از هر دو زبان فارسی باستان و اوستایی در این میان می‌توان سخن گفت. نخست آنکه زبان سغدی در ویژگی‌های معینی با زبان فارسی باستان مشترک است. برای مثال: الف - *θr. ایرانی باستان در زبان‌های فارسی باستان و سغدی به صورت آوایی سایشی (سغدی مانوی: štyk و فارسی باستان - čitiya به معنای «سوم») ظاهر می‌شود؛ ب - ترکیبات معینی از ضمائر و حروف اضافه در این دو زبان رایج‌اند (۵)

(سغدی: c'm' و فارسی باستان: hačāma- به معنای «از من»). ج - تشابهات واژگانی نظیر gaub- در فارسی باستان به معنای «گفتن» و -γwβ در سغدی به معنای «تحسین کردن، ستودن» بین این دو زبان دیده می‌شود. بسنجید با -γwβ(y) در زبان خوارزمی مشتق از *gaubaya به معنای «به خود بالیدن» و -γwy احتمالاً مشتق از *gubya- به معنای «تحسین کردن، ستودن» (۶).

هنینگ (Henning 1958: 108) احتمال داده است که پارس‌ها در دوران باستان مدتی در ناحیه‌ای مجاور سغد باستان ساکن بوده‌اند.

دیگر آنکه زبان سغدی درست مانند زبان اوستایی، در بافت‌های خاصی، دارای مصوت کوتاه *a* بدل از **ā* است؛ برای مثال: قبل از (y) (اوستا: zaya- و سغدی مانوی: /'jy-/āžay- در مقابل فارسی نو: زای (-zāy) و سنسکریت: -jāy) و قبل از (ā) (اوستا: nawāza و سغدی: /nw''z/nawāz/ در مقابل (پارتی مانوی: /n'w'z/nāwāz/ و سنسکریت: nāvāja- به معنای «ناوی، ملوان، دریانورد») (۸).

۱-۳. ادبیات سغدی

گسترده‌گی نوشته‌های زبان سغدی، در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت، با گونه‌های ادبی متنوع و برای مقاصد گوناگون در طول پنج الی شش قرن متمادی، که جوامع سغدی زبان از بارزترین سازندگان نهادهای اجتماعی و فرهنگی آسیای مرکزی بودند، امری قابل توجه و چشمگیر است. آثار مکتوب سغدی، به رغم آنکه اغلب پاره پاره شده و در گذر زمان آسیب‌های جدی دیده‌اند، منابع ضروری، غیرقابل انکار و بسنده‌ای برای بازسازی چهره تاریخی و حقیقی سیاست، اقتصاد، دین، هنر و فرهنگ سغد و سغدی‌اند. آثار بازیافته سغدی شامل آثار دینی (مانوی، مسیحی و بودایی) و آثار غیردینی است.

۱-۳-۱. کهن‌ترین متن‌های سغدی

سیمز ویلیامز (Sims-Williams 1989: 174) کهن‌ترین متن سغدی را قطعه منحصراً به فردی می‌داند که محتوای آن دعای اشم وهوی^۱ زردشتی است و احتمالاً دریچه‌ای بر سغدی باستان، متعلق به دوران هخامنشی، می‌گشاید؛ گو اینکه نگارش آن هزار سال بعد صورت گرفته است (۹).

از نظر قدمت، کهن‌ترین شواهد مکتوب زبان سغدی، سکه‌نوشته‌هایی منسوب به قرن دوم میلادی‌اند (Henning 1958: 25-27) که محتوای زبانی قابل توجهی ندارند. اما کهن‌ترین متن‌های زبان سغدی، که از نظر زبان‌شناختی حایز اهمیت بسیارند، «نامه‌های باستانی» سغدی‌اند که سر اورل استاین^۲ در یکی از برج‌های مخروبه دیوار قدیمی چین، بین تون هوانگ و لولن^۳ کشف کرد. و هنینگ (Henning 1948b) تاریخ آنها را حدود ۳۱۲ میلادی تعیین کرده است (۱۰).

دیوارنوشته‌هایی به زبان سغدی، مکشوف در شمال پاکستان، نیز تقریباً با «نامه‌های باستانی» همزمان‌اند (Humbach 1980) و یا از آنها چندان هم متأخرتر نیستند.

۱-۳-۲. آثار غیردینی سغدی

سکه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها و دیگر اسناد و مدارکی که در تاریخ‌های مختلف و در مکان‌های متفاوتی که در آنها زبان سغدی به کار می‌رفته است، نوشته شده‌اند، آثار غیردینی زبان سغدی را تشکیل می‌دهند که تعداد آنها بسیار کمتر از آثار دینی به زبان سغدی است. مهم‌ترین نوشته‌های غیردینی به زبان سغدی، صرف‌نظر از «نامه‌های باستانی»، «اسناد کوه مغ» حاوی نامه‌ها و اسناد اداری، اقتصادی و حقوقی است که بر کاغذ، چوب، چرم و ابریشم نگاشته شده است. این اسناد مربوط به شاهزاده‌ای سغدی به نام دیواشتیج است که در سال ۱۹۳۳ در ویرانه قلعه‌ای برکوه مغ در نزدیکی دهکده خیرآباد و ویرانه‌های

1. Ašəm vohū 2. Sir Aurel Stein 3. Loulan

شهر قدیمی پنجیکند در شمال تاجیکستان، موطن اصلی سغدیان، به دست آمده است. از دیگر آثار غیردینی می‌توان کتیبه‌های سغدی مکشوف در پاکستان، در زادگاه سغدیان در خرابه‌های پنجیکند تاجیکستان و در ویرانه‌های افراسیاب ازبکستان و حتی در قرقیزستان و کتیبه‌های مغولستان و لَدَخ^۱ را نام برد (۱۱). افزون بر اینها اندک اسنادی متعلق به دورانی متأخرتر، حاوی واژه‌ها و عباراتی به زبان ترکی، نیز از تون هوانگ به دست آمده است (۱۲).

دیگر متن‌های غیردینی شامل چند متن پزشکی و یک متن جادوگری (P3) (۱۳) است. در پایان از داستان سغدی «رستم» (۱۴) به عنوان نمونه‌ای از ادبیات داستانی سغدی باید نام برد که می‌توان بر حیات و سرزندگی آن ادبیات کهن از روی قصه‌های متعددی که به صورت تمثیل در دستنوشته‌های سغدی مانوی (۱۵) دیده می‌شود، حکم کرد.

۱-۳-۳. آثار دینی سغدی

متن‌های دینی سغدی به احتمال زیاد به دورانی مابین قرن‌های هشتم و یازدهم میلادی تعلق دارند. این متن‌ها در مهاجرنشین‌های سغدی در واحه تورفان و در تون هوانگ، در جنوب شرقی تورفان، به رشته تحریر درآمده‌اند و از وجود چند دین، در آن دوران و در آن جوامع، حکایت دارند.

بی‌ثباتی سیاسی و نارضایتی اقلیت‌های مذهبی به دنبال سیاست‌های تعیین مذهب رسمی و عدم تساهل و آزار پیروان دیگر ادیان، نخست در دوران ساسانیان و پس از آن در دوران حکومت اسلامی، جوامع مانوی را وادار به ترک زادگاه ایرانی خود و سکونت در واحه‌های آسیای مرکزی نمود. توسعه گسترده کلیسای نستوری ایران و رویارویی با همان خط مشی‌ها، پیروان این دین را نیز به همان آبادی‌ها و شهرها کشانید. در آنجا پیروان این دو دین با نمایندگان بودایی‌گری هندی رویارو شدند. هر سه دین

1. Ladakh

نهادهای آموزشی دینی و عبادتگاه‌های خود را مستقر کردند و به فعالیت‌هایی نظیر ترجمه آثار دینی خود از زبان‌های سریانی، هندی، چینی و دیگر زبان‌های ایرانی به زبان سغدی پرداختند.

در ارزیابی ادبیات دینی سغدی، در آغاز، احساس می‌شود که موجودیت آن حاصل ترجمه آثاری است که به دست ادیبان روحانی مانوی، مسیحی و بودایی انجام گرفته است. این امر نه تنها به معنای اصیل نبودن این آثار است، بلکه پدید آمدن مشکلات ذاتی خاص ترجمه متنی از یک زبان به زبان دیگر را نیز سبب می‌شود. گرچه تجربه، دانش و خلاقیت مترجم و ردپای چالش‌های او با پیچیدگی‌های زبان، سبک و اصطلاحات فنی متنی اصلی در اثرش به وضوح دیده می‌شود، اما ترجمه وی نمی‌تواند بازتاب کامل طرز بیان، سبک، بافت و حال و هوای تألیفی بدیع و اصیل باشد. نشر پیچیده و مشحون از اصطلاحات دینی و فلسفی بازگردنده به نظام‌های فکری مانوی، مسیحی و بودایی آن‌چنان‌که در این متن‌های برگزیده برای ترجمه به زبان سغدی به کار رفته‌اند، به وضوح قدرت و کفایت مترجم را به آزمایشی دشوار کشانیده است. چندان‌که حتی در پاره‌ای موارد مترجم را ناگزیر ساخته است که گویایی و توانایی بیانی عادی زبان سغدی را از کار انداخته نثری بسیار پیچیده و غامض را عرضه دارد و سبب شده است که وی، بر حسب ضرورت، اصطلاحاتی بی پایه و اساس را اختراع کند تا به اصطلاحات متنی اصلی بسیار نزدیک و وفادار باقی بماند. این امر در نهایت به ابهام در درک مطلب و تفسیر نادرست متن‌ها منجر شده است. به هنگام تحلیل دستوری یا ارزیابی ادبی باید تمامی این موارد را در ذهن داشت.

۱-۳-۳-۱. ادبیات سغدی مانوی

مجموعه اصلی متن‌های سغدی مانوی را متن‌های مجموعه تورفان (۱۶) تشکیل می‌دهند که در برلین نگهداری می‌شوند و خصوصیت اصلی آنان تکه تکه بودن است. در حقیقت، هیچ متن کاملی از این گنجینه ادبی که قطعاً زمانی بسیار غنی بوده باقی نمانده

است. افزون بر ترجمه‌هایی از زبان‌های فارسی میانه و پارتی، مشتمل بر سروده‌ها و متن‌های دینی مربوط به کلیسای مانوی، این گنجینه حاوی آثار بسیاری است که در اصل به زبان سغدی تألیف شده‌اند. از هفت کتاب مانی، که شش تای آن را به زبان مادری‌اش دربارهٔ آیین خویش نگاشته است، تقریباً هیچ و یا فقط اندک قطعاتی به زبان سغدی باقی مانده است. در واقع، از تمامی آثار مانی فقط مجموعه‌ای از قطعات، که برخی به زبان سغدی (۱۷) است، باقی مانده و در میان موضوع‌ها و گونه‌های ادبی ارائه شده در این آثار، تاریخ کلیسا، کیهان‌شناسی، داستان‌ها و تمثیل‌ها، متن‌های مربوط به اعتراف و توبه، سالنامه و تقویم، فهرست‌ها و واژه‌نامه‌های مانوی دیده می‌شود.

ادبیات مانوی از تخیلی رنگین، درخشان و زنده برخوردار است که در نهایت ملهم از شخص مانی بوده است و به عنوان نخستین منبع همراه با دیگر منابع به زبان‌های ایرانی نظیر پارتی و فارسی میانه و نیز منابع غیرایرانی، برای درک صحیح و بازسازی نکات و جزئیات فلسفهٔ مانوی، ارزشمند و گرانبهایند. البته به همان اندازه نیز اطلاعات زبان‌شناختی منحصر به فرد و گرانبهای را دربارهٔ زبان سغدی در اختیار ما می‌گذارند (۱۸).

۱-۳-۲. ادبیات سغدی مسیحی

نوشته‌های مسیحیان به زبان سغدی شاهی بر فعالیت‌های تبلیغی موفقیت‌آمیز هیئت‌های مذهبی مسیحی نستوری در آسیای مرکزی است. تمامی دست‌نوشته‌های شناخته سغدی مسیحی از دیر ویران شده‌ای در بولایق در شمال تورفان به دست آمده است و به «مجموعهٔ تورفان» تعلق دارد (۱۹). ویرانی این کتابخانه به نسبت مکانی که آثار مانوی از آنجا به دست آمده‌اند، کمتر بوده است و بدین سبب بخش‌های بنیادی بسیاری از دست‌نوشته‌های سغدی مسیحی به دست ما رسیده است.

تاریخ نخستین ترجمه‌های متن‌های مسیحی به زبان سغدی همزمان با دوران نخستین مهاجرت‌های نستوریان ایران به آسیای مرکزی، یعنی دوران سلطنت یزدگرد دوم

ساسانی (۴۳۸-۴۵۷م)، است؛ گرچه تعیین تاریخ دقیق این ترجمه‌ها امکان‌پذیر نیست. از آنجا که متن‌های سغدی مسیحی معمولاً دارای اصل سریانی یا دارای نسخه‌های متناظر در زبان سریانی و گاه یونانی با هویت مشخص‌اند، حتی قطعات کوچک سغدی مسیحی را نیز می‌توان به آسانی از نظر زبان‌شناختی بررسی و تجزیه و تحلیل کرد. این مجموعه، افزون بر متن‌های انجیلی، اکثر گونه‌های ادبی سنتی محبوب و رایج در زبان سریانی نظیر موعظه، زندگی قدیسان، کلمات قصار، عبارات کوتاه پندآمیز، تفسیرها و اشعار را نشان می‌دهد (۲۰).

ماهیت اصیل نبودن ادبیات سغدی مسیحی و اتکای آن بر ترجمه سبب می‌شود که ارزش ادبی در آن دیده نشود، به‌خصوص که متن اصلی سریانی نیز فاقد چنین ارزشی بوده است، واژه demotic به معنای «عمومی، عادی، همگانی، متداول» که شوارتز (Schwartz 1967) در مورد زبان این متن‌ها به کار برده است به‌خوبی نمایانگر سبکی است که این آثار، بدان معنا، مخاطب خود را مردم عامی و عوام‌الناس می‌داند. اما همان‌طور که گفته شد این متن‌ها از ارزش زبان‌شناختی ویژه‌ای برخوردارند.

۱-۳-۳. ادبیات سغدی بودایی

حجم گسترده متن‌های سغدی بودایی حاکی از فعالیت‌های دامنه‌دار، جدی و پرشور مترجمان بودایی مذهب (۲۱) در صومعه‌های بودایی در آسیای مرکزی است. غالب متن‌های سغدی بودایی ترجمه‌هایی از زبان چینی‌اند (۲۲)؛ گرچه امکان دارد که تعداد اندکی مستقیماً از اصل هندی باشد و حداقل یک متن نیز از زبان کوچی (۲۳) ترجمه شده باشد.

در میان این متن‌ها، متن سغدی و سانتره جاتکه^۱ (۲۴)، که طولانی‌ترین متن شناخته به زبان سغدی است، دارای سبک ادبی پیشرفته‌تری نسبت به دیگر متن‌ها است و احتمالاً

1. Vessantara Jātaka

بیشتر تألیفی بومی به زبان سغدی و یا بازنویسی یک داستان بودایی است تا آنکه ترجمه باشد.

به طور کلی متن‌های سغدی بودایی در اصل دارای سبک ستنی آموزشی سوتره‌های^۱ هندی‌اند که در ظاهر توسط شخص بودا بر اساس مکتب مهاییانه (۲۵) (= اراهه بزرگ)، که به‌ویژه در آسیای مرکزی از رواج خاصی برخوردار بوده است، نگاشته شده‌اند.

دست‌نوشته‌های موجود سغدی بودایی گاه شامل صدها سطر است اما به‌ندرت با قطعه کاملی، در این میان، روبرو می‌شویم. قطعات مجموعه‌های پاریس و لندن (به دست آمده از تون هوانگ)، که در توتو^۲ (۲۶) به چاپ رسیده است، بهتر از بقیه قطعات حفظ شده و باقی مانده‌اند و دست‌نوشته‌های برلین (۲۷) (مکشوف در تورفان) و لنینگراد (۲۸) (به دست آمده از تون هوانگ و دیگر نقاط) بیشتر تکه‌تکه‌اند.

متن‌های سغدی بودایی، به استثنای متن وسانتزه جائگه، ارزش ادبی ویژه‌ای ندارند و صرفاً برای سنجش و بازسازی متن‌های متناظر در زبان‌هایی به غیر از سغدی می‌توانند کاربرد داشته باشند. شمار بسیاری از این متن‌ها با متن‌های چینی موجود همخوانی دارند و به‌خصوص در میان متن‌های سغدی بودایی، که تاکنون به چاپ رسیده است، یک دوجین ترجمه کم و بیش نزدیک به متن‌های موجود چینی، که می‌توانسته‌اند اساس ترجمه سغدی باشند، شناخته شده است. اما هنوز امکان تشخیص هویت تمامی متن‌های سغدی بودایی وجود ندارد.

اوتر (Utz 1980: 12-13) این ادبیات را از دو نظرگاه شایسته بحث و بررسی می‌داند. نخست آنکه معیار انتخاب متن‌های چینی، که به سغدی ترجمه شده‌اند، چه بوده است و دیگر آنکه برخی متن‌های سغدی را نمی‌توان با هیچ‌یک از نسخه‌های موجود چینی درباره مطالب خاص آیین بودا، که احتمالاً متن سغدی بودایی ما آنها را بازمی‌نمایاند، مطابقت داد.

متن‌های بودایی، که به زبان سغدی برگردانده شده‌اند، طبعاً بازتاب ادبیات جوامع بودایی مذهب و چینی زبان هم عصر خویش‌اند و، همان طور که گفته شد، قالب اصلی ادبیات ساختگی سوتره، خاص ادبیات بودایی چینی، آشکارا در آن متن‌های سغدی، که با پیش نمونه‌ای (۲۹) از متن چینی مطابقت دارند، ارائه شده و نمایان است. در حقیقت، حوزه‌ای که این ادبیات ترجمه‌ای زیرنفوذ گرایش‌های ویژه و مکتب‌های خاص ادبیات بودایی چینی قرار گرفته‌اند، با وجود متن سغدی سوتره چم و پادافراه کردار یعنی ترجمه متن چینی موسوم به «Fo shuo shan o yin kuo ching»، در میان متن‌های موجود سغدی بودایی، به‌خوبی آشکار می‌شود (۳۰).

وجه دوم، یعنی تعیین هویت متن‌های سغدی به کمک نسخه‌های چینی موجود، یکی از آزاردهنده‌ترین و در عین حال فریبنده‌ترین وجوه متن‌های سغدی بودایی است. پرسش‌های پژوهشگران در این زمینه به نظر اوتر (Utz 1980: 13) فقط می‌تواند با توسعه مطالعات مربوط به تری‌پیتکه^۱ های چینی پاسخ داده شود (۳۱). وی (Utz 1980: 14) به‌درستی معتقد است که برای تعیین هویت متن‌های سغدی بودایی و مطابقت هرچه بیشتر آنها با متن‌های بودایی ویژه‌ای که اساس ترجمه بوده‌اند و یا در مواردی که این‌گونه مطابقت‌ها و شناسایی‌ها انجام‌پذیر نیست، باید متن‌های متناظر یا مشابهی را یافت که تا حد امکان به آن متن‌ها نزدیک باشند.

برای رسیدن به توصیفی صحیح از زبان ترجمه‌ای ادبیات سغدی بودایی و دستور زبان آن، بهتر است بر ادبیات بودایی به زبان چینی متکی بود تا بر بررسی و مطالعه خویشاوندی زبان سغدی با دیگر متن‌های سغدی؛ زیرا اطلاعات زبان‌شناختی متن‌های سغدی بودایی برای مطالعه تاریخی و تطبیقی دستور زبان و واژگان تقریباً فاقد ارزش و محتوا است. از آنجا که ادبیات سغدی بودایی آینه و ویژگی‌هایی چند از ادبیات بودایی چینی معاصر خود است، بررسی و مطالعه دقیق متن‌های سغدی، به عنوان بازتاب

پیش‌نمونه‌های چینی آنها، می‌تواند پس از گردآوری متن‌های منطبق، متناظر و یا مشابه بودایی چینی صورت‌گیرد (۳۲).

۴-۱. نظام نوشتاری زبان سغدی

به رغم گسترده‌گی جغرافیایی قلمرو زبان سغدی، تفاوت‌گویی اسناد مکتوب موجود اندک است. البته، نمی‌توان ادعا کرد که متون سغدی از نظر زبانی یکدست‌اند، اما تفاوت‌های موجود بیشتر ناشی از عوامل تاریخی و کاربرد گونه‌های خطی و سنت‌های املائی گوناگون است تا فرق‌های گویی. احتمالاً گونه‌های گویی سغدی در نواحی دور از پایتخت (سمرقند) به صورت زبان محاوره به کار می‌رفته که الزاماً به صورت مکتوب در نیامده و یا در دست‌نوشته‌های موجود بازتاب نیافته است.

بررسی متون موجود سغدی این واقعیت را نمودار می‌سازد که تنوع فرهنگی این آثار در خط آن نیز کاملاً منعکس و، بنابر ضرورت زمان و مکان و موضوع کتابت، از گونه‌های خطی متنوعی استفاده شده است.

به جز یک قطعه (۳۳)، که به خط براهمی نوشته شده است (۳۴)، متون سغدی شناخته به سه خط سغدی، مانوی و سریانی نوشته شده‌اند. بیست و دو حرف آرامی با همان ترتیب اصلی در الفبای سغدی ابقا شده‌اند (۳۵)، ولی، در خط‌های مختلف، نویسه‌هایی کم یا زیاد شده و یا ارزش آوایی متفاوتی یافته‌اند. سه گونه اصلی از این خط، هر کدام، از یکی از گونه‌های الفبای سامی - آرامی - اساس اکثریت نظام‌های نوشتاری زبان‌های ایرانی پیش از اسلام - سرچشمه گرفته‌اند. این سه خط ویژگی‌های مشترکی دارند، اما برای بازنویسی آنها، سه نظام متفاوت حرف‌نویسی به کار رفته است (۳۶).

۴-۱-۱. خط سغدی

خط سغدی، که گونه سمرقند نیز نامیده می‌شود، خط عمومی سغدی‌ها در قرن چهارم میلادی است که تا قرن هفتم میلادی به طور کامل گسترش یافته است. این خط بر

قدیمی‌ترین سکه‌ها و اسناد باقیمانده از زبان سغدی دیده می‌شود و گونه‌های اصلی زیر را شامل است:

الف) خط کهن «نامه‌های باستانی» و دیگر متن‌ها تا حدود قرن پنجم میلادی.
ب) خط سوتره یا خط رسمی سغدی که معمولاً در متن‌های بودایی به کار رفته است.
ج) خط پیوسته که دارای گونه‌های متنوع محلی بوده است و جدیدترین صورت آن بدون در نظر گرفتن تقدم تاریخی «ایغوری» نامیده می‌شود، زیرا برای نوشتن زبان ترکی باستان نیز به کار رفته است.

خط سغدی (۳۷)، از آنجا که میراث مشترک سغدیان است، در آثار غیردینی و متن‌های سغدی بودایی و برخی متن‌های دینی دیگر سغدی، صرف‌نظر از عقاید دینی نویسنده آن متن‌ها، به کار رفته است. پیشینه طولانی تاریخی آن، وجود املاهای تاریخی و هزوارش را در این خط امری عادی و معمول ساخته است، گرچه به نسبت زبان‌های فارسی میانه و پارتی تعداد هزوارش‌ها کمتر است.

۱-۴-۲. خط سغدی مانوی

خط مانوی گونه‌ای برگرفته از خط پالمیری است که در اصل توسط مانوی پذیرفته شده و برای نگارش متن‌های مانوی به زبان‌های فارسی میانه، پارتی، سغدی، فارسی نو و غیره به کار رفته است. املاهای خط سغدی مانوی در موارد بسیاری از خط سغدی و نیز خط مانوی به کار رفته در متن‌های فارسی میانه مانوی و پارتی مانوی تأثیر پذیرفته است (۳۸).

۱-۴-۳. خط سریانی

خط متن‌های سغدی مسیحی خط سریانی است که از خط سریانی سترنجیلی اقتباس شده است. در متن‌های سغدی مسیحی، افزون بر بیست و دو حرف الفبای سریانی، حروف ž, x, i نیز آمده است. مزیت مهم این خط، نظام نقطه‌گذاری براساس کیفیت‌های متفاوت مصوت‌ها از نظر کوتاهی و بلندی است که مصوت‌ها را تا حدود زیادی از یکدیگر

متمایز می‌سازد و قرائت صحیح واژه‌های سغدی را آسان‌تر می‌کند.

۲. متن‌های سغدی بودایی کتابخانه بریتانیا

مطالعه آثار بازمانده ادبی بودایی به زبان سغدی، در نخستین سال‌های قرن حاضر، با کشف قطعاتی از دست‌نوشته‌های زبان سغدی در بخشی از آسیای مرکزی، واقع در چین، آغاز گردید. اکتشافات هیئت‌های انگلیسی، فرانسوی و روسی، به سرپرستی استاین در ۱۹۰۷، پللیو^۱ در ۱۹۱۰ و اولدنبرگ^۲ در ۱۹۱۸، در حوالی واحه تون هوانگک، و آثار مکشوف توسط دو هیئت آلمانی، به هدایت گرونودل^۳ در ۱۹۰۶ و لوکوک^۴ در ۱۹۲۶ در تورفان، در کشف آثار سغدی بودایی از اهمیت خاصی برخوردارند.

پس از رسیدن این دست‌نوشته‌ها به مراکز علمی اروپایی، پژوهشگرانی چند تحقیق و بررسی این آثار را آغاز کردند.

گوئیو^۵، دانشمند فرانسوی، نخستین کسی بود که به رمزگشایی متن‌های سغدی بودایی پرداخت و آثار قابل توجهی نیز در این زمینه به رشته تحریر درآورد. اثر وی، توصیف دستوری زبان سغدی براساس متن‌های سغدی بودایی، که پس از کشته شدن او در جنگ جهانی اول، امیل بنونیست آن را تکمیل کرد (Gauthiot-Benvenist 1914-1929)، گرچه قدیمی و منسوخ است، اما نخستین تألیف دستوری درباره زبان سغدی و دست‌نوشته‌های سغدی بودایی است.

باگسترش تدریجی حوزه پژوهشگران متخصص و فعال، بررسی متن‌های سغدی بودایی، این پر حجم‌ترین بخش ادبیات موجود زبان سغدی، مراحل کمال را پیموده است (۳۹). امروزه بخش اعظم متن‌های سغدی بودایی، که توسط هیئت‌های اکتشافی به موزه‌ها و کتابخانه‌های بریتانیا، پاریس، سن‌پترزبورگ و برلین منتقل شده بود، حداقل

1. Pelliot 2. Oldenburg 3. Grünwedel 4. Le coq 5. Gauthiot

یک بار به چاپ رسیده است.

متن‌های سغدی بودایی کتابخانه بریتانیا (قبلاً کتابخانه موزه بریتانیا) تمامی دست‌نوشته‌های اصلی سغدی را شامل می‌شود که توسط سر اورل استاین در سال ۱۹۰۷ از «غارهای هزاربودا» در نزدیکی تون هوانگ به انگلستان آورده شده است. مکنزی (BSTBL: Introduction, IX-X) فهرست کامل این دست‌نوشته‌ها را، که در مجموعه «B.M.Or.8212» فهرست و شماره‌گذاری شده است، همراه با وضعیت انتشارشان آورده است.

۲-۱. کتاب شش متن سغدی کتابخانه بریتانیا *BSTBL*

قطعات اصلی مجموعه استاین توسط مولر در سال ۱۹۲۶ و رایشلت^۱ در سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۳۱ منتشر شده بود، اما به علت پیشرفت‌های اخیر در مطالعات زبان سغدی و به‌ویژه به سبب تحقیقات ولر^۲ در فاصله سال‌های ۱۹۳۵-۱۹۳۸ و بنونیست^۳ در فاصله سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۵۹ قدیمی و کهنه به حساب می‌آمد؛ افزون بر آن، این چاپ‌ها فاقد نسخه عکسی و واژه‌نامه بود. انتشار مجدد این متن‌ها توسط مکنزی، در اصل، پاسخی به این نیازهای زبان سغدی بوده است.

مکنزی، در کتاب شش متن سغدی کتابخانه بریتانیا، قطعات اساسی سغدی بودایی مجموعه استاین (یعنی Dhy., Dhu., Padm., Intox., Vaj. را، که به واسطه ماهیت فرقه‌گرایانه مذهبی‌شان از دیگر قطعات، اسناد و نامه‌های سغدی بودایی متمایزند، به ترتیب طول قطعات، از کوچک (۲۶ سطری) به بزرگ (۴۰۴ سطری) بررسی کرده است.

تحقیق وی رانخت زوندرومان^۴ در ۱۹۷۷ و سپس سیمز ویلیامز^۵ در ۱۹۷۸ نقد و بررسی کرده‌اند. و به گفته آنان، مکنزی به حق و به نحوی شایسته از عهده این مهم چنان

برآمده است که حسادت توأم با تحسین هر ایران‌شناسی را برمی‌انگیزد (Sims-Williams 1978: 257).

این کتاب شامل سه بخش به شرح زیر است:

بخش اول، معرفی کوتاهی از هر قطعه را دربردارد که قسمت‌هایی از آن از اثر استاین (Stein 1921: Vol.II, 924) اخذ شده است. در این بخش، حرف‌نوشت متن سغدی هر قطعه و ترجمه آن به زبان انگلیسی در صفحات مقابل یکدیگر می‌آیند. در پشت بعضی از دست‌نوشته‌های سغدی، متن‌هایی به زبان چینی دیده می‌شود و مکثی، در معرفی کوتاه هر متن، نکاتی را درباره متن چینی، با استفاده از فهرست توصیفی دست‌نوشته‌های چینی تون - هوانگ در موزه بریتانیا (L.Giles 1957: 278)، خاطر نشان ساخته است.

در بخش دوم، یادداشت‌های مربوط به هریک از قطعات، با توجه به اصل چینی متن‌هایی که تعیین هویت شده‌اند، تنظیم گشته و تفسیری مشروح و مبتنی بر فقه‌اللغه را از ترجمه سغدی شامل می‌شوند که نکات بسیاری را در مورد قرائت واژه‌ها و ترجمه و تفسیر متن روشن می‌سازند.

متن اصلی چینی قطعات Vim., Padm., Vaj. (همراه با ترجمه انگلیسی) و Dhy. و نیز واژه‌نامه‌ای بسامدی همراه با نکات و اشارات گرانبهای ریشه‌شناختی و تطبیقی (شامل صورت‌های سغدی مانوی و مسیحی هر واژه و واژه‌های مرتبط با آن از زبان‌های یغناپی و خوارزمی در صورت امکان) در این بخش گنجانیده شده است. مکثی در این اثر، با تجدید نظر اساسی در کارهای پیشین، قرائت‌های ناصحیح را کاملاً تصحیح کرده است.

دو ضمیمه، شامل پی‌افزود و غلط‌نامه، بر کتاب سوتره چم و پادافراه کردار (Machenzie 1970) و تجدید چاپ تصحیح شده «واژه‌نامه اصطلاح‌شناسی بودایی در زبان سغدی» (۴۰) نیز در همین بخش آمده است. مکثی (BSTBL: App., p 161) معتقد است که این «واژه‌نامه اصطلاحات بودایی در متن‌های چینی» همراه با معادل سنسکریت

هر واژه در صورت امکان و فهرست کردن ترجمه‌های قابل اثبات سغدی برای درک روشن‌تر متن‌هایی نظیر Vim. و Dhu. بسیار سودمند است. وی فهرست وارونه سغدی - سنسکریت - چینی را برای دانشجویان زبان‌های ایرانی، که برای مطالعات بودایی یا چینی در سرزمین اصلی نیستند، چراغی راهگشا می‌داند. او در این واژه‌نامه، هر جاکه لازم بوده، برابره‌ای پراکریت و پالی را افزون بر برابره‌ای معمول سنسکریت آورده است.

بخش سوم عکس‌های شش دستنویس سغدی را دربر می‌گیرد. به طور کلی کیفیت عکس‌ها بسیار خوب است، اما در موارد اندکی دستنویشته در اثر لکه‌های آب تغییر رنگ داده و زمینه عکس در چاپ بسیار تیره شده و در قرائت متن ابهام ایجاد کرده است (۴۱).

۲-۲. کتاب شش متن سغدی (اثر حاضر) و روش کار آن

اساس این کتاب در واقع همان اثر مکتری است، با این تفاوت که متن‌ها به صورت لفظ به لفظ به فارسی برگردانده و در انتخاب واژه‌ها حتی الامکان تلاش شده است که از واژه‌های هم‌ریشه و هم‌خانواده فارسی دری با واژه سغدی استفاده شود، نظیر واژه «ریژ» (۴۲) در مقابل واژه سغدی ryz به معنای «کام، آرزوخواست» (قطعه Vim. سطر ۴۸). وفاداری به نحو زبان سغدی نیز، تا آنجا که امکان داشته است، رعایت شده تا تصویر روشن‌تری از واژگان و طرز نگارش زبان سغدی را در اختیار خواننده قرار دهد؛ گرچه این امر برگردان فارسی را اندکی مهجور می‌نمایاند.

در برگرداندن این شش متن سغدی به زبان فارسی همان مسائل اساسی ترجمه از زبان‌های ایرانی میانه به فارسی دری مطرح است، زیرا وفاداری به اصل و نگاهداری واژه و نحو جمله به مفهوم و معنای درست جمله آسیب رسانده اغلب آن را به نثری ثقیل و مهجور بدل می‌کند و افزون بر ایجاد اشکال در شکل و معنای جمله، ترکیباتی ناساز و نامناسب را نیز پدید آورده خواننده ناآشنا به این زبان‌ها را از خواندن آنها

می‌گیرانند. از آنجا که، در این ترجمه، اصل را بر آن گذاشته‌ام که واژه سغدی حتی‌الامکان به واژه فارسی معادل و هم‌خانواده خود ترجمه شود (نظیر ترجمه واژه سغدی pt'wyn'k (۴۳) به معنای «بردار و صبور» به واژه «برتابنده» در قطعۀ Vim، سطر ۱۷۲) و نحو جمله نیز حفظ گردد و در نتیجه ترجمه اصیل و نزدیک به اصل باشد، گاه ناگزیر شده‌ام، برای جلوگیری از ایجاد ابهام، واژه‌ها و عباراتی را در پی‌نوشت‌ها شرح داده یا در ترجمه فارسی درون نشانه (=) (واژه یا عبارت روان‌تر و امروزی‌تر را در مقابل آنها بیاورم و اگر زمان و شمار افعال، بنابر ضرورت، با جمله فارسی متناسب شده کلیه موارد در پی‌نوشت‌های برگردان فارسی ذکر شده است. همچنین اطلاعات و نکاتی که زوندرومان (Sundermann 1977) و سیمز ویلیامز (Sims-Williams 1978) پس از مکنزی برای این متن‌ها افزوده‌اند، در این پی‌نوشت‌ها گنجانیده شده است.

افزون بر ذکر موارد ابهام و اشکال و توضیح در قرائت و معنای واژه‌ها و عبارات در پی‌نوشت‌ها، به ضرورت، برای برخی مفاهیم به خصوص مفاهیم مبهم و از یاد رفته نظیر «پرسیداری» (قطعۀ Vim، سطر ۵۳) شرحی آمده است و تمامی واژه‌های سنسکریت تبیین و یا به زبان فارسی معادل‌گذاری شده‌اند و کوشیده‌ام که مطلب چندان شکافته و توصیف شود که خواننده غیرمتخصص نیز آن را دریابد. میزان توفیق خود را در رسیدن به این مقصود به عهده قضاوت خوانندگان می‌گذارم.

این متن‌ها مشحون از اصطلاحات فلسفی آیین بودا و بازتاب ادبیات جامعه چینی بودایی مذهب هم‌عصر خودند و بنیاد ایرانی نداشته و، افزون بر آن، از ادبیات بودایی به زبان سنسکریت نیز تأثیر پذیرفته‌اند؛ زیرا ترجمه‌هایی از آثار بودایی چینی به زبان سغدی‌اند و آن نسخه‌های چینی نیز خود از زبان سنسکریت برگردانده شده‌اند. در واقع، معادل‌های سنسکریت واژه‌های سغدی، که در پی‌نوشت‌های برگردان فارسی ذکر شده است، فقط دلالت بر مفاهیمی دارند که در اصطلاحات چینی نهفته‌اند و صورت‌های سغدی، آن طور که در این متن‌ها آمده‌اند، اغلب به واسطه تغییرات ناشی از نقش‌های دستوری از صورت‌های سنسکریت دور شده‌اند. بسیاری از ترجمه‌های سغدی به‌وضوح

نادرست‌اند، زیرا مترجم آنها را به اشتباه دریافته و یا متن چینی را به بیانی دیگر تعبیر و تفسیر کرده است.

باتوجه به آنچه گفته شد، برگرداندن این متن‌ها به زبان فارسی، به رغم اتکا به استادی و مهارت مکتری و دانش وی از زبان‌های ایرانی و زبان چینی و ترجمه دقیق او به زبان انگلیسی، کاری بس دشوار بوده است و، چون این کتاب نخستین گام را در این زمینه در زبان فارسی برداشته است، از خواننده محترم درخواست می‌شود که با یادآوری خطاهای آن مرا سپاسگزار لطف خویش سازد.

باوجود دشواری‌های بسیار ترجمه این‌گونه متون، سودمندی‌های چندی نیز از این ترجمه‌ها برای واژه‌گزینی و واژه‌سازی حاصل می‌شود، به‌خصوص در مورد اصطلاحات فلسفی بودایی، که هم اکنون معادل آنها عیناً از زبان سنسکریت یا پالی در زبان فارسی نقل می‌شود، می‌توان از واژه‌های معادل سغدی، یعنی یکی از زبان‌های ایرانی میانه، به شرط تهیه فهرستی از این اصطلاحات همراه با معادل‌های چینی و سنسکریت استفاده کرد که فهرست کامل آن تهیه شده و آماده چاپ است (۴۴).

به سبب حجم زیاد دستنوشته‌ها، این کتاب در دو بخش تهیه شده است. بخش نخست قطعات Vim., Padm., Intox., Vaj. را دربرمی‌گیرد و دو قطعه Dhy., Dhu. در بخش دوم کتاب خواهد آمد.

متن‌ها باالفبای رایج بین‌المللی حرف‌نویسی شده و علائم ذیل در آنها به کار رفته است :

() حروف نامشخص و نامطمئن

[] جای خالی در دستنوشته

< > اضافه‌های ضروری به متن اصلی

{ } حذف‌های ضروری از متن اصلی

در برگردان فارسی نیز از علایم زیر استفاده شده است :

آوانوشت واژه سغدی /
یا /

جای خالی در دستنویس سغدی که در برگردان فارسی نیز منعکس شده است []
اضافه‌های ضروری به برگردان فارسی ()
اضافه‌های ضروری به دستنویس سغدی که در برگردان فارسی نیز منعکس شده است
< >

حذف‌های ضروری از دستنویس سغدی که در برگردان فارسی نیز منعکس شده است
{ }

واژه و عبارت روان‌تر و امروزی‌تر (=)

به سبب برخی مشکلات فنی، نشانه‌های چینی همانند کتاب *BSTBL* از چپ به راست چیده شده است.

در پی‌نوشت‌های برگردان فارسی تمامی یادداشت‌های مکتزی از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شده و با ارجاع *BSTBL* مشخص گردیده است. نگارنده تمامی منابع ارجاعی دیگر را، که نکات دستوری زبان سغدی، موارد عدم تطبیق ترجمه فارسی و متن سغدی و معادل‌های سنسکریّت واژه‌های سغدی را تبیین و شرح می‌کنند، یافته است. آن دسته از پی‌نوشت‌هایی که ارجاعی ندارد، نظر شخصی نگارنده است.

۱-۲-۲. مضامین قطعه‌ها

این شش متن سغدی مضمونی مذهبی متأثر از فرقه مهاییانه آیین بودا دارند.

۲-۱-۱. متن اول (Vaj.)

متن اول کتاب وَجَرِچِ چَدیکا^۱ نام دارد که بدون تردید از نسخه‌ای چینی به زبان سغدی برگردانده شده است و مکالمه‌ای میان بودا و سوبوتی^۲ در باب منش و رفتار بُدی سَتَوَه‌ها است. این متن چینی، که توسط کومارَه‌جیَوَه^۳ از روی متن سنسکریت ترجمه شده است، همراه با نسخه سنسکریت و ترجمه فارسی آن در پی‌نوشت‌های متن اول کتاب آمده است.

بخش پایانی ترجمه‌ای دیگر از همان نسخه چینی به زبان سغدی (Müller and Lentz 1934: 43-47) و متن سغدی قطعه L11 که تفسیری بر قطعه وَجَرِچِ چَدیکا به زبان سغدی است (Sims-Williams 1981: 234) به زبان فارسی ترجمه شده و برپی‌نوشت‌های متن اول افزوده شده است.

۲-۱-۲. متن دوم (Intox.)

این متن بخش پایانی سوتره‌ای را دربر می‌گیرد که به نکوهش می و میخوارگی می‌پردازد. مترجم قطعه، یعنی بیکشو (= رهرو) جنیانه چنته^۴ در بُن‌نوشتِ متن می‌نویسد که آن را از هندی به زبان سغدی، در شهر سَرِغ^۵ در شانزدهمین سال شهریاری کی‌نگیون^۶، برگردانده است و کاتب دستنویس، پوتیان آموزگار، پسر سَرَجَمِیک بوده است؛ امّا مکتزی این مطلب را درست نمی‌داند (BSTBL.: 7).

۲-۱-۳. متن سوم (Padm.)

متن سوم کتاب، سوتره پَدَمَه چنتامنی^۷ نام دارد که در باب داروی شفابخش چشم و روش کار بُردِ آن و فواید و نتایج محیرالعقول استفاده از آن در مدت ۹ هفته، ۱۰ هفته ... تا ۲۱ هفته است؛ و نیز در باب درمّه آذر-اُم و روش استفاده از آن است که، بدی

1. Vajraccedika 2. Subhuti 3. Kumārajīva 4. Jñānacinta 5. Saragh
6. Kai-nywan 7. Padmacintāmaṇi-dhāraṇī-sūtra

ستوه آریاؤلوکی تیشورّه^۱ برای موفقیت در کارها و امور مختلف و چیرگی بر دشمن آن را بیان می‌کند. در پایان این سوتره، بدی ستوه آریاؤلوکی تیشورّه فواید درک و نگاهداری دارنی^۲ را به اختصار به عرض بودا می‌رساند و بودا نیز او را تحسین می‌کند.

متن چینی قطعه Padm. در پی نوشت‌های متن سوم آمده است.

چند قطعه کوچک که ترجمه‌های دیگری از برخی سطرهای این سوتره (سطرهای ۱۵-۱ از قطعه P14 برابر با سطرهای ۵۱-۶۳ از قطعه Padm. و سطرهای ۱۸ و سطرهای بعدی از قطعه P15 برابر با سطر ۶۳ و سطرهای بعدی از قطعه Padm.) به زبان سغدی‌اند (Henning 1945: 465, n.2) به فارسی برگردانده شده و همراه با متن سغدی قطعات به پی‌نوشت‌های متن سوم افزوده شده است.

۲-۱-۴. متن چهارم (Vim.)

متن چهارم بخشی از سوتره ویمله کیژتیردشه^۳ است. این متن از روی برگردان چینی متن سنسکریت، که کومازه جیوه در سال ۴۰۶ میلادی به رشته تحریر درآورده، به زبان سغدی برگردانده شده است. (Weller 1935, 1937h)

از آنجا که ترجمه سغدی این سوتره که از روی متن چینی صورت گرفته دارای پیچیدگی‌های بسیار است و گاه اصطلاحات فلسفی بودایی لفظ به لفظ و وابسته به متن چینی ترجمه شده و یا حتی فقط به الفبای سغدی برگردانده شده‌اند، مفهوم واقعی متن فقط از طریق ترجمه متن اصلی چینی قابل درک است.

این سوتره در باب پرسشی است که بدی ستوه ویمله کیژتی از بدی ستوه منجوشری^۴ درباره خانواده تانگه (متن سغدی: pwl'n'k kšl'k tɣmy: به معنای «تخم کشته بودا») می‌کند و پاسخ منجوشری بدو است. پاسخ منجوشری مورد تحسین کاشیپه^۵ بزرگ واقع شده و آن‌گاه کاشیپه خود به شرح مطلب می‌پردازد. سپس بدی ستوه دیگری به نام

1. Āryāvalokiteśvara 2. dhāraṇī 3. Vimalakīrtinirdeśa sūtra 4. Mañjuśrī

5. Kāśyapa

روپه کایه سمن تَدَرَشَنه^۱، در آن انجمن، ویمَلَه کیرتی را درباب منش و رفتار بُدی سَتَوَه و خانواده بُدی سَتَوَه ها مورد پرسش قرار می دهد. پاسخ ویمَلَه کیرتی این بار منظوم است و «درمه روشن شدگی» را به صورتِ مشروح بیان می کند. در سطرهای پایانی این متن، که با عنوان بخش نهم آمده است، ویمَلَه کیرتی از انجمن بُدی سَتَوَه ها می خواهد که در صورت تمایل ورود به دروازه آموزه نا- دویی (= عدم ثنویت) را شرح دهند، یعنی در حقیقت نظر آنان را درباب آنچه برای آنان شرح داده است جويا می شود. چهار بدی ستوه به نام های دَرْمَشَوَرَه^۲ و شری گوپته^۳ و آنیمیشه^۴ و شری کوته^۵ در این باب سخن می گویند.

متن اصلی چینی قطعه Vim. همراه با برگردان فارسی آن، که خود از روی ترجمه انگلیسی برگردانده شده، و فهرستی از اصطلاحاتی که مکنزی به شکل یادداشت هایی برای ترجمه چینی آورده است، همراه با شرح و تفسیر و تبیین آنها به زبان فارسی، ضمیمه متن چهارم است. در پی نوشت های متن چهارم قطعات K44 و K46، که حاوی سطرهایی از قطعه Vim. (Sundermann 1977: 634) است، از زبان سغدی نقل و به فارسی برگردانده شده است.

۲-۱-۵. متن پنجم (Dhu.)

متن پنجم سوتره دوتَه^۶ نام دارد که با پرسش و پاسخی میان بُدی سَتَوَه «روشنی ساز (= رخشان گر)» و بُدی سَتَوَه «چپته راجا»^۷ (= اندیشه خدای، سروراندیشه) درباب دانش «چرخ آیین»^۸ و دیگر دانش ها و به طور کلی درباب مسائل فلسفی آیین بودا در محضر بودا آغاز شده است. در ادامه متن، بودا پس از تحسین و آفرین کردن بُدی ستوه، «چپته راجا»، به شرح سوتره «دوتَه» می پردازد و مشکلات درک و فهم درست و حقیقی دَرْمَه را بیان می کند. بودا از انجمن بُدی ستوه ها می خواهد که دَرْمَه دوتَه (= منزه، پاک شده)

1. Rūpakāya samantadarśana 2. Dharmēśvara 3. Śrīgupta 4. Animiṣa
5. Śrīkūṭa 6. Dhūta-Sūtra 7. Citta rājā 8. Dharma cakra

را بیاموزند و بُدی ستوه «چیتَه راجا» را سرمشق خود قرار دهند.

پس از سخنان بودا، بُدی ستوه «روشنی ساز» چند پرسش از بودا در باب عمل کردن در «دوتَه» توسط بُدی ستوه‌ها و نتایج آن و هدایت جانداران به راه دُرست و راست می‌کند. بودا وی را نیز مورد تفقد قرار داده و به تشریح پاسخ وی می‌پردازد. پس از آن، بُدی ستوه «اندیشه خدای» مجدداً از بودا دربارهٔ درمّه «دوتَه» و این مطلب که چرا «دو^۱» و «ته^۲» خوانده می‌شود پرسش می‌نماید و بودا پاسخ لازم را به او می‌دهد.

بخش آغازی متن چینی این سوتره، که اساس ترجمهٔ سغدی بوده است، در تون هوانگ کشف شده است. زبان متن چینی پیچیده، مبهم و نامفهوم است و ترجمهٔ سغدی عیناً همان سبک را دنبال می‌کند. به همین جهت، ترجمهٔ فارسی دقیقاً واژه به واژه انجام گرفته است تا از نامفهوم بودن ترجمه اندکی جلوگیری شود.

۲-۱-۶. متن ششم (Dhy.)

این متن بخشی از سوتره بودا دیانه سمادی - ساگره^۳ (متن دیانه^۴) را دربر می‌گیرد. متن اصلی سوتره در آغاز قرن پنجم میلادی توسط بودا بدره^۵ اهل کپله وستو^۶ به زبان چینی ترجمه شده است. این متن اساس ترجمهٔ سغدی قرار گرفته و در پی نوشت‌های متن ششم گنجانده شده است.

متن Dhy. نخست در باب فروتن نمودن روح و رام کردن دل و نفس است، آن‌گاه به تفصیل روش‌های مراقبه و تمرکز را همراه با آداب آن و نتایج حاصل از آن بیان می‌کند. همچنین به تشریح کامل خروج از یک مرحلهٔ مراقبه و ورود به مرحلهٔ دیگر و یا مراحل اقرار به گناه و طلب آمرزش می‌پردازد.

در این سوتره، بودا به آننده^۷ دربارهٔ مراقبهٔ درست و نادرست و نتایج آن توضیح

1. Dhu 2. ta 3. Buddha dhyāna samādhi-sāgara 4. Dhyāna 5. Buddhābhaddra
6. Kapilavastu 7. Ānanda

بیست و شش / شش متن سغدی

می دهد. آن گاه «برهْمَه راجَن^۱» از بودا می خواهد که درمۀ مراقبۀ پیکر بودا را بیان کند و بودا خواهش وی را اجابت کرده به شرح جزئیات مطلب و نتایج بسیار شگفت و معجزه آسای حاصل از آن می پردازد.

متن سغدیِ قطعۀ کوچکی (B11) که احتمالاً ترجمۀ دیگری از همین متن به زبان سغدی است همراه با ترجمۀ فارسی آن در این بخش آمده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر ← بدرالزمان قریب ۱۳۷۴: مقدمه، ص ص یازده - نوزده.
۲. ایلیا گرشویچ (Gershevitch 1954) بهترین توصیف آواشناختی و دستوری از زبان سغدی را در کتاب دستور سغدی مانوی (*A grammar of Manichean Sogdian*) ارائه کرده است.
۳. برای آگاهی بیشتر ← بدرالزمان قریب ۱۳۶۹: ص ص ۸۹-۹۰ و نیز Sims-Williams 1989: 181-185؛ Gershevitch 1954: §§484-530.
۴. برای آگاهی بیشتر ← بدرالزمان قریب ۱۳۷۲ و نیز Gharib 1965: §§531-934؛ Gershevitch 1954؛ Sims-Williams 1989: 187-190
۵. برای توضیح بیشتر ← Gharib 1974
۶. Dresden 1993: 1220 ←
۷. مثال دیگر: (اوستایی: a-saya- و سغدی مانوی: sy'k و سغدی بودایی: sy''kh و سغدی مسیحی: sy'q / sayāk) در مقابل (فارسی نو: سایه - sāye- و سنسکریت: chāyā-). (Henning 1942: p 50)
۸. یکی از دلایلی که برای اثبات فرضیه شرقی بودن زبان اوستایی ارائه شده است، همین تحولات یکسان آوایی بوده است. (Henning 1942: 50)
۹. این متن از نظر زبان‌شناختی حایز اهمیت بسیار است. گرشویچ (Sims-Williams 1976: 46-48؛ Gershevitch apud Sims-Williams 1976: 75-82) طی مقاله مفصلی به بررسی و تحلیل آن پرداخته است و نگارنده این مقاله را به فارسی برگردانده و در حال حاضر زیر چاپ است (زرشناس ۱۳۶۵: صص ۱۴۹-۱۸۲).
۱۰. برای آگاهی بیشتر ← Sims-Williams 1985: 7-9.

۱۱. برای کتاب‌شناسی ← Sims-Williams 1989: 174, n.10-12.
۱۲. ← Reichelt 1931: 57-61.
۱۳. ← Benveniste 1940: 59-73. و نیز Henning 1958: 85.
۱۴. ← Sims-Williams 1976: 54-61. و نیز بدرالزمان قریب ۱۳۷۷: ص ص ۲۳۳-۲۶۲.
۱۵. برای نمونه ← Henning 1945 و نیز زهره زرشناس ۱۳۶۶؛ ۱۳۶۹ (الف)؛ ۱۳۷۵؛ ۱۳۷۶؛ ۱۳۷۷ (الف).
۱۶. ← Boyce 1960 و نیز Sims Williams 1981a: 235-240.
۱۷. برای آگاهی از کتاب‌شناسی این متن‌ها ← Dresden 1993: 1224, n.1-3؛ Sims-Williams 1989: 175, n.23 و 1225, n.1-7.
۱۸. ← پی‌نوشت ۲.
۱۹. ← Sims-Williams 1989: 175, n.24.
۲۰. برای آگاهی از کتاب‌شناسی متن‌های سغدی مسیحی ← Sims-Williams 1989: 175, n.26.
۲۱. شایان ذکر است که حتی برخی از نخستین مترجمان ادبیات سنسکریت بودایی به زبان چینی، مثل کَنگ مَنگ شیانگ (= مَنگ - شیانگ سمرقندی)، که از سال ۱۹۴ تا ۱۹۹م در لو-یانگ به کار ترجمه این متون پرداخته بود، اصل و نسب سغدی داشته‌اند. (Emmerick 1987: 403)
۲۲. مکتزی واژه‌نامه سه زبانه چینی - سنسکریت - سغدی از اصطلاحات فلسفی و تخصصی بودایی ارائه کرده است. (BSTBL: 159-220)
۲۳. ← Henning 1940: 59-62 و نیز Kudara-Sundermann 1987.
۲۴. ← Benveniste 1946 و نیز بدرالزمان قریب ۱۳۷۱.
۲۵. البته آن طور که از منابع غیرایرانی برداشت می‌شود، متن‌های سغدی بودایی تنها نمایانگر بخشی از مجموعه کلی ادبیات مکتب مه‌ایانه است.

۲۶. برای کتاب شناسی ← Sims-Williams 1989: 175, n.18

۲۷. برای آگاهی از کتاب شناسی ← Sims-Williams 1989: 175, n.19

۲۸. برای کتاب شناسی ← Sims-Williams 1989: 175, n.20

۲۹. برای مثال:

متن سوتره چم و پادافراه کردار مطابق با

"Fo shuo shan o yin kuo ching" (T. 2881, vol.85, 1380-3) (Mackenzie 1970)

نگارنده این کتاب مکزی را از زبان سغدی به زبان فارسی برگردانده است که به چاپ خواهد رسید.

متن Dhūta (= بخش گمشده متن موجود wei hsin wang p'u sa shuo t'ou t'o ching (T.2886, vol.85) (BSTBL: 33-51)، همان متن پنجم از کتاب حاضر، که برگردان کامل فارسی آن در بخش دوم کتاب خواهد آمد.

۳۰. این متن با بیان مشروحی از طرز کارکرد کژمن Karman به عنوان عامل تعیین کننده تقدیر تمامی موجودات زنده، به آگاه کردن خواننده، از طریق پاسخی که به وی می‌دهد، پرداخته و او را از نظرگاه‌های کنفوسیوسی درباره حکم آسمانی (t'ien ming 天命) مطلع می‌سازد. میزان توجهی که جامعه بودایی سغدی زبان به یکی از مباحث فکری اساسی چینی، ویژه محیط خاص پرورش جامعه بودایی چینی، معطوف می‌داشته است، هر کس را به شگفتی وامی‌دارد. (Utz 1980: 12)

۳۱. برای آگاهی از نمونه‌های متن‌های چینی و سغدی ← Utz 1980: 13

۳۲. تلاش در این راه توسط ولر (Weller 1935, 1937a, 1937b, 1938) آغاز شده و به وسیله مکزی (Mackenzie 1970, 1976) ادامه یافته است.

اوتر (Utz 1980: 15-16) همچنین نقش جامعه سغدی بودایی و تعامل فرهنگی این جامعه را با مانویان آسیای مرکزی و چین شایسته بررسی و تحقیق بیشتر می‌داند. تحقیقی که توسط گوتیو (Gauthiot 1911) در حوزه واژگان اصطلاحات تخصصی، با موضوع تعامل بودایی - مانوی، آغاز گشت ولی به دنبال آن هنوز تحقیق نظام‌مندی ارائه نشده

است.

۳۳. این قطعه توسط مائو Maue در میان متن‌های مجموعه برلین کشف شده است

← Sims-Williams 1989: 178 ، (3.2-1.2-5)

۳۴. اسامی ماه‌های تقویم سغدی و نام‌های گیاهان و غیره نیز به خط عربی توسط

ابوریحان بیرونی ذکر شده است. (Henning 1958: 84-86)

۳۵. سفال‌نوشته‌ای از پنجیکند به دست آمده است که احتمالاً متعلق به اواخر قرن

هفتم یا اوایل قرن هشتم میلادی است و الفبای سغدی را به خط پیوسته نشان می‌دهد که

در زیر آورده می‌شود. تکرار حرف لام دوبار، یک بار در ردیف الفبایی و بار دیگر در

آخر الفبا، شاید برای نشان دادن واج θ باشد. (Livshitz 1970: 257)

6 w ه	5 b ـ	4 d g	3 γ ـ	2 β ـ	1 ' ـ
12 δ(l) ـ	11 k ـ	10 j ـ	9 t ـ	8 x(b) ـ	7 ç ـ
18 ء(ʿ) ـ	17 s ـ	16 ' ـ	15 s ـ	14 n ـ	13 m ـ
	23 l(/θ/?) ـ	22 t ـ	21 ç ـ	20 r ـ	19 q ـ

۳۶. برای آگاهی از تاریخچه خط سغدی ← Henning 1958: 52-56

۳۷. برای کتاب‌شناسی ← Sims-Williams 1989: 177, n.41-44

۳۸. برای آگاهی از جزئیات ← Gershevitch 1954: §§ 1-81

Henning 1958: 72-75

۳۹. برای آگاهی از این مطالعات ← بدرالزمان قریب ۱۳۷۴: مقدمه، ص ص بیست

و بیست و یک و نیز ← Utz 1980: 1-8

۴۰. چاپ اول: Mackenzie 1971b: 28-89

۴۱. سیمز ویلیامز خاطر نشان ساخته است که آغاز و پایان طومارهایی که قطعات Padm. و Vim. را در برمی‌گیرد، در گذشته، با کاغذهای جدید تقویت شده و این عمل موجب ایجاد ابهام در متن شده بود. اما چند سال پیش، یعنی پس از مقابله و قرائت دستنویس‌ها توسط مکتزی، قبل از گرفتن عکس از روی آنها، کاغذ طومارها مجدداً با روش بهتری مرمت و این ابهام برطرف شده است. به همین سبب، اندک حروف یا واژه‌هایی را بر تعدادی از عکس‌ها می‌توان قرائت کرد که از چشم مکتزی دور مانده است. برای نمونه، آخرین سطر قطعه Vim. در عکس صفحه ۳۶ حذف شده است. (Sims-Williams 1978: 257)

۴۲. واژه ریژ در فرهنگ‌های فارسی نظیر فرهنگ معین و برهان قاطع و نیز در لغت شاهنامه (عبدالقادر بغدادی ۱۸۹۵: ش ۱۱۴۱) به همان معنا آمده است:

ترا ریژ آنست کشته شوم در این آرزو من به سر می‌دوم

۴۳. این واژه صفت فاعلی از ماده مضارع pt'w- به معنای «تاب آوردن، تحمل کردن» از ریشه tav/vtav است. در زبان فارسی صورت‌های «برتافتن و برنتافتن» از این ریشه آمده است.

۴۴. برای نمونه‌ای از این اصطلاحات ← زهره زرشناس ۱۳۷۷ (ب): ص ص

متن اول Or. 8212(176)

قطعهٔ وَجَرِچ چِدیکا Vajracchedika

معرفی

وَجَرِچ چِدیکا قطعه‌ای است بر طوماری کاغذی به رنگ قهوه‌ای در اندازه‌های ۲۵×۲۵ سانتیمتر که ۲۶ سطر نوشتهٔ خوانا به رنگ سیاه در خطوط منظم را شامل می‌شود. بالا و پایین سطرها خط کشی شده است؛ و در سطرهای ۸، ۹، ۱۳، ۲۰، ۲۲، ۲۶ حرفی اضافی^۱ برای پر کردن سطر آمده است. بنابر نظر سیمز ویلیامز، کاتب این دستنویس حرف z-را در کلیهٔ مکان‌های آغازی و میانی متمایز از حرف n-نوشته است.^۲

رایشلت (Reichelt 1931: 71-75)، بنونیست (Benveniste 1933a: 61-66) و ولر (Weller 1936: 112-146) نیز این متن را مطالعه و بررسی کرده‌اند.

ولر خاطر نشان کرده است که بدون تردید این متن ترجمه‌ای از برگردان چینی^۳ کومارَه جیوه Kumārajīva از متن سنسکریت، Taishō Tripitaka, No.235, vol.8، 749 a 5-21 است. علاوه بر این، متن سنسکریت^۴ و برگردانِ قطعهٔ همانندِ آن از روی Conze 1957 بازسازی شده است.

Conze 1957 بازسازی شده است.

بخش پایانی ترجمه‌ای^۵ دیگر از همان برگردانِ چینی در (Müller and Lentz 1934: 43-47) به چاپ رسیده است.

زوندردمان یادآور می‌شود که بخشی از تفسیری بر قطعه Vaj. وجود دارد که تاکنون هویت آن تعیین نشده است.^۶ این مطلب ناشی از عنوان حاشیه‌ای آن، یعنی $\beta z'yrn'y$ $pr'tny' wy\delta\beta'y$ به معنای «تفسیر پَرجنای الماس‌گون» است که هَنِرِن به‌درستی آن را برگردانِ سغدی متن سنسکریت vajracchedikā prajñāśāstra دانسته است: (Hansen 1942: 65)

همچنین زوندردمان خاطر نشان کرده است که هم اکنون شانزده قطعه از این متن با شماره‌های زیر وجود دارد:

10338, 10650(12-13), 13999(1), 14734-40

که تعدادی از آنها، بخش‌هایی از برگ‌های ۱۱۱ تا ۱۱۷ و برگِ پایانی کتابِ پوتی‌اند.^۷ دست‌نوشته‌ای دیگر نیز که تفسیری بر قطعه فوق است شامل قطعات متعدد ذیل است:

10100x, 10781-2, 13403, 13600, 13610, 13681, 13685, 13696, 14351, 19000, 19553

در ضمن، قطعه "vajraśāstra" $\beta z'yrn' k wy\delta\beta'y$ تاکنون از نظر دور مانده و ذکرِی از آن به میان نیامده است. (Sundermann 1977: 634)

همچنین در میان مجموعهٔ لنینگراد قطعه‌ای با شمارهٔ^۸ L11 (Ragoza 1980: 19) موجود است که مربوط به مکالمه‌ای میان بودا و سوبوتی است. به نظر می‌رسد که این قطعه به طریقی با قطعهٔ وجرچِ جدیدکا مرتبط باشد. مع هذا از آنجا که اصطلاح pratyekabuddha، که در قطعهٔ L11 به کار رفته است، در قطعهٔ Vaj. دیده نمی‌شود، این احتمال وجود دارد که قطعهٔ L11 تفسیری بر قطعهٔ Vaj. باشد. (Sims-William 1981:234)

بی‌نوشت‌های معرفی قطعه

۱. معمولاً برای پرکردن و تنظیم سطرها در بعضی از آنها حرفی اضافی در پایان آخرین واژه سطر آمده است.

۲. می‌دانیم که حروف n و z در مکان پایانی از یکدیگر متمایزند، زیرا z دنباله خارجی n-را ندارد. اما کاتبان قطعه‌های Vaj. و Padm.، هر دو، تمایزی مشابه را، که دلبخواه است، در نگارش این حروف در مکان‌های آغازین و میانی بدین شیوه اختیار کرده‌اند که حرف z را، خلاف n، به حرف بعدی نچسبانده‌اند. بنابراین بهتر است در حرف نویسی z- بنویسیم. یعنی خط تیره کوچکی در سوی راست آن بگذاریم. (Sims-Williams 1978: 258)

۳. کوماره جیوه (۳۴۴-۴۱۳م)، مترجم معروف از راهبان بودایی مکتب هینایانه بود که در جوانی به فرقه مهاییانه پیوست. وی در دوران زندگی‌اش آثار بسیاری از این دو فرقه را به زبان چینی برگرداند. (Emmerick 1987: 404)

متن اصلی چینی:

佛告須菩提。諸菩薩摩訶薩。應如是降伏其心。所有一切衆生之類。若卵生。若胎生。若濕生。若化生。若有色。若無色。若有想。若無想。若非有想。非無想。我皆令入無餘涅槃而滅度之。如是滅度無量無數無邊衆生。實無衆生得滅度者。何以故。須菩提。若菩薩有我和人相。衆生相。壽者相。即非菩薩。復次須菩提。菩薩於法。應無所住。行於布施。所謂不住色布施。不住聲香味觸法布施。須菩提。菩薩應如是布施。不住於相。何以故。若菩薩不住相布施。其福德不可思量。須菩提。於意云何。東方虛空可思量不。不也世尊。須菩提。南西北方四維上下虛空可思量不。不也世尊。須菩提。菩薩無住相布施。福德亦復如是不可思量。須菩提。菩薩但應如所教住。

須菩提。於意云何。可以身相見如來不。

۴. متن سنسکریت و برگردان فارسی آن

3) BHAGAVĀN ctad avocat: iha Subhūte bodhisattva-yāna-samprasthi-tena evaṃ cittam] utpādayitavyam: [yāvantāḥ Subhūte sattvāḥ sattvadhātau sattva-samgrahēṇa samgrhītā] aṇḍa-jā vā [jarāyu-jā vā] saṃsveda-jā vaupapādukā vā, [rūpiṇo] vā-arūpiṇo vā, saṃjñino vā-asamjñino vā [naiva saṃjñino na-]asaṃjñino vā, yāvan kaścit sattva-dhātu- prajñā- pymānah prajñapyate, te ca mayā sarve [’nupadhiśeṣe nir]vāṇa-dhātau parinirvāpayitavyāḥ. evam aprimāṇan api sattvān parinirvāpya na kaścit sattvaḥ parinirvāpito bhavati. tat kasya hetoḥ? sacet Subhūte bodhisattvasya sattva-saṃjñā pravarteta, na sa bodhisattva iti vaktavyaḥ. tat kasya hetoḥ? na sa Subhūte bodhisattvo vaktavyo yasya-ātma-saṃjñā pravarteta, sattva-saṃjñā vā jīva-saṃjñā vā pudgala-saṃjñā vā pravarteta.

4) api tu khalu punaḥ Subhūte na bodhisattvena vastu-pratiṣṭhitena dānam dātavyam, na kvacit pratiṣṭhitena dānam dātavyam, na rūpapratiṣṭhitena dānam dātavyam. na śabda-gandha-rasa-spraṣṭavyadharmṣu pratiṣṭhitena dānam dātavyam. evaṃ hi Subhūte bodhisattvena mahāsat-tvena dānam dātavyaṃ yathā na nimitta-saṃjñāyām api pratitiṣṭhet. tat kasya hetoḥ? yaḥ Subhūte ’pratiṣṭhito dānaṃ dadāti, tasya Subhūte puṇya-skandhasya na sukaraṃ pramāṇam udgrahītum. tat kiṃ manyase Subhūte sukaraṃ pūrvasyāṃ diśy ākāśasya pramāṇam udgrahītum?

SUBHŪTIR āha: no hīdaṃ Bhagavān.

BHAGAVĀN āha: evam dakṣiṇa-pāścima-uttara-āsvadha-ūrdhvaṃ digvi-dikṣu samantād daśasu dikṣu sukaram ākāśasya pramāṇam udgrahītum?

SUBHŪTIR āha: no hīdaṃ Bhagavan.

BHAGAVĀN āha: evam eva Subhūte yo bodhisattvo 'pratiṣṭhito dānaṃ dadāti, tasya Subhūte puṇya-skandhasya na sukaraṃ pramāṇam udgrahītum. evaṃ hi Subhūte bodhisattva-yāna-samprasthitena dānaṃ dātavyaṃ yathā na nimitta-saṃjñāyām api pratītiṣṭhet.

5) tat kiṃ manyase Subhūte [lākṣaṇa-sampadā Tathāgato draṣṭavyaḥ?

(۳) سرور: "اینجا، (ای) سوبوتی، کسی که در گردونهٔ بُدی ستوه‌ای رهسپار شده است، باید پدید آوَرَد [اندیشه‌ای را به این صورت: 'از آنجا که بسیاری هستان در جهان زندگان وجود دارند که زیر عنوانِ هستان قرار می‌گیرند']، خواه هاک^۱ - زادگان [یازده از زهدان، [باشکل] یا بی‌شکل، با اندریافت (= ادراک) یا بی‌اندریافت، یا با [نه اندریافت، و نه] بی‌اندریافت، تا آنجا که هر جهانِ تصویرپذیرِ زندگان تصویرپذیر است: 'همهٔ اینها باید به دستِ من به سوی نیروانته^۲ هدایت شوند، به سوی آن قلمرو نیروانته [که چیزی را در پشت سرباقی نمی‌گذارد] و با این حال، گرچه هستانِ بسیاری به این ترتیب به نیروانه هدایت شده‌اند، اصلاً هیچ آفریده‌ای به نیروانه هدایت نشده است؛ و چرا؟ اگر در بدی ستوه اندریافتِ «آفریده» روی دهد، او را نمی‌توان بُدی‌زنده نامید. و چرا؟ او نباید بُدی‌زنده خوانده شود، زیرا در وی اندریافتِ خود یا اندریافتِ آفریده یا اندریافتِ روح زنده و یا اندریافتِ شخص روی خواهد داد.

(۴) و باز هم، (ای) سوبوتی، به دستِ بدی ستوه‌ای که از سوی شیء پشتیبانی می‌شود نباید پیشکشی داده شود، نیز از سوی کسی که در هر جا پشتیبانی می‌شود نباید پیشکشی داده شود. همچنین از سوی کسی که با شکل پشتیبانی می‌شود نباید پیشکشی داده شود، و نیز از سوی کسی که با آواها، بوها، مزه‌ها، بسودنی‌ها یا وجودهای ذهنی پشتیبانی

۱. برگردان فارسی همین متن، سطر ۲، پی‌نوشتِ واژه.

۲. هرچند در زبان فارسی رایج شده است کلیهٔ واژه‌های مختوم به *ā* (ه) با *ā* (الف) نوشته شود، جز در مورد واژهٔ بودا (بودهٔ Buddha)، که سال‌ها است به همین شیوه در زبان فارسی مصطلح شده است، کلیهٔ واژه‌های دیگر با تلفظ اصلی آن ذکر خواهد شد.

می‌شود. بدین سان (ای) سوبوتی، بُدی زنده، موجودِ بزرگ، باید در مقام کسی که با اندریافتِ نشانِ پشتیبانی نمی‌شود، هدیه‌ای پیشکش کند. و چرا؟ (ای) سوبوتی، آن بُدی زنده که پشتیبانی نشده پیشکشی می‌دهد، عظمت شایستگی‌اش به آسانی سنجش پذیر نیست. چه می‌اندیشی (ای) سوبوتی، آیا سنجش گستره فضا در خاور آسان است؟"

سوبوتی: "به راستی که نه، ای سرور."

سرور: "آیا سنجش گستره فضا در جنوب، باختر یا شمال، پایین، بالا، در جهات میانی، در تمام جهات دهگانه پیرامون، به همان شیوه آسان است؟"

سوبوتی: "به راستی که نه، ای سرور."

سرور: "با وجود این، (ای) سوبوتی، آن بُدی زنده که پشتیبانی نشده پیشکشی می‌دهد، عظمت شایستگی‌اش به آسانی سنجش پذیر نیست؛ (ای) سوبوتی، چنین کسی که در گردونه بُدی ستوه رهسپار شده است باید پیشکشی دهد، مانند کسی که از سوی اندریافتِ نشانِ پشتیبانی نشده است."

۵) "چه می‌اندیشی (ای) سوبوتی، آیا تاگته^۱ به واسطه تملک دخشه‌هایش^۲ می‌تواند دیده شود؟"

۵. حرف نوشتِ متن سغدی، تصحیحات و برگردان فارسی آن به شرح ذیل است:

1) ... [βr[... p[t] β[s]'t [.....] kw 'nyw 'l'δ`k ...] KZNH č'wn p¹ ... [....]

2) ... [βwt.. prw čx'wny frxn kw 'nyw 'l'δ`k ..]. s" prβ'yr't.. m'δ ZY frxn L' "s'y m'ndy²

3) m'y³ L' wyč'y.. čkn'čw pyδ'r .. pr'ywyδ žm[n]w lč['n]pδy xwyštr prw

۱. تاگته Tathāgata به معنای "آنکه بدان ساحل پیوسته است" یا "چنین رفته" یا "چنین آمده"، از اسامی بوداست. (داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۱۳۲)

۲. دخشه، براساس واژه پهلوی daxšag، به معنای «نشان، علامت، ویژگی و یاد» انتخاب شده است. (Mackenzie, 1971a)

Y Vaj.

šl'w m'ð w'β wyspw wkry 'rk

4) rwny pðkh m'yð xw 'YKZY xwβny ZY lð'yntyh xwnp.'y.'k⁴ ZY sy'kh
.. m'yð 'YKZY šyšky ZY wyð'ynp'h ..

5) s'št r'm'nt prymyð frxnh ''p'y'y .. rty nwkr 'YK' pwty mwn'w pwsty
pr'y/βyr sypwðy ð'wn

6) šmny šmn'nč wp'sy ZY wp's'nčh rm⁵ βx'yšt mrtxm'y't ZY ''s'wrt
''m'rð'n pwty pr/β'yrtly

7) ðrm pt'yxwš'nt xwyz'y srdm'nt βnt prw srw pt'yxrβ'nt l'r'x'z'nt pyšm
pyr wrmy zw'rty prw

8) 'rt'wspy wyt'rt βž'yrz'y⁶ prinyh p'rmyt pwsty 'yw prw'rt ... 'spty
'krty č'wn np'xšty

(مکنزی واژه‌های ذیل را قرائت و تصحیح کرده است. در برگردان فارسی این متن قرائت
مکنزی در نظر گرفته شده است.

(1-pwny'nyh 2-m'yðy 3-m'yð 4-γwzpryck 5-'M 6- βž'yrn'y

(۱) ... بخواند ... به دیگر کس ... هنگامی که از احسان

(۲) ... است ... برچگونه روش به دیگر کس ... بیان کردن ... چونان که روش نگرفتن
(= درک نکردن) این طور

(۳) پس تکان نخوردن ... از چه رو ... در این زمان سرور جهان به شلوکه (= śloka =
سرود) چنین گفت : همه گونه

(۴) درمۀ (= قانون) کاری (= مؤثر) چنین است چونان خواب و سراب (= افسون)
حباب^۱ و سایه ... چنین (است) چونان سرشک و آذرخش ...

(۵) باید همواره بدین روش در نظر گرفتن ... پس آن گاه هنگامی که بودا این سوتره را

۱. مولر و لنتس این واژه را آبری خوانده‌اند.

بیان کرد سوبوتی با

- ۶) شَمَنْ (= راهب)، شَمَنْ بانو (= راهبه)، اوپاسگه (= پیش‌نشین) و اوپاسیکا (= پیش‌نشین بانو) بابغان، مردمان و آسوره‌ها (= اهواره‌ها) باهم درمه‌ پرورده (مشروح)
 ۷) بودا را شنیدند، بسیار شادمان شدند. (آن را) بر سر (= پیش از همه چیز) پذیرفتند
 (و) آغاز کردند بنابر ایمان و باور بر
 ۸) پارسایی رهسپار شد(ن) ... سوتره‌ الماس‌گون (= وجرچ‌چدیکا) - پرچنا - پارمیتا،
 یک‌ فرگرد (= یک بخش)، ... کامل شده (است) از نوشته.

۶. مولر و لنتس اولین بار وجود این قطعات را اعلام کرده‌اند:

Müller and Lentz 1934: 545, n. 8.

و هنزن آنها را به عنوان متن وجرچ‌چدیکا معرفی کرده است: Hansen 1968: 87
 ۷. پوتی (Poṭhi)، گونه‌ای کتاب‌نگاری به شیوه‌ هندی است. در این روش یک
 دسته ورق (از برگ درخت نان، خرما یا کاغذ) به اندازه‌های مساوی بریده و میان دو
 لوحه‌ چوبی‌ ترین شده روی هم چیده می‌شد. برای به هم دوختن آن نخ‌هایی را از یک
 دو سوراخ این پوشه‌های چوبی و از میان برگ‌ها عبور می‌دادند و برگرد سوراخ روی
 ورقه‌ها با مرکب سیاه و قرمز عمدتاً دایره‌ای نقش می‌زدند. (یوآخیم کلیم کایت ۱۳۷۳: ص
 ۶۹)

۸. حرف نوشت متن سغدی قطعه L11 و برگردان فارسی آن:

- ۱) ... وای سرور، گرچه ...
 1) ...[h p(w)][...] ['PZ]Y βγ' kδ'wty...
 2) ...[yck' rty 'YK' w'n'kw ptšmr'n(t)]...
 ۲) ... و آن گاه که آنان چنین می‌پندارند...
 ۳) ... پرتیکه بودا، درمه و این گونه ...
 3) ... 'pr'tyk' pwt δrm 'PZY ywn'k...
 4) ... pwtly kw sywpwδ'y KZNH (R)[NY]...

۴) ... بودا به سوبوتی چنین فرمود

حرف نوشت متن سغدی^۱

- 1)[p'zn β](tr)'ynct[
- 2)[β']y kt'rw c'wn mryy z'tk "z-yt 't²
- 3)[kt'r c'wn z'kōn'k |kt'r nβt'k 'PZY prw βδ'yntyh "z-y tk³
- 4)[kt'r γwnc '](P)[Z]Y pw γwnc kt'r 'šm'r'k 'PZY pw 'šm'r'kh kt'rw
- 5)[L' 'šm'r'kh 'PZY |L' pw 'šm'r'kh 'zwt n w'nkww'n 'PZY wysp'
- 6)['wy pw ? nyr](β)'n tys'nt 'PZY wyδy'nt rty 'ywywncyδ γrβy
- 7)'PZY pw ptš[m'r] 't pw 'y'm w'tδ'r "z-wn⁴ wyδy'nt rty pyšt
- 8)kδ "mtycw 'prs'yk'm nyst w'tδ'r "z-wn⁴ ZKZYn wyδy'y pr'w w
- 9)ZY sywpwδ'y 'PZY kδ 'myn pwtyst/β 'γw 'zw⁵ βryn h βwt 'PZY y
- 10)mrtymk pryn h βwt 'PZY w'tδ'r "z-wn⁴ pryn h 't z-yt'wk⁶
- 11)pryn h rty nwkr L' pwtyst/β βwt rtyms sywpwδ'y c'wn
- 12)pδky k'w 'yδ'wew L' 'skwty w'γwn'k ZKw δβ'r δβ'r'y rty ms
- 13)'wy γwncyh L' 'skwty 'PZYn δβ'r δβ'rty rtms 'w wnyr h
- 14)'t βwδh 'PZY 'z- β' βh⁷t 'ps'w pδkyh L' 'skwty 'PZY δβ'r
- 15)δβ'r'y rty nwkr sywpwδ'y kδ ZK pwtyst/β ZKw⁸ δβ'rt. 'yw-

۱. سیمز ویلیامز برخی واژه‌ها را در این متن به صورتی متفاوت از مکتبی (BSTBL) نشانه‌گذاری و قرائت کرده است (Sims-Williams 1978: 258). موارد اختلاف در پانویست آمده است.

۲. مکتبی: 'zyt't

۳. مکتبی: 'zytk

۴. مکتبی: 'zwn

۵. سیمز ویلیامز: 'z-w

۶. مکتبی: 'yt'wk خوانده و در پانویست ذکر کرده که از قرار معلوم 'zyt'wk است. ← برگردان فارسی قطعه. V:ij، سطر ۱۰، پی‌نوشت واژه "زندگی دراز"؛ سیمز ویلیامز: 'z-yt'wk/z-ytnwk

۷. مکتبی: 'zβ'βh

۸. سیمز ویلیامز: ZKw δβ'r δβ'rt

- 16) ȳwncyð k'w prȳnh L' 'skwty pr'w 'PZY kð pwtyst/β 'wy prȳnh
 17) L' 'skwty ZKw ðβ'r ðβ'rty 'išy ZKh šyr'krtyh L' 'šm'rt
 18) L' prβ'yrt βwt rty nwkr¹ sywpwð'y 'cw ''p'y<'y> prw 'sky kyr'nw
 <ZK w'r'k ''k'e>
 19) 'šm'rt 'PZY prβ'yrt β'y kt'r L' L' 'βc'npðy ȳwysntr²(!)
 20) 'cw w prw nšmy 't βr'š 't p'šy³ kyr'n 'PZY prw h⁴
 21) ctβ'r kyr'n krn'kh⁵ 'PZY 'sky 't c'ðr ZK w'r'k ''k'e
 22) ''p't β'y kt'r L' L' 'βc'npðy ȳwysr rty nwkr sywpwð'y kð ð
 23) ZK pwtyst/β 'wy prȳnh L' {'sty} 'skwty ZKw ðβ'r ðβ'rty rtms
 24) ZK šyr'krtyh 'ȳwncyð ȳw KZNH 'PZY L' 'šm'r't L' prβ'y-
 25) r't βwt rty nwkr {ZK} sywpwðy ZK pwtyst/β ZK ywk 'ȳwn-
 26) k βwt prymyð wkry 'skwty rtms 'cw ''p'y'y sywpwð'y y

۱. سیمز ویلیامز: (به غلط به جای nwkr آمده است) z-wkr

۲. سیمز ویلیامز: ȳwysntr

(به غلط به جای ȳwynštr آمده است، بسنجید با xwynštrtyy در Henning 1937:b45)

۳. مکنزی: nšmy't βr'š 't p'šy؛ سیمز ویلیامز: nšmy't βr'š 't βr'š 't p'šy

۴. سیمز ویلیامز: (یک واژه است) prwh

۵. مکنزی: krz'k؛ سیمز ویلیامز: krn'kh

برگردان فارسی

(۱) [بودا گفت: «(ای) سوبوتی^۱، هر بُدی ستوه^۲ (= بوذاسف) مهاستوه^۳ باید بر دل^۴
خویش فرمان براند^۵] این چنین. از آنجا که ممکن است
(۲) گونه‌های بسیاری از هستان^۶ با [شند، خواه از هاگ زادگان^۶
(۳) [یا از زهدان^۷] یا نم^۷ یا به افسون زاده^۸
(۴) [خواه] (با) گون^۹ [یا] بی گون^{۱۰} خواه (با) اندریافت^{۱۱} یا بی اندریافت^{۱۲} خواه
(۵) [نه] (با) اندریافت^{۱۱} یا [نه] بی اندریافت^{۱۲} من چنان کنم که همه^{۱۳}
(۶) [درنیر] وائ^{۱۴} بی بازمانده^{۱۴} اندر شوند و خاموش شوند. ^{۱۵} و نیز بسیار
(۷) ویی [شمار] ^{۱۶} و ^{۱۷} و بی نهایت^{۱۶} و ^{۱۸} موجود جاندار^{۱۹} خاموش شوند^{۱۵} و

امّا

۸) اگر حقیقت را خواهی پرسى، نیست موجودِ جاندار^{۱۸}ى که خاموش شود. ۱۵ و ۲۰ از

(۹) این رو. (ای)سوبوتی^۱، اگر این بدی ستوه^۲ «من» نشان^{۲۱} بُوَد یا
(۱۰) «مردم» نشان^{۲۲} بُوَد یا «موجود جاندار»^{۱۹} نشان^{۲۱} یا «زندگی دراز»^{۲۳}
(۱۱) نشان^{۲۱}، پس هنوز بدی ستوه^۲ نبُوَد. «همچنین، (ای)سوبوتی^۱، >اگر او،
یعنی بدی ستوه < از

(۱۲) درمّه ۲۴ و ۲۵ در هیچ شیء نماند ۲۶ آن گاه باشد که پیشکش دهد ۲۰ و نیز
(۱۳) (اگر او) درگون ۹ نماند و پیشکش دهد و همچنین (اگر) در درمّه ۲۵ آوا
(۱۴) و بو ۲۷ و مزه و بساواپی نماند، باشد که پیشکش
(۱۵) دهد ۲۰. اکنون، (ای) سوبوتی، ۱ اگر بدی ستوه ۲ آن را دهد هم -
(۱۶) چنین در دخشه ۲۸ و ۲۹ نماند. زیرا اگر بدی ستوه ۲ در دخشه ۲۹
(۱۷) نماند (و) پیشکش را دهد، کرده نیک ۳۰ او نتواند شمرده شود ۳۱
(۱۸) نتواند به گفته درآید ۳۱ و اکنون، (ای) سوبوتی ۱، چه اندیشی؟ (آیا) درکرانه

(= جهت) زبرین، ۳۲ <فضا ۳۳ (= آکاشه) ی تهی ۳۴ <
 ۱۹) تواند شمرده شود ۳۵ و یا تواند به گفته درآید ۳۵ یا نه؟" نه، (ای) سرور
 گیتی. ۳۶"

۲۰) «چه درباره کرانه (= جهت) ۳۷ باختر (= مغرب) و جنوب ۳۸ و شمال و در
 ۲۱) چهار کرانه ۳۷، در میان ۳۹ و زبروزیر (آیا) فضای ۳۳ تهی ۳۴
 ۲۲) تواند به ادراک درآید ۳۱ یا نه؟" نه، (ای) سرور گیتی ۳۶. "واکنون،
 (ای) سوبوتی ۱، اگر

۲۳) بدی ستوه ۲ در دخشه ۲۹ نمآند ۴۰ (و) پیشکش رادهد، پس همچنین
 ۲۴) کرده نیک ۳۰ (او) آن چنان ۴۱ است که نتواند شمرده شود ۳۱.
 ۲۵) نتواند به گفته درآید ۳۱، واکنون، (ای) سوبوتی، ۱ بدی ستوه ۲ – (چونان که)
 آموزش

۲۶) چنین باشد – در این گونه ۴۲ بمآند. و نیز چه اندیشی، (ای) سوبوتی ۱؟ "...

پی‌نوشت‌های برگردان فارسی

۱. متن سنسکریت: Subhūti، به معنای «رئیس، قائد، سرکرده». نام یکی از مریدان

بودا است. (BHSgd)

۲. متن سنسکریت: bodhisattva، به معنای «باشنده روشن شدگی، آن که به روشنی

خواهد رسید»، بودای آینده، بوذا سف. (ع. پاشایی ۱۳۶۸: ص ۵۴۸)

بدی ستوه، یا بودای بالقوه، واسطه‌ای است که موجبات وصول به مقام نیروانه را فراهم می‌سازد. این واژه مرکب از دو جزء بُدی (بودی bodhi)، یعنی «خرد و عقل»، و ستوه (ساتوا sattva)، یعنی «جوهر» است. به عبارت دیگر، بُدی ستوه کسی است که جوهرش خرد و توانایی است. بُدی ستوه‌ها موجودات اساطیری هستند که از جسم نورانی (sambhoya kāya) بوداها بهره‌مندند و در فردوس «توشیتا» روی تخت مجلل جای گرفته‌اند و گروه قدیسان و اولیا گرداگرد آنها نشسته‌اند. آنها پیامبرانی برای نجات انسان‌ها به زمین می‌فرستند و سرنوشت این انسان‌ها دست این خدایان است. (داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۱۷۵ - ۱۷۶ و ۴۰۷)

۳. متن سنسکریت: mahāsattva، نامی است که در متن‌های بودایی به بُدی

ستوه‌های برتر یا «باشندگان بزرگ» داده‌اند. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ص ۱۲۷)

۴. متن سنسکریت: citta، از ریشه cit- به معنای «اندیشیدن» آمده است. در سنت

ابی‌درمه این واژه را چنین شناسانده‌اند: "آن که از موضوعی آگاه است یا به موضوعی دانستگی دارد." به این اعتبار citta را می‌توان دل یا جان دانست. البته مراد از دل همان

قلب نیست. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۴۸)

۵. واژه βtr'ynct را می‌توان با اطمینان بازسازی کرد. زیرا برگردان اصطلاح چینی

降伏 kiang fu است که کوماژه جیوه تصادفاً با آن utpādyā- (cittam) را ارائه

کرده است. این اصطلاح در زبان چینی معمولاً "دیوها، هیولاها" را به عنوان مفعول به

همراه دارد. برای مثال در قطعه Vim.، سطر ۹۸

ZKw ct/β'r wkry 'tōrmnwkw'ch βtr'ynct

که به معنای "برچهار ماره (Māra) یا دشمنانی مشابه غلبه می‌کند"، و نیز در قطعه Vim. سطر ۱۴۱ rtyšn βtr'ynctt به معنای "و آنها را (= هر دو گروه جنگجو را) به فرمان درآورد" است. (BSTBL: n. P3)

۶. متن سنسکریت: چنین؛ مکنزی: "being". (BSTBL: 5)

۷. در آیین بودا چهارقسم زاییده شدن پذیرفته شده است:

۱ - زاییده شدن از تخم (aṇḍajā)؛ ۲ - زاییده شدن از رحم (jṛāyujā)؛ ۳ - زاییده شدن از رطوبت و نم (saṃsvedajā)؛ ۴ - زاییده شدن خود به خود (upapattika) (ع).
پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۸۴

برگردان واژه به واژه عبارت سغدی "zyt' t mryy z'tk" «مُرغ زاده زادگان» است. واژه «هاک» که در گویش به‌دینان شهر یزد به کار می‌رود، برای واژه «مُرغ زاده» انتخاب شده است و برای تخم پرندگان و جانورانی مانند مار به کار می‌رود.

۸. متن سنسکریت: nirmita، به معنای «خلقت جادویی» است. (BHISGD)

۹. متن سنسکریت: rūpa، به «معنای کالبد، شکل، رنگ»، نخستین بخش از پنج بخش دلبستگی یا به عبارت دیگر پنج بخش هستی‌ساز است که عبارت‌اند از:
۱ - بخش دلبستگی کالبد (rūpa) یا بخش شکل، یعنی چهارستون جسم انسان؛ منظور فضایی است آکنده از استخوان‌ها، عضلات، گوشت و پوست.

چهار بخش دیگر، یعنی اجزای غیر جسمی سازنده شخص روی هم به نام (nāma) معروف‌اند و عبارت‌اند از:

۲ - بخش دلبستگی احساس (vedanā)؛ ۳ - بخش دلبستگی ادراک (saṃjñā)؛ ۴ - بخش دلبستگی حالات جان (saṃskāra)؛ ۵ - بخش دلبستگی دانستگی (vijñāna)
(هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: صص ۴۱-۴۲)

۱۰. متن سنسکریت: arupin، صفتی است به معنای «بی‌کالبد، بی‌شکل، نامادی».

(BHISGD)

۱۱. متن سنسکریت : *saṃjñin* ، صفتی است به معنای «آگاه، اندریابنده».

(BHS GD)

این صفت از واژه *saṃjñā* به معنای "اندریافت"، که سومین بخش از پنج بخش دلبستگی است، ساخته شده است.

۱۲. متن سنسکریت : *asaṃjñin* ، به معنای «ناآگاه، بی‌اندریافت، نامدرک» است.

(BHS GD)

۱۳. متن سنسکریت : *sarvra* ، به معنای «هرکس، هرچیز، همه» است. (ASD)

۱۴. پیشنهاد بنویست (Benveniste 1933 a: 64)، یعنی *[k'w mwkš nyrβ]'n* را به

دلایل زیر نمی‌توان پذیرفت :

الف - در هیچ متنی *k'w* همراه با *tys-* نیامده است بسنجید با قطعه P2، سطر ۹۶

tys'nt 'wyh nyrβ'n:

ب - ترکیب *mwkš nyrβ'n*، که به دفعات در متن VJ و در قطعه P8، سطر ۲۳ آمده

است، در زبان چینی ترکیبی متداول نیست (- 解脫涅槃 - معادل - با

**vimokṣanirvāṇa* سنسکریت). بیشتر به نظر می‌رسد که 無餘 چینی، به معنای

"بی‌بازمانده، بدون باقیمانده"، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از (*nirvāṇadhātu*)

anupudhiṣeṣa باشد؛ احتمالاً همان *'pw rym'k* در قطعه Dhu، سطرهای ۹۹ و ۲۵۳

است. (BSTBL:n.p 3)

ترکیب *anu padhiṣeṣa nirvāṇadhātu* به معنای «ذات نیروانه بی‌درکاربودن بنیاد»

است. اگر رهرو کامل یا آرhet در مسیر خود به نیروانه دست یابد و این امر همزمان با

مرگ او باشد، آن را "ذات نیروانه بی‌درکاربودن بنیاد" می‌خوانند که به "پری نیروانه"

parinirvāṇa هم معروف است. مراد از "بنیاد" همان پنج بخش هستی ساز است و از

آنجا که "ندانستن" و "تشنگی" - دو علت دوباره زاییده شدن - با آنها پیوند دارد، آن را

"بنیاد" خوانده‌اند. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۳۱)

۱۵. متن سنسکریت : *pradhvaṃs-* ، به معنای «مردن، نابود شدن، هلاک شدن،

ناپدید شدن» است. (ASED)

۱۶. متن سنسکریت : *apramāṇa* ، به معنای «تعداد زیاد» است. (BHS GD)
۱۷. متن سنسکریت : *asaṃkhyeya* ، صفتی به معنای «بی شمار» است. (BHS GD)
۱۸. متن سنسکریت : *ananta* ، به معنای «بی مرز، بی حد و پایان» است. (ASED)
۱۹. متن سنسکریت : *sattva* ، به معنای «موجود، باشندده» است . (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۲۵۴)

۲۰. این فعل در متن سغدی در وجه تمنایی (= خواستاری) آمده است .

۲۱. متن سنسکریت : *saṃjñā-* ، به معنای «نشان، نشانه، علامت، نام» است. (BHS GD)

همچنین این واژه به معنای "اندریافت" است. ← پی نوشت شماره ۱۱ همین متن. این واژه را "عنصر نسبت" هم ترجمه کرده اند. (رضاعلوی ۲۵۳۷: ص ۳۱، پی نوشت ۳۶)

۲۲. متن سغدی : *prynh* , *βryn*h ، ← قطعه Vim. ، سطر ۱۰۵ ، پی نوشت واژه. و نیز در مورد «نشان» ← پی نوشت شماره ۲۱.

۲۳. به نظر مکنزی، نخستین حرف واژه **yl'wk'* بی تردید به حرف بعدی متصل نیست ؛ از این رو، به نظر می رسد که -y- باشد. مع هذا، خط این دستنوشته شیوه خاصی دارد. کاتب علاوه بر -z- تعدادی از حروف را به صورت غیرمتصل نوشته است. برای مثال -y- در سراسر متن، همچنین -y- در سطر ۲ (واژه *mry-y*) و برای کمک به پرکردن سطر و نیز -w- در سطر ۲۶ واژه *sy-w-pwδ'y*. از آنجا که واژه مورد نظر ما نیز در انتهای سطر است، مکنزی اظهار می دارد، قرائت -z- مورد تردید بوده و این تردید به واسطه تحقیقات ریشه شناسختیِ پروفیسورِ امریک (Emmerick 1969: 134f) قوت یافته است. (BSTBL: n.p3)

این واژه «زنده، موجود، ابزار حیات، باعث زندگی شدن» نیز معنا می دهد. (ASED)

مکنزی این واژه را "زندگی دراز" و «دوران پیری و کهنوت» ترجمه کرده است.

(BSTBL: 5)

بنابر مطلبی که در کتاب آیین بودا (هانس ولفگانگ شومان. ۱۳۶۲: ص ۱۶۷) آمده است، به نظر می‌رسد که واژه «روان» ترجمه مناسبی برای این واژه باشد. در ترجمه انگلیسی متن سنسکریت، این واژه living soul معنا شده است. (BSTBL : n.p5)

سیمز ویلیامز معتقد است که z- آغازین، که در قطعات Vaj. و Padm. به صورتی مشخص نوشته شده است، به وضوح باید z- نوشته شود. مکنزی قرائت 'yt'wk' را از رایشلت گرفته است، اما ظاهراً این واژه در دستنویس سغدی آن 'zyt'wk' بوده است، چون در دستنویس سغدی بعضی از حروف به جز z، به خصوص حرف y، اغلب به حروف بعدی متصل نمی‌شود. بسنجید با y- و z- در حرفنویسی هنینگ از خط سغدی تحریری یاشکسته، برای مثال داستان‌های F و I.

حرف γ- در واژه mry-y، سطر دوم و pry-nh، در سطر بیست و سوم وسیله‌ای است برای آنکه /γ/ را از /x/ متمایز کند. بسنجید با Sims-Williams 1975: 132 ff. سیمز ویلیامز در مقاله اخیر الذکر در باره روش‌های یکسان املای z در تمایز با n و املای γ در تمایز با x نیز بحث کرده است. کاربرد 'zyt'wk' بسیار کم است. این واژه برابر با واژه چینی 𑖧𑖱𑖽𑖫𑖼 (M5846) به معنای «عمر طولانی، سن پیری» و واژه سنسکریت Jīva- است که می‌تواند از ریشه Jī-، به معنای «زندگی کردن»، مشتق شده باشد. شاید به صورت -jītu(ka)* تحت تأثیر واژه -jīti- (jīti- اوستایی در کنار -jyāti- و واژه -jīti- *jītu(ka) و غیره قرار گرفته و جایگزین واژه -jyātu(ka)* (Av. jyātu-) شده است. بسنجید با Sk. jīvātu- که تحت تأثیر jīvā- و غیره جایگزین jyātu- شده است.

(Sims-Williams 1978: 258)

۲۴. گرچه k- در این واژه کوچک‌تر از اندازه معمول نوشته شده است، ولی قرائت pōky قطعی است. بسنجید با pōkyh قطعه Vim.، سطر ۱۴. تمامی اظهار نظرهای قبلی، از جمله اظهار نظر امریک (Emmerick 1969: 136 f.) که، براساس قرائت kōry، "اکنون" معنا می‌دهد، مردود است. (BSTBL: n.p3)

۲۵. متن سنسکریت: dharma، واژه «درمه» (ذمه، دارما، دمما)، مانند لغت "حق"

در سنت اسلامی، از نظر معنی لفظی بزرگ و گسترده است که هیچ واژه بیگانه‌ای گویای معانی مختلف آن نیست. این واژه از ریشه *dhṛ-* به معنای "حمل کردن، بارکشیدن، نگاه داشتن، حمایت کردن" است که با پسوند *-ma*، اسمی معنای «قانون، حکم، فریضه» را پدید می‌آورد. اما در آثار بودایی درمه به معنای «قانون، آیین بودا، حالات جان، حقیقت، سلوک، دین، تعلیم، آموزه، چیز یا شیء و مانند اینها» است. درمه قانونی است که نظام جهان را تعریف می‌کند، از گردش روز و شب تا قانون مرگ و زندگی و نیز تاراه یافتن رستگاری. همچنین از روش داد و ستد بین انسان‌ها سخن می‌گوید: از این رو درمه حق و عدالت است و حقیقت و طبیعت راستین چیزها و پدیده‌ها. همچنین این لغت نزدیک‌ترین واژه به مفهوم «دین، مذهب و آیین» در سنت ما است و در عین حال به تنهایی هیچ یک از اینها نیست. (رضا علوی، ۲۵۳۷: ص ۱۳)

۲۶. در عبارت چینی 菩薩於法應無所住行於布施所謂، متن سنسکریت با پیوستن دو عبارت مختم به *(na) dānan dātavyam* خلاصه شده و به این صورت خوانده می‌شود:

"بدی ستوه نباید هیچ جا در شئی واقعی بماند (و بنابراین) هدیه دادن را پیشه خود کند، یعنی باید گفت ...". مترجم سغدی فاعل، یعنی "بدی ستوه" (و آخرین واژه‌هایی که به جمله بعدی منتهی می‌شود)، را حذف کرده است، اما حتی اگر فرض کنیم که او بدی ستوه را در ذهن داشته است، نمی‌توان یقین داشت که مترجم این جمله یا جملات بعدی را فهمیده باشد. ترجمه مکنتزی بر این فرض قرار دارد که *k'w 'yδ'wcv* به معنای "در هیچ شئی" را مترجم سغدی افزوده است تا مفهوم 法 که معادل با *vastu* به معنای "شئی واقعی" است را در ترجمه وارد کند و در عین حال ترجمه نادرست خود را از این واژه، همان طور که در مورد واژه رایج تر *dharma* اعمال کرده است، حفظ کند. همان ترجمه غلط بارها در (Vim. 202; ST II b8, 4 and b7) آمده است. همچنین *k'w* در مقابل حرف اضافه 於 در سطر ۱۶ آمده است.

فعل تمنایی *δβr'y* در اینجا و در سطر ۱۵ نشان می‌دهد که مترجم جملات را

"شرطی" دانسته است، گرچه واژه‌ای با مفهوم "اگر" در جمله نیامده است.

(BSTBL: n.p 3-4)

۲۷. متن سنسکریت : *gandha*، به معنای «بو، عطر، رایحه» است. (ASED)

۲۸. همان طور که امریک (Emmerick 1969: 136. n.2) خاطر نشان ساخته است، متن سغدی ترجمه نادرست کوماره جیوه را در مورد "مفهوم نشان" در زبان سنسکریت دنبال می‌کند. (BSTBL: n.p 4)

۲۹. متن سنسکریت : *nimitta*، به معنای «نشان، علامت، نشانه، سیمای خارجی، پیکر ظاهری (البته فقط نه ظاهر مادی)» است. (BHS GD)

و نیز متن سنسکریت : *lakṣaṇa*، «نشان، علامت، نشانه» معنا می‌دهد. (BHS GD)
دخشه براساس واژه پهلوی (*daxšag*) و به معنای «نشان، علامت، ویژگی و یاد» انتخاب شده است. (Mackenzie, 1971a)

۳۰. متن سنسکریت : *Punya*، به معنای «کارنیک، نیکی (کرمه‌ای)» است. کردارهای نیک آنهایی هستند که از نظر «کردار»ی نیک به شمار آیند. فقط کردارهای «ارहत» هاست که درجهانی آن سوی حوزه نیک و بد است. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۳۵)

و نیز این واژه به معنای «کردار درست و شایسته»؛ یعنی آن کردارهایی است که ره به رهایی می‌برند. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ص ۵۳)

و نیز متن سنسکریت : *guṇa*، به معنای «امتیاز، برتری و تفوق» است. (BHS GD)
گونه‌ها مانند ریسمانی روح را به عالم عینی و ذهنی پیوسته‌اند و بر سه گونه‌اند : ۱- ستوه (*Sattva*)، که در اینجا به معنای «شادی معنوی، برکت» است ؛ ۲- رَجَس (*Rajas*)، نیروی بی آرام و قراری است که اشارتی به خشونت دارد ؛ ۳- تَمَس (*Tamas*)، که «قوة جبر» معنا می‌دهد. (APDB)

۳۱. متن سغدی : فعل امکانی *Potentialis* مجهول، سوم شخص مفرد.

۳۲. متن سنسکریت : *pūrvadiś*، به معنای «مشرق» است. (ASED)

۳۳. متن سنسکریت : ākāśa ، به معنای «قلمرو، ناحیه» و نیز به «معنای فضای خالی و تهی» است. (BHS GD)

۳۴. متن سنسکریت : śūnya ، به معنای «خالی، تهی» است. (ASED)

۳۵. متن سغدی : فعل امکانی مجهول، سوم شخص مفرد، وجه تمنایی.

۳۶. متن سنسکریت : lokajyeṣṭha ، به معنای «سرور گیتی» لقب بودا است. (BHS GD)

۳۷. متن سنسکریت : diś ، به «معنای جهت و سمت» است. (ASED)

متن سغدی : kyr'n ، به معنای «سمت و سو» است.

۳۸. متن سنسکریت : dakṣiṇa ، به معنای «سمت راست و جهت جنوب» است. (ASED)

۳۹. متن سنسکریت : 4 vidiśaḥ ، به معنای «نقاط چهارگانه بین چهار جهت اصلی، یعنی چهار جهت فرعی» است. (ASED)

ممکن است واژه krz'kh در عبارت ctβ'r kyr'n krz'kh که ترجمه  (M5598, 7067) به معنای «چهار نقطه مابین چهار جهت اصلی، یعنی چهار جهت فرعی» است، به صورت تحت‌اللفظی، «گوشه» معنا دهد و در این صورت باید krn'kh قرائت شود. بسنجید با (chr. qr(n)y. sry. (STi, 20.17)).

این قرائت از زوندرمان (Sundermann 1974: 234) و ترجمه عبارت سریانی rš' d-zwyt' به معنای «سنگِ کُنَج» یا «سنگِ زاویه (= نبشی)» (معنای تحت‌اللفظی: سرگوشه، سرزاویه) است. زوندرمان امکان وجود ارتباطی میان واژه qr(n)y و واژه -karan(a) اوستایی را بررسی کرده است، اما به علت وجود آواشدگی vocalism متفاوت در kyr'n سغدی بودایی و qyr'n سغدی مسیحی با آن، این ارتباط را مردود شمرده است. از آنجا که هجای نخستین kyr'n به معنای «پهلوی، طرف، سمت» حکایت از بی‌نظمی واج شناختی دارد و احتمالاً این امر ناشی از تأثیر واژه متضاد آن، یعنی واژه myδ'n به معنای «میان» است و این گونه بی‌نظمی معمولاً در واژه‌های هم‌ریشه با معانی مختلف پیش

نمی‌آید، ارتباط فوق‌الذکر را نمی‌توان قاطعانه رد کرد. مع هذا با توجه به تحول معنایی «گوشه» مشتق از گوش که با -Ir. gauša تأیید می‌شود، بسنجید با

Sims-Williams 1976: 59, n.75

وجود ارتباط میان واژه krn'kh با واژه اوستایی -karəna و واژه سنسکریت kārṇa- به معنای «گوش» قابل توجه بیشتر است. (Sims-Williams 1978: 258)

۴۰. ولر در (145 و 141 Weller 1935) عبارت 'sty 'skwty را ترجمه‌ای از

無住 می‌داند که ترجمه‌ای تقلیدی و خالی از ابتکار است. اما از آنجا که L'

'skwty در این متن در مقابل 無(所)住 در سطر ۱۲ و 不住 در سطرهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ آمده است، بیشتر احتمال می‌رود که 'sty به جای 'skwty، که حذف نشده است، صرفاً خطای نسخه‌برداری باشد. خطای دیگر نسخه‌برداری که ولر در (146: 1935 Weller) یافته، نخستین ZK در سطر ۲۵ است. (BSTBL: n.p4)

۴۱. KZNH 'PZY ← قطعه Vim.، سطر ۲، پی‌نوشت واژه «چنان».

۴۲. متن سنسکریت: gotra، «نوع گونه، دسته و طبقه» معنا می‌دهد. (BHS GD)

و نیز متن سنسکریت: bīja، به معنای «تخم، اصل و منشا» است. (ASED)

متن دوم

Or. 8212 (191).

بخش پایانی «سوتره اندر نکوهش نوشابه مستکاره» INTOX.

معرفی

این قطعه، بخش پایانی طوماری کاغذی به رنگ قهوه‌ای در اندازه‌های ۵۲×۲۵ سانتیمتر است و شامل ۳۲ سطر نوشتهٔ سیاه رنگِ خوانا بر روی خطوط منظم همراه با یادداشتی در دو نیم سطر و بُن‌نوشتی پنج سطر با دستخطی ریزتر است. بالا و پایین سطرها خط‌کشی شده است.

رایشلت (Reichelt 1931: 67-70) و بنونیست (Benveniste 1933a: 58-61) نیز این متن را مطالعه و بررسی کرده‌اند.

گرچه در بُن‌نوشت ذکر شده که کتاب از زبان سنسکریت برگردانده شده است (نیز ← 59: Henning 1940)، در نهایت پیدا است که زبانِ متن از زبان ترجمه‌های چینی تأثیر پذیرفته است؛ برای مثال، به عبارت wtyy sry/lt'm s'n به معنای «شهوتِ دشمن‌صفت» در سطر ۲۴ و سطر بعدی توجه کنید که نظیر سطر ۹۶ در قطعهٔ Vim.

است. در آن سطر، اصطلاح متعارف برای kleša که از 煩惱 به معنای «دردِ رنج» گشته برداری شده است می‌آید. (Weller 1937b: 324)

البته نمی‌توان کاملاً یقین داشت، ولی با شرح کردنِ متن، این فرض ایجاد می‌شود که ترجمهٔ سغدی در حقیقت از متن اصلی چینی صورت گرفته است و احتمالاً ذکر اینکه از ترجمهٔ سنسکریت (هندی) برگردان شده نادانسته بوده و یا صرفاً به منظور کسب اعتبار برای سوتره اظهار شده است. آنچه در مورد دستنویس سغدی شایان ذکر است این است که کاتب حرف z را بانقطه به منظور تلفظ /z/ به کار برده است، یعنی در این دستنویس تلفظ /z/ با حرف z نشانه‌دار مشخص شده است.

حرف نوشت متن سغدی^۱

- 1) L' βyrt L' ZY ZKw βγ'nyk' CWRH p'rwty nwš'w pr 'ðry γnt''k r'ðwh
- 2) 'np'stk 'skwty rty ms ZNH mstk'r'k cš'nt ''tr mγ'wn γw p'rZY wyspw
- 3) šyr'krtyh swet ZY wyspw γnt''k 'krtyh βr''zyntk pts'wet rty wsn
- 4) mst'wny ZKh βγ'yšt²cnn βγyst'ny 'why tmy' šw'nt 'PZY ZNH mrtym't
- 5) ZKw mrtym'k CWRH L' βyr'nt p'rwty nwš'kw 'pw rγwšny'kh š'w t'r'k
- 6) sns''r myð'ny zw'rt prw'rt šw'nt rtyn cywyð pyð'r ZNH mstk'r'k
- 7) cš'nt L' s'et γwrt rtyms wsn mst'wny ZK γšnky CWRH pt'yð βwt
- 8) rty ZNH γwt'w mrtym ZKw γš'w'nh pn'yšt 'PZY γrβ''k mrtym'k ZKwh
- 9) γrβ''ky' pn'yšt 'PZY ZK šyr'n'm'k pts'rð γnt'kn'm'k βwt ZY ZK γ'mkyn
- 10) ðštwn prw'rtt ZY wyspw w'tð'r-ty sy'nteyk 't γmy βwt cywyð pyð''r³

ZNH

- 11) mstk'r'k cš'nt L' s'et γwrt rtyms ZNH mstk'r'k cš'nt ZKw cšmy
- 12) γyr'y wnty 't zβ''k twrðn γwš krn ZY ðst' γw''t ZY ZKw p'ðt pk'nptt⁴
- 13) 'PZY 'pw p/βyðy kw mrech pr''nyt rty nwkr 'yw p'r'yk s't rym'yšt'k γcy
- 14) cywyð pyð'r L' s'et γwrtt rty prtr γw mrtym'k ZKw wytwytk rwð γwr'y
- 15) c'n'kw ZY mstk'r'k cš'nt p'rwty γw wytwytk rwð'γw ''z'wnh 'mw

CWRH

- 16) swet pyšt γw mstk'r'k cš'nt ''z'wn ''z'wnyh swet rty nwkr 'ky 'myn

۱. سیمز ویلیامز برخی واژه‌ها را در این متن به صورتی متفاوت از مکنزی (BSTBL) نشانه‌گذاری و قرائت کرده است. (Sims-Williams 1978: 258). موارد اختلاف در پانویست آمده است.

۲. مکنزی: βγ'yšt:

۳. مکنزی: pyd''r

۴. مکنزی: ZKw p'ðt pk'nptt ؛ سیمز ویلیامز: ZKw p'ðt pk'nptt

- 17) mstk'r'k cš'nty γypð zykh γr/β't rty nyw'nty enn nwry ZK pwo'y
r'ðh γr/β't'y
- 18) βwt rty cymyð pyð'r ZNH mstk'r'k cš'nt L' s'et γwrt L' ZYms pey'yt
pteš't
- 19) pr'w 'PZY kð styw k/βnyw'r'k /β't rty ZK cywyð 'n/β'nty γr'wš γr'wš
w'n'kw
- 20) 'βs'γsty m'ð ZY šw' 'βy'tr γwrt'y 'PZY ðwk prðwk' γyr'k mntyγr/β'k ZY
ptkwnwyn'k
- 21) βwt m'ð 'PZY c'βr 'mw wyzrw ðrm pty'wšt rty šw kð'c kwm'ry L'
pr'yst p'rZY
- 22) šw 'y'βtk γr/βty 't 'y'βtk 'st m'ð ZY c'wn pwo'y r'ðyh ðwr pr'c'k
βwt pr'w
- 23) 'PZY prw wyspy 'nðm'yt ZNH m'n γwt'w γcy rty kð ZKw mstk'r'k
cš'nt γwr'y šy
- 24) γyð ZK m'n zy'msty 'PZY ZK wyspy 'stkpyš'yt γw'tt /βnt m'ð 'tšy pr
yw wtyy
- 25) sryβt'm s'n wn'wn'k βwt m'yð 'YKZYms ZK y'γy γwt'w zy'ms'y
rty ZNH 'nytk
- 26) 'wt'k 'wyn prð'β'k s'ny pnsy'n /βnt rty nwkr cywyð pyð'r ZK
wyspw γnt'k 'krtyh
- 27) 'yw ptšmyrty 'PZY ZK mstk'r'k cš'nt γwðk'r 'yw ptšmyrty rty nwkr
'ky enn
- 28) nwry 'mw pwt'y'kh r'ðh k'm't rtyšy ZK mstk'r'k cš'nt L' γwty s'et γwrt
- 29) L' ZY 'nyw 'ð'k s'et ðβ'rt || p'rwty 'ky γwty γwrt'y rty γyr'k wm'ytk

βwt

30) 'PZY kδ 'nyw "δ'y δβrty rty 'pw δst "zyt rty nwkr 'myn mstk'r'k

cš'nty ZK zykh 't

31) ym'nh 'pw ptm''k γrβ γcy yw''r nyš kβny 'nβrt'kw prβ'yr't δ'r'm ||

32,33) mstk'r'k cš'nt prywn pwstk 'yw prw'rt srcmyk BRY pwtty'n γwyštk

δst'wβry zyty ctβ'r k'γδyh

34) k'w sryc'neh knδh 'wyn βγγ βγp'wr γ'y 'nkwyn 16-myk srδy "z pr

35) n'k' srδy 'prtmy m'γyh m'δ ZY ZK "n kwtr'k ctβ'r'tsr'n wp's'y

36) 'wyn ny"ncynt "c'ry s'r "r'γs't ZY ny"δ'kh βwrtw ZY cnywcm'ny

ptškw't

37) δ'rt rtyšw 'prw ZK ny"ncynt pykšw c'wn 'yntk'w prw sywδy'n'k¹ np'yk

38) prw'st δ'rt wsn δrmyk 'rδ'r wyspyšnw w'tδ'r "zwnty šyrywzty' pyδ'r

برگردان فارسی

(۱) | نیابد |] نه کالبد بغانی^۱ (= ایزدی) را، زیرا (او) همواره به سه گنده راه^۲ (= راه بد و اهریمنی)

(۲) افتاده است. همچنین این نوشابه مستکاره آذرگون (= آتش گون) (است)، زیرا آن همه^۳

(۳) کردار (های) نیک را بسوزد و همه کردار (های) گنده (= بد و زشت) را فروزان برافروزد. به واسطه

(۴) مستی، بغان از بغستان (= جایگاه ایزدان) به دوزخ شوند و مردمان

(۵) کالبد مردمی^۴ را (دوباره) نیابند، زیرا (آنان) همیشه بی روشنی^۵ (= نادان)

(۶) میان سنساره^۶ (= دریای بازپیدایی) سیاه تار پس و پیش شوند (= می آیند و می روند). پس نوشابه

(۷) مستکاره نباید خوردن. همچنین به سبب مستی، کالبد قشنگ^۷ (= باشکوه، عالی) نکوهیدنی بود.

(۸) و خدای مرد (= سرور) سروری را از کف دهد و مرد دانا

(۹) دانایی را از کف دهد و نکونام بدان سبب گنده (= بد) نام بود و توانگر

(۱۰) تهیدست گردد و همه جانداران را (= نزد همه جانداران) سخره و پست^۸ بود. از این رو

(۱۱) نوشابه مستکاره نباید خوردن. همچنین نوشابه مستکاره چشم را

(۱۲) خیره^۹ (= تیره و تار) کند و زبان را تول^{۱۰} (= سنگین، کج)، گوش را کر و دست را ناتوان و نیز^{۱۱} پاها را خماند (= کج کند)

(۱۳) و بی آگهی به مرگ راهبر شود. اکنون (آن نوشابه) از هر جهت نکوهیدنی^{۱۲} است.

(۱۴) از این رو نباید خوردن، درست تر (آنکه) مردم مس گداخته را خورد^{۱۳}

- (۱۵) که (= تا) نوشابه مستکاره، زیرا این مس گداخته کالبد یک زندگی (= وجود) را
- (۱۶) بسوزد، اما نوشابه مستکاره زندگی (پس) از زندگی (= وجودهای مکرر) (را) بسوزد. اکنون آن که
- (۱۷) خود زیان نوشابه مستکاره بدانند، از این پس، راه روشن‌شدگی (= طریقتِ روشنگری)^{۱۴} از سوی او دریافته
- (۱۸) شود^{۱۵}. پس از این رو نوشابه مستکاره نباید خوردن و نیز شایسته نیست چشیدن،
- (۱۹) زیرا اگر حتی کم‌خواره باشد (= اندکی بنوشد) پس او در نتیجه کم‌کم چنان
- (۲۰) خوگیرد^{۱۶} که آن را بیشتر خورد و (از) جهان^{۱۷} (تا) فراجهان^{۱۸} خیره^{۱۹} (= سرگشته، حیران، نادان و واژگون‌بین (= مرتد)
- (۲۱) شود. چنان که هراندازه درمۀ^{۱۹} راست^{۲۰} را شنود، پس آن را هرگز به‌درستی^{۲۱} (= به کمال) دریابد، زیرا
- (۲۲) آن را به ناراست^{۲۲} (= ارتدادی) دریابد و به نادرست گیرد (= پندارد، تفسیرکند) بدان سان که از راه روشن‌شدگی^{۱۴} سخت دور باشد. زیرا
- (۲۳) برهمۀ^{۲۳} اندام‌ها منش^{۲۳} (= اراده و خواست) خداوند (= سرور) است و اگر نوشابه مستکاره را خورد^{۱۳} او را
- (۲۴) آن‌گاه منش^{۲۳} از کار افتاده شود^{۱۶} و همۀ^۳ اندام‌ها ناتوان شوند بدان سان که براو، درد
- (۲۵) رنج^{۲۴} دشمن (صفت) (= شهوتِ دشمن صفت) چیره شود درست مانند آنکه خداوندِ دلیر درمانده شود^{۱۶} و همۀ
- (۲۶) ناحیه به دشمنِ فریبکار به باج رود. ^{۲۵} اکنون بدین سبب همۀ^۳ کردار (های) گَنده (= بد و زشت)
- (۲۷) یکی شمرده شود و نوشابه مستکاره به‌تنهایی یکی شمرده شود. اکنون آن که از
- (۲۸) این پس راه بودایی^{۲۶} (= طریقت بودایی) را بخواهد (پی‌گیرد)، پس او را نوشابه مستکاره خود نباید خوردن

(۲۹) و دیگر کس را (نیز) نباید دادن، زیرا آن که خود خورد خیره^۹ (= سرگشته، حیران) (و) فریفته^{۲۷} بود.

(۳۰) و اگر دیگر کس را دهد، آن گاه (بار دیگر) بدون دست زاده شود. پس زیان و آهو (= عیب)ی

(۳۱) نوشابه مستکاره بی اندازه بسیار است، اما اکنون کمی به کوتاهی شرح داده‌ام.
(۳۲ و ۳۳) سوتره^{۲۸} (= گفتار) (اندر) نکوهش نوشابه مستکاره: یک فرگرد (= بخش) کار دست^{۲۹} (= دستنوشته) پوتیان^{۳۰} آموزگار، پسر سرچمیک، و چهار (برگ) کاغذ^{۳۱} برده (است).

(۳۴) به شهر سرغ (لویانگ)، در شانزدهمین سال بغ (= شهریار) بغپور^{۳۲} کی نگیون^{۳۳} بود^{۳۴}، در

(۳۵) سال اژدها^{۳۵}، نخستین ماه، که اوپاسکه^{۳۶} (= پیش‌نشین) چتواراتسران^{۳۷} از خانواده آن^{۳۸} (An)

(۳۶) بر جنیانه چته آچریه^{۳۹} (= پیر راهنما) روی آورده و درخواست برده و از جان و دل عرض کرده است.

(۳۷) و آن را آن گاه جنیانه چته بیکشو^{۴۰} (= رهرو) از هندی به نبی (= کتابای سغدی
(۳۸) برگردانده است. نیکخواهی همه^{۴۱} هستان جاندار درمه داتو^{۴۱} (= بوم آیین، جهان حقیقت) را.

پی‌نوشت‌های برگردان فارسی

۱. احتمالاً در اینجا به نظریه سه کالبد اشاره شده است. بنابراین نظریه، بالاتر از بودایان خاکی که تن مادی خشن (nirmāna kāya) – احتمالاً همان کالبد مردمی – دارند، بودایان دیگری هستند که سرشتی برتر از انسان دارند با کالبدهای لطیف (sambhoga kāya) – احتمالاً همان کالبد قشنگ – و در بالای اینها اصل درمه، یعنی مطلق نامادی قرار دارد که در همه چیز هست. این کالبد درمه (dharma kāya) – احتمالاً همان کالبد بغانی – یعنی کالبد ایزدی، در میان همه بودایان مشترک است. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ص ۱۱۳)

به طور کلی dharma kāya «جسم حق و قانون یا آیین» است. این جسم حقیقت ذاتی بودا و همه موجودات است. sambhoga kāya «جسم سرور و شادی و روشنایی» و، در واقع، جسم آسمانی و ماوراء الطبیعی بودا است و nirmāna kāya «جسم ظاهری و تخیلی» بودا است و مراد از آن جسمی است که بودا به هنگام نزول و ظهور به جهان پدید می‌گردد. (داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۵)

واژه سغدی βγ در همه جا به «بغ» و ترکیبات آن ترجمه شده است.

۲. δry γnt'k r'δ-h به معنای «سه راه اهریمنی» و در متن سنسکریت: tryapāya یا durgati، عبارت است از تولد مجدد: (الف) در دوزخ‌ها، (ب) به صورت حیوانات و (ج) به صورت ارواح گرسنه؛ بسنجید با قطعه P6، سطر ۲۹، عبارت δry γnt'kk 'wyh و نیز بسنجید با قطعه P2، سطر ۸۳، واژه durgati یا tryapāya. (BSTBL: n.p7)

به طور کلی پنج راه وجود یافت می‌شود: دوزخ، قلمرو حیوانی، سپهر ارواح، جهان انسانی و جهان آسمانی. از این پنج راه، سه تای نخست راه‌های بد وجود یا راه‌های اندوه‌آند و سرازیرند (durgati) و دو تای آخری راه‌های شاد (= surgati) خوانده می‌شود. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۳۴)

در این متن‌ها همه جا در ترجمه فارسی واژه گنده برای نزدیکی به واژه ynt''k به معنای «بد و اهریمنی» در متن اصلی انتخاب شده و به معنای «گندیده» نیست.

۳. متن سنسکریت: sarva ← قطعه Vaj.، سطر ۵، پی‌نوشت واژه.

۴. عبارت ZKw mrtym'k CWRH را بسنجید با 人身 به معنای «بدن انسان» که ترجمه mānuṣyavigraha (برای ?man) است (MVY. 281, 36) و نیز در سوتره. Lank. mānuṣyayoni آمده است. (BSTBL: n.p 7) و این همان «کالبد مردمی» است. ← پی‌نوشت شماره یک، همین متن.

۵. pw rywšny'kh را بسنجید با قطعه P9، سطرهای ۵۷ و ۶۴ و قطعه Vim.، سطر

۱۲. جایی که این عبارت ترجمه تحت اللفظی 無明 معادل با واژه avidyā به معنای «نادانی» است. (BSTBL: n.p 7)

متن سنسکریت: avidyā، به معنای «نادانی» و نادان کسی است که چهارحقیقت شریف بودایی را نمی‌داند. این چهار حقیقت عبارت‌اند از: (الف) دانستن رنج، (ب) دانستن خاستگاه این رنج، (ج) دانستن این امر که چنین رنجی باید فرونشیند و (د) دانستن راهی که، به کمک آن، این رنج عالمگیر فرونشیند. مبدأ این رنج تولد و پیدایش است و ایستادن گردونه مرگ و حیات باعث رهایی از رنج خواهد بود. به طور کلی نادانی در آیین بودا چهارگونه متجلی می‌گردد: (۱) ندانستن رنج، (۲) ندانستن مبدأ رنج، (۳) ندانستن اینکه این رنج باید خاموش شود، (۴) ندانستن وسایلی که منجر به فرونشاندن این رنج می‌شوند. (داریوش شایگان. ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۱۲۹)

۶. متن سنسکریت: saṃsāra، مرکب از sam- به معنای «هم» و -sāra از ریشه sar-

یعنی «جریان داشتن» است و روی هم رفته "هم رفتن" معنا می‌دهد. مراد از این واژه، که مفتاح آیین بودایی است، از قالبی به قالب دیگر درآمدن یا حالات متوالی به خود گرفتن است. بدین جهت آن را به لفظ "بازپیدایی" ترجمه می‌کنند. مراد از saṃsāra پیدایش‌های پی در پی و جریان لاینقطع و مسلسل حیات در دگرگونی‌های گوناگون است. (داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۲۶)

۷. 'yšnky CWRH ← Lentz 1934: 83، ذیل واژه xšnqy.

و این همان «کالبد قشنگ» است ← پی‌نوشت شماره یک، همین متن.

۸. sy'ntcyk 't ymy βwt ← Henning 1945: 481, n.1.

۹. خیره (yyr'y)، غباری را گویند که در پیش چشم پدید آید، تیره و تاریک، بی‌شرم و لجوج، حیران، سرگشته و فرومانده. (برهان قاطع)

۱۰. واژه twrδn فقط یک بار آمده است و بایستی «گیج شده، حیران شده، فلج شده» معنا دهد. (Benveniste 1933a: 58) این واژه به‌خصوص به زبان، در مقام عضو گفتاری، بیش از عضو چشایی اشاره دارد؛ بسنجید با tūrda < tūl به معنای «کج‌دهان» در فارسی نو. (BSTBL: n.p 7) تول، بروزن غول... کسی را نیز گویند که دهان او کج‌جواب باشد. (برهان قاطع)

۱۱. در عبارت ZY ZKw p'δt pk'nptt، حرف تعریف ZKw بیش از حرف ربط ZY، این عبارت را به مثابه عبارت جدید و مستقلی از عبارت ZY δst' yw't (به ویژه از فعل wnty) مجزا می‌سازد. -apa-kamp- < pk'np- را بسنجید با -kmb- در سغدی مانوی به معنای «مهارکردن، محدود کردن»، و با -nk'np- در سغدی بودایی به معنای «خم کردن و خم شدن، تا کردن»، و با -knby- در خوارزمی به «معنای خم کردن و خم شدن» و نیز با -nknby- به معنای «پایین‌تر». (BSTBL: n. p 7)

۱۲. همان‌طور که بنونیست (Benveniste 1940: p2, 340, note) در مورد واژه rym'yštk خاطر نشان کرده است - rym'yš با 𐭠𐭣𐭥 = vi-garh- به معنای «سرزنش کردن، ملامت کردن» در سوتره Lank. مطابقت دارد. (BSTBL: n. p 7)

۱۳. این فعل در متن سغدی در وجه تمنایی آمده است.

۱۴. در اینجا و در سطر ۲۲، pwδ'y r'δh احتمالاً برگردان bodhimārga به معنای «راه‌روشنگری» است تا آنکه برگردان خود واژه bodhi باشد، چنانچه در قطعه Dhy، سطر ۳۰۶ آمده است. 菩提道 مبهم است. (BSTBL: n. p 7)

متن سنسکریت: bodhimārga-، به معنای «راه‌روشنگری، راه روشن‌شدگی و

اشراق» است. (ASED)

روشن شدگی به معنای «پی بردن به رنج آور بودن تمام هستی و درک امکان فرونشاندن رنج» است. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: صص ۷ و ۱۵۴)

۱۵. nyw'nty γɪβ't'y βwt (Henning 1937a: 97, on b 88)

۱۶. متن سغدی: فعل مضارع، سوم شخص مفرد از ماده ناگذر - شوا

medio passive

۱۷. متن سنسکریت: loka، به معنای «جهان»، اشاره است به سه سپهر وجود که کل جهان را در بر می گیرد: (۱) جهان حسی یا جهان کام (kāma-loka) یا جهان پنج حس، (۲) جهان مادی لطیف یا جهان شکل (rūpa-loka) که به چهار نگرش شکل وابسته است، (۳) جهان نامادی یا بی شکل (arūpaloka) که به چهار نگرش بی شکل وابسته است. (ع. پاشایی ۱۳۶۸: ص ۵۶۵)

۱۸. متن سنسکریت: paraloka، به معنای «جهان دیگر، جهان آتی» است.

(BHSGD)

۱۹. متن سنسکریت: dharma ← قطعه Vaj، سطر ۱۳، پی نوشت واژه.

۲۰. متن سنسکریت: samyak، صورت دیگری از واژه samyāñc است که در ترکیب ها به کار می رود. samyāñc به معنای «درست، راست، کامل و دقیق» است.

(ASED)

۲۱. ترکیب -kum'r(y) pr'ys، که در این متن ها و به خصوص در قطعه P9 مکرر دیده می شود، بایستی کاملاً شرح داده شود. ولر (Weller 1935: 22) خاطر نشان کرده است که svayampratibhū = 目證 در قطعه P5 (DN=)، سطر ۸ به معنای «خود - مجاز، خود - موجه» است و در آنجا عبارت γwty kwm'ry pr'ys'y را چنین شرح داده است: "آنچه (بودا Buddha) در مقام kumāra به دست آورده بود". بنویست، که قادر به تطبیق معنای آن نبوده است، همه جا آن را در TSP "کاملاً نفوذ کردن" معنا کرده است. در قطعه Vim.، در دو جا، kwm'r'y pr'yyst ترجمه 通達 است که در سطر

۹ آن به صورت تحت‌اللفظی "عبور کردن از، گذر کردن از، گذشتن از میان" ترجمه شده است و در سطر ۱۱۵ این عبارت برگردان *gatiṃgata* به معنای "کاملاً نفوذ کرده، درک شده، دریافته" است (مترجم سغدی در هر دو مورد همین طور فهمیده است). در قطعه *Dhy.* سطر ۳۹۶ 通利 به معنای "عمیقاً فهمیدن، عمیقاً دریافتن" است که با سهل‌انگاری *yrβty 't kw-m'ry pr'yst*، یعنی "می‌فهمد و نفوذ می‌کند" برگردانده شده است. این ترکیب *(kum'r(y) pr'ys-)* از هر متنی که اخذ شده باشد – متن اصلی آن موجود نیست – به معنای "نایل شدن (معمولاً 至 یعنی *bodhi*) به مقام "Kumāra" در زبان سغدی، به‌وضوح به صورت فعلی ترکیبی برای مفهوم "کاملاً فهمیدن، موشکافانه دریافتن" رایج بوده است. در قطعه *P9* با شناسه سوم شخص مفرد زمان حال یعنی *-t* در سطرهای ۷، ۱۹، ۲۷ و ۳۳ و با پسوند صفت فاعلی، یعنی *-yn'k* در سطرهای ۱۷، ۲۵ و ۵۳ و با صورت مصدری *pr(')ys* در سطرهای ۷، ۱۹، ۴۰ و ۴۹ و با صورت صفت مفعولی *pr''yt'k* در سطرهای ۳۹ و ۴۷ روبرو می‌شویم. به نظر می‌رسد که عبارت *γwty kwm'ry pr'ys'y* در قطعه *P5*، سطر ۷ صورتی ترکیبی شامل مصدر و پسوند *-y* است؛ بسنجید با *γwty ptβyδ'y* به معنای "خود – ادراک، خود-بینش" در مقابل 自覺 یعنی **ahaṃkāra* در قطعه *Vim.* سطر ۹۳. بدین ترتیب واژه «خود – بصیرت، خود-بینش» ممکن است ناشی از قرائت نادرست نشانه دوم عبارت چینی 自證 باشد که 登 خوانده شده و به معنای "به دست آوردن، نایل شدن، پیشرفت کردن" است؛ به هر حال، این صورت از نظر دستوری نامناسب و بیجا است، زیرا صفتی مشتق از *δrm* مورد نیاز است. (*BSTBL*: n. pp 7-8)

۲۲. *y'βtk*، به معنای "نادرست و ارتدادی، بد تعبیر شده" است و در فارسی نو به

صورت وام‌واژه "ایفده" آمده است. (Henning 1939: 93-106)

ایفده یا ایفده به معنای «سبکسار، بیهوده‌گوی و هرزه‌چانه» است. (برهان قاطع)

متن سنسکریت: *mithyā*، به معنای «غلط و نادرست و اشتباه» است. (*BHSGD*)

۲۳. متن سنسکریت: *manas*، به معنای "منش، دل، جان و اندیشه" است. (*ASED*)

بوداییان، به جز پنج حس، به منش یا ذهن که نیروی اندیشه و شناسایی است نیز معتقدند. (داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۱۶۳)

و نیز متن سنسکریت: citta ← قطعه Vaj.، سطر یک، پی‌نوشت واژه «دل». منش در ابی درمه Abhidharma مترادف با دانستگی (viññāna) و citta (حالت دانستگی) است. (ع. پاشایی ۱۳۶۸: ص ۵۶۷)

۲۴. wtyy sryβt'm s'n، یعنی «شهوَت دشمن صفت» ← معرفی همین متن. متن سنسکریت: kleśa، یعنی «عناصر پلید ناشی از اعمال پیشین» که غرایز و شهوات ناخودآگاه آدمی را تشکیل می‌دهند و سبب اسارت انسان و سرگردانی وی در سلسله پیدایش‌های لایتقطع می‌شوند و مانع خرد و فرزاندگی هستند. (داریوش شایگان، ۲۵۳۶: ج ۱، صص ۳۵۱-۳۵۲)

۲۵. طبق نظر بنونیست (Benveniste 1933a: 58) برای آنکه pnsy'n مشتق از nas- باشد، بایستی از *apanasa^{*} به معنای «خسارت، زیان، فقدان» با پسوند قیدساز -y'n آمده باشد (Gershevitch 1954: § 1051). بقیه صورت‌های این ماده دارای -š- > -sy- یا -āśaya- است، برای مثال: pn'yš- به معنای «از دست دادن». (BSTBL: n.p 8) متن سغدی: pnsy'n βnt، به معنای «از دست رفته شوند، تاوان شوند».

۲۶. pwty'kh r'ōh، به معنای «راه بودا شدن» و مراد از آن پیمودن طریقت بودا است. بودا، همان خودیابنده رستگاری، یعنی مرد تمام (= ارهت) است که از راه فراگرفتن به رستگاری رسیده است. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ص ۱۲۲، یادداشت ۴۵) ۲۷. متن سنسکریت: mūdha، به معنای «فریفته، اغفال شده، گمراه شده، به راه باطل رفته» است. (BHSGD)

۲۸. متن سنسکریت: sūtra، از ریشه siv- در اصل به معنای «دوختن» و در اصطلاح به معنای «گفتار» است. به طور کلی، کتاب‌های مقدس بودایی را سوتره یا sūtra (به زبان پالی) به معنای «رشته‌های راهنما» می‌خوانند. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ص

۲۹. $\delta st'w\beta ry$ ، به معنای «کار دست» است. بسنجید با $dstwb'ry$ در سغدی مسیحی.

(Benveniste 1955: 316, 3^o)

شوارتز (Schwartz) نمونه ذیل را که قطعه‌ای از زبور و به خط سغدی است به مکتزی داده است: $\Psi 19, 1 \text{ kty'wy } \delta st\beta ry = \text{syr. } ^c bd \text{ 'ydwhy}$ «کار دست

(او)». (BSTBL: n.p 8)

۳۰. متن سغدی: $pwtty'n$ ، این نام خاص به معنای «عنایت بودا» است.

۳۱. به جز عبارت «چهار کاغد» بایستی ازبقیه توضیحات بنویست

(Benveniste 1933a: 58f) و لتس (Lentz 1933: 45, n.3) صرف نظر کرد. $srcmyk$ نمی تواند

«نخستین، مقدم ترین، پیشاپیش» معنا دهد، زیرا که $srcy$ و $srcyk$ بدان معنا است. βry

املائی غیرعادی برای واژه میوه ($\beta r'k/y$) است. همان طور که هنینگ

(Henning 1940: 59) و بنونیست (Benveniste 1940: 217) خاطرنشان کرده اند با نام های

خاص سروکار داریم. جابه جایی این دو واژه، که به طور معمول به صورت

A. ZK B. BRY نوشته می شود، احتمالاً ناشی از عنوانی است که بعداً افزوده شده است.

نام های ترکیب شده با $-y'n$ به معنای «لطف، احسان» در متن های سغدی زیاد دیده

می شود. وبر (Weber) فهرستی مشتمل بر هیجده مورد تهیه کرده است که شامل $\beta'my'n$

، $m'y'y'n$ ، $prny'n$ و این $pwtty'n$ به معنای «احسان بودا» (در MI, 65 و نیز P8, 184

یعنی 伏帝延 $-byou -tei-yen$ است. ← On Ikeda 1965: 1, 50-92

مرجع اخیرالذکر را مکتزی از قولی وبر نقل کرده است. (BSTBL: n.p 8)

۳۲. واژه سغدی $\beta\gamma p'wr$ به معنای «پسربغ و ایزد» در فارسی نو به صورت وام واژه

«فغفور» آمده است. (Henning 1939: 94, n.2.)

و نیز ← زهره زرشناس ۱۳۶۹: ۲۸۶-۲۸۷.

فغفور پادشاه چین را گویند، هر که باشد. (برهان قاطع)

۳۳. رایسلت (Reichelt 1931: 70, n.1) خاطرنشان کرده است که در عبارت

$\gamma'y \text{ 'nkwyn } 16myk \text{ sr}\delta y \text{ 'z pr n'k' sr}\delta y$

kai nywan «نام سال» یا عنوان شاهي 關元 (K 609,1337) k'ai yūan
 امپراتورِ تانگ (T'ang)؛ یعنی هوان - تسانگ 玄宗 (Hūan Tsung) است.
 شانزدهمین سال سلطنت او که با سال ۷۲۸ میلادی مطابقت دارد، 戊辰 به معنای
 «ساقه پنجم، شاخه پنجم» یا در واقع پنجمین سال یک دوره و بنابراین سال ازدها یعنی
 龍 بوده است. این نشانه ترجمه واژه سنسکریت nāga است و به همین دلیل در
 سغدی به n'k' برگردانده شده است. بسنجید با n'kt در DN=P5، سطر ۶ و واژه n'k'n
 در قطعه Padm، سطر ۱۰. (BSTBL: n.p 8)

۳۴. در این متن 'z - گرچه به واژه pr بعدی مرتبط نیست - به نظر می‌رسد که
 صورتی از فعلی ربطی باشد. شاید نوعی صورت لهجه‌ای، مرتبط با 'h'z پارتی، باشد که
 عمدتاً در متن‌های سغدی مسیحی سازنده ماضی‌های ساخته شده با -'z- (یعنی -'z-
 preterites) است. (Gershevitch 1975: 200 ff)
 شایان ذکر است که سیمز ویلیامز این نوع ماضی را (-'z-imperfects) می‌نامد.

(Sims-Williams 1985: Glossary)

۳۵. n'k' Srō، یعنی «سال ازدها»، پنجمین سال از دوره‌های متناوب دوازده ساله
 است. هر یک از سال‌های این دوره متناوب متکی به یکی از صورت‌های حیوانی و در
 نتیجه معروف به آن سال است. این دوازده حیوان عبارت‌اند از موش، گاو، ببر، گربه،
 ازدها، مار، اسب، بز، میمون، خروس، سگ و خوک. (James Hastings 1971: under
 calendar)

۳۶. واژه سنسکریت upāsaka در زبان سغدی به صورت وام‌واژه wp's'y آمده
 است. (Gershevitch 1954: § 103)

او پاسکه‌ها یا پیش‌نشین‌ها دسته‌ای از پیروان بودایند که رهرو به شمار نمی‌آیند، زیرا
 به انجمن نیبسته‌اند. وظیفه اینان ایمان به سه گوهر، یعنی «بودا، آیین و انجمن» است؛ و
 نیز خویشتن‌داری در پنج رفتار و خودداری از پیشه‌هایی همچون اسلحه‌فروشی،
 برده‌فروشی، قصابی، می‌فروشی، زهرفروشی و مانند اینها است. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص

۳۷. احتمالاً $cl\beta'r'tsr'n$ صورت تصحیف شده واژه سنسکریت *catvāryadhiṣṭānāni*، به معنای «چهار عزم» است. (BHS GD)

۳۸. آن *An*، نام خاص خانوادگی است.

۳۹. متن سنسکریت: *ācariya*، به معنای «دیده‌ور، دلیل راه، پیراهنما و راه‌بین». رهروی است که سابقه پیش‌کسوتی او در «انجمن» به شش سال رسیده باشد. (ع. پاشایی ۱۳۶۸: صص ۲۸۸-۲۹۰)

۴۰. سیمز ویلیامز معتقد است که نقطه بالای *P* در *Pykšw* عمداً برای نشان دادن تلفظ */b-/* گذاشته شده است. (BSTBL: n.p 9)

واژه *bhikṣu* از ریشه سنسکریت *bhaj-* به معنای «بهره‌مند شدن» و در لغت «درویش و گدا» معنا می‌دهد، اما در اصطلاح بودایی به رهرو راه میانه یا کسی که «راه هشتگانه عالی» را در «انجمن رهروان» می‌پیماید گفته می‌شود. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: صص ۱۴۵-۱۴۶؛ ع. پاشایی ۱۳۶۸: صص ۲۸۸-۲۹۰)

۴۱. متن سنسکریت: *dharmadvīpa*، به معنای «بوم آیین» و *dvīpa* یعنی «اقلیم» و هریک از هفت بوم و کشور را گویند. (داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۲۶۷)

و نیز متن سنسکریت: *dharmadhātu*، به معنای «حوزه آیین، فضای آیین و محیط درمه» است. (BHS GD)

همچنین «ریشه یا تخم یا جهان کلی درمه یا حقیقت جهان و ذات دربردارنده همه چیز» معنا می‌دهد. (APDB). و نیز «ذات یا مغز واقعیت» معنا شده است. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ص ۱۱۴)

متن سوم
Or. 8212(158)

سوتره پدمه چنتامنی - دارنی Padmacintāmaṇi-dhāraṇī-sūtra

معرفی

این متن بخشی از طومار دستنوشته سغدی بر روی کاغذی ضخیم با رنگ متمایل به قهوه‌ای است. روی طومار، ۷۷ سطر نوشته سغدی در سطرهاى منظم است که بالا و پایین سطرها خط کشی شده و دارای حاشیه‌هایی نظیر سوتره^۱ چینی است و با رنگ سیاه و خطی منظم و یکنواخت نگاشته شده است. این طومار بسیار خوب مانده و شامل سوتره پدمه چنتامنی - دارنی است.

پشت طومار ۶۲ ستون نوشته چینی به رنگ سیاه را، که با رنگ سرخ نقطه‌گذاری شده است، دربرمی‌گیرد.^۲ این متن در اندازه‌های ۸۷×۲۶ سانتیمتر است. کاتب این دستنویس حرف -z را در کلیه مکان‌های آغازی و میانی متمایز از حرف -n نوشته است.^۳

نوشته چینی بخشی از کاری است که در مورد ابی درمه^۴ Abhidharma همراه با

تفسیر انجام شده است.

مولر (Müller 1926: 2-8) هویت این متن را این گونه تعیین کرده است: «اگر این متن ترجمه‌ای از برگردان چینی سوتره فوق نباشد که در حدود سال ۷۰۰ میلادی توسط شیک شاننده Śikṣānanda انجام شده است.

(Taishō Tripitaka, No. 1082, vol.20, 199b 13-end)

پس متن نظیر آن است. با وجود این، مولر گمان دارد که احتمالاً برگردان دیگری (از متن چینی؟)، که در آسیای مرکزی انجام شده است، منبع اصلی ترجمه سغدی است. دلیل اصلی او برای ارائه این پیشنهاد تفاوت های دو متن، نظیر $c'\delta ysmr=jātismara^5$ در سطر ۶۲ است که در دستنویس چینی فقط 宿命 که معادل با $Pūrvanivāsa^6$ است ذکر شده است. در حقیقت تفاوت های زیادی، بیش از آنچه او ذکر کرده است، وجود دارد. ← همین متن، سطر ۶۲، پی نوشت واژه

مع هذا، در تحلیل نهایی، به نظر می رسد که نوشته سغدی به جز در سرفصل ها شباهت نسبتاً دقیقی با این متن چینی دارد. گرچه گاهی صرفاً بیش از ترجمه متن به ارائه شرح و تفسیر می پردازد ولی در سایر موارد متن حتی از نوشته چینی مختصرتر است. با این همه، نمی توان تشخیص داد که تفاوت های میان متون را باید ناشی از تمایزهای ترجمه‌ای از روی متنی واحد دانست یا به ترجمه‌ای میانجی و یا صرفاً به سهل انگاری مترجم سغدی نسبت داد.

شماره گذاری سطرها در چاپ نخستین، اثر مولر، تا حدی فاقد ارتباط منطقی و نیز نامناسب است، سطرهای ناقص در آغاز متن با حروف الفبا و سطرهای پایانی همانند سطرهای کامل باشماره مشخص شده اند. مکتبی متن را از آغاز تا پایان از نو شماره گذاری کرده و نشانه هایی را که مولر برای مشخص کردن سطرها برگزیده است با [] مشخص نموده است (یازده سطر کمتر از کل تعداد سطور BSTBL). بنونیست (Benveniste 1937: 496) قرائت های جدید و تصحیح شده ای از این دستنویس را ارائه کرده است (مولر فقط یک رُتوفت^۷ آورده است). در این متن نیز تصحیحات

بیشتری به این ترتیب ذیل آمده است:

- | | |
|--------------------------|-----------------------|
| 1) 'δ' (k), | 4) '(w)δ, |
| 11) rtkδ [I] (4 'β)tmyδ, | 15) wβ[yw, |
| 17) عدد ۱۷, | 18) tm (t)' '(s)t'nt, |
| 31) nyš, | 37) βyn'ywk' |
| 41) δ'rwk', | |

بنونیست (Benveniste 1937: 496) در سطر ۴۱ بالای حرف r در واژه δ'rwk' نشانهٔ افقی کوچکی دیده است، اما این نشانه ناشی از تغییر رنگ کاغذ است و نشانهٔ نوشته شده‌ای نیست.

به نظر می‌رسد که در سطر ۵۸ stny به st'y نیز شباهت دارد. قطعات دیگری از ترجمه‌های مختلف این سوتره^۱ در TSP به چاپ رسیده است. همان‌طور که هنینگ (Henning 1945: 465, n.2) خاطر نشان کرده است، سطرهای ۱-۱۶ از قطعهٔ P14 مطابق با سطرهای ۵۱-۶۳ در قطعهٔ Padm.^۲ و سطرهای ۱۷ به بعد از قطعهٔ P15 مطابق با سطرهای ۶۳ و بعد از آن در قطعهٔ Padm.^۳ است. جالب توجه این است که در سطر ۱۵ از قطعهٔ P14 نیز عبارت [!]|yr'yw c'δymsmr به معنای تنی^۴ jātismara آمده است.

سیمز ویلیامز (Sims-Williams 1978: 259) در این متن سطر دیگری را قبل از سطر یک تشخیص داده که آن را سطر صفر (0) خوانده است، این سطر به شرح زیر است:

0) (β)γ'yšt 'M p... .. بغان با ...

وی تصحیحات دیگری نیز در متن سغدی انجام داده است که در پانوشتن آن متن آمده است.

پی‌نوشت‌های معرفی متن

۱. متن سنسکریٹ : sūtra ← قطعهٔ Intox.، سطر ۳۲ و ۳۳، پی‌نوشت واژه.

۲. متن اصلی چینی :

- 九
七日著悉見一切伏藏十七日著阿修羅宮門自然開闢。宮中所有悉見出入無礙。十一七日著所有一切諸藥。猶如火狀對治悉皆現前。若求長命及大力者即得。十二七日著衆山開闢。寶物出現隨意取用。十三七日著龍宮自然開闢寶物出現。隨所見者皆無障礙。十四七日著欲界諸天宮殿無不開者皆悉得見。十五七日著夜黑闇中猶如白日。十六七日著地下金地金剛地水輪風輪空輪悉見。十七七日著四天下所有地獄中衆生悉見。已得見彼力故諸受苦衆生皆得解脫。十八七日著其人德力如日。十九七日著見金剛真身諸願皆滿。二十七日著見大慈悲觀世音一切願皆得滿足。二十一七日著飛騰虛空。見色界諸天宮殿皆悉開闢。復見十方諸佛菩薩及佛淨國。若一年著得五種淨眼。若能修此法者應當深信此教。憐愍衆生不得生疑。法則難成如上所說。
- 觀世音火陀羅尼藥品第六
觀世音菩薩憐愍衆生故。說火陀吉祥法。能成一切事。能破一切煩惱罪障惡業。若有怨敵皆悉降伏。微建毘那夜迦瞋心即自歇息。
- 十
不復爲害。衆人咸生愛敬。穿地作爐辟方一肘。摩梨枝摩練連白芥子酪蜜酥等分。合沈檀香木柴各長十二指橫量指。載之著爐中燒。以手抄取少許藥呪一通。放火中燒。如是滿一千八遍。能破一切業障。壽命長二百二十歲。相續七日能作呪法。壽命一千歲。身即清淨。能二七日作法。國王太子輔相凡庶歸心恭敬。三七日作法三十三天及諸眷屬。并日月四天王。與其眷屬悉來爲作衛護。勒叉金剛與大効驗。觀世音菩薩滿共大願。若國土少雨。白芥子及酥以大呪之三日。火中燒即降雨。雨多不止。取此爐中灰呪一百八遍。向四方上散。雨即止。若惡處下暴風卒起。還用此灰呪一百八遍。向有雲處遙散。即止。若常誦此呪力如那羅延。捨此身已。卽生極樂世界。在所生處常得宿命。乃至成佛。
- 爾時觀世音菩薩白佛言。世尊此梅檀心輪陀羅尼如我所說。若比丘比丘尼優婆塞優婆夷。若男若女受持者。必得成就。勿懷疑心。所憶念一切事皆得。唯須深信不得生疑。爾時佛讚觀世音菩薩言。善哉善哉。大慈悲觀世音菩薩摩訶薩。乃能說此微妙如意輪陀

۳. ← معرفی متن Vaj.، پی‌نوشت شماره ۲.

۴. متن سنسکریت : Abhidharma، نام سومین بخش از مجموعه قوانین بوداست.

(BHS GD)

۵. متن سنسکریت : Jātismara، به معنای به «یاد آوردن هستی پیشین» است.

(ASED)

c'dysmr CWRH به معنای تن Jātismara است. هنگامی که شخص در این کالبد است، هستی‌های پیشین را به خاطر می‌آورد. آن چنان که در مقدمه ذکر شد، یکی از دلایل اصلی مولر، این مطلب بود که در متن چینی فقط 宿命، که معادل با pūrvanivāsa به معنای «زندگی پیشین» است، آمده بود. (BSTBL: 12)

۶. متن سنسکریت : pūrvanivāsa به معنای «هستی پیشین، مسکن پیشین» است.

(ASED)

۷. Rotophot، به معنای عکسی است که با شیوه گود چاپ شده است.

۸. حرف نوشت متن سغدی قطعه P14، سطرهای ۱-۱۶:

- 1) γypδ 'nt'č'nty p
- 2) rtyms rkš wn't rtms β t δβ'rt y rty
- 3) ZK 'ry'rwkδyšβr pwtyst[β m']δ w'βt 'zw ms wyspw
- 4) m'nčyk mz'yy 'γδ'y s't sp[w]rny wn'm k'n rtykδ' 'wt'k
- 5) .tč.r β't ZY mw sršp' δ'wn γ'wrwyn pr'yw ptr'yδ't
- 6) čym'yδ ptsrwm'y ptsr'w't 't'ry 'wm w'n't wyt'wr 'δr[y]
- 7) [my]δ 'δry 'yšph [ywn']yδ ZK w'r' γyδ p.. 'ny'yzt
- 8) przr w'r't L' 'nč'y yk
- 9) 'št' y'wr ptsr'w't 'skys'r š[š't].....
- 10) [r]tykδ' γnt'k w't 'nyz't zyδ[n] ty pčkw'yr
- 11) 'nk'yr'y 'š'k 's'y 100 'št' y'wr ptsr'w'y

- 12)[čt|β'r kyr'n š's'y ywn'yδ 'nč'yt č'wn ywn'k t'rn|y]
 13)z'w'r'y w'γwn't z'wrkyn y'γy βwt 'YKZY
 14)[č'n']kw γyδ γr'ywh prw'yr't 'krt'rzl'k k'w swkβty
 15) [rwkδ't] "z'yt r'm'nt č'δymsmr γr'yw βyrt ZY zy'rt mw
 16)δβr'(?) βyrt □

(۱) خودگروهی

(۲) و نیز نگاهداری^۱ کند و همچنین

(۳) بدی ستوه^۲ آریا و لوگی تیشوره^۳ چنین گوید: من همچنین همه^۴

(۴) آرزوی بزرگ ذهنی جملگی کامل خواهم کرد و اگر سرزمین

(۵) بی باران^۵ باشد و این دانه خردل^۶ همراه با کره درآمیزد

(۶) از این مَنْتَر^۷ تقدیس کند، آذر-ام^۸ کند تا سه

(۷) روز، سه شب، همان دم باران پس ... برخیزاند ...

(۸) ... بیشتر ببارد، نایستد ...

(۹) ... هشت مرتبه تقدیس کند سوی بالا پیاشد ...

(۱۰) ... و اگر باد بد (= اهریمنی) برخیزد، تگرگ ... ترس

(۱۱) ... باشد که خاکستر اجاق بردارد، باشد که ۱۰۸ مرتبه تقدیس کند

(۱۲) ... باشد که چهار کران پیاشد همان دم ایستد این دارنی^۹

(۱۳) ... زورمند چنین نیرومند دلیر باشد چونان که

(۱۴) ... چونان که این تن (= شخص) بگرداند (= تغییر دهد) حتماً در سوکاوتی^{۱۰}

(۱۵) لوکه داتو^{۱۱} زاده شود همیشه تن جاتیسمره^{۱۲}

(۱۶) یابد و همان دم این را ... بخشنده^{۱۳} یابد.

پانوشته ها

۱. ← قطعه Padm.، سطر ۵۱، پی نوشت واژه.

۲. ← قطعهٔ Vaj.، سطر ۹، پی‌نوشت واژه.
۳. ← قطعهٔ Padm.، سطر ۲۴، پی‌نوشت واژه.
۴. ← قطعهٔ Vaj.، سطر ۵، پی‌نوشت واژه.
۵. در متن سغدی t č.r. آمده است که من آن را mntw'r خوانده‌ام.
- ۶ و ۷ و ۸ و ۹. ← قطعهٔ Padm. به ترتیب سطرهای ۵۴، ۴۵ و ۵۹، پی‌نوشت واژه‌ها.
- ۱۰ و ۱۱ و ۱۲. ← قطعهٔ Padm.، سطرهای ۶۱ و ۶۲، پی‌نوشت واژه‌ها.
۱۳. در متن (δβr'?) آمده است که من آن را δβr'y خوانده‌ام.

۹. حرف نوشت متن سغدی قطعهٔ P15، سطرهای ۱۷ - ۲۰:

- 17) pr'ywyδ zmnw "ry'brwkδyšβr pwtystβ kw βγ'n βγtm
- 18) pwty m'δ pt'yškw y βč'npδy γwyštr' m'yδ č'nw mn' prβ'yrt
- 19)zmny čkkrβrt wt'w'n t'rny kδ' β't šmny šmn[nc]h
- 20) [wp]'s'k wp's'nčh ky γtw pčγrβ't δ'r't rty ZYm[s]

- ۱۷) در این زمان بدی ستوه^۱ آریا و لوکی تیشوره^۲ به بغان بغتم^۳ (= خدای خدایان)
- ۱۸) بودا^۴ چنین عرض کرد: سرور جهان این طور چنان که من شرح دهم
- ۱۹) ... زمان، خداوند (= سرور) چکزورتی^۵ دارنی^۶ اگر باشد شمن^۷، شمن بانو^۸
- ۲۰) او پاسگه^۹، او پاسیکا^{۱۰} آن که پذیرد [و] بدارد پس همچنین

پانویس‌ها

۱. ← قطعهٔ Vaj.، سطر ۹، پی‌نوشت واژه.
- ۲ تا ۸. ← قطعهٔ Padm.، به ترتیب سطرهای ۲۳، ۶۴، ۳۲، ۵۹، ۶۶، پی‌نوشت واژه‌ها.
۹. ← قطعهٔ Intox.، سطر ۳۵، پی‌نوشت واژه.
۱۰. ← قطعهٔ Padm.، سطر ۶۶، پی‌نوشت واژه.

۱۰. ← معرفي متن Padm. ، پی نوشت شماره ۵.

حرف نوشت متن سغدی^۱

- 1) 'wsty'y rtšy ''δ'(k)² [a]
- 2) z'yh nyct'y yzny s['t³ [b]
- 3) ''swrty ZK šyr'k δβr[y⁴ [c]
- 4) 'PZY '(w)δ pt[⁵ [d]
- 5) ''δprm rw(r)[h⁶ ''tr] [e]
- 6) kršn wyn'[ncy βwt [f]
- 7) k'm't rtšy ZK wyspy (rw)[⁷ [g]
- 8) 'wsty'y rty ZKh yrth s't[⁸ [h]
- 9) s't wyn'ncy βwt rtšw 'pw pc(γ)w'kw⁹ rtkδ 13] [i]
- 10) 'βtmyδ 'wst'y rty ZKw n'k'n [š'ykn? [k]
- 11) (w)yspw 'pw pcγw'kw wynt rtkδ [1](4 'β) tmyδ 'wst(y'y)¹⁰[rty] [l]
- 12) nyst w'γwn'y βγγ'st'n ZY δm'nth 'kyZY wyspy γwyc(k)[']¹¹ [1]

۱. سیمز ویلیامز برخی واژه‌ها را در این متن به صورتی متفاوت از مکتبی (BSTBL) نشانه‌گذاری و قرائت کرده است (Sims-Williams 1978: 258). موارد اختلاف در پانویست آمده است.

۲. سیمز ویلیامز: ''δ'k (این قرائت قطعی است)

۳. سیمز ویلیامز: s't[

۴. مکتبی: δ(β)[r

۵. سیمز ویلیامز: 'wδ pt(r)[yt(?)t](γ)t'[βwt (این قرائت احتمالی است)

۶. مکتبی: rw[rh

۷. سیمز ویلیامز: wyspy R(BK) ['(?)

۸. سیمز ویلیامز: s't(γ)[wyck' βnt

۹. مکتبی: pc[γw'kw?

۱۰. سیمز ویلیامز: rtkδ(14) ('β)tm (y) δ'wsty'y

۱۱. سیمز ویلیامز: γwy ck (')[

- 13) L' β'y'nt L' ZYšn wyn'y rtkδ 15 β'tmyδ 'wsty'y [rty]¹
 14) 'wyh t'rch 'γšph 'ywywncyδ wynt 'YKZY pr r'wšny (m)[yδ]²
 15) rtkδ 16 β'tmyδ 'wsty'y rty 'pyšm z'yh c'δr wβ[yw]³
 16) ZKw zyrnyn'k z'yh ZY ZKw βcyryn'k z'yh ZY ZKw "ph 'PZY [5]
 17) ZKw w't ckk r ZY 'kw w'r'k "k'c prm s't wynt rtkr (!)⁴ 17
 18) β'tmyδ 'wsty'y rty pr c'β'r 'βc'npδ 'cw tm(t)' '(s)t'nt 't
 19) tm'yk' w'tδ'r rtšn s't wynt rty cnn 'myny wyn z'wr pyδ'r
 20) wyspy cnn 'βzy' βr's βwys'nt rtkδ 18 β'tmyδ 'wsty'y
 21) rty ZK prn ZY z'wr γwr 'ywnzn' βwt rtkδ pr 19 β'tmyδ [10]
 22) 'wsty'y rty 'wyn βcrp'n ZKw "mtyc CWRH wynt rtšy wyspw
 - 23) y'n ZY "γδ'kw βγšty rtkδ 20 β'tmyδ 'wsty'y rty ZKw RBk' z'ry
 24) 'sy'yn'k "ry'βrwkδyšβr wynt 'tšc ms ZKw wyspw y'n 't
 25) "γδ'kw s't βyrt rtkδ 21 β'tmyδ 'wsty'y rty ZK "k'cy zywyty
 26) rty s't βγyst'n γwyck' wynt ZY ZKw wyspw pwt'yšt 'M pwtystβty [15]
 27) 'M pwtkš'ytrty s't wynt rtkδ 'yw srδ 'nβr'kw 'wsty'y rty ZKw
 28) pnc znk'n r'wšny cšmy βyrt rty 'ky mwn'kw 'rkh 'škr't rtšy
 29) pr'ymyδ ywk' s'ct ZK pyr δryty ZY pr wyspw w'tδ'r ZKw z'ry
 30) m'n wn'y rty przy'm ZKw δβnh L' 'ny'yz'y rty 'mw 'ywywncyδ
 31) sytt βyrt 'YKZY nyš prβ'yr't δ'r'm || rty ywn'k 'myn
 "[ry'βrwkδyšβr [20]

۱. مکتزی: m(y)[δ]

۲. مکتزی: 'wsty'y r[ty]

۳. سیمز ویلیامز: wβ [yw] در حال حاضر به نظر می‌رسد که نمی‌شود به این طریق قرائت کرد. شاید

۴. سیمز ویلیامز: rtkr به غلط به جای rtkδ آمده است. در سطر ۲۱ نیز چنین است.

- 32) ckrβrt cynt''mny cšmy rwrh βyšykrn prykr'k [..... prw'rt?
- 33) pncmyk pty'ms ||
- 34) rtms ZK ''ry'βrwkδyšβr pwtystβ wsn w'tδ'rty z'ry 'sy'y pyδ'r 'm[y]^۱
- 35) ''tr 'wm pδkh^۲ pr'γ'z prβ'yr't ZKZY 'mw s't 'rkh sytt wnty 'PZY
- 36) ZKw wyspw 'krt'nyh 'nyw'yt ZY pr wyspw s'n ZY pr kynβr wn'wn'k[25]
- 37) βwt ZYms ZK wyspw βykn βyn'ywk' 'wr'ms'nt m'd 'tšy 'mw pcyw'k
- 38) L' wn'nt ZY wyspn'y pīs'yntmrtyk (!) βwt rty wn'y z'yh kntk 'nk'yr
- 39) ctβ'r kws'y 'yw ''r'ync pīm'ky rty cntn ZY mr'ynck' nβr'γtk ryz'kh
- 40) βwt ZY šywšpδn ZY cšth ZY 'nkwpyn ZY γ'wrwyn cnn wyspn'c my'wn
- 41) w'β'yδ wn'y rtšy ptr'(y)δ'y ZY ZKw βwδ'ntk δ'rwk' 'mw wyspw [30]
- 42) 12 12 'nk'wšt prw ptm'k 'pyw'y'y rtšw ''tr wn'y rty cymyδ
- 43) 'yδcw^۳ 1LPW št y'wr syw'y'y rtšw wyspw 'ywp't pīsr'w'y ZY pr
- 44) ''tr 'wsty'y rtšy 'mw wyspw 'krt'nyh^۴ s't 'nyw'yt rtšy ZK
- 45) zw'n δwy 100 20 srδ βwt rtkδ 'βt myδ 'nβr'kw mwn'kw 'wm pδkh
- 46) wn't rty ZK 1LPW srδy zwt 'tšy^۵ ZK CWRH 'ws'γtk ZY zp'rt [35]
- 47) βwt rtkδ δw' 'βtmyδ 'wm wn'y rtšy ZK γwt'w ZY wyspδryt 't
- 48) myδβt' 'M 'nytk n'β wyspy ''δ'k pry wn'nt rtkδ δry 'βtmyδ
- 49) 'wm wn'y rty ZK 'δδβγ 'M 32 βγyst'ncykty βγ'yšty wyspy 'M
- 50) γypδ 'nt'cy ''ys'nt wβyw ZK γwr ZY m'x ZY ctβ'r my'r'c

۱. سیمز ویلیامز: m(y) / (w) از لحاظ دستور زبان m(w) مناسب‌تر است.

۲. مکنزی: pδkr

۳. مکنزی واژه فوق را با تردید به صورت δcw هم قرائت کرده است. بسنجید با y- در واژه 'ys'nt ،

همین متن، سطر ۵۰.

۴. مکنزی: 'krtknyh

۵. مکنزی: 'tsy

- 51) $\beta\gamma'y\dot{s}t \delta'wn \text{ wyspn}'\delta \beta ytt'y'trtt \text{ pr}'yw \text{ ''ys}'nt \text{ rt}\dot{s}y \text{ ZKw rkk}\dot{s}$ [40]
- 52) $wn'nt \text{ rt}\dot{s}y \text{ ZK } \beta crp'n \text{ mz}'yx \text{ sytt } \delta\beta rty \text{ ZY}\dot{s}y \text{ ZK rwk}\delta y\dot{s}\beta r'$
- 53) $wyspw \text{ m'ncykw ''}\gamma\delta'kw \text{ s't } \delta\beta rty \text{ rtk}\delta \text{ 'my 'wt'ky mntw'ry } \beta't$
- 54) $rt\dot{s}y \text{ ZKw sr}\dot{s}p \text{ ZY } \gamma'wrwyn \text{ cym'y}\delta \text{ ptsrwm ptsr'w'y } \delta ry \text{ my}\delta$
- 55) $'wy \text{ ''tr 'wm wn'y } rty \text{ ywny}\delta \text{ w'rt rtk}\delta \text{ ZK w'r pr}zr \text{ w'r't } rty$
- 56) $wy\delta \text{ ''}\dot{s}'kw \text{ 100 '\dot{s}t } y'wr \text{ ptsr'w'y } rt\dot{s}w \text{ 'skys'r } \dot{s}\dot{s}'y \text{ rty } ywn'y}\delta$ [45]
- 57) $ZK \text{ w'r 'nc'y}t \text{ rtk}\delta \text{ ZK } zy\delta n \text{ 'wpt't } k'm \text{ ZY } \gamma nt'k \text{ w't 'ny}z't$
- 58) $rtms \gamma y\delta \text{ ''}\dot{s}'y \text{ 100 '\dot{s}t } y'wr \text{ ptsr'w'y } rty \text{ pr'y}\beta'k \text{ stny } kyr'n$
- 59) $\dot{s}\dot{s}'t \text{ rty } \gamma y\delta \text{ 'nc'y}t \text{ rtms } k\delta' \text{ mwn'kw t'rn'y } r'm'nt \text{ w'}\beta't \text{ rty}$
- 60) $w'\gamma wn'k \text{ z'wrkyn } ZY \text{ y'}\gamma y \beta wt \text{ 'YKZY } ZK \text{ n'r'y'n } rty \text{ c'n'kw mwn'kw}$
- 61) $CWRH \text{ prw'yrt't } rty \gamma y\delta \text{ 'krt'rzt'w 'kw swk'}\beta ty \text{ rwk}\delta'th$ [50]
- 62) $''z'yt \text{ rtms } kt'm \text{ ''z'wny ''z'yt } rty \text{ ZK } r'm'nt \text{ c'}\delta ysmr \text{ CWRH}$
- 63) $\beta yrt \text{ mryw 'kw pwt'y'kh } prn \beta yr'y \text{ prm} | | \text{ rtms } prywy\delta \text{ zmnwh}$
- 64) $ZK \text{ ''ry'}\beta rwk\delta y\dot{s}\beta r \text{ ZKw } \beta \gamma'n \beta ytm \text{ pwt'y } m'\delta \text{ pt'y}\dot{s}kwy \text{ pk'}\beta'm \text{ ywn'k}$
- 65) $ckr\beta rt \text{ cynt''mny t'rn'y } ZKZY \text{ 'zw } pr\beta'yrt'w \delta'r'm \text{ rt}\dot{s}w \text{ kt'r } \beta't$
- 66) $\dot{s}mny \text{ 'WZY } \dot{s}mn'nch \text{ kt'r 'wp's'k 'WZY } wp's'nch \text{ kt'r } mrt'y \text{ 'WZY}$ [55]
- 67) $'ynch \text{ ZKZY}\dot{s}w \text{ ptyrt'}\beta't \text{ ZY } \delta'r't \text{ rty } ZK \text{ 'ywywny}\delta \text{ 'pw } \delta\beta n \text{ 'krt'rztw}$
- 68) $ZKw \text{ sytt } |\beta yr't? \quad |w^1 \text{ wyspw } \beta yrt \text{ yw'r}$
- 69) $ZY \text{ r'm'}|nt^2 \quad |(\delta)^3$
- 70) $ZK \beta \gamma|'n \beta ytm^4 \text{ pwt'y}$

۱. سیمز ویلیامز: $ZKw \text{ sytt } \beta(y, r, t) \dots \delta[.] \dots [rt] \dot{s}w$

۲. سیمز ویلیامز: $r'm'nt|$

۳. سیمز ویلیامز: $|\delta| \dots |(.w)|$

۴. سیمز ویلیامز: $\beta \gamma'n \beta ytm$

71) rty m' [δ¹ 'NY ~ W

[60]

72) my''s(t) [β

73) prβ'yrt' [t δ'r'y²

74) ZKZY myšn [

75) pr m'n (šm) ['r'nt³

۱. سیمز ویلیامز: m'δ [

۲. سیمز ویلیامز: prβ'yrt' [δ'r'y

۳. مکنزی: pc؛ سیمز ویلیامز: چنین. بسنجید با P15.28.

برگردان فارسی

- (۱) "اگر [آن را برای ۹ هفت روز (= هفته)] به کار ببرد^۱ آن‌گاه از آن هرکس (؟) [
- (۲) همه | اگنج مدفون در زمین [را خواهد دید] |
- (۳) [اگر آن را برای ۱۰ هفت روز به کار ببرد] درو [ازه‌های نیک^۲ اسوره‌ها^۳
- (۴) خود به خود باز خواهند شد، دارایی‌های کاخ‌ها آشکار خواهند شد و ورود و خروج] (به) آنجا (؟)
- (۵) [بدون ممانعت خواهد بود. اگر آن را برای ۱۱ هفت روز به کار ببرد همه] هرآنچه دا [رو به]
- (۶) شکل [آتش و نوشدارو (؟)] دید [نی شود].
- (۷) [اگر کسی زندگی دراز و زور بسیار] بخواهد پس به او همه^۴ داده خواهد شد.
- (۸) [اگر آن را برای ۱۲ هفت روز] به کاربرد^۱ آن‌گاه کوه‌ها همه [شکافته خواهند شد و چیزهای گرانبها]
- (۹) همه دیدنی شود و از آن بی ممانعت^۵ آنچه می‌خواهد برخواهد داشت. آن‌گاه اگر آن را برای ۱۳ |
- (۱۰) هفت روز به کاربرد^۶، پس [کاخ^۷ | ازدهایان^۸ | خود به خود بازخواهد شد و او]
- (۱۱) همه^۴ [چیزهای گرانبها] را بی ممانعت^۵ ببند و اگر [آن را ۱۴ هفت | روز به کاربرد^۱ آن‌گاه
- (۱۲) نیست آن‌گونه بغستان یا مان^۹ که همه^۴ گشاده
- (۱۳) نشوند^{۱۰} و آنها را نبیند^{۱۰}. پس اگر ۱۵ هفت روز به کار ببرد^۱ آن‌گاه
- (۱۴) در شب تار همان‌گونه ببند چنان‌که در [روز] رخشان
- (۱۵) و اگر ۱۶ هفت روز به کاربرد^۱ آن‌گاه بر آن اساس زیر زمین هم
- (۱۶) زمین زَرین را و زمین وَجْزَه^{۱۱} (= الماس‌گون، پرتالو) را و چرخ^{۱۲} (های)
- (۱۷) آب و باد را تا فضا^{۱۳} (= آکاشه) ی تهی^{۱۴} جملگی ببند و اگر ۱۷

(۱۸) هفت روز^{۱۵} به کار برد^۱ آن گاه در چهار جهان^{۱۶} آنچه دوزخ ها^{۱۷} آستند^{۱۸} و
 (۱۹) جاندار دوزخی؛ آنها را جملگی ببند و به سبب این زور^{۱۹} (= نیرو) بینایی^{۲۰}
 (۲۰) همه^۴ از پادافره بد رها نیده شوند و اگر ۱۸ هفت روز به کار برد^۱
 (۲۱) پس فر^{۲۱} و زور^{۱۹} (او) خورسان (= همانند خورشید) شود و اگر در ۱۹ هفت
 روز

(۲۲) به کار برد^۱ آن گاه تن راستین و جرّ پانی^{۲۲} را ببند و به او همه^۴
 (۲۳) یان (= حاجت) و آرزو بخشد و اگر ۲۰ هفت روز به کار برد^۱ پس آریاؤلوکی
 تیشوره^{۲۳}
 (۲۴) بزرگ مهرورزنده^{۲۴} را ببند و از او همچنین همه^۴ یان و
 (۲۵) آرزو را جملگی یابد. و اگر ۲۱ هفت روز به کار برد^۱ آن گاه او به فضا^{۲۳} بالا برده
 شود^{۲۵}

(۲۶) و همه بغستان گشاده ببند و همه^۴ بودایان^{۲۶} را با بدی ستوه ها^{۲۷}
 (۲۷) بابودا کشته ها^{۲۸} جملگی ببند و اگر یک سال پی در پی^{۲۹} به کار برد^۱ آن گاه
 (۲۸) پنج گونه چشم رخشان را یابد و آن که این کار را پی بگیرد پس او را
 (۲۹) در این آموزش باید باور داشتن (= باید به این تعالیم ایمان داشته باشد) و بر همه^۴
 جاندار، منش را

(۳۰) مهرورز^{۳۰} کردن (= و باید نسبت به همه جانداران شفقت داشته باشد) و به هیچ
 روی (نباید) دودلی را برانگیختن و این گونه

(۳۱) کامیابی^{۳۱} را یابد که اینک شرح داده ام. این آریاؤلوکی تیشوره^{۲۳}
 (۳۲) چکورتی^{۳۲} - چیتامنی^{۳۳} [نسخه] چشم داروی درمان بخش آرام گر^{۳۴} را
 (۳۳) پنجمین [فرگرد (= بخش)] فرجامیده شد^{۳۵}
 (۳۴) و همچنین آریاؤلوکی تیشوره^{۲۳} بدی ستوه^{۲۷} به سبب مهرورزیدن (= شفقت
 نسبت) به جانداران

(۳۵) آذر - ام^{۳۶} - درمه^{۳۷} آغاز کرد بیان کردن که همه کار را توفیق دهد^{۳۸ و ۳۹}

(۳۶) همه^۴ کردارِ بد (= گناه)^{۳۹} را بشکند (= از بین ببرد) و بر همه^۴ دشمن و برکین ور^{۴۰}

چیره

(۳۷) شود و همچنین همه^۴ و یگانه و ینایکه^{۴۱} (ها) آرام شده‌اند، چنان که او را ممانعت^{۴۲}

(۳۸) نکنند و برای همه^۴ دلپسند شود. «باشد که کُند (= بسازد، حفر کند) آتشدانِ زمین کُنده

(۳۹) چهارگوشه، یک آرنج^{۴۳} پیمان (= باشد که او اجاقی حفر شده در زمین، چهارگوش و به اندازه یک ذراع بسازد) و چوب صندل^{۴۴} و مرنچک^{۴۵} – برنج کوبیده شده

(۴۰) باشد – و خردل سفید و کومیس^{۴۶} و انگبین و روغن گاو از همه هم‌گون (= یکسان) باشد که

(۴۱) چندان کُند و باشد که آن را آمیزد و دارِ (= چوب) بوبنده (= بویا و معطر) را، همه^۴ را باشد که

(۴۲) ۱۲، ۱۲ انگشت به پیمان بُرد و باشد که آن را آتش کُند (= او همه چوب‌های معطر را چنان بُرد که درازای هر یک از آنها به اندازه پهنای ۱۲ انگشت باشد و از آنها آتش درست کند) و از این

(۴۳) چیز (مخلوط) باشد که ۱۰۰۸ بار بردارد و باشد که آن را همه^۴ یک بار^{۴۷} (بامنتر) تقدیس کُند و باشد که بر

(۴۴) آذرگذازد^۱ و همه^۴ کردارِ بد^{۳۹} او جملگی شِکند (= باشد که آن را بر آتش بگذارد و آن تمام گناهانش را از بین خواهد بُرد) و

(۴۵) زندگی او دو صد (و) بیست (= ۲۲۰) سال شود و اگر هفت روز پی در پی^{۲۹} این اُم^{۳۶} - درمه^{۳۷} را

(۴۶) بکُند (= به جای آورد) آن‌گاه او هزار سال زیَد (= عمر خواهد کرد) و تن او پاکیزه و زودوده^{۴۸}

(۴۷) شود و اگر دو هفت روز اُم^{۳۶} کند^{۱۰} آن گاه او را خدای (= شاه) و ویسپوهران (= شاهزادگان) و

(۴۸) وزیران^{۴۹} با همه مردم، همه کس، دوستی کنند و اگر سه هفت روز
(۴۹) اُم^{۳۶} کند^{۱۰}، آن گاه آذیغ (= خدای برین، سرور خدایان) با ۳۲ بغان^{۵۰} بغستانیان
(= خدایان مقیم جایگاه خدایان) همه^۴ با

(۵۰) انجمن^{۵۱} (= امت) خویش آیند، هم خورشید و هم ماه و چهار مهاراجه^{۵۲}
(۵۱) بغان^{۵۳} همراه با همه وید یادره^{۵۴} آیند و او را نگاهداری^{۵۵}
(۵۲) کنند و به او و جر پانی^{۶۲} کامیابی^{۳۱} بزرگ دهد و به او اولوکی تیشوره^{۵۶}
(۵۳) همه^۴ آرزوی قلبی را جملگی دهد و اگر مکان بی بارانی باشد،
(۵۴) دانه خردل^{۵۷} و روغن گاو را با این متر^{۵۸} (= کلام مقدس) باشد که تقدیس
کند^{۱۰} سه روز

(۵۵) آذر - اُم^{۳۶} کند^{۱۰} (= باشد که آتش - اُم را به جای آورد) و همان دم بازد و اگر
باران بیشتر بیارد پس

(۵۶) آن خاکستر را ۱۰۸ بار تقدیس کند^{۱۰} و آن را سوی بالا پاشد^{۱۰} و همان دم
(۵۷) باران ایستد و اگر تگرگ خواهد بیارد و باد گنده (= بد و اهریمنی) برخیزد
(۵۸) پس همچنین همان خاکستر را ۱۰۸ بار تقدیس کند^{۱۰} و آب رستان کران^{۵۹}
(۵۹) (= به طرف آب) پاشد و آن گاه ایستد و همچنین اگر این دارنی^{۶۰} را همیشه بگوید
پس

(۶۰) چنان زورمند و دلیر شود چونان نارائنه^{۶۱} و هنگامی که این
(۶۱) تن بگردد (= بدن او دگرگون شود)، پس آن گاه بی گمان در سوکاوتی لوکه داتو^{۶۲}
(دوباره)

(۶۲) زاده شود و نیز (در) هر کدام زندگی (= در هریک از زندگی های مکرر) زاده شود
پس او همیشه تن جاتیسمره^{۶۳}
(۶۳) یابد یکسان تا یافتن فره^{۶۴} بودایی (= تا حصول بوداشدگی). همچنین در آن زمان

- (۶۴) آریا و لوکی تیشوره^{۲۳} بودای^{۲۶} بغان بغتم^{۶۵} (= خداترین خدایان) را چنین عرض کرد: «بِگَوَن (= ای بگوت)^{۶۶}، این
- (۶۵) دارَنی^{۶۰} چَکَرَوَرَتی^{۳۲} - چَتامَنی^{۶۷} که من شرح داده‌ام، او خواه بود
- (۶۶) شَمَن^{۶۸} (= راهب) خواه شَمَن بانو (= راهبه) خواه او پاسَکَه^{۶۹} (= پیش‌نشین) خواه او پاسیکا^{۷۰} (= پیش‌نشین بانو) خواه مرد خواه
- (۶۷) زن، آن که آن را برگیرد (= پذیرد، درک کند) و بدارد (= نگاه دارد)، پس او به یک گونه (= یکسان) بی‌گمان قطعاً
- (۶۸) کامیابی^{۳۱} را [بیابد] همه^۴ را یابد [آنچه او ممکن است به یافتن آن بیندیشد] اما
- (۶۹) همیشه [باید ایمانی ژرف داشته باشد و شک نکند]. آن‌گاه |
- (۷۰) بودای^{۲۶} بغان بغتم^{۶۵} بُدی ستوه^{۲۷} آریا و لوکی تیشوره^{۲۳} را آفرین خواند |
- (۷۱) و [چنین فرمود: «آباد، آباد (= آفرین، آفرین) بدی ستوه^{۲۷} آریا و لوکی تیشوره^{۲۳}
- (۷۲) مِهاسَتَه^{۷۱} که تو |
- (۷۳) شرح [داده‌ای آموزش عالی] دارَنی^{۶۰} چَتامَنی^{۳۳} - چَکَر^{۱۲} - را و سود
- رسانده‌ای به هستانِ گوناگون ... |
- (۷۴) که از اینها ... |
- (۷۵) ... به منش شمارَند (= در دل یاد کنند)

پی‌نوشت‌های برگردان فارسی

۱. متن سغدی: 'wsty'y، به معنای «باستاناد»، این فعل در متن سغدی در وجه تمنایی (= خواستاری) آمده است.

۲. šyr'k در متن چینی مترادفی ندارد. 宮門 به معنای «درِ قصر» آمده است. امکان دو نوع اشتباه وجود دارد: یکی آنکه نسخه‌بردار šyr'k را به غلط به جای š'ykn به معنای «قصر» خوانده باشد و دیگر آنکه مترجم (چنانچه از متن چینی ترجمه می‌کرده است) 善 به معنای «خوب، نیک» را به غلط به جای 宮 خوانده باشد. (BSTBL: n.p10)

۳. متن سنسکریت: asura، از دوران هند و ایرانی، خدایان به دو گروه «دئو» و «اسوره» (در اوستا daeva و ahura) تقسیم می‌شده‌اند. در ایران این جدایی صورت قاطعی یافت و «دئو»‌ها، یعنی خدایان به ردیف اهریمنان تنزل یافتند و daeva به «دیو» بدل شد. در هند عکس این قضیه انجام پذیرفت.

۴. متن سنسکریت: sarva، ← قطعه، Vaj.، سطر ۵، پی‌نوشت واژه.

۵. در مقابل [pw pc] سغدی، در متن چینی 隨意 به معنای «به اراده، به خواست، به میل» آمده است که در متن سغدی انتظار می‌رود واژه pyšm m'n به معنای «مطابق با منش (= اراده و خواست)» بیاید. «بدون ممانعت، بدون مزاحمت» در سطر ۱۱ 無障礙 است. (BSTBL: n. p10)

۶. این فعل در متن سغدی از ماده مضارع -wst و در وجه تمنایی آمده است.

۷. متن سنسکریت: setu، به معنای «تودهٔ خاکریز، سد، چینه و تپهٔ کوچک» است.

(ASED)

۸. متن سنسکریت: nāga، به معنای «افعی - هیولا» است. (BHSGD)

۹. حرف ربط zy در عبارت βγγ'st'n zy ðm'nth ترجمهٔ نادرستی از 天宮殿 به معنای «قصر دئو»‌ها، مسکن خدایان را پدید آورده است. در سطر

۲۶ همان نشانه‌های متن چینی به سادگی $\beta\gamma\gamma st'n$ ترجمه شده‌اند. (BSTBL: n.p10)

این واژه در متن سغدی به صورت جمع و به معنای «مان‌ها یا خانه‌ها» است.

۱۰. این فعل در متن سغدی در وجه تمنایی آمده است.

۱۱. متن سنسکریت: vajraka، به معنای «پرت‌آلو، پرزرق و برق، الماس خیز» است.

(BHS GD)

۱۲. متن سنسکریت: cakra، به معنای «چرخ» است. (ASED)

۱۳. متن سنسکریت: ākāśa ← قطعه. Vaj.، سطر ۱۹، پی‌نوشت واژه.

۱۳. عبارت zkw "ph..."k'c prm ترجمه‌ای آزادتر از متن چینی است که در آن

متن «چرخ آب، چرخ باد، چرخ فضا» آمده است. (BSTBL: n. p10)

متن سنسکریت: śūnya، ← قطعه. Vaj.، سطر ۱۹، پی‌نوشت واژه.

۱۵. عدد ۱۷ به درستی xiiii iii نوشته شده است، نه آن طور که مولر خوانده است.

(BSTBL: n. p10)

۱۶. بوداییان به چهار جهان زیرین یا پست معتقدند، یعنی جهان حیوانی، جهان

ارواح، جهان اهریمنی، جهان دوزخی (= نیریه niraya به معنای «حالت‌های غم‌انگیز»).

نیریه، دوزخی همیشگی نیست که موجودات تا ابد در آن رنج بکشند. موجود دوزخی

تازمانی که از کردارهای بد پاک نشده در نیریه می‌ماند و پس از پاک شدن از آن بیرون

می‌آید. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۳۴)

۱۷. دوزخ‌های بودایی به طور کلی به دو گروه دوزخ‌های سوزان و دوزخ‌های سرد

تقسیم می‌شوند. برای توضیح بیشتر درباره تعداد و انواع و نامهای هریک از این دو

گروه ← Hasting 1971: vol.4, 133-135, under "Unhappy Existence"

۱۸. بنونیست (Benveniste 1937: 496) این عبارت را tm.[...]γt'yt خوانده است.

سیمز ویلیامز آن را tm (t)' (s)l'nt قرائت کرده و مکتزی این قرائت را پذیرفته است.

در متن چینی فقط عبارت «موجوداتی که در دوزخ‌اند» آمده است، اما در سغدی

«دوزخ‌ها» افزوده شده است. (BSTBL: n. p10)

۱۹. متن سنسکریت: bala، به معنای «نیرو یا قدرت» است. (BHS GD)
۲۰. متن سنسکریت: dṛṣṭi، به معنای «دیده، باصره، بینایی و بینش» است. (BHS GD)
۲۱. متن سنسکریت: śrī، به معنای «روشنی، اقبال نیک، شکوه موفقیت و شکوه سلطنت» است. (ASED)
- و نیز متن سنسکریت: guṇa، به معنای «امتیاز، مزیت، تفوق و برتری» است. (BHS GD)
۲۲. vajra صورت بسط یافته‌ای از 金剛 چینی معادل با vajra سنسکریت است – به عبارت دیگر بدون نشانه اسم ساز 𑖦 آمده است. (BSTBL: n. p10)
- vajrapāṇi، یکی از چهار بُدی ستوه تفکر و مراقبه است. این چهار بُدی ستوه پروردگاران عالم طبیعی‌اند و آفرینش آنان ناپایدار و فانی است. (داریوش شایگان، ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۱۷۸)
۲۳. Āryāvalokiteśvara، نام یکی از بُدی ستوه‌های مقدس و مشهور است که مقام اوّل را در فهرست بُدی ستوه‌ها دارد. (BHS GD)
۲۴. متن سنسکریت: kāraṇika، به معنای «دلسوز، شفیق، همدرد، رحیم و بخشنده» است. (ASED)
۲۵. در واژه zywzty، از آنجا که حرف اوّل به y- بعدی نچسبیده است، بی‌تردید z- قرائت می‌شود. – چنین تمایزی نیز میان z و n در prz-γ'm در سطر ۳۰ و در واژه 'krt'rz - t'w در سطر ۶۱ و در 'z - 'wny در سطر ۶۲ مشاهده می‌شود. فقط نیمی از پیشنهاد هنینگ (Henning 1937: 97, on b88) به صورت nywzty صحیح است. این فعل ترجمه 飛騰 = abhyudgacchait و احتمالاً uz-wazyā < *zewž- / *zewž- است که صورت مجهولی از فعل اوستایی uzwaza- به معنای «سوق دادن به بالا، راندن به بالا» است. شکلی که مستقیماً از صورت اوستایی آن مشتق شده احتمالاً zwz- است که «پرواز کردن، رها کردن (تیر)» معنا می‌دهد. این

شکل در سغدی مسیحی دیده می‌شود. (BST II 892 = C2/16, 21) و نیز ←
Benveniste 1929: 301. اما واژه zūz که بنویست آن را «سوراخ شدگی» ترجمه کرده
واژه‌ای بی‌اصل یا «شبح واژه ghost word» است که در اثر استمرار در قرائت نادرست
دستنویس ایجاد شده است. (BSTBL: n. p10)

۲۶. buddha، بنیانگذار آیین بودایی. برای توضیح بیشتر ← هانس ولفگانگ
شومان، ۱۳۶۲: صص ۱۰۵-۱۰۸.

۲۷. متن سنسکریت: bodhisattva، به معنای «بودای بالقوه» است ← قطعه Vaj،
سطر ۹، پی‌نوشت واژه.

۲۸. متن سنسکریت: buddhakṣetra، به معنای خطه «بودا، قلمرو بودا و سرزمین
بودا» است. (BHSGD)

۲۹. 'nβr'kw در سطر ۴۵ مطابق 相續 است که در (Mvy. 104, 89) ترجمه
prabandha به معنای «استمرار، تداوم» است. در اینجا، یعنی در متن چینی معادلی
ندارد. به نظر می‌رسد که این واژه صفت فاعلی از فعل *nβr- باشد که در قطعه P2 سطر
۶۹۸ به صورت mñβr به معنای «(لباسش را) تدارک دید» آمده است.
(BSTBL: n. p10)

۳۰. متن سنسکریت: karuṇā، به معنای «دلسوز، همدرد، شفیق و رحیم» است.
(ASED)

و نیز متن سنسکریت: sauratya، به معنای «بخشنده‌گی، مهربانی و نرمی» است.
(BHSGD)

برگردان واژه به واژه عبارت ZKw z'ry m'n wn'y در زبان سغدی چنین است:
«منشِ دلسوز را کردن».

۳۱. متن سنسکریت: siddhi، به معنای «موفقیت» است. (ASED)

۳۲. متن سنسکریت: cakkravarti، به معنای «فرمانروای جهان یا گرداننده چرخ
گیتی» است. بدی ستوه‌ای که به این مقام می‌رسد از پلیدی‌های بشریت پاک و منزّه

است، ولیکن هنوز به مقام خدایی نرسیده است. وی در این مقام واجد کلیه شرایط بودای آتی است. (داریوش شایگان، ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۱۷۷)

۳۳. متن سنسکریت: *cintāmaṇi*، «گوهر اندیشه، جواهری افسانه‌ای که تمام آرزوهای صاحبش را برآورده می‌کند، نام دارویی که با جیوه تهیه شده است» معنا می‌دهد. (ASED)

۳۴. متن سنسکریت: *priyakara*، به معنای «شادی بخش، آرام بخش» است. (ASED)

۳۵. در متن چینی، مطلبی در پایان بخش نیامده است. به جای آن بخش بعدی معرفی شده است: «داروی Avalokiteśvara Fire -om- dhāraṇī بخش ششم». با وجود این، بخش پنجم دارای این عنوان بوده است: «داروی حلقه دل چشم Avalokiteśvara، بخش پنجم». 心輪 در اینجا و در سطر ۶۵ با ckrṣrt cynt'mny نشان داده شده است. (BSTBL: n. p10)

متن سغدی: pty'ms، فعل ماضی غیر تام imperfect سوم شخص مفرد از ماده ناگذر - شوا medio-passive.

۳۶. متن سنسکریت: om، تقریباً معادل با «آمین» و آوایی مقدس است که زمزمه می‌شود. (ASED)

۳۷. در مقابل عبارت سغدی tr 'wm pōkh در متن چینی 火唵吉祥法 معادل با «درمه باشکوه (śrī) آتش - ام (om)» آمده است. (BSTBL: n. p11)

← dharma: قطعه. Vaj.، سطر ۱۲، پی‌نوشت واژه.

۳۸. برگردان واژه به واژه فعل مرکب sytt wnty در زبان سغدی چنین است: «کامیابی (= موفقت) کند».

۳۹. در اینجا krt'nyh، به معنای «گناه» معادل با برگردان چینی برای «انواع kleśa، مانعی از جنس گناه و کردار اهریمنی» است. در سطر ۴۴ در متن چینی فقط «سد راه کردار (گذشته)، karmāvaraṇa» آمده است. (BSTBL: n. p11)

متن سنسکریت: *atyaya*، به معنای «گناه» است. (BHS GD)

۴۰. به نظر می‌رسد مترجم سغدی اصطلاح چینی 怨敵 به معنای «دشمن مورد نفرت» را، که معادل با واژه سنسکریت *amitra* آمده است، به دو بخش *kynβr* و *s'n ZY* تقسیم کرده است. (BSTBL: n. p11)

متن سنسکریت: *amitra*، به معنای «دشمن» است. (ASED)

۴۱. متن سنسکریت: *vighnavināyaka*، نام *Gaṇēśa* است. (ASED)

۴۲. در مقابل *pcyw'k* (← همین متن، سطر ۹، پی‌نوشت واژه) در متن چینی نشانه

害 معادل با *vihimsā* به معنای «زیان، آسیب» آمده است. (BSTBL: n. p11)

۴۳. آرنج به معنای «ذراع، ارج»، مقیاس قدیمی طول است که معادل ۴۵-۵۵ سانتیمتر و معمولاً به درازای آرنج تا نوک انگشت وسط است. (AHDEL: under cubit)

۴۴. در مقابل واژه *cntn* به معنای «چوب صندل»، که بعدها همراه با *agaru* یعنی «چوب صبر زرد» در میان چوب‌های معطر برای بُخور از آن یاد شده است، در برگردان چینی نشانه 摩梨枝 به معنای «شاخهٔ *mo-li*»، یعنی گل معطر *mallikā* به معنای «یاسمین» یا نظایر آن آمده است. (BSTBL: n. p11)

متن سنسکریت: *čandana*، به معنای «درخت یا چوب صندل» است. (ASED)

۴۵. بنابر عقیدهٔ بیلی (Bailey 1955: 77) واژهٔ *mr'ynck* معادل با 摩練遮

ma-len-cya > mo-lien-che با واژهٔ ختنی *miremjsya* و نیز با سایر واژه‌هایی که در آسیای مرکزی برابر با واژهٔ سنسکریت *marīca* به معنای «فلفل» آند، مرتبط است. مع هذا مترجم سغدی این واژه را، که به نظر می‌رسد برایش ناآشنا بوده است، صرفاً حرف‌نویسی کرده و آن را با عبارت *βr'γtk ryz'kh βwt* تفسیر کرده است. واژهٔ مشابهی که در قطعهٔ P3، سطر ۱۷۲ برای نمک آمونیاک، احتمالاً کوبیده یا آرد شده به کار رفته، عبارت است از: *βr'rytk nwš''tr* بسنجید با واژهٔ سنسکریت *nibarhita* به معنای «خرد شده، له شده، نابود شده». (BSTBL: n. p11)

۴۶. koumiss، کومیس یا کومیز یا قومیس نوشابه‌ای است که اهالی آسیای غربی و مرکزی از شیر مادیان یا شیر شتر درست می‌کنند و سکرآور است. (AHDEL)

۴۷. مکتزی عبارت را چنین برگردانده است:

... and consecrate it all once (each time) and ...

۴۸. 'ws'ytk ZY zp'rt ترجمه کلیشه‌ای از 清淨 معادل با pariśuddha است، همان طور که در قطعه P5، سطر ۱۰ و در قطعه P6، سطر ۴۵ و در قطعه Dhy.، سطر ۲۷۱ و ۳۵۰ آمده است. (BSTBL: n. p11)

متن سنسکریت: śuddha، به معنای «پاک، خالص، درست، بی‌اشتباه» است. (ASED)

۴۹. متن سغدی: myðβ مشتق از magu - pati است و این واژه «موبد» نیز معنای دهد.

۵۰. این عبارت در متن سغدی صورت بسط یافته‌ای از 三十三天 چینی معادل با trāyas-triṃśaḥ است. ← SH 60. (BSTBL: n. p11)

۵۱. متن سنسکریت: saṃgha، به معنای «انجمن رهروان بودایی»، سومین گوهر از سه گوهر و سومین پناه از سه پناه، یعنی «بودا، آیین و انجمن» است. (ع. پاشایی ۱۳۶۸: ص ۵۸۸)

«انجمن، گروه به خصوص انجمن راهبان بودایی». (ASED)

۵۲. صورت چینی 四天王天 = ctβ'r my'r'c βγ'yšt، ← SH 145B.

(BSTBL: n. p11)

متن سنسکریت: mahārāja(n)، «گروهی از موجودات الهی که به نظر بوداییان، در مقابل دیوان، محافظان زمین و آسمانهایند». (ASED)

۵۳. متن سنسکریت: mahārājadeva، به معنای «مهاراجه (بغ-ان)، متشکل از دو واژه mahārāja و deva است.

برای mahārāja ← پی‌نوشت پیشین.

deva به معنای «خدا» است. در متون اوستایی مفهومی متضاد دارد و به معنای «دیو و خدای شر و بدی» است. (ASED)

۵۴. 其眷屬 باβtytt'ytrtt چینی به معنای «خانوادهٔ آنان، ملتزمین، همراهان»
(مطابقت دارد. (BSTBL: n. p11)

متن سنسکریت : vidyādhara ، به معنای «جادوگر یا کسی که در جادوی مقدس بود» (BHS GD).

۵۵. همان طور که مولر خاطر نشان کرده است، در اینجا که متن سغدی مفهوم است، متن چینی چندان روشن نیست: «... همه می آیند و حمایت خود را به او ارزانی می دارند. Raksāvajra به او سودمندی بسیار می بخشد.» (BSTBL: n. p11)

متن سنسکریت : rakṣā : به معنای «محافظت، حمایت، توجه» است. (ASED)

۵۶. (Ava) lokiteśvara، یکی از خدایان مهم فرقه «مهایانه» است. نام او مرکب از دو جزء avalokita به معنای «کسی که نگاه می‌کند» و īśvara به معنای «خدا» است. روی هم رفته، یعنی «خدایی که نگاه می‌کند». توضیح آنکه او یک بُدی ستوه است، ولی تا وقتی آخرین ذره رستگار نشده است، هرگز به مقام بودایی نخواهد رسید. زیرا او آکنده از مهر و رحمت است و از برای آزادی انسانها آنی غفلت نمی‌ورزد. (داریوش شایگان، ۲۵۳۶: ج ۱، صص ۱۷۹-۱۸۰)

۵۷. متن سنسکریت : sarṣapa، به معنای «خردل و دانه خردل» است. (ASED)

۵۸. متن سنسکریت : mantra، به معنای «سرودهای مقدس، ورد مقدسی که خطاب به هریک از ایزدان و یا در مدح و ثنای آنان سروده شده است، ورد جادویی و افسون» است. (ASED)

۵۹. متن سنسکریت : diś ← قطعه Vaj.، سطر ۲۱، پی‌نوشت واژه «کرانه».

۶۰. متن سنسکریت : dhāraṇī، به معنای «ورد سحرآمیز، ورد جادویی، که اغلب از ترکیب بی‌معنای چند هجا تشکیل شده است». (BHS GD)

۶۱. متن سنسکریٹ: Nārāyaṇa، احتمالاً نام خدای ہندوان است ولی در متن‌های

بودایی شخصیتی است که قدرت او ضرب المثل است. (BHS GD)

۶۲. متن سنسکریت : Sukhāvātī ، این واژه همراه با lokadhātu به معنای «جهانِ Amitābha یا Amitāyus» است که Avalokiteśvara نیز از آنجا می‌آید: جهانِ Amitābha به نام بودایی است که بر بهشتِ غربی Sukhāvātīlokadhātu حکم می‌راند. و نام دیگر آن Amitāyus است. (BHS GD)

۶۳. متن سغدی : c'ōysmr CWRH. اشاره به این ترکیب «تنِ jātismara، که وقتی شخص در این کالبد است هستی‌های پیشین را به خاطر می‌آورد»، همان طور که در مقدمه ذکر شد یکی از دلایل اصلی بحثِ مولر بوده است مبنی بر آنکه متن سغدی از روی متن چینی ترجمه نشده است. چون در متن چینی فقط 宿命 معادل با pūrvanivāsa به معنای «زندگی پیشین» آمده است، ولی این هم ممکن است چیزی بیش از توجیه عبارت توسط مترجم سغدی نباشد. (BSTBL: n. p11)

۶۴. prn βyr'y به معنای «نایل شدن به شکوه» است.

متن سنسکریت: śri - همین متن ، سطر ۲۱، پی‌نوشت واژه «فر».

۶۵. متن سنسکریت : devāti deva ، به معنای «خدای خدایان، خدایی برتر از همهٔ خدایان دیگر» است. نام شیوا Śiva، نام ویشنو Viṣṇu و نام بودای Śākya-muni است. (ASED)

۶۶. متن سنسکریت : Bhagavat ، به معنای «خوشبخت ، مقبل ، باشکوه، قابل احترام، ستودنی» است. در موقع خطاب کردن خدایان یا مقدسان این واژه به صورت اصطلاحی به معنای «حضرت» به کار می‌رود و در حالت ندایی به صورت bhagavan آمده است. (ASED)

۶۷. برای ckrβrt cynt'mny (- همین متن ، سطر ۳۲ پی‌نوشت واژه) در متن چینی 梅檀心輪 chan-l'an مساوی با (citta - cakra) - candana)) آمده است. پس از آن دوباره عبارت فوق به صورت 如意輪 ، معادل با

cintāmaṇi - cakra - dhāraṇī ذکر شده و این تصور را ایجاد می‌کند که *candan-

یعنی ۱۸ در اینجا صورت تحریف شده *cintāmaṇi* است! آشکار است مترجم سغدی تا اندازه‌ای با مطلب آشنا بوده است. (*BSTBL*: n. p11)

۶۸. متن سنسکریت: *śramaṇa*، یعنی «راهب بودایی یا راهب سائل». گاهی به خود بودا هم اطلاق می‌شود (*ASED*).

عده‌ای معتقدند که واژه «شمن» از واژه سنسکریت *śramaṇa* و (واژه پالی *samana*) به معنای «راهب دوره‌گرد» مشتق شده است. ولی این فرضیه هنوز به اثبات نرسیده است. (Eliade 1974: 495-6)

شمن کاهن، درمانگر و جادوگر بوده است و شمنیسم به احتمال زیاد دین اولیه کلیه اقوام و گروه‌های نژادی مغول و تاتار به شمار می‌رفته است، که در اورال و آلتایی و سراسر آسیای مرکزی و سیبری و مغولستان پراکنده بوده‌اند.

۶۹. متن سنسکریت: *upāsaka* ← *Intox.* قطعه ۳۵، پی‌نوشت واژه.

۷۰. متن سنسکریت: *upāsikā*، به معنای «پیش‌نشین بانو» است. (ع. پاشایی ۱۳۶۸:

ص ۵۹۶، ذیل *upāsaka*)

۷۱. متن سنسکریت: *mahāsattva* ← *Vaj.* قطعه ۱، پی‌نوشت واژه.

متن چهارم

و

ضمیمہ چینی آن

متن چهارم

Or. 8212 (159)

بخشی از سوتره ویمله کیرتیر دِ شه Vimalakīrtinirdeśasūtra

معرفی

این متن بخشی از طومار دستنویس سغدی است که ابتدا و انتهای آن افتاده است. متن سالم مانده و برکاغذ ضخیم زرد کمرنگ نگاشته شده است. بر روی طومار ۲۰۸ سطر نوشته واضح و منظم سغدی به رنگ سیاه به چشم می‌خورد که حواشی و بالا و پایین سطرها خط‌کشی شده است و سوتره ویمله کیرتیر دِ شه را شامل می‌شود. پشت طومار پر از سطرهای منظم نزدیک به هم، به خط چینی، در اندازه‌های ۲۷×۲۹۱ سانتیمتر است. مطلب چینی پشت طومار عبارت است از: «سوتره‌ای که در آن بودا 妙吉祥童子 (جوانِ بختیار و تحسین برانگیز) یعنی منجوشری^۱ را مورد خطاب قرار می‌دهد.»

رایشلت (Reichelt 1928: 1-13)، بنونیست (Benveniste 1933a: 29-33) و ولر (Weller 1935: 314-364; Weller 1937b) نیز این متن را مطالعه و بررسی کرده‌اند.

رایشلت سطرهای متن را از ۱ تا ۲۰۷ شماره‌گذاری کرده است. مکتزی برای آنکه

از سردرگمی در شماره گذاری اجتناب ورزد، شماره گذاری وی را همان گونه که بوده حفظ کرده، اما چون هنوز آثاری از حروف دو سطر اول و آخر در متن سغدی به چشم می خورد، در اینجا آن دو سطر را با شماره صفر و ۲۰۸ مشخص کرده است. پس از تقویت و ترمیم^۲ این طومار قدیمی، باز هم در ابتدای آن حروف بیشتری در سطر صفر و یک دیده شده است. در عکس های اولیه نیز حروف بیشتری در سطر صفر تشخیص داده شده است (← همین متن، سطر صفر، پی نوشت ۱) نکته شایان ذکر در مورد دستنویس این است که کاتب حرف z را، خواه با تلفظ /ž/ یا /z/، در تمایز با حرف n نقطه دار نوشته است.^۳

یادداشت های^۴ جامع ولر نشان می دهد که این متن از روی برگردان چینی متن سنسکریت، که کومازه جیوه (K) در ۴۰۶ میلادی تهیه کرده، ترجمه شده است. بخش برجای مانده مطابق با متن زیر است:

Taishō Triptaka, 475, vol.14, 549a 22-550 c 11.

اخیراً لاموت (E. Lamotte) قطعه Vim. (شاید جواهر ادبیات بودایی مهاییانه) را به طرزی بس شیوا به زبان فرانسه ترجمه کرده است (به این ترجمه با عنوان Lam. استناد می شود). اساس برگردان فوق الذکر ترجمه بتی کَنجور Kanjur و برگردان چینی هوان - تسانگ Hūan-Tsang است. متن سغدی حاضر مطابق با بخشی از متن زیر است:

Lam: Ch. VII, §, 1 (P.288, 1.7) to Ch. VIII, §, 6 (p. 304)

گرچه در متن های چینی فصل های فوق را ۸ و ۹ شماره گذاری کرده اند. باوجود آنکه گاهی لاموت ترجمه ای از برگردان متفاوت K را در پانویس ها می دهد و ولر نیز بسیاری از پاره نوشتارهای متن چینی K را در خلال یادداشت هایش ترجمه می کند، ولی مکنزی به ترجمه ای که مرتبط با بخش فوق الذکر باشد، دسترسی نداشته است. وی، در یادداشت های متن سغدی همین بخش، ترجمه ای از متن چینی را به زبان انگلیسی، آورده است.^۵ از میان ترجمه های نخستین K که لاموت (p.10, n.10) آن را ذکر کرده است، مکنزی فقط از ترجمه آلمانی فیشر و یوکوتا (Fischer & Yokota)

(1944) استفاده کرده است. افزون بر آن، رابینسن The gāthā of Ch. VII, §6 را به زبان انگلیسی برگردانده است (Robinson 1954: 22-27).

زوندرومان خاطر نشان می‌سازد که از سنجش پاره‌نوشتارهای مشابه این متن یعنی or.8212 (159) با متن اصلی چینی (← BSTBL: part 2, 27 ff.)، این مطلب استنتاج می‌گردد که متن‌های لندن و برلین احتمالاً فقط ترجمه‌هایی مستقل از متن چینی واحدی‌اند. واژه wkry که در متن فوق به دفعات بعد از اعداد آمده و مکزی با توجه به این مطلب در قطعه Vim. سطر ۱۴، پی‌نوشت واژه «چهار»، توضیحاتی در مورد آن داده است. در قطعه K44 (پشت صفحه) این واژه فقط همراه با عدد ۵ دیده می‌شود. از سوی دیگر، در قطعه K44 (پشت صفحه) همواره قبل از واژه tmyy، واژه pwt'n'k افزوده شده است.^۶

از آنجا که متن سغدی، به واسطه وجود اصطلاحات فنی بودایی، با ظاهر چینی پیچیدگی و ناهمواری یافته است، مکزی فهرستی از این اصطلاحات را به شکل یادداشت‌هایی برای ترجمه چینی همراه با خلاصه تعاریف لاموت (Lamott=Lam.)، ادگرتن (Edgerton=BHSGD) و سوت هیل و هودس (Soothill+Hodous=SH) آورده است (← ضمیمه، پی‌نوشت‌های متن چینی).

هنزن (Hansen 1968: 86) از دو قطعه دستنویس دیگر بر روی برگ پوتی^۷ در برلین (Po ۲۶) با عنوان d و g (منتشر نشده) نام می‌برد و می‌افزاید: برگ‌های پوتی در حاشیه دارای عنوان 'βymrkytr' اند.

زوندرومان (Sundermann 1977: 634) خاطر نشان می‌سازد که این قطعات با شماره‌های 10340 و 10343 مجدداً شماره‌گذاری شده‌اند. قطعه 10340 اُیغوری است و در حاشیه آن عنوان [βymlykrt nwmy] دیده می‌شود. قطعه دوم به نظر می‌رسد که «(بخش) سه، (برگ) یکصد و (...) پنج» از ترجمه سغدی باشد و این مطلب از عنوان آن یعنی [βy](m) rkyrt 'št'yk' C pn(c) [(...) ptttr.

نیز استنباط می‌شود.

قطعات کوچک زیادی به قطعه 10343 تعلق دارند (از جمله

10035-45، 10200/1(10)، 10401، 10403-5، 10407-8، 10487-99، 10826-32، 18370-8، K39، K43-6). به نظر زوندرومان نکته حایز اهمیت این است که قطعات k44 (پشت صفحه) و k46 (پشت و روی صفحه) حاوی بخش‌هایی از قطعه Vim است. قطعه k44 (پشت صفحه) با بخش‌هایی از سطرهای ۱۴-۱۸ همین قطعه و قطعه k46 (روی صفحه) با سطرهای ۲۳-۲۵ و قطعه k46 (پشت صفحه) با سطرهای ۳۸-۴۰ مطابقت دارد.^۸

همان‌طور که در یادداشت‌های برگردان انگلیسی مکتری از این متن سغدی دیده می‌شود، ترجمه سغدی که از روی متن چینی صورت گرفته دارای نقایص بسیار است. به‌ویژه بسیاری از اصطلاحات فنی بودایی آن چنان تحت‌اللفظی و وابسته به متن چینی ترجمه شده‌اند که به نظر می‌رسد مترجم معنای دقیق آنها را نفهمیده است. مکتری در این شرایط شیوه ترجمه واژه به واژه انگلیسی از متن سغدی را برگزیده و، به جای دست بردن در متن، فرض را بر این قرار داده است که پژوهنده زبان سغدی اصطلاحات فنی بودایی را در این ظاهر تشخیص می‌دهد، و در نتیجه آنها را اصلاح نکرده است. مفهوم مورد نظر فقط می‌تواند از طریق ترجمه متن اصلی چینی درک شود.

۱. Mañjuśrī، نام بُدی ستوه‌ای نامدار با لقب خانوادگی Kumārabhūta است.

(BHS GD)

۲. هنگامی که کاغذ شکننده شود یا آسیب ببیند، می‌توان آن را با پوشانیدن یا روکش کردن تقویت و ترمیم نمود. این کار به دو طریق انجام می‌گیرد:

۱- استفاده از تارهای نازک ابریشم و پوشاندن هر دو روی کاغذ به کمک چسب نشاسته یا دکسترین؛

۲- پوشانیدن سطح کاغذ با لایه نازکی از پلاستیک. (مهرداد نیکنام ۱۳۶۳: ص ۹۳-۹۴)

۳. ← Sims-Williams 1978: 257

۴. ← BSTBL: Appendix II, n.1

۵. متن چینی همراه با ترجمه فارسی آن در پایان متن چهارم به صورت ضمیمه آمده است.

۶. زوندرومان تفاوت های شایان توجه دیگری را نیز به شرح زیر آورده است:

در قطعه k46 (روی صفحه) نشانه 爲 معمولاً به صورت (γw 'γyδ....) و همین نشانه در قطعه βwt، Vim. ترجمه شده است.

در قطعه Vim.، سطر ۱۷، واژه wtyy و در قطعه k44 (پشت صفحه)، سطر ۵، واژه sr'yβt'm معادل با 惱 آمده است. واژه pyδ'r به معنای «زیرا، به علت» در قطعه k46 (روی صفحه) سطر یک آمده، ولی این واژه در قطعه Vim.، سطر ۲۲، نیامده است. گرچه ممکن است این واژه ترجمه تحت‌اللفظی 爲 باشد که ضمناً به معنای «زیرا، به علت، برای» است (Mathews, 7059). این واژه همراه با 無 پیش از آن، به معنای «نامشروط» است که در قطعه βwt، Vim. ترجمه شده است. مترجم قطعه K46 (پشت صفحه)، سطر ۲، 如 不 下 را به صورت دوم شخص ترجمه نکرده، بلکه به صورت مضارع سوم شخص مفرد آورده است. اما در قطعه Vim. به صورت دوم

شخص آمده است. ترجمه عبارت به شرح زیر است: « همان سان ، او، کسی که در ژرف ترین دریا داخل نشود ، نتواند (؟) گوهر بی بها را به دست آورد».

(Sundermann 1977: 634-5)

۷. ← قطعه Vaj. ، پی نوشت معرفی متن ، شماره ۷.

۸. حرف نوشت قطعه k44 (پشت صفحه) و قطعه k46 (رو و پشت صفحه):

2) ... ptk'wny](h) γyδ pwt['n'k ...]

3) (tymy 'yw ms) w[γw]šw tys γyδ p[wt'n'k]

4) pwt'n'k tymy 'yw 'št' (')[k'βtch(?) ...]

5) ms nw' wkry sr'yβt'm wy'[kw ...]

6) (ynt)['](k) r'δh γyδ pwt'n'(k) [...].

(۲) کج راهی همان ... بودا

(۳) تخم (= نژاد) است نیز شش آمدگاه همان ... بودا

(۴) تخم (= نژاد) بودا است هشت ناراست (= ارتدادی) (؟)

(۵) همچنین نه گونه جایگاه رنج ...

(۶) گنده راه (= راه بد و اهریمنی) همان ... بودا.

K 46: (روی صفحه)

[βymrkryt ...](XX) XX XX XI (or: XII?) ptt r o

1) pyδ'(r)[...]

2) s'm'yk s[mpwδ'y ...]

3) 'yw 'wpδ'[y ...]

4) γr'ykyh[...].

(عنوان): ویمله کیرتلی (... (برگ) (۲۰) ۵۱ ... (یا ۱۲ ؟) ...

(۱) برای آنکه ...

(۲) سمیک سمبدی ...

۷۶ شش متن سغدی

(۳) آن گل نیلوفر ...

(۴) گیل ...

K 46: (پشت صفحه)

1) [... 'nywn]

2) 'k 'ky 'w(y)[...]

3) L' βyr(t)[...]

4) sm'wtr[yh ...]

5) rty n[wkr ...].

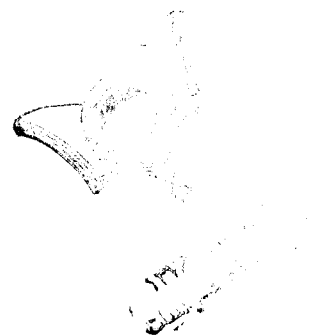
(۱) ... همگون

(۲) کسی که در ...

(۳) نیابد

(۴) دریا

(۵) پس آن گاه ...



حرف نوشت متن سغدی^۱

Lentz

0) r 'l'm'nt []k γsnh γr'yk(')y (')w(r)[.]

DNM

- 0) *r'm'nt c'wn pnc wkry ryz "β'rys'](k) γsnh γr[y](k)[y] d'wr
- 1) 'pw'rt rtyms w'n'kw pδ'yšt 'YKZY p[w 'l]zβ'k² 'sk'rn'k 'ym rty
- 2) pyšt 'sptk wyδβ'γcy βwt rty 'nw'št 'kw KZNH δrytw wnty 'PZY
- 3) 'pw ym"n βwt rty ms w'n'kw pδ'yšt 'YKZY 'kw "k'βtcyh ty'my
- 4) tyt'ym rty pyšt prw wyzrw ty'm myšnw w'tδ'r "z'wnty γyrt
- 5) rtyms w'n'kw pδ'yšt 'YKZY 'mw wyspw wkry δy"n'y tyt'k 'ym
- 6) rty pyšt ZKw 'nβ'nt zr'yšt rtyms w'n'kw pδ'yšt nyrβ'n tyt'ym
- 7) rty pyšt ZKw z't 't mwrδw L' zr'yšt rty nwykr mnc'wyšyr'y"
- 8) kδ'wty ZK pwtystβ pr pr'ym'yδ L' r'δwh wkry wytrt βwt
- 9) rty ywn'k γyδ 'γw ZKZY ZKw pwt'n'k r'δyh kwm'r'y pr'yyst rty
- 10) 'γw βymyrkr'yt ZKw mnc'wyšyr'y KZNH 'prs' kt'm ZY γw γwnx
- 11) ZKZY ZKw pwt'n'k kšt'k tımy βwt rty 'γw mnc'wyšyry KZNH w'β
- 12) 'γw CWRH βwt ZY tımy 'γw 'PZY ZK 'pw rwyšny'kh 't ZK pry-
- 13) 'w"kw βwt tımy γw rty wβyw ZK "zwh 'PZY ZK δrzm'y 't ZK
- 14) wm'tyh tımy βwt 'PZY ZK ctβ'r wkry ptk'wny' tımy βwt 'PZY
- 15) 'γw pncw wkry "γ'wδ tımy βwt 'PZY ZK wywšw wkry tys tımy

۱. سیمز ویلیامز برخی واژه‌ها را در این متن به صورتی متفاوت از مکنزی (BSTBL) نشانه‌گذاری و فرائت کرده است (Sims-Williams 1978: 258). موارد اختلاف در پانویشت آمده است.

۲. مکنزی: p[...]zβ'k

- 16) βwt 'PZY ZK 'βt' wkry ptz'n wy''k tɔmy βwt 'PZY ZK 'št wkry
- 17) ''k'βtch pδkh tɔmy βwt 'PZY 'ɔw 9 wkry wtɔy wy''kw
- 18) tɔmy βwt 'PZY 'ɔw δs' wkry ɔnt'kw r'δwh tɔmy βwt kδ'wtty
- 19) šw wyspw w'β' k'm ZK 62 wkry wyn 'M wyspw wkry wytɔwy
- 20) 'PZY sr'yβt'm pwt'n'k tɔmy βwt rtyms KZNH 'prs' ckn'c pyδ'r
- 21) ZY w'n'kw ZK rtyms pcβ'nt w'n'kw wn' 'prw 'PZYkδ w'n'kw wyn'y
- 22) ZKZY c'wn 'pw 'rkrwn'y 'wyh wɔzrw pδβry tyst rty nwykr p'zn
- 23) 'kw 'nwtr'y'n sm'yk'smpwδ'y L' 'wst'yt wnty m'yδ 'YKZY prw
- 24) 'sk' wy''k' 't ZK wškpnw z'yh 'ɔw 'wpδ'y 'sprɔm'k L' ''z'yt
- 25) yw'r ZY c'δrcyk' nβtk 'PZY ɔr'yk' 'ɔšyβtk wy''k' ZKZY ZK
- 26) m'n'kh 'sprɔm'k ''z'yt rtyms kδ w'n'kw wyn'y ZKZY c'wn 'pw
- 27) 'rkrwn'y pδkh 'wy wrzrh pδβry tyst rty przɔ'm ZKw pwt'n'k
- 28) δrm L' ''z'yt wnty yw'r ZY ZKw wtɔy 'PZY sr'yβt'm ɔr'yky '
- 29) w'ɔwn'k w'tδ'r ''z'wn βwt ZKZY ZKw pwt'n'k δrm ptr'yzt m'yδ¹
- 30) 'YKZY 'sk'y ''k'c'y ZKw wn'kh kyr' rty przɔ'm L' rwδtt yw'r
- 31) ZY 'ɔw δrt'yc spn'k z'yh cntr 'ny'rtk 't kysn'k βwt rty
- 32) ms 'ywywnceyδ ZKZY c'wn 'pw 'rkrwn'y 'wy wɔzrw pδβry tyst
- 33) rty ZKw pwt'n'k δrm L' ''z'yt wnty pr'w 'PZY šy ZK 'zw 't
- 34) ZK wyn p'zn 'nyzt rty pyšt m'yδ βwt 'YKZY ZK sm'yr ɔry rty
- 35) {rty} nwykr ZKw m'n k'w 'nwtr'y'n sm'yk'smpwδ'y 'wst'yt rty
- 36) ZKw pwt'n'k δrm ''z'yt wnty rty cnn cym'yδ pyδ'r ɔr/βcy
- 37) 'ɔw wyspw wkry wtɔy 'PZY sr'yβt'm pwt'n'k tɔmy ZK 'ywywnceyδ

- 38) 'YKZY 'wy nyym sm'wtry' L' tys' rty 'gw 'pw 'ry rt<n>y {L' βyr'}
- 39) L' βyrt βwt rtyms kδ 'wy wtyy sr'yβl'm mz'yx sm'wtryh L'
- 40) tys' rtyms ZKw wyspw ptz'n rtn' L' βyrt wn' rty nwykr h
- 41) wyδ'γty ZK mz'yx k's'yp pr''γ'z γwβ'l 'p't 'p't mn<c>'wšyry
- 42) 'PZY w'pry'zt mwn'kw srβ'ck'(!) prβ'yr'y p'rZY m'yδ rtsth 'gw
- 43) 'YKZY w'β'y 'PZY ZK rym 't 'gw γnp'wnh 'sβ'r'ck' pwt'n'k tmy
- 44) βwt rty nwkr m'gw L' 'nyty 'ymn 'PZY ZKw m'n k'w 'nwtr'y'n
- 45) sm'yksmpwδ'y 'wstyšn(!) yw'r ZY wyt'wr k'w pnc wkry myδry
- 46) γwtk 'krt'nyh ZK ZKZY ZKw p'zn 'wstt wnty KZNH 'PZY {'PZY}
ZK
- 47) pwt'n'k δrm ''z'yt rtyšw m'gw βykprn L' 'wstt wn'ym m'yδ
- 48) 'YKZY ZK ryp'w mrtym'k rty prw pnc wkry ryz ''β'rys'k ZY
- 49) wc'γtk L' βwt 'ywywncyδ ZYms ZNH ry'nt ZKZYšn 'gw wyspw
- 50) wkry γr'nš n'stk βwt rty k'w pwt'n'k δrm nyδ'yc ZK wr'kh
- 51) 'krtw wnty KZNH 'PZY βykprn ZKw ''γδ'kw L' wnty rty cnn cym'yδ
- 52) pyδ'r mnc'wyšyry myšnw myδ'kk mrtym'yty k'w pwt'n'k δrm
- 53) 'gw prs'k βwt rty pyšt wyšnw ry'nty nyst pr'w 'PZYkδ 'gw
- 54) myδ'kk mrtym'k ZKw pwt'n'k δrm pty'wšt rty k'w r'δyh s'r
- 55) ZKw srey m'n ptr'yzt wnty 'PZY 'mw 'δry wkry rtny L' zr'yšt
- 56) rty šy pyšt styw ZKw ry'nt r'm'nt ZKw pwt'n'k δrm 'PZY šy ZKw
- 57) z'wr 't ZKw 'pw pckwyr'kh ptywšt rty βyk' prn ZKw m'n k'w
- 58) src'y r'δwh L' <'wstt> wnty ||
- 59) rty nwykr wyδ'γty 'wy 'nw'z'k myδ'ny pwtystβ wm't γwnc CWRH
- 60) wysprδ wyn'nc'y n'm rty k'w βymyrkr'yt KZNH w'β kty'kδ'r'

- 61) ZKw m'th 't 'BYw 'PZY βy ZK wōwh 't 'γw βz'yn 'PZY βy 'γw pnt
 62) 't 'γw γwtm 'PZY βy ZNH n'βcykt 't ZNH ptz'ncykt 'ky 'nt 'PZYβy
 63) 'γw δ'yh 't 'γw βntk 'PZY 'sp's'yt 't ZNH prm'n pty'wš'yt
 64) 'PZY ZNH pyōtt 't ZNH 'spyh 'PZY yw wrtn wyspw k'w 'st'nt
 65) rty šy nwykr γw βymyrkr'yt pr šr'wk' pčβ'nt βr' KZNH w'β
 66) 'γw 'zn'kh ZY 'ymn pwtysβty m'th βwt 'PZY ms ZK
 67) prγ'npyh 'BY' myšnw wysp 'nt'c ywen'k mwck' KZNH
 68) 'PZY nyst ZKZY cym'ntšnw L' "zy'y 'PZY δrm'yk'
 69) wγšy wōwh 'PZY γw šyr'yk' 't ZK z'r'k m'n δγwth
 70) 'PZY ZK šyr'yk' p'zn 't ZK ršth βzyn 'PZY k'w prβtm
 71) prm ZK w'r'k wyrnny γ'n'kh {ZY} 'PZY yw δrywšk'n'k
 72) 'nt'c rym γnp'wn βwt 'PZY 'pyšm m'n zw'rt¹ prw'rt'nt
 73) 'PZY k'w r'δh s'r wkry šyr'k ptz'ncy KZNH 'PZY cym'yδh
 74) pyδ'r prw wyzrrw pβydy 'sptk wšt 'PZY ZK wyspw wkry
 75) wγ'rš'k pδkh 'pstk'r'k 'PZY ZNH ctβ'r wkry 'nš'yp
 76) 'psrwyh KZNH 'PZY prw z't ZKw δrm'yk w'γš w'βt
 77) rtyšy ywn'k γyδ ZK ztyh² βwt 'PZY ZK 'nw'št'kw δ'r'y
 78) βwδstn 'PZY 'γw 'pw prw'r pδkh 'ywn 't wn'βr'wδ 'PZY 'γw
 79) pβydy p'zn 'zp'rt p'r'γz 'sprymy 'PZY ZK γwyck'w'k
 80) zn'kh p'zn βr'k 'PZY ZK št wkry 'wy γwyck'w'k sn'm n'k'-
 81) stn'k ZKZY šy pr 'γw s'm'r "ph pwrnw 'skwty KZNH 'PZY
 'γw

۱. سیمز ویلیامز: (y) n/z w'rt (y) pyšm(...)

۲. مکنزی: ntyh؛ سیمز ویلیامز: چنین

- 82) 'βt 'zprt 'sprγ- m'k wyδβysty rty 'mw 'ywznk 'pw¹ r<y>m
mrtym'y
- 83) sn''yt 'PZY ZK pne wkry prn 't z'wr pyδh 't 'spy β'r'k 'PZY ZK
- 84) mz'yx prβ'r wrtn 'PZY ZK 'yw'rδkw p'znw ZKZY ZKw wrtn
šk'rt
- 85) KZNH 'PZY prw 'št wkry wyzrw r'δh y'βt 'PZY ZK prn 'sptk
- 86) ZKZYšypr γwnc ZK py'ty'kh 'PZY 'γw wyspw wkry šyr'k
- 87) ''m'ty'kh prm kršn 'PZY šβ'r srcy ptm'wk' 't ZK nyx
- 88) p'zn 'sprymyn'k 'ps'kh š't m'yδ 'YKZY šy ZK'βt wkry
rtny
- 89) βwt 'PZYšy ZK ywk'δβry 'ny'rtk<wr'kh>rtyms m'yδ 'YKZY
ZKw
- 90) prβ'yrt βwt pr'ymyδ 'rtwsp'y šwt KZNH 'PZY ZK
prw'rt
- 91) rtyšy mz'yx wr'kh βwt rtyšy ZK ctβ'r δy'n nystk w'δ
- 92) βwt 'PZY c'wn 'zprt 'zw'n s'r ''zyty 'PZY 'γw γrβ ptywštk
- 93) ZKZY ZKw γwyck' p'z'nyh βz'wt 'PZYšy ZK γwty ptβyδ'y wnyr
- 94) 'PZYšy nwšmync δrm'yk' 'γw γwrtt 'PZY 'γw γwyck'w'k
zβ'β
- 95) 'γw 'c'nt 'PZY 'γw 'zp'rt p'zn CWRH sn''m 'PZY 'γw škš'pt
- 96) wyδβ'γ sm''δnw βwδh KZNH 'PZY ZKw wtyy sr'yβt'm s'nw
- 97) 'nyw'yt ZKZYšy 'wyn γn' 't y'γ'w'k nyδ''k przβr 'krtw wnty

- 98) rtyms ZKw ctβ'r wkry 'tōrmnwkw'ch βtr'ynct 'PZY c'wn 'sk"
- 99) pr'kh 'mw r'ōwh mntry ptr'yzt rty 'styw 'wn'w γrβty ZKZY L'
- 100) 'nyzt L' wyδ'yt rty wnyw'nty prnp'r^l ZKw z't wkry 'nšt'yt rtyms
- 101) ZKw wyspw n'βcy'kh wyn'ncy wnty m'yδ 'YKZY ZK γwyr KZNH
'PZY nyst
- 102) ZKZY wyn'ncy L' β'y rtyms pr δs' kyr'n βwmh 'spyšty 'mw γrβ
- 103) RYPW RYPW pwt'yšt .:
- 104) rtyms yw pwt'yšt 'M γypδ CWRH rtyšy 'prw ZK 'ny'z'nk'w'k
- 105) prynh L' βwt rtyms styw ZKw pwt'n'k n'βcyh γrβty 'M
- 106) w'tō'r "z'wnty w'r'k wkry rty pyšt r'm'nt ZKw 'zpřt n'βcy'kh
- 107) 'rt'wsp'y wnty KZNH 'PZY myšnw w'tō'rty "z'wnty ZKw m'n prw'yrt
- 108) rty 'cw "ōprm ZK w'tō'r kwtr βwt ZKw kyōrpw 't ZKw wnyr 'M prynh
- 109) rtyšy ZK 'pw pckwyr z'wyr'k pwtystβ prw 'yw 'pc't wyspw wyn'ncy
- 110) wnty rtyms ZKw 'tōrmnwkw'nch 'sβr'ck' wβyw pī/yδ'y 't γrβty rty
- 111) šn pyšm zw'rt ZKwh 'krtyh 'nšt'yt
- 112) rtyms c'wn šyr'k pry'wn zn'kh prw ryžh wyspy wyn'ncy wnty rtyms
- 113) β'δ 'wy zrw h 't ZKw r'βh 'PZY ZKw mrch 'nšt'yt
- 114) KZNH 'PZY w'tō'r "z'wnty 'sptk 'wst'yt rtyms wyc'rt γrβty
- 115) ZKZY w'n'kw ZK 'YKZY ZKw βrwy 't ZKw βδ'yntyh rtyšw kwm'r'y
pr'yšt
- 116) 'pw pcyw'k rtymsβ'δ w'n'w wyn'ncy wnty 'PZY ZK 'βskstw "y'm
- 117) βwt swysty KZNH 'PZY ZK z'yh 't ZK sm'nwh wysp "s'wyst

- 118) rty myšn mrtym'kty ZK nwš'ykh prynh βwt rtyšc wyt'pt KZNH
 119) γrβ'nt 'YKZY 'pw "stnyh 'γw
 120) rtyms ZNH 'pw ptšm'r RYPW RYPW w'tδ'r "z'wnt "m'rδ'n "ys'nt
 121) 'myn pwtsβty prw nwyδmh rtyšypr 'yw 'pyc't pr'ys'nt 'wy γ'n'kh
 122) rtyšy ZKw m'n prw'yr KZNH 'PZY prw pwt'n'k r'δh 'wšt'nt rty wβywy
 123) ZKw pwstk 'PZY ZKw np'γštk 't ZKw ptsrw m γn' 'PZY ZKw
 krnw'ncw
 124) 't ZKw wyspwy wkry γn' rty wysp wyn'ncy wnty KZNH 'PZY pr'ym-
 "yδ
 125) 'sβ'r'ck' šwt 'PZY w'tδ'r "z'wnty wr'kh 't ZKw pcy'y wnty pr'w
 126) 'PZY prm δ'mh ZK wysp r'δh pδkh rty wysp 'z<n>'kh^۱ myδ'ny kty'k-
 127) δ'r'y nž'yt rty enn cym'yδ'y 'myn mrtym'k 'γw δβnh wyn'nc'y
 128) βwt KZNH 'PZY 'wy "k'βtch wyn'y L' 'npt rtyms β'δ γwyr 't
 129) m'γw βgy βwt 'PZY 'zrw' 't prm δ'mh γwt'w 'PZY β'δ z'yh
 130) 't "w'n "p 'PZY β'δtr w't 't "tr KZNH 'PZY prm δ'mwh ZK
 131) r'β βwt rty 'mw wyspznk'n 'rwrwyš'k wyn'ncy wnty m'yδ 'YKZY 'ky
 132) γwrty rtyšy r'β 'py'ršt 'PZY 'mw zy'r wyt'yct rtymskδ prm
 133) δ'mh ZK 'tδβz'mwrtk βwt rty 'mw wyn'nty γwrt 't cš'nt
 134) wnty rtyšn pyrn m c'wn 'δβz' 't cšn' wγ'ršt rtyšn cyw'nt
 135) 'pyštrw δrm'yk w'γš w'β'k mrtym'k βwt rtyms kδ prm δ'm
 136) ZK kyn'k 't ZK 'sp'δβ'ry βwt rtyšn prw ZKw šyr'k 't z'r'y

۱. سیمز ویلیامز: نخستین حرف این واژه که رایشت آن را z'n'kh و مکنزی n'kh= خوانده است و می‌تواند y یا n/z باشد، در واقع کامل نوشته نشده است، ولی به نظر نمی‌رسد که بعداً به دستنویس افزوده شده باشد.

و نیز ← برگردان فارسی همین متن، سطر ۱۲۶، پی‌نوشت واژه «دانندگی».

- 137) m'n wnty rty myšn ywnx w'tō'r "z'wnty ZKw m'n prw'yrt m'ō
 138) 'PZY 'nc'y'nt 'prw 'pw pōr'mc z'yh 'wšt'nt rtyms kō ZK
 139) mz'yx 'ny's βwt rtyw'r p'ō'y 'wšt KZNH 'PZYšn ZKw z'wr my'wn
 140) wnty rty ZK pwtystβ ZKw "ōwh 't ZKw "m'n wyn'ncy wnty
 141) rtyšn βtr'yncett KZNH 'PZY 'ns'ys'nt rtyms pr'ym wysprō n'βcy'
 142) myō'ny 'kwt'y "ōprm ZK tm'y βwt wy"k rty 'pcwšt'w wytr"t rty
 143) pr'ym'yō 'wō rtyšn c'wn 'βzy' 't sr'yβt'm wy'ršt rtyms
 144) pr'ym wysprō n'βc'kh 'kw 'yty ZNH nyš'yrt yōnyw ywr'nt
 145) rty w'n'w wyn'ncy wnty ZKZY ywn'yō^۱ "z'yl rtyšn ZKw wr'kh
 146) 't 'pcy'y wnty rtyms w'n'kw wyn'ncy wnty ZKZY ZKw pnc wkry ryz
 147) pcy'rβ'm 'PZY ms w'n'w wyn'ncy wnty 'YKZY prw ōy'n šw"m
 148) KZNH 'PZY 'ymn(!) 'tōrmnw 'wy p'z'ny sym 't "wyšt'k βwt 'PZY
 149) ZKw yt'kh L' βyrt wnty pr'w 'PZYkō 'wy "try myō'ny ZK
 150) 'wpō'y rwdt rty ywn'k ywyz'k 'šk'wrō βwt
 151) rty ms ywnx 'kyty 'wy ryz "β'rys'k myō'ny prw ōy'nw
 152) šwt rtyms 'yw 'šk'wrōy' 'nywncyō ptšmyrt rtyms β'ō
 153) 'mw CWRH yr'yck' 'ynch wyn'ncy wnty rty myšn
 154) kršn'wty "y'wzt rtyšn pyrmstr c'wn "β'rys'k
 155) "β'rβ s'r yršt rtyšn pyštrw w'n'kw <wnty> KZNH 'PZY
 156) pwt'n'k 'w ptz'ncy tys'nt rtyms β'ō ZKw 'ntrykt
 157) myō"ny ywycšt βwt 'PZY β'ō myšn'w yw"kk mrt- ym'yty w'ō'kk
 158) 'PZY prm n'β- cy' mwck' 't mz'yx wrn'yk'm rty c'wn

۱. مکتبی: این واژه در دستنویس اصلی yw"yō است.

- 159) wr'kh myšn w'tō'r "z'wnty p'yt rtyms 'cw "δprm ZNH
- 160) cštw'n 't yw ny'žkynt βnt rty šn ZKw 'pw "y'm
- 161) γzn'k wyn'ncy wnty rty šn cym'yō pyō'r ZKw^{ywk ywct¹} pwō'y p'zn
- 162) nšk'wnt rty nyw'nty 'ky' ZK 'zw wkry p'zn 't γw γwry't-
- 163) y'kh βwtt u ²rty ZKw mz'yx z'wr 't ZKw s'δynp'y'
- 164) wyn'ncy wnty rty myšnw 'sk'lr'yk' nym'nty βtr'yinct m'ō
- 165) 'PZY prwpwt- 'n'k srey r'ōh 'wšt'nt rty ms 'kw ZNH 'w
- 166) pckwyrn'ytt βnt rty šy pt'yc 'wšt ZKw m'n 'wst'yt
- 167) rtyšn pyrn ZKw 'pw pckwyr' δβ'rt rtyšn 'pyštrw w'n'w
- 168) wnty KZNH 'PZY k'w r'ōwh m'n 'wst'yt rtyms β'ō w'n'w
- 169) wyn'ncy wnty ZKZY c'wn ryž "β'rys'k s'r 'pw'rstk 'γw
- 170) 'PZY pr pnc wkry prn rš'k 'γw KZNH 'PZY 'w wyšnw w'tō"rh
- 171) "z'wnty ZKw ywkh γwyck' wnty 'PZY ZKw škš'pt 't
- 172) pt"wyn'k z'r'ym'n wn'nt rtyms kō βwt ZKZY wyn'ntk ZKw {ys}
- 173) 'sp's'k k'mt rty tyw'kk 't prm'nh ptγwš'k³ βwt KZNH 'PZYšy
- 174) kō 'wy m'n'y ZK wyšy βwt rty 'prw ZKw m'n k'w r'ōwh s'r 'wst'yt
- 175) rtyms 'cw γwnx k'mt rtyšw 'pyšm zw'rt βwt KZNH 'PZY
'wy
- 176) pwt'n'k r'ōyh tyst rty prw šyr'k pry'wn z'wr w'n'w
- 177) 'krtw wnty KZNH 'PZYšn wyspy β'wcyk δβ'rt rtyšy γw 'ywžnk'

۱. مکنزی: این واژه در مرحله بعدی به دستنویس افزوده شده است.

۲. سیمز ویلیامز: کاتب شروع به نوشتن rty کرده است، اما به علت نامناسب بودن جای نگارش، r را ناتمام رها کرده و واژه را در جای مناسب نوشته است.

۳. مکنزی: prtγwš'k؛ سیمز ویلیامز: چنین.

- 178) r'ōyh γrβcy¹ βwt m'δ 'PZY k'w šwt k'm rtyšy nyδcw γw pcγw'k
- 179) L' βwt 'PZY šy ZK γwyck' p'z'ny' 'pw "y'm rty myšnw γrβ
- 180) w'tō'rty wγ'ršt rtyms styw ZNH wysp pwt'yšt prw 'pw ptšm'r
- 181) RYPW RYPW krph rtyšy ZKw šyr'krtyh γwβ'ynt 't nyr<"y>'yntk'm
- 182) rtyšy wγ'm L' "y'mt βwt rty nwykr 'ky 'sty ZKZY m'n'kh
- 183) δrm pty'wš'y rty ZKw p'zn k'w pwδ'y s'r L' 'wst'y nykr'nw
- 184) c'wn γwnx mrtym'k ZKZY nyδ'yc γrβty wm'ytk 't t'r'k
- 185) 'pw zn'kh ZKZY L' prw δw' wkry δrm'yk δβry' tyst wyδβ'γ n'wmyk'
- 186) rty nwykr wyδ'γty ZK βymyrkr'yt k'w pwtystβ'n'k 'nt'c
- 187) KZNH w'β mrtym'yty c'γwn'k ZK pwtystβ prw δw' wkry
- 188) δrm'yk' δβry' L' tyst rty mrt mrt prw ryz prβ'yrδ'
- 190) 'YKZYβn pts'p't rty nwykr 'wy 'nw'z'k pwtystβ wm't prw
- 191) δrm ryzkr n'm rty KZNH w'β mrtymyty ZK "z'y 't ZK
- 192) wyδy'y ywn'k δw' wkry pδkh βwt pr'w 'PZYkδ cnn "γ'z'y
- 193) L' "zy'y rtyms 'kδry L' wyδ'yt rty nwykr kδ prw L' "z'yt
- 194) pδkh ZKw pt"wyn'k wkry βyr' rty ywn'k γyδ 'γw ZKZY prw
- 195) δw' wkry δrm'yk' δβry' L' tyst ∴
- 196) rtyms ZK p's βyrk pwtystβ KZNH w'β 'γw 'zw wkry 't ZK
- 197) mn' wy"k' ywn'k δw' wkry 'nβ'nt ZK 'prw 'PZY c'wn 'zw wkry
- 198) βwt pyδ'r ZK mn' wy"k βwt p'rZY kδ' ZK 'zw wkry L' 'sty
- 199) rtyms ZK mn' wy"k L' β'y rty ywn'k γyδ γw ZKZY L' prw δw'
- 200) wkry δrm'yk' δβry' tys βwt ∴

۱. مکتزی: این واژه در دستنویس. γrβy است؛ سیمز ویلیامز: γrβy.

۸۷ Vim.

- 201) rty ms ZK L' nymz'y pwtyslβ KZNH w'β ZK pcy'z 't ZK L'
202) pcy'z ywn'k δw' wkry βwt 'prw 'PZY kδ ZK pδkh L' pcy'z'y
203) rty ZK L' βyrt β'y rty nwkr cyw'yδ pyδ'r ZKZY L' βyrt
204) βwt rty L' 's 'sty L' ZK 'pysp'y L' ZK wn'ycyk"
205) L' ZK 'krtyh rty ywn'k γyδ ZK ZKZY L' pr δw' wkry yw
206) δrm('y)k¹δβry' tys βwt
207) rty ms ZK <p's> ZY t'r² βyrt pwtyslβ m'δ w'β ZK rym 't ZK zp'rty'
208) yw[n'] (k δ)[w' wkry βw] (t)³

۱. مکتزی : -y- پاک شده است و یقیناً -c- نیست.

۲. مکتزی : -t- در این واژه کامل نوشته نشده است.

۳. سیمز ویلیامز : .[wkry βw](t)δ(w') (y w n 'k)_{γ γ γ γ}

برگردان فارسی

لنتس :

۰) همیشه [از] گِل بدبوی^۱ (= متعفن) ...

مکنزی :

۰) ... (همیشه) [از] گِل بدبوی [پنج گونه ریژ (و) کام (= هوی و هوس)] (خود را) دور
(۱) گرداند^۲ (= روی خود را بگرداند) و همچنین این سان^۳ نشان دهد که «بی زبان^۴ (=

لال) (و) نادانم» و

(۲) اما کاملاً سخنور (= بلیغ، زبان آور) باشد و انباشته^۵ چنان^۶ بتواند دارد (= نگاه دارد،
آشکار دارد) که (او)

(۳) بی گمان (= کاملاً معتقد، با خلوص نیت)^۷ باشد و نیز چنین نشان دهد «که به پایاب (=
گدار) ناراست^۸ (= کج، ارتدادی)

(۴) اندر شده ام و اما به پایاب راست^۹، هستان جاندار^{۱۰} را بُرد (= اما موجودات زنده را
به راهی مستقیم و درست بُرد)

(۵) و همچنین این سان نشان دهد که «همه^{۱۱} گونه^{۱۲} دیانه^{۱۳} و^{۱۴} (= مراقبه) را اندر
شده ام»

(۶) و اما سبب^{۱۵} را بُرد (= تباه کند، نابود کند) و نیز چنین نشان دهد «نیروانه^{۱۶} را اندر
شده ام»

(۷) و اما زاد را و مرگ را^{۱۷} بُرد (= ولی چرخه زندگی و مرگ را متوقف نکند) و اکنون
ای منجوشری^{۱۸}

(۸) اگر بدی ستوه^{۱۹} بر این گونه^{۲۰} نا - راه^{۲۱} (= خارج از طریقت) بتواند بگذرد

(۹) پس این، همان کسی است که راه^{۲۱} (= طریقت) بودا را به درستی^{۲۲} (= به کمال)
دریابد و

۱۰) و یمله کیرتی^{۲۳}، منجوشری^{۱۸} را چنین پرسید، «کدام است آن

- (۱۱) که ^{۲۴}کشته^{۲۵} بودا را تخم باشد؟ و منجوشری^{۱۸} چنین گفت، «(این که)
- (۱۲) «تن باشد»^{۲۶} تخم است و بی‌روشنی (= نادان)^{۲۷} (و این که) «عشق باشد»^{۲۸}
- (۱۳) تخم است و دیگر^{۲۹} آژ^{۳۰} و خشم و
- (۱۴) فریفتگی^{۳۱} (= جهل، حماقت، ناآگاهی) تخم است و چهار^{۳۲} واژگونگی^{۳۳} (= بدعت‌گذاری، ارتداد، انحراف) تخم است و
- (۱۵) پنج‌گونه^{۱۲} پوشش^{۳۴} (= مانع و حجاب) تخم است و شش^{۳۵} آمدگاه^{۳۵} (= جای ورود، مدخل، مرکز حسی، بُن ادراک و احساس) تخم
- (۱۶) است و هفت^{۳۶} جایگاه دانش^{۳۶} (= مکان آگاهی، مکان ادراک و شناخت) تخم است و هشت^{۳۶}
- (۱۷) درمۀ^{۳۷} (= قانون، مقررات) ناراست^{۳۸} تخم است و نه^{۳۶} جایگاه رنج
- (۱۸) تخم است و ده^{۳۲} گنده راه^{۳۱} (= راه بد و اهریمنی) تخم است اگر
- (۱۹) آن را همه^{۱۱} خواهی گویی^{۶۲} گونه^{۱۲} بینش^{۳۹} (= نظر) (ناراست) با همه^{۱۱} گونه^{۱۲} رنج
- (۲۰) و درد^{۴۰} تخم بودا است و نیز (ویمله کیرتی)^{۲۳} چنین پرسید، «چرا
- (۲۱) چنین است؟» و نیز (منجوشری)^{۱۸} پاسخ این گونه کرد، «آن‌گاه اگر چنین بیند^{۴۱}
- (۲۲) کسی از بی‌کرداری^{۴۲} (= بی‌عملی، بی‌اثری) در رده^{۴۳} راست^۹ اندر شود (= اگر شخص کسی را ببیند که از بی‌عملی داخل مرتبه حقیقی می‌شود) پس آن‌گاه دل^{۴۴} (= اندیشه، جان، روان)
- (۲۳) به انوتره سمیک سمبُدی^{۴۵} (= برترین روشن‌شدگی کامل، کمال آگاهی) نتواند بایستاند^{۴۶} (= آن‌گاه او نمی‌تواند اندیشه‌اش را در نهایت روشن‌شدگی کامل بگذارد و متمرکز کند) چونان که بر
- (۲۴) جای بلند و زمین خشک^{۴۷} گُل نیلوفر آبی^{۴۸} نروید
- (۲۵) اما در جای پست نمناک و گِلی نرم است که
- (۲۶) این^{۴۹} گُل روید و نیز اگر چنین بیند^{۴۱}، کسی از

(۲۷) درمۀ ۳۷ بی‌کرداری ۴۲ در رده ۴۳ راست ۹ اندر شود، به هیچ روی درمۀ ۳۷
(۲۸) بودا را نتواند زاید (= پدید آورد) اما گِل رنج و درد ۴۰ را (= در گِل رنج و درد)
(۲۹) آن گونه زنده جاندار ۱۰ باشد که درمۀ ۳۷ بودا را برافرازد (= بالا برد) چونان
(۳۰) هنگامی که در فضای ۵۰ (= آکاشه، جو) بلند (= مرتفع) درخت ۵۱ را بکاری پس

به هیچ روی نروید اما

(۳۱) آن اندر زمین آلوده کود خورده، شکوفا و بس بارور باشد (= به افراط بروید) و
(۳۲) نیز همان سان کسی که از بی‌کرداری ۴۲ در رده ۴۳ راست ۹ اندر شود،
(۳۳) درمۀ ۳۷ بودا را نتواند زاید (= پدید آورد) زیرا برای او دل ۴۴ «من» و
(۳۴) «بینش» ۳۹ (= زیرا اندیشه «من» او و «نظر» او) برخیزد ۵۲ و سپس چنان بود که کوه
سومرو ۵۳ (= و مانند کوه سومرو شود)،

(۳۵) {و} پس منش ۵۴ (= ذهن، ضمیر، اندیشه) رابه انوتره سمیک سمبدی ۴۵ ایستاند
(= گذارد) و

(۳۶) درمۀ ۳۷ بودا را بتواند زاید. پس از این رو شخص باید بداند
(۳۷) همه ۱۱ گونه ۱۲ رنج و درد ۴۰ تخم بودا است. این گونه
(۳۸) چونان که در ژرف‌ترین دریا ۵۵ (= اقیانوس) اندر نشوی پس گوهر ۵۶ (= جواهر)
بی‌بها ۵۷ (= گرانبها) {نیایی}

(۳۹) نتواند یافته شود ۵۸ و نیز اگر در دریای ۵۵ بزرگ درد رنج ۴۰
(۴۰) اندر نشوی آن گاه همچنین گوهر ۵۶ همه ۱۱ دانش ۳۵ (= گوهر همه دانایی‌ها) را
نتوانی بیایی و اینک

(۴۱) در آن هنگام کاشیۀ بزرگ ۵۹ آغاز کرد ستودن (= پس از آن مَها کاشیۀ شروع به
تحسین او کرد)، «آباد (= آفرین)، آباد (= آفرین) ۶۰ (ای) منجوشری ۱۸

(۴۲) و چنین نغز این مهم ۶۱ را شرح دهی زیرا این راستی (= حقیقت) است.

(۴۳) چنان که گویی و موضوع ۶۱ ریمنی ۶۲ و درد ۶۱ تخم بودا

(۴۴) است و اکنون ما بسنده (وکامل) ۶۳ نیستیم تا منش ۵۴ را به انوتره

(۴۵) سَمِيكَ سَمْبُدِي ۴۵ بگذاریم ۶۴ (= اینک ما توانا نیستیم اندیشه‌هایمان را به سوی برترین روشن شدگی کامل رهنمون شویم) اما (حتی کسی که رسیده است) تا به پنج ۳۱ کردار بد ۶۵ (= گناه)

(۴۶) مرگ سزاوار (= مرگ لازم) کسی است که دل ۴۴ را بتواند بگذارد ۶۴ چونان که (۴۷) درمۀ ۳۷ بودا زاید (= اما حتی کسی که به ارتکاب پنج گناه نابخشودنی و سزاوار مرگ رسیده است، می‌تواند اندیشه‌اش را چنان روشنی بخشد که درمۀ بودا پدید آید) و آن را ما به هیچ روی (آن سان) نتوانیم بگذاریم ۶۴ (= ما به هیچ وجه نمی‌توانیم آن را به آن ترتیب روشنی بخشیم)، چونان

(۴۸) که مردم بی‌توان ۶۴ بر پنج ۳۲ ریژ (و) کام (۴۹) بخُرد ۶۶ نباشد (= درست همان طور که مرد ناتوان و معلول در پنج گونه هوا و هوس هشیار و عاقل نیست)، همان سان نیز این شراوگه‌ها ۶۷ که برای آنها همه ۱۱ (۵۰) گونه ۱۲ پیوند ۶۸ (= بند، پیوستگی) نیست شده است، به درمۀ ۳۷ بودا هیچ بهره ۶۹

(۵۱) نتوانند کردن ۷۰ (= نمی‌توانند بهره‌ای برسانند) چنان که به هیچ روی آرزو را نکند (= چنان که آنان به هیچ وجه آرزویشان را عملی نکنند) و از این

(۵۲) رو. (ای) منجوشری ۱۸، این مردمانِ غیرروحانی ۷۱ را به درمۀ ۳۷ بودا (۵۳) پرسیداری ۷۲ باشد و اما آن شراوگه‌ها ۶۷ را نیست. از این رو هنگامی که (۵۴) مرد غیرروحانی ۷۱ درمۀ ۳۷ بودا را شَنود، پس به سوی راه ۲۱ (= طریقت) (۵۵) سَر ۷۳ و ۷۴ منش ۵۴ را تواند برافرازد (= او می‌تواند ذهن و اندیشه‌ی والا را به سوی روشن شدگی رهنمون گردد) و سه ۳۲ گوهر ۷۵ را تباه نکند

(۵۶) و اما هرچندش (= با وجود آنکه) شراوگه ۶۷ {را} همیشه درمۀ ۳۷ بودا را و (۵۷) زورش ۷۶ (= نیرویش) و بی‌باکیش ۷۷ (= اطمینان به خود) را شَنود، پس به هیچ روی منش ۵۴ را به

(۵۸) سَر ۷۴ راه ۲۱ (= راه و طریقتِ برتر) نتواند <بگذارد> ۷۸ و ۶۴

۵۹) واینک در آن هنگام در میان جماعت بدی ستوه‌ای^{۸۹} بود «گون - تن^{۷۹}
 ۶۰) همه جا - دیدنی» نام^{۸۰} (= به نام «شکلِ تنِ (بودا) همه جا رؤیت پذیر (است)») و به
 ویمَلَه کیرتی^{۶۳} چنین گفت، «ای کده‌دار^{۸۱} (= رئیس خانواده)،
 ۶۱) مادر را و پدر را و برای تو زن و فرزند و برای تو نزدیک
 ۶۲) و خویش و برای تو هم میهنان و دانشگران^{۸۲} (= شناسندگان، دانایان، زیرکان)
 که‌آند؟ و برای تو
 ۶۳) دایه (= خدمتکار و کنیز) و بنده و خدمتگزاران و فرمان‌نیوشان^{۸۳} (= فرمانبرداران)

۶۴) و پیلان و اسبان و گردونه همه^{۸۴} کجا‌آستند؟
 ۶۵) و او را آن‌گاه ویمَلَه کیرتی^{۶۳} به شلوکه^{۸۴} پاسخ برد، چنین گفت،
 ۶۶) «۱ - داندگی^{۸۵} (= معرفت) و کمال^{۸۶} (?) مادرِ بدی ستوه‌ها^{۸۸} باشد و نیز
 ۶۷) ابزار (= وسایل و تدبیر)^{۸۷} پدر (آنها). این همه^{۸۸} انجمن^{۸۸} (= اُمت بودا) را
 آموزنده^{۸۹} آموزگاران^{۹۰} چنین (اند)،
 ۶۸) و نیست کسی که از آنها نزاده باشد^{۹۱} (= این آموزگاران که به همه انجمن آموزش
 می‌دهند چنان‌آند که همه از آنها زاده شده‌اند). ۲ - و شادمانی^{۹۱}
 ۶۹) درمه^{۹۲} زن (= شادی ناشی از درمه همسرش است) و منشِ مهرورز^{۹۲} و نیک
 دختر

۷۰) و دلِ نیک^{۹۳} و راستی (= حقیقت)، فرزند (= پسر) و تا به سرانجام^{۹۳}
 ۷۱) خانه نهی^{۹۴} آرام. ۱۶
 ۳ - {و} ۹۵ انجمن^{۹۵}
 ۷۲) درویشان (= مریدان) (او) ریمنی (و) درد^{۹۶} باشد و براساس^{۹۶} منشی (= خواست،
 اراده)^{۹۴} (او) دگرگون شوند. ۹۶
 ۷۳) و به سوی راه^{۹۷}، گونه^{۹۷} ۱۶ دانشگر^{۹۷} نیک (= گونه‌های راهبره طریقت،
 شناسندگان و دانایانِ خوبِ اویند) چنان که از آن

(۷۴) رو (= به موجب آن) بر روشن شدگی^{۹۸} راست^۹ به کمال ایستد (= بنابراین بدان وسیله در فهم درست و درک حقیقی کامل و ماهر شود).

۴- و همه ۱۱ گونه^{۱۲}

(۷۵) درمۀ^{۳۷} رهایی^{۹۹} پشتکاره (= یاور و پشتیبان) (اویند) و چهار^{۳۲} پرده^{۱۰۰} (= پوشش، لفاف)

(۷۶) کنیزکانِ سرود^{۱۰۱} او (= دختران خنیاگر اویند)، هنگامی که به آواز^{۱۰۲} و خوش (= واژه) درمۀ^{۳۷} را گویند^{۱۰۳}،

(۷۷) برای او این همان موسیقی^{۱۰۲} است
۵- و انباشته دار^{۱۰۴}

(۷۸) بوستان (اوست) و درمۀ^{۳۷} ناروان^{۱۰۵} (= بی جریان) جنگل^{۱۰۶} و درختانِ (آن) (= نگهدارنده هر چیز باغ اوست و قاعده بی جریان سرزمین جنگل خیز و درختان آن است) و

(۷۹) دل^{۴۴} روشن شدگی^{۱۰۷} (= آگاهی، درک) گُلِ زدوده^{۱۰۸} (= پاک، بی غش) نغز (= شگفت) (آن) و دل^{۴۴}

(۸۰) داندگی^{۸۵} (= معرفت) رستگاری^{۱۰۹} میوه (آن) (= و اندیشه شناختِ نجات، میوه آن است).

۶- و هشت^{۳۲} و^{۱۱۰} رستگاری^{۱۰۹} مارستان^{۱۱۱} شنای (= تالاب و آبگیر شستشوی)

(۸۱) (اویند) که در آن آب سمادی^{۱۱۲} (= یکدلی، تمرکز) پُر است چنان که

(۸۲) هفت گُلِ زدوده^{۱۱۳} باز شود و این مردمِ ناریمِن^{۱۱۴} همگون را

(۸۳) شویند و (بر)

۷- پیل و اسبِ پنج^{۳۲} فر^{۱۱۵} (= شهود، دانش برتر) و زور^{۷۶} سوار شده^{۱۱۶}

(است) و

(۸۴) گردونهٔ بزرگ^{۱۱۷} (= مهیاانه) ارابه (اوست) و دل^{۴۴} بی ریا آن که ارابه را بَرَد

- (۸۵) چنان که برهشت راه^{۲۱} (= طریقت) راست^۹ گردش (= پرسه گردی) کند. ۱۱۸
- ۸- و کامل فر (= دخشه) ۱۱۹
- (۸۶) که برگون^{۱۲۰} (= کالبد و رنگ) اوست آرایه (اوست) و همه^{۱۱} گونه^{۱۲}
- (۸۷) زیور نیک^{۱۲۱} بر این ظاهر (او) و شرم^{۱۲۲} سز^{۷۴} جامه (= اصلی ترین لباس) (اوست) و دل^{۴۴}
- (۸۸) ژرف (= اندیشه عمیق)^{۱۲۳} بساک (= تاج گل) سپرغم (اوست).
- ۹- توانگر چنان، چونان که او را هفت^{۳۲} گوهر^{۱۲۴}
- (۸۹) باشد و آموزش دادن او < بهره^{۶۹} > شکوفا^{۱۲۵} (= و موعظه کردن او بهره پربار دارد) و نیز از این رو چونان (باشد) که آن
- (۹۰) بیان شده است (= درست مانند آن چیزی باشد که تفسیر شده است)، در آن درست رفتار^{۱۲۶} شود (= رفتار درست انجام گیرد)، چنان که او گردد (= تغییر کند)^{۱۲۷}
- (۹۱) پس او را بهره^{۶۹} بزرگ باشد
- ۱۰- و او را چهاردیانه (= مراقبه)^{۱۴} جا نشست (= مکان نشستن)
- (۹۲) باشد (= و چهار دیانه تخت اوست) و از هستی زدوده^{۱۰۸} زاده (است)^{۱۲۸} و آن بسیار - شنیده^{۱۲۹} (= دارای شنیده های بسیار) است
- (۹۳) که دل گشاده^{۱۲۰} (= دانندگی و اشراق) را افزایشد و برای او آوای خود - روشن شدگی^{۱۰۷} است
- (۹۴) ۱۱- و او را نوشگی^{۱۳۱} درمه ای^{۳۷} خوراک است و طعم رستگاری^{۱۰۹}
- (۹۵) آب برنج و دل^{۴۴} زدوده^{۱۰۸} تن شوی (اوست) و بخش^{۱۳۲}
- (۹۶) احکام^{۱۳۳} بوی مرهم بویای (اوست)
- ۱۲- چنان که درد رنج دشمن^{۱۳۴} (صفت) (= شهوت دشمن صفت)^{۴۰} را
- (۹۷) بشکند (= تباہ کند)، کسی که زبردستی و دلاوری او را هیچ کس همانندی نتواند کردن^{۷۰}
- (۹۸) و نیز چهار^{۳۲} و^{۱۳۵} (موجود) اهریمنی^{۱۳۶} (= ماره) را فرو نشانند (= سرکوب

- کند) و از درفش^{۱۳۷}
- ۹۹) بلند پایه^{۱۳۸}، مندله^{۱۳۹} راه^{۱۴۰} را برافرازد و
- ۱۳- گرچه (او) این را داند آن که
- ۱۰۰) برنخیزد (یا) ناپدید نشود،^{۱۴۱} بر آن سبب^{۱۴۲} گونه^{۱۴۳} زاد^{۱۴۳} را (= انواع تولد
- را) نشان دهد (= متجلی سازد) و نیز
- ۱۰۱) همه^{۱۴۱} سرزمین را دیدنی کند (= او همه سرزمین ها را مرئی سازد) چونان که
- خورشید (همه جا را مرئی کند) آن سان که نیست
- ۱۰۲) چیزی که دیدنی نباشد^{۴۱}
- ۱۴- و نیز در بوم ده کران^{۱۴۴} سپاس گزارد بسیار
- ۱۰۳) بیور بیور بودایان را (= هزاران هزار بودا را).
- ۱۰۴) و همچنین (با سنجیدن) این بودایان با تن خویش، برای او از آن پس
- ۱۰۵) نشان^{۱۴۵} دیگرگونی (= هیچ گونه تمایزی) نباشد.
- ۱۵- و نیز گرچه سرزمین بودا را شناسد، با
- ۱۰۶) هستانِ جاندار^{۱۴۰} (از آن رو که از) گونه^{۱۴۲} تهی^{۹۴} (اند)، اما باز هم همیشه
- سرزمین زدوده^{۱۰۸} را
- ۱۰۷) درست رفتار^{۱۴۶} کند چونان که منش^{۵۴} این هستانِ جاندار^{۱۴۰} را گرداند (=
- تغییر دهد).
- ۱۰۸) ۱۶- و هر آنچه تیره جاندار^{۱۴۰} باشد، شکل را و آوارا، همراه با رفتار^{۱۴۷} (=
- سلوک)،
- ۱۰۹) این را، بدی ستوه^{۱۴۹} بی باک^{۱۴۸} زورمند، به یکباره همه^{۱۴۱} را دیدنی
- ۱۱۰) کند (= متجلی سازد).
- ۱۷- و نیز چیز(های)^{۱۴۹} اهریمنی را هم شناسد^{۴۱} و هم داند و
- ۱۱۱) موافق با آنها، کردار را نشان دهد
- ۱۱۲) و همچنین از داندگی (= معرفت)^{۸۵} تدبیر^{۱۵۰} نیک (خویش) به ریژ (=

خواست و اراده) همه را دیدنی کند (= متجلی سازد).

۱۸ - نیز

(۱۱۳) گاهی (خود را) در کهنسالی و بیماری و مرگ نشان دهد،

(۱۱۴) آن سان که زندگانِ جاندار^{۱۰} را کامل ایستاند (= سازد) و نیز آشکارا داند

(۱۱۵) که چنین‌اند چونان پندار^{۱۵۱} و افسون^{۱۵۲} و آن را به درستی^{۱۵۳} (= به کمال) بی‌مانع^{۱۵۴}

(۱۱۶) دریابد

۱۹ - و نیز گاهی چنان دیدنی (= آشکار) کند که انجام (= پایان) شکست^{۱۵۵}

(۱۱۷) است (و) سوزد، چونان که زمین و آسمان همه^{۱۱} سوخته شود^{۱۵۶}

(۱۱۸) و این مردمان، انوشه^{۱۵۷} نشان^{۱۵۸} است (= نشانِ جاودانگی دارند) و از آن (آنها را) روشن (= آگاه) کند آن سان که

(۱۱۹) (آنان) دریابند که (فقط) بی‌ایستایی^{۱۵۹} (= ناپایندگی، گذرندگی) است

(۱۲۰) ۲۰ - و همچنین بی‌شمار^{۱۶۰} بیور بیور هستانِ جاندار^{۱۰} با هم آیند

(۱۲۱) به فراخوانی (= دعوت) بدی ستوه‌ها^{۱۹} و او را به یکباره در خانه در آیند

(۱۲۲) و (او) منش^{۵۴} او را (= آنها را) گرداند چونان که بر راه^{۲۱} (= طریقت) بودا^{۱۶۱} ایستند

۲۱ - و هم

(۱۲۳) سوتره^{۱۶۲} را و هم (دیگر) نوشته (ها) را و هنر^{۱۶۳} متمر^{۱۶۴} (= کلام مقدس) را و مهارت^{۱۶۵} را

(۱۲۴) و همه^{۱۱} گونه^{۱۲} زبردستی^{۱۶۳} راهمه^{۱۱} دیدنی کند (= متجلی سازد) چونان که (او) در این

(۱۲۵) مهم^{۱۴۹} شود (= رُود) و برای هستانِ جاندار^{۱۰} بهره^{۶۹} و سود کند (= پدید آورد)

(۱۲۶) ۲۲ - از این رو در این دام (= جهان) میان همه^{۱۱} درمه^{۳۷} (ها)ی راه^{۱۶۶} (=

قانونِ طریقت) و میان همهٔ ۱۱ داندگی ۱۶۷ (= معرفت) (او به عنوان) کیده‌دار ۸۱

(۱۲۷) بیرون رُود و از این، برای مردم دو دلی دیدنی (= متجلی)

(۱۲۸) بُودِ چوان که در دیدنِ ناراست ۸ (= بینش ارتدادی، کژآیینی) نیفتد

۲۳- و نیز گاهی (بغ) خورشید و

(۱۲۹) بغ ۱۶۸ ماه بُود و برهما ۱۶۹ و خدای دام (= سرورِ جهان) و گاهی زمین

(۱۳۰) و آب ۱۷۰ و گاهی باد و آتش.

۲۴- هنگامی که در این دام ۱۷۱

(۱۳۱) بیماری باشد، (او) همه گونه گیاه دارویی را دیدنی کند چنان چوان که هرکه

(۱۳۲) (آن را) خورد، بیماری او از میان بُرد و زهر ۱۷۲ را گدازد

۲۵- و نیز اگر در این

(۱۳۳) دام ۱۷۱ (کسی) گرسنه مرده (= قحطی زده) باشد، پس (او) خوراک و آشامیدنی

دیدنی (= واقعی) را

(۱۳۴) کند (= تهیه کند) و آنها را نخست از گرسنگی و تشنگی رهاوند و برای آنها از آن

(۱۳۵) پس، مردم گوینده و خش (= واژه) درمه ۳۷ بُود

۲۶- و نیز اگر در این دام ۱۷۱

(۱۳۶) شمشیر و سپاه افزار (= سلاح) باشد، با آنها منش را مهرورز ۹۲ و ۱۷۳ و نیک

(۱۳۷) کند و برای این هستانِ جاندار ۱۰ منش ۵۴ را گرداند چنان

(۱۳۸) که (آنها) مانند ۱۷۴ (= بیارامند و اقامت کنند) (و) بر ۱۷۵ زمینِ بی ستیز ایستند (=

سکناگزینند)

۲۷- و نیز اگر

(۱۳۹) نبردی بزرگ باشد، (او) آنجا برپای ایستد ۱۷۶ چوان که برای آنها زور ۷۶ را

همگون

(۱۴۰) کند (= نیروی دو طرف متخاصم را همانند سازد) و بدی ستوه ۱۹ شکوه را و

توانایی را دیدنی (= متجلی) کند

- (۱۴۱) و آنها را فرونشاند (= سرکوب کند) چنان که آشتی داده شوند^{۱۵۶}
- ۲۸- و نیز در هر سرزمین میان (= میان هر سرزمین)
- (۱۴۲) هر جاکه دوزخ است جایی^{۱۷۷} (؟)، پس (او) به یکباره^{۱۷۸} (= یک راست) رهسپار شود و
- (۱۴۳) در آنجا آنها را از فری (= شرارت، پلشتی، پلیدی) و درد^{۱۷۹} رها کند
- ۲۹- و نیز
- (۱۴۴) در هر سرزمین جایی که^{۱۸۰} نخجیرها (= حیوانات وحشی) یکدیگر خورند،
- (۱۴۵) پس چنین دیدنی کند (= نشان دهد) که همان دم زاده شود و برای آنها بهره^{۱۸۱}
- (۱۴۶) و سود^{۱۸۱} را (فراهم) کند
- ۳۰- و نیز این چنین دیدنی کند که «پنج^{۳۲} ریژ را
- (۱۴۷) پذیرم»^{۱۸۲} و نیز چنین دیدنی کند که «در دیانه^{۱۴} شوم»
- (۱۴۸) چنان که اهریمن^{۱۳۶} (= مازَه) را در دل^{۴۴} سرآسیمگی^{۱۸۳} و آشوب^{۱۸۴} (= آشفستگی) باشد و
- (۱۴۹) (او) فرصت را نتواند یابد
- ۳۱- بنابراین اگر در میان آذر (= آتش)
- (۱۵۰) نیلوفر^{۴۸} روید، این بسیار دشوار است
- (۱۵۱) و نیز آن کسی که در میان ریژ (و) کام اندر دیانه^{۱۴}
- (۱۵۲) شود، هنوز آن دشواری همان گونه شمرده شود
- ۳۲- و نیز گاهی
- (۱۵۳) تن را (چون) زن خریدنی (= روسپی) دیدنی کند و این
- (۱۵۴) زیبایی ها را آشوبد.^{۱۸۵} آنها را نخست از (= به وسیله)
- (۱۵۵) چنگک شهوت کشد (= جذب کند) و آنان را سپس چنان <کند>^{۱۸۶} چونان
- که
- (۱۵۶) دانش^{۸۵} بودا را اندر شوند

۳۳- و نیز گاهی

(۱۵۷) میان خواجگان^{۱۸۷} سرکرده باشد و گاهی این مردمان بازارگان^{۱۸۸} را راهبر
(۱۵۸) و در این سرزمین^{۱۸۹} آموزگار^{۹۰} و وزیر^{۱۹۰} بزرگ و از (جهت)
(۱۵۹) بهره^{۶۹} این هستان جاندار را^{۱۰} باید (= حمایت کند)

۳۴- و نیز هر چه آنان

(۱۶۰) ناتوان (= تنگدست) و نیازمند^{۱۹۱} باشند، (او) برای آنها
(۱۶۱) گنج بی پایان^{۱۹۲} را دیدنی کند و به آنها از آن رو (که) آموزه را آموزد، (آنان)
دل^{۴۴} روشن شدگی^{۱۰۷}

(۱۶۲) برکشند (= آنها اندیشه بُدی را پدید می آورند)

۳۵- و به آن کسی که دل^{۴۴} «من» گونه^{۱۲} و غرور^{۱۹۳}

(۱۶۳) (داشته) باشد، زور^{۷۶} (= نیروی) بزرگ را و توانایی^{۱۹۴} را

(۱۶۴) دیدنی کند (= نشان دهد) و این گردنکشان (= متکبران) برتر را فرونشاند، چونان

(۱۶۵) که در سر^{۷۴} راه^{۲۱} بودا (= طریقت والای بودا) ایستند

۳۶- و نیز جایی که (؟)

(۱۶۶) (مردان) ترسو باشند، (او) رو در روی او (= آنها) ایستد (و) منش^{۵۴} (آنان) را
ایستاند (= سروسامان دهد)؛

(۱۶۷) به آنها نخست بی باکی^{۷۷} را دهد و آنها را سپس چنان

(۱۶۸) کند چونان که (آنان) به راه^{۲۱} منش^{۵۴} ایستاند (= چنان که آنان ذهنشان را در
آن طریقت بگذارند)

۳۷- و نیز گاهی چنین

(۱۶۹) دیدنی کند که او از ریژ (و) کام روی گردانده است.

(۱۷۰) و به پنج^{۳۲} فر^{۱۱۵} (= شهود و دانش برتر) ریشی^{۱۹۵} (= وریشی با پنج فر)

است، از این رو آن

(۱۷۱) هستان جاندار^{۱۰} را آموزه گشاده (= ساده و آشکار) کند و (آنها) احکام^{۱۳۳}

را و

(۱۷۲) منش را مهرورز^{۱۹۶و۹۲} برتابنده^{۱۹۷} (= بردبار) کنند

۳۸- و نیز اگر باشد کسی که پدیدار (= آشکارا)

(۱۷۳) خدمتگزار^{۱۹۸} را خواهد، (او) کودک (= غلام)^{۱۹۹} و فرمان نیوش (= فرمان

بر) (او) شود، چونان که او را

(۱۷۴) اگر در منش^{۵۴} شادمانی باشد، از آن پس منش^{۵۴} را در راه^{۲۱} (= طریقت)

ایستاند

(۱۷۵) ۳۹- و نیز آنچه او خواهد و با آن هماهنگ^{۲۰۰} است چنان که در

(۱۷۶) راه^{۲۱} (= طریقت) بودا اندر شود و بازور^{۷۶} تدبیر^{۸۷} نیک چنان

(۱۷۷) تواند کند^{۷۰} چونان که به آنها همه^{۱۱} بسنده (= به قدر کفایت) دهد

۴۰- و او را راه^{۲۱} یک گون (= همسان)

(۱۷۸) بسیار^{۲۰۱و۲۰۲} است چنان که هر جا خواهد شود^{۲۰۳}، او را هیچ چیز بازدارنده

(۱۷۹) نباشد و دل گشاده^{۱۴۰} (= دانندگی، اشراق) او بی پایان^{۱۹۲} (است) و این بسیار

(۱۸۰) جانداران^{۱۰} را رهاند (= رستگار کند)

۴۱- و نیز هر چند همه^{۱۱} بودایان در بی شمار^{۱۶۰}

(۱۸۱) بیور بیور کَلْه (= کلب، دوره جهانی) ۱۵۵ کرده نیک^{۲۰۴} او را ستایند^{۴۱} و

گرامی خواهند داشت^{۲۰۵}

(۱۸۲) آن هرگز نتواند انجامیده شود^{۵۸} (= آن را هیچ گاه نمی تواند پایانی باشد)

۴۲- و اکنون چه کسی است که این

(۱۸۳) درمه^{۲۷} را شتود^{۴۱} و دل^{۴۴} را به سوی روشن شدگی^{۱۰۷} نگذارد^{۴۱و۴۴} به

جز

(۱۸۴) از آن مردم که هیچ چیز داند (= هیچ نداند)، فریفته^{۲۰۶} و تار (= نادان، کوردل)

(۱۸۵) (و) بی دانندگی^{۲۰۷} (= بدون شناخت) (است)، آن که در دو^{۳۲} دروازه درمه^{۲۷}

اندر نشود^{۲۰۸}. بخش

(۱۸۶) نهم ۲۰۹

(۱۸۷) و پس در آن هنگام ویمله کیرتی^{۲۳} به انجمن^{۸۸} بدی ستوه^{۱۹} (ها)

(۱۸۸) چنین گفت: «(ای) مردمان (= ای سروران)، چگونه بدی ستوه^{۱۹} در دو^{۳۲}

(۱۸۹) دروازه درمه^{۳۷} اندر نشود؟ و هریک (از شما) به ریژ (= بنا برخواست) بیان کنید

(۱۹۰) چنانچه شما را پسند آید.»

۱- و آن گاه در (میان) جماعت بدی ستوه^{۱۹} ای بود «در

(۱۹۱) درمه ریژکر^{۲۱۰} (= خودکام، خودرأی) نام و چنین گفت: «(ای) مردمان (= ای

سروران) زادن^{۲۱۱} و

(۱۹۲) ناپیدایی^{۱۴۱} این دو^{۳۲}، درمه^{۲۱۲} باشد. زیرا اگر از آغاز (چیزی)

(۱۹۳) زاده نشود^{۴۱}، نیز اکنون ناپیدا نشود^{۱۴۱} و آن گاه اگر در درمه^{۳۷} «نا-

زاده»^{۲۱۳} (شخص)

(۱۹۴) گونه^{۱۲} برتابنده^{۲۱۴} (= بردبار) را یافت، این همان است که در

(۱۹۵) دو^{۳۲} دروازه درمه^{۳۷} اندر نشود.»

(۱۹۶) ۲- و نیز بدی ستوه^{۱۹} «سرافرازی^{۲۱۵} یافته^{۲۱۶}» چنین گفت: "من 'گونه^{۱۲} و

(۱۹۷) جای^{۲۱۷} 'من'،^{۲۱۸} این دو^{۳۲}، سبب^{۲۱۹} است. پس از برای 'من' گونه^{۱۲}

(۱۹۸) است که جای 'من'،^{۲۱۸} باشد زیرا اگر 'من' گونه^{۱۲} نیست

(۱۹۹) آن گاه نیز جای 'من'،^{۲۱۸} نباشد^{۴۱}، این همان است که در دو^{۳۲}

(۲۰۰) دروازه درمه^{۳۷} (آن را) آمدگاه^{۳۵} (= ورودی، مدخل) نباشد»

(۲۰۱) ۳- و نیز بدی ستوه^{۱۹} «چشمک نازنده»^{۲۲۰} چنین گفت: «پذیرفتگی^{۲۲۱} (=

دلبستگی) و نا-

(۲۰۲) پذیرفتگی^{۲۲۲}، این دو^{۳۲} باشد آن گاه اگر او (= شخص) درمه^{۳۷} نپذیرد^{۴۱}

(۲۰۳) پس آن (= درمه) نتواند یافته شود^{۲۲۳} اکنون از آن رو، آنچه نتواند

(۲۰۴) یافته شود^{۵۸}، ناگرفتن^{۲۲۴} است، رد ناکردن^{۲۲۵}، ناورزیدن^{۲۲۶}،

(۲۰۵) ناکرداری (= بی عملی). این همان است که در دو^{۳۲}

(۲۰۶) دروازه درمه^{۳۷} آن را آمدگاه^{۳۵} (= مدخل) نباشد..»

(۲۰۷) ۴- و نیز بدی ستوه^{۱۹} «>سرافرازی < و تارک (= اوج) ^{۲۲۷} یافته» چنین گفت:

«ریمنی^{۶۲} و زدودگی

(۲۰۸) (این دو باشد) ...»

پی‌نوشت‌های برگردان فارسی

۱. این سطر را لنتس (Lentz 1934: 3, n.7) از روی رُتوُفت $k \gamma snh$ [r']m'nt[...] $\gamma r' yk^{(r)} y^{(r)} w$ خوانده است، اما اکنون روی دستنویس که کاغذ آن تقویت و ترمیم شده است، فقط می‌توان این عبارت را دید: [(k) $\gamma snh \gamma r$] (k) (BSTBL: n. p 13)

۲. در مورد $[\delta wr] 'pw'rt$ بسنجید با قطعه Dhy. سطر ۸۹، عبارت $\delta wr \gamma wyš-$ ، که به جای 遠離 آمده است. (BSTBL: n. p 13)

۳. بنونیست (Benveniste 1929: § § 136, 154) واژه‌های 'YKZY'، 'YK' را هزوارش $c'n'kw$ دانسته است و مکتزی در این اثر اظهار داشته است که در (Mackenzie 1970) به آن توجهی نکرده و در آنجا $'YK^{(r)}$ را هزوارش $k\delta'wty$ و $'YKZY$ را هزوارش $T i TM 418$ (Henning 1945: 466) دانسته است. در آن اثر، مکتزی باتوجه به متن $'tymy w'n'kw ps'$ عبارت $'YKZY$ را در سطرهای ۵ و ۶، مطابق با عبارت $w'nw ps' k\delta'wtyh$ در سطرهای ۲۰ و ۲۱ از قطعه M135 به خط سغدی مانوی دانسته است. همچنین اظهار داشته است که مشابه نبودن واژه $'YKZY$ در سطر ۱۵ (به خط سغدی مانوی) با واژه kt در سطر ۳۶ (به خط سغدی بودایی) بایستی موجب هشیاری وی می‌شده است. راهنمای بهتر در این مورد عبارت ذیل در سطر ۴۳ یا ۳۴۷ از متن Dhy. است:

$rty c'n'w/'YK' ywn'k \acute{s}m''r't wn't$

ترجمه این عبارت چنین است: «و هنگامی که او این را شمارَد (= مورد ملاحظه قرار دهد)». ترکیب $'YKZY ... w'n'kw$ نسبتاً معمول است ← قطعه Vim. سطرهای ۳، ۵ و ۱۱۵، قطعه Dhu. سطر ۶۵ و متن SCE سطرهای ۴۸ و ۴۶۱. بسنجید با متن VJ، سطر ۱۳۷۳. عبارت $c'n'kw ... w'n'kw$ به علاوه به صورت $'YKZY KZNH$ در قطعه Vim. سطر ۱۱۸، همچنین $k\delta'wty KZNH$ در قطعه Dhu. سطر ۴۸ و در

قطعه Dhy. سطرهای ۲۳۱ و ۲۴۴ آمده و یقیناً در متنی بوده است که $k\delta$ در آن اصلاً جایی ندارد.

$m'y\delta$ 'YKZY به معنای «درست مطابق» در قطعات زیر و با این بسامد آمده است:
Vim. 9x, Dhu. 9x, Dhy. 10x;

بسنجید با قطعه P2، سطر ۸۵: $m'y\delta$ c' n'kw و قطعه P15، سطر ۱۸: c'nw و صورت سندی مسیحی آن، یعنی mydc'nw در (5 c, STII). صورت بسیار دقیق آن در (Henning 1937a: f 60) به شکل $m'y\delta$ c'nw 'ty- و در [BST II, 31 = C2/3 (1), 5] و [48 = C2/5 (6), 17] به شکل myd c'nw yty آمده است؛ زیرا به سادگی مشخص می‌شود، در حالی که $'YK' = \check{c}\bar{a}nu$ است، 'YKZY دارای ti^* - اضافی است که در سندی مانوی به صورت 'ty و در سندی مسیحی به صورت yty می‌آید، از این رو با $c'n'kwZY$ / 'PZY در سندی بودایی (Gershevitch 1954: § 1600) مطابقت دارد. واژه $c'n'kw$ اصلاً در متنی SCE نیامده است و در متن‌های کتاب حاضر هرگز با واژه ('P) ZY نمی‌آید، گرچه 'YKZY ۷۱ مرتبه آمده است. برعکس، در متنی VJ واژه 'YKZY فقط یک بار آمده، اما ('P) ZY $c'n$ ('k)w ۲۶ مرتبه آمده است (افزون بر $\check{c}\bar{a}nu$ ۱۲۵ مرتبه در متن دیده می‌شود) (BSTBL: n. p13)

۴. مکتزی $p[w]z\beta''k$ را به معنای «الکن و گرفته زبان» آورده است.

سیمز ویلیامز این واژه را $p[w']z\beta''k$ خوانده و با واژه خوارزمی $bz\beta''k$ به معنای «کر و گنگ» (Muq. 258. 1 etc.) و واژه ختنی $abi\check{s}\bar{a}ta$ به همان معنا (Sims-Williams 1978: 259) (KT6, p.243, s.v. $bi\check{s}\bar{a}$)

۵. در مورد $\delta r'ytw wnty \dots nw'\check{s}t'kw$ بسنجید با سطر ۷۷، عبارت

$nw'\check{s}t'kw \delta r'y$ که بیشتر متأثر از یادداشت ولر (Weller, 1935: 319) است، شاید هم ناشی از این امر باشد که نشانه‌های 總持 چینی، که همانا برگردان dhāraṇī است، اساساً به معنای «همه - حفظ» است. مترجم به علت درک نادرست، به جای آوانویسی معمول y ('t'rn، برای مثال در قطعه Dhy. سطرهای ۳۹۲ و ۳۹۸، هر نشانه را به

صورت جداگانه ترجمه کرده است. (BSTBL: n. p14)

متن سنسکریت: dhāraṇī، به معنای «فرمول جادویی» است و در زبان تبتی ترجمه تحت‌اللفظی آن «حمایت کردن، نگاه داشتن» است. (BHS GD)

۶. مکتری در (Mackenzie 1970) مجدداً نظر بنویست (Benveniste 1929) را در مورد (KḠH=m'ḍ) نادیده گرفته و KZNH را با w'n'kw یکی دانسته است. وی اظهار داشته است که اگر در آن زمان فهرست الفبایی این متون را در اختیار داشت، مثال‌های بسیاری از w'n'w KZNH 'PZY (wnty و غیره) در قطعه Vim، سطرهای ۱۵۵، ۱۶۷ و ۱۷۶ و در قطعه Dhy. سطرهای ۱۳۲ و ۱۵۰ و ۱۹۵ و ۱۹۷ و ۲۹۳ و ۳۲۳ وی را به تأمل وامی داشت و شاید ZY w'n'kw k'm'nt m'ḍ را در (STII, b7, 22) و w'nw n' qwn' m't را در (C4, 31) با هم مقایسه می‌کرد و حتی در متن SCE1 به سطرهای ۸ و ۵۵۱: عبارت zkw pwt y m'ḍ pt'yškwy و سطرهای ۱۸۴ و ۴۷۸: عبارت KZNH pt'yškwy، به معنای «بودا را چنین عرض کرد»، توجه می‌کرد. و در ادامه گفته است که مثال‌های مشابه بسیاری نیز در متن VJ دیده می‌شود. همراهی صورت غیرهزوارشی w'n'kw تقریباً به اندازه m'ḍ با سایر افعالی که به «گفتن» بازمی‌گردد نیز رایج است. برای مثال:

VJ 62^b/547: w'n'kw/m'ḍ 'prs'; Dhy. 13/365: w'n'w/m'ḍ w'β -.

وی در دنباله اظهاراتش آورده است که از سایر متون به‌روشنی چنین برداشت می‌شود که در تمامی این متن‌ها KZNH به جای m'ḍ آمده است، بسنجید با:

Vim. 122/164 KZNH/m'ḍ 'PZY prw pwt'n'k r'ḍh 'wšt'nt; Dhy. 49/35 KZNH/m'ḍ 'PZY "n't wyc'rt wyn-; Dhy. 91/63 KZNH/m'ḍ ZY s't/wyspw...; VJ 141/189 'yw ḍnn m'n KZNH/m'ḍ šym'r; VJ 47^c/593, 650 rty my KZNH/m'ḍ "γḍ'w βwy 'PZY; VJ 2/311, 61^c pr'w KZNH/m'ḍ 'PZY, 610/813, 907ZY.

در مورد m't سغدی مسیحی که از t-m'ḍ مشتق شده است ← 16 Schaefer 1942:

که KZNH ('P)ZY مساوی با m'δ ('P)ZY است و هر دو به صورت māθ-ti* قرائت می‌شوند. (BSTBL: n.p 13-14)

۷. مکنزی 'pw ym'n را به معنای «without fault» آورده است. (BSTBL: 21)
 ۸. متن سنسکریت: mithyā، به معنای «غلط، نادرست و ناراست» است. (BHS GD)
 ۹. متن سنسکریت: samyak، صورت دیگری از واژه samyānc است که در ترکیب به کار می‌رود.

samyānc به معنای «درست، راست، کامل و دقیق» است. (ASED)
 ۱۰. متن سنسکریت: sattva ← قطعه Vaj، سطر ۷، پی‌نوشت واژه.
 ۱۱. متن سنسکریت: sarva ← قطعه Vaj، سطر ۵، پی‌نوشت واژه.
 ۱۲. متن سنسکریت: gotra و نیز bīja ← قطعه Vaj، سطر ۲۶، پی‌نوشت واژه.
 ۱۳. واژه سغدی dy'n'y ترجمه‌ای کاملاً نادرست است. به نظر می‌رسد که متن چینی برای مترجم نامفهوم بوده، زیرا که نشانه 道 معادل mārga را به غلط 道، یعنی dhyāna گرفته است. (BSTBL: n. p14)

۱۴. متن سنسکریت: dhyāna، به معنای «نگرش، مراقبه، تفکر و به‌خصوص تفکر و اندیشه عمیق در مذهب» است. (ASED)

«دیانا» یا «دیانه» مرتبه‌ای مشتمل بر حالات و تفکر و مشاهده و مراقبه و کشف و شهود است. این واژه از ریشه (vdhyai)، یعنی «اندیشیدن»، «به تفکری ژرف فرو رفتن» و «به مشاهده و مراقبه احوال درون پرداختن» اشتقاق یافته است؛ و این مرتبه امتداد و گسترش زمانی مرتبه پیشین، یعنی نیروی معنوی است. اگر حالت تمرکز نیروی معنوی (dhāranā) همچون رودی پیوسته در زمان گسترش بیابد و استمرار آن از شناختی یکپارچه و واحد متشکل گردد، آن را حالت تفکر و مراقبه گویند. (داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۲، ص ۶۸۴)

متن سنسکریت: mārga، به معنای «راه، جاده، طریقت» است. (ASED)
 ۱۵. متن سنسکریت: pratyaya، به معنای «علت، دلیل» و اغلب مترادف با واژه

hetu است، گرچه بعضی از مابعدالطبیعه شناسان سعی دارند که این دو واژه را به طرق مختلف از یکدیگر تفکیک کنند. (BHS GD)

۱۶. متن سنسکریت : nirvāṇa ، به معنای «خاموشی» ، هدف ممتاز و برترین و آخرین مقصد آیین بودا است. نیروانه به معنای «فرونشاندن عطش تمایلات و گریز و آزادی از سلسله علل پیدایش‌ها و رنج جهانی و کمال مطلوبی است که برائش طریق هشتگانه بودایی تحقق می‌پذیرد. برای توضیح بیشتر ← داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱، ص ص ۱۶۵-۱۶۸ و نیز ← ع. پاشایی ۱۳۶۸: ص ص ۵۷۰-۵۷۱.

۱۷. متن سنسکریت : saṃsāra ← قطعۀ Intox. سطر ۶، پی‌نوشت واژه «سنساره».

۱۸. متن سنسکریت : Mañjuśrī ← معرفی قطعۀ Vim. پی‌نوشت شماره یک.

۱۹. متن سنسکریت : bodhisattva ← قطعۀ Vaj. سطر ۹، پی‌نوشت واژه.

۲۰. متن سنسکریت : agati ، به معنای «نرفتن ، ایستادن ، توقف کردن» است.

(ASED)

واژه gati ، در زبان سنسکریت ، به معنای «وضعیت وجود که در آن تولد دوباره ممکن است ، سرنوشت ، تقدیر» و agati متضاد این واژه است. (BHS GD)

۲۱. متن سنسکریت : gati به معنای «حرکت ، نیروی حرکت ، تقدیر» است.

(ASED)

و نیز متن سنسکریت : mārga به معنای «راه، مجاده، طریقت» است. (ASED)

۲۲. متن سغدی : kwm'r'y pr'yst ← قطعۀ Intox. سطر ۲۱، پی‌نوشت واژه.

۲۳. متن سنسکریت : vimalakīrti ، نام یک بدی ستوه است. (BHS GD)

۲۴. عبارت سغدی kt'm ZY γw γwnx ZKZY ... βwl این پرسش را برمی‌انگیزد

که آیا γwnγ و γw را باید با یکدیگر و نوعی ضمیر اشاره تأکید

(← Gershevitch 1954: §1407) دانست یا آنکه آنها را مجزا از یکدیگر فرض کرد.

کاربرد استفهامی مشابهی در قطعۀ Dhu. سطرهای ۴۳، ۴۴ و ۱۱۲ دیده می‌شود:

c'γwny ZK γwnx ZKZY ... با بررسی متن مشخص می‌گردد که (الف)

γwnx ZKZY به معنای «آن که، آن چه» در متن P2 سطرهای ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۲۸، ۲۲۹، ۳۰۷، ۳۲۳ (و سطرهای بعدی، ۳۹۶ و ۴۴۱) هرگز بعد از $\gamma w/ZK$ نیامده است. (ب) عباراتی از قبیل «کدام (ZK یا γwnx) باشد...» عموماً همراه با فعلی غیر ربطی دیده می‌شوند. برای مثال، در متن SCE، سطر ۲۱: γwnx ZKZY ... γw γwnx ZKZY ... و در قطعه P2، سطر ۳۱۰: γcy ZKZY و سطر ۳۲۰: γw ZKZY ... و سطر ۳۲۱: βwt ZKZY ... (ج) حال آنکه $c'\gamma wn'k$ ، که از ادات پرسشی است، بدون بند موصولی، می‌تواند چنین فعلی را و یا γw را به عنوان فعل ربطی همراه داشته باشد؛ برای مثال، قطعه P2 سطر ۱۰۳۶: $c'\gamma wn'k \beta wt?$ و سطرهای ۶۰۹، ۶۱۴، ۷۲۸: $c'\gamma wn'k$ ZK? که در اینجا نیز $\gamma w/ZK$ به صورت فعل ربطی به کار رفته است، یعنی «چگونه / کدام است (آن)، که آن ...».

هومباخ (Humbach 1972: 41)، در نقد و بررسی کتاب مکتری (Mackenzie 1970)، «غفلت آشکار» وی را در مورد این نقش ZK به عنوان فعل ربطی ذکر کرده است. مکتری اظهار داشته است که قضاوت هومباخ در مورد وی اندکی عجولانه بوده است، زیرا فقط شش مثال در صفحه ۴۴ و ذیل واژه γw فهرست شده است که در میان آنها این واژه با املای ZK کم‌تر به چشم می‌خورد. (BSTBL: n. p14)

۲۵. متن سغدی: $kšt'k \gamma my$ ، ولر (Weller 1937b: 7) هنگامی که می‌گوید: «در اینجا γmy به معنای «خانواده» است»، مطلب را مغشوش می‌کند. در مقابل، مترجم 種 را $bīja$ ، به معنای «تخم» ترجمه کرده است و نه $gotra$. چون واژه γmy متن را به اندازه متن چینی مبهم کرده بود، مترجم واژه $kšt'k$ را برای روشن کردن معنا بدان افزوده است. $pwt'n'k \gamma my$ در قطعه P2، سطر ۴۵، نیز به معنای «تخم» و در قطعه Dhu.، سطر ۳۹، همراه با واژه $rwōt$ و در قطعه P7، سطرهای ۳۸ و ۱۲۱ با $pr'knty \beta wt$ آمده است. (BSTBL: n. p 14-15)

۲۶. γw CWRH βwt ترجمه نادرست و تحت‌اللفظی 有身 است و معادل با $sat-kāya$ به معنای «هست - تن». (BSTBL: n. p15)

متن سنسکریت : sat-kāya ، به معنای «واقعی، تن، وجود، شخصیت» است.
(BHS GD)

۲۷. avidyā ، 'pw rwyšny'kh ، معادل 無明 به معنای «بی روشنی» و مساوی با avidyā است. بسنجید با قطعه Intox. سطر ۵، پی نوشت واژه. (BSTBL: n. p 15)

۲۸. ZK pry-'w'k βwt ترجمه‌ای است بد و نادرست و تحت‌اللفظی از 有愛 مساوی با bhava- trṣṇā به معنای «عشق - هست» و pry'w'k همچنین ترجمه تحت‌اللفظی 愛 معادل با kāma ، trṣṇā در قطعات زیر است :
(BSTBL: n. p15) Dhy. 273; ST II, b 10, 3; P2, 904.

متن سنسکریت : bhava - trṣṇā ، به معنای «عطش حیات یا آرزوی حیات» است.
(BHS GD)

trṣṇā به معنای «عطش ، آرزو» است. (ASED)
۲۹. متن سغدی : wβyw ، مکنزی : "both" ؛ قریب ۱۳۷۴ : "together ، also" ،
"both".

۳۰. متن سنسکریت : rāga ، به معنای «شهوَت» است. (ASED)
و نیز متن سنسکریت : lobha ، به معنای «آرزوی حریصانه، حرص، شهوَت» است.
(ASED)

این دو واژه گاهی به جای یک دیگر به کار می‌رود و یکی از سه آتش یا سه ریشه کردارهای ناشایسته است. همچنین «فریب، دانش دروغین و نادانی» معنی می‌دهد. (ع).
پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۳۶)

۳۱. متن سنسکریت : moha ، به معنای «فریفتگی ...» ، یکی از سه آتش یا سه ریشه کردارهای ناشایسته است. (ع). پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۳۶ ؛ (BHS GD)

۳۲. در عبارت ctβ'r wkry ، افزودن wkry ، به عنوان عامل شمار (numeration) ، در جایی که معادل چینی دیده نمی‌شود، قبلاً مورد بحث قرار گرفته است.
(Mackenzie 1970: 119 f., note). این فرضیه با مثالی در قطعه Vim. مورد تایید قرار

می‌گیرد. در آنجا احتمال می‌رود که chung 種، حتی در مواردی که نوشته نمی‌شود، بعد از اعداد خوانده شود. بسنجید با ctβ'r wkry 'tōrmnwkw'ch در قطعه Vim.، سطر ۹۸ که در ترجمه کومارّه جیوه 四種魔 آمده است؛ اما در برگردان هوان - تسانگ Hüan-Tsang عدد 四 به تنهایی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد این واژه در اینجا معنای «نوع، گونه» ندارد، زیرا فقط چهار مازّه (Māra) مطرح است. همین امر در سطر ۱۷۳ از قطعه Dhu. مشاهده می‌شود. ← قطعه Dhu.، سطر ۲۴۴، پی‌نوشت واژه. (BSTBL: n.p 15)

مکنزی: ترجمه انگلیسی "kind"؛ واژه‌نامه "numerative".

۳۳. متن سنسکریت: viparyāsa، به معنای «تصور باطل، گمراهی، بدعت، شناخت مغلو ط، علم نادرست» است. (BHS GD)

چهارگمراهی عبارت‌اند از: کژاندیشی، بیراهه رفتنِ جان یا ادراک یا نظر. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ص ۱۲۶-۱۲۷)

۳۴. γ'wδ "ترجمه تحت اللفظی 蓋 به معنای «پوشش» و معادل با nīvaraṇa، ā- است؛ بسنجید با قطعه Dhy.، سطرهای ۲۱۹ و ۲۶۰، که sy" k به معنای «سایه» ترجمه صحیح 蓋 به معنای "chattra"، یعنی چتر یا سایبان است. (BSTBL: n.p 15)

متن سنسکریت: nīvaraṇa به معنای «مانع و سدی برای زندگی مذهبی» است. (BHS GD)

پنج مانع nīvaraṇa عبارت‌اند از: آرزوی کام، بدخواهی، تنبلی و افسردگی، بی‌آرامی و پشیمانی، شکست و دودلی. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۹)

۳۵. tys ترجمه تحت اللفظی 入 به معنای «مدخل، ورودی» معادل با āyatana است و در قطعه Dhu.، سطر ۱۰۱، نیز آمده است. مکنزی معتقد است که دریافت بنونیست، به پیروی از گوتیو (Gauthiot)، در TSP اشتباه بوده است. در قطعه P2، یادداشت سطر ۱۰۴۳ و نیز سطرهای ۱۰۹۱ - ۱۱۰۰ عبارتِ wywšw mz'yx t'y(t) را به «شش āyatana ها (ی) بزرگ» ترجمه کرده است، غافل از این حقیقت که «مدخل‌ها»

نمی‌توانند کسی را «تعقیب کنند» (škr-). این «شش t'y (t) بزرگ» در حقیقت «راهنان» معمولی‌اند، یعنی 六大賊 معادل با Ṣaḍmahācaurāḥ* که اصطلاحی تحقیرآمیز برای شش حس به شمار می‌رود. سایر کلیشه‌ها در آن متن عبارت‌اند از: سطر ۱۰۴۰: عبارت (dry z'r p'ḍḍ'k!) ؛ سطر ۱۰۵۰ و سطر بعدی: عبارت dry z'rβr'k ؛ p'ḍḍ به معنای «سه تیر زهراگین» (← قطعه Dhu، سطر ۲۵۳، پی‌نوشت واژه) و سطرهای ۱۰۴۱ و ۱۰۷۱: عبارت ctβ'r z'rβr'k kyrmy، به معنای «چهار مار سمی» که ترجمه 四毒蛇 است (اما در SH 177a به طرز متفاوتی شرح داده شده است). (BSTBL: n. p 15)

متن سنسکریت: āyatana، به معنای «اندام حسی، ماده محسوس» است. (BHSGD)

شش حوزه تماس‌های حسی یا شش āyatana اشاره است به حوزه‌هایی که چیزها خود را به شش حس عرضه می‌کنند، یعنی به بینایی، ... و منش یا اندیشه. (ع. پاشایی ۱۳۶۲: ص ۶۷)

۳۶. متن سنسکریت: jñāna، به معنای «دانش» است. (BHSGD) و نیز متن سنسکریت: vijñāna، به معنای «دانستگی یا دانش عملی» است که در تضاد با jñāna، یعنی «دانش تئوری (نظری)» قرار دارد. (BHSGD)

۳۷. متن سنسکریت: dharma ← قطعه Intox، سطر ۲۱، پی‌نوشت واژه. ۳۸. [نشانه 邪] معادل با mithyā در قطعه Vim، سطرهای ۳ و ۱۲۸، و در قطعه P6، سطر ۱۹۰ به صورت 'k'βtk, -ch و در قطعه Dhy، سطرهای ۱۵۸ و ۲۳۴ به صورت 'y'βtk ترجمه شده و واژه بسیار مبهم 法 (dharma) غالباً، چه درست و چه نادرست، به صورت pōkh ترجمه شده است. در اینجا هردو نشانه چینی معادل با mithyātva و به معنای «کردارهای نادرست و کاذب» است، بنابراین در عبارت (BSTBL: n. p 15) pōkh در جای درست خود نیامده است. و نیز: ← همین متن، سطر ۳، پی‌نوشت واژه.

۳۹. متن سنسکریت : *drṣṭi* ، به معنای «بینش ، نظاره ، دیدن (به خصوص با چشم ذهن) ، نظر و عقیده» است. (*ASED*)

همچنین «نظر و به خصوص نظر نادرست» معنا می‌دهد. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۹۹)

۴۰. متن سنسکریت : *kleśa* ← قطعه *Intox.* ، سطر ۲۴ ، پی‌نوشت واژه «رنج».

۴۱. این فعل در متن سغدی در وجه تمنایی آمده است.

۴۲. 'pw 'rkrwn'y برگردان 無爲 معادل با *asaṃskṛta* است که در (b8, 3) و

(STII) به صورت 'rk - rwny pōkh آمده و برگردان 有爲法 معادل با

saṃskṛtadharma است. بسنجید با همین قطعه ، سطر ۲۶ و سطر بعدی ، عبارت

'pw ... pōkh (*BSTBL*: n. p 15).

متن سنسکریت : *asaṃskṛta* ، واژه *saṃskṛta* ، به معنای «معلول (علتی) شده ،

آمیخته و ساخته شده از شرط ها و علت ها ، وضع شده ، مشروط» و با پیشوند *a* به معنای

«وضع نشده ، نامشروط» است. (*BHSGD*)

این واژه «نامشروط ، نیامیخته ، نا به هم کرده» و نیز «تکامل نیافته ناپرداخته و خشن»

معنا می‌دهد. در مورد *saṃskṛta* ← داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱ ، ص ۲۳۶.

۴۳. عبارت سغدی - *wyzrw pōḍry tys* ترجمه تحت‌اللفظی 入正位 به معنای

«ورود - حقیقی - رده ، وضع ، جایگاه» است. ← ضمیمه ، ترجمه فارسی متن چینی ،

یادداشت ۲۷.

متن سنسکریت : *niyāma* ، به معنای «جریان تثبیت شده ، وضع یا شرایط تغییرناپذیر»

است. (*BHSGD*)

۴۴. متن سنسکریت : *citta* ← قطعه *Vaj.* ، سطر ۱ ، پی‌نوشت واژه.

۴۵. متن سنسکریت : *anuttara samyaksambodhi* ، در این واژه مرکب *anuttara*

به معنی «بالا ترین ، برترین ، والاترین» است و *samyak sambodhi* «روشن شدگی کامل»

معنا می‌دهد. (*BHSGD*)

۴۶. متن سغدی : فعل امکانی معلوم ، وجه تمنایی.

۴۷. sthala. به معنای «زمین خشک» است. (ASED)

۴۸. متن سنسکریت : puṣpa، به معنای «گل، شکوفه» است. (ASED)

و نیز متن سنسکریت : padma، به معنای «نیلوفر» است. (ASED)

و نیز متن سنسکریت : utapla، به معنای «شکوفه نیلوفر آبی رنگ» است. (ASED)

۴۹. انتظار می‌رود که m'n'kh در عبارت ZK m'n'kh 'sprym'k با m'n' به معنای

«این» (ضمیر مونث مفرد رایی)، در سغدی مسیحی و مانوی، مطابقت داشته باشد

(Henning 1937a: § 1473). هنینگ نیز همین طور فهرست کرده است (Gershevitch 1954: § 1473).

اما m'n'kh در متن‌های کتاب حاضر عموماً همراه با اسامی مذکر می‌آید؛ حتی،

همان طور که در اینجا دیده می‌شود، با یک ضمیر اشاره مذکر (و نهادی!) دیگر همراه

است: بسنجید با سطر ۱۸۲، عبارت m'n'kh δrm؛ قطعه Dhu.، سطر ۵۶، عبارت

m'n'kh 'mw...pδkh. (تنها اسم مؤنث، اما 'mw!)؛ قطعه Dhu.، سطر ۱۱۵، عبارت

m'n'kh wp'rs. در سطر ۴۲، mwn'kw (در سغدی مانوی)، که مذکر حقیقی

است، دیده می‌شود. (BSTBL: n. p 16)

۵۰. متن سنسکریت : ākāśa ← قطعه Vaj، سطر ۱۸، پی‌نوشت واژه.

۵۱. wn'kh، ترجمه نادرست دیگری از 種 است. بسنجید با سطرهای ۱۱ و ۱۴

همین قطعه. بعید است که مترجم 樹 را درخت خوانده باشد، همان طور که در متن

SCE و قطعه Dhy.، سطر ۳۴۴ نیز نتوانسته است آن را بخواند. احتمالاً از 殖種، به

معنای «گیاه تخم»، او مفهوم 植 به معنای «گیاهان، درختان» را دریافته و «درخت» ترجمه

کرده است. wn'kh (حالت نهادی) در اینجا به جای wnw (حالت رایی در سغدی

مانوی) به کار رفته است. (BSTBL: n. p 16)

۵۲. مترجم 起 را به معنای «برخاستن، بلند شدن» و به جای «بلند کردن، برخیزاندن»

ترجمه کرده است و با مرتبط کردن آن به بند پیش از آن، یعنی pr'w 'PZY به معنای

«زیرا، چنین»، جمله‌ای کاملاً متناقض با جمله قبلی نوشته است. ولی ترجمه تحت‌اللفظی

و نامفهوم وی از 我心見我 به معنای «من - بینش - اندیشه» معادل با ātmaḍṛṣṭi (citta)

- نشان می‌دهد که مترجم چیزی از اصل مطلب نفهمیده است. (BSTBL: n. p 16)
- متن سنسکریت : atmadṛṣṭi ، به معنای «نظر و عقیده به خویشتن» است و این بدترین نوع از انواع نظرهای نادرست است . (ع. پاشایی ۱۳۵۷ : ص ۱۹۹)
۵۳. متن سنسکریت : sumeru ، نام کوهی است که در میانه جهان قرار گرفته است و با هفت گروه کوه متحدالمرکز احاطه شده است. (BHS GD)
۵۴. متن سنسکریت : manas ← Intox. سطر ۲۳ ، پی نوشت واژه .
و نیز متن سنسکریت : citta ← همین قطعه ، سطر ۲۲ ، پی نوشت واژه «دل» .
۵۵. متن سنسکریت : samudra ، به معنای «اقیانوس ، دریا» است. (ASED)
۵۶. متن سنسکریت : ratna ، به معنای «گوهر، جواهر و سنگ قیمتی» است. (ASED)
۵۷. متن سنسکریت : anargha ، به معنای «گرانها، بی قیمت (آنچه نتوان برآن قیمتی نهاد)» است. (ASED)
۵۸. متن سغدی : فعل امکانی مجهول، سوم شخص مفرد.
۵۹. mz'yx k's'yyp ، به سادگی 大迦葉 را، که به معنای «ka-d'yep' بزرگ» و معادل با Mahākāśyapa است ، باز می‌نمایاند ؛ در سنجش با نام‌های متعددی که در (TSP, 258) با -my' می‌آید. k's'yyp در (ST II, b10, 20) نیز آمده است. (BSTBL: n. p 16)
- متن سنسکریت : kāśyapa ، نام یکی از بوداهای پیشین است که بلافاصله پیش از شاکیه مونی قرار دارد. (BHS GD)
۶۰. متن سنسکریت : sādhu sādhu ، به معنای «آفرین، آفرین» است. (ASED)
۶۱. ZK rym 't 'γw γnp'wnh ('sβr'ck') و مشابه آن در سطر ۷۲ ترجمه تحت‌اللفظی و نادرست 塵勞 (之瞿) به معنای «درد پلید (طبقه آن)» است. بسنجید با ضمیمه، ترجمه فارسی متن چینی ، یادداشت ۳۸.
- متن سنسکریت : vastu ، به معنای «موضوع، مکان ، جایگاه ، چیز و شیء» است.

(ASED)

۶۲. متن سنسکریت : sam klesa ، به معنای «درد، آلودگی ، ناپاکی» است.

(BHS GD)

۶۳. واژه سغدی 'nyty ، به معنای «همه، کامل، همگی، تمامی» ، که نظیر واژه 'ngd خوارزمی و پارتی است ، هرگاه گزاره باشد، به وضوح به معنای «کافی، بسنده» خواهد بود (تذکر شفاهی سیمز ویلیامز به مکنزی . بسنجید با änyäd به معنای «کافی، بس» در آسی دیگوری (Digoron). [ضبط فارسی کلمه دیگوری با یای نسبت فارسی است، با سپاس از استاد گرانمایه دکتر محسن ابوالقاسمی]. برای مثال در متن VJ سطر 1240 و سطر بعدی عبارت ZKh t'yw'kt 'wy 'rkh 'nytk L' γ'ynt «بچه‌ها به این کار بسنده نبودند» معنا می‌دهد. (BSTBL: n. p 16)

۶۴. این فعل در متن سغدی از ماده مضارع -wst آمده است.

۶۵. متن سنسکریت : atyaya ، به معنای «گناه» است. (BHS GD)

۶۶. عبارت wc'γtk L' βwt ، به معنای «عاقل نیست»، ترجمه‌ای بی‌معنا از عبارت چینی 不能...利 به معنای «نمی‌تواند سود ببرد یا نمی‌تواند بهره یابد» است. توجیه بسیار ساده‌ی مطلب این است که مترجم می‌بایست 利 را li به معنای «سود، بهره» می‌خواند، در حالی که آن را 利 یعنی همان li ، اما به معنای «هوشیار و عاقل» خوانده است. (BSTBL: n p. 16)

۶۷. متن سنسکریت : śrāvaka ، به معنای «پیرو (بودایی)، مرید یا شاگرد (بودایی)»

(BHS GD) است.

این واژه به معنای «شنونده» است و مراد از آن ، به معنای محدودتر، همان «هشت دسته از شریفان» است. (ع. پاشایی ۱۳۵۷ : ص ۱۶۰)

۶۸. متن سنسکریت : samyojana ، به معنای «عمل متحد یا متصل کردن، آنچه

شخص را به جهان وصل می‌کند یا دلیل تولد مجدد» است. (BHS GD)

۶۹. متن سنسکریت : hita ، به معنای «سودمند، مناسب، امتیازآور» است.

و نیز متن سنسکریت : lābha، به معنای «سود یا بهره» است. (ASED)

۷۰. متن سغدی : فعل امکانی معلوم، سوم شخص مفرد.

۷۱. متن سنسکریت : prthagjana، در صورتی که با واژه «مردم یا مرد» همراه شود به معنای «انسان غیرروحانی خوب یا شخصی که برای پیشرفت مذهب تلاش می‌کند» خواهد بود. (BHS GD)

۷۲. مکتری : (?) gratitude؛ ممکن است مراد از prs'k ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و نزدیک به 返復 باشد، اما از آنجا که این واژه‌ها را (در ترجمه کومارَه جیوه) تقریباً نمی‌توان با 報恩 به معنای «سپاسگزار یا حق‌شناس» (= kṛtajña) در ترجمه هوان - تسانگ و ترجمه تبتی مطابقت داد، واضح نیست که چگونه مترجم سغدی معنای آنها را دریافته است. مع هذا به نظر می‌رسد که ولر (Weller 1937a: 14f) برای نتیجه‌گیری خود، جز بحثی حاشیه‌ای به زبان ژاپنی، دلیل دیگری نداشته است. بنابر نتیجه‌گیری او، prs'k به معنی «حق‌شناسی، پاداش و جبران» است که امروزه نیز تا حدودی مورد تأیید است. شوارتز (Schwartz, 1967: p. 111, on C 2/18', 5) نشان داده است که واژه‌های سغدی مسیحی 'z'nprsqy' (در Hansen 1954)، ترجمه واژه سریانی tawdītā به معنای «اعتراف، سپاسگزاری یا شکرگزاری» است. 'z'n (بسنجید با سغدی مانوی -nz'n)، به معنای «اعتراف» است. احتمال دارد اصطلاح مبهم سریانی به وسیله نوعی همکرد دوگانه (dvandva) ارائه شده باشد. (BSTBL: n. p 16-17)

بنابر نظر شفاهی استاد گرانمایه، دکتر کتایون مزدآپور، اصطلاح «دین‌پرسیداری dēn-pursīdārīh» به معنای «پرسیدن مسائل دینی» در نوشته‌های پهلوی (دستنویس ام. او. ۲۹، ص ۱۰۹، سطر ۹) به کار رفته است.

۷۳. عبارت سغدی k'w r'ōyh s'r ZKw srcy m'n برگردانی تحریف شده از 無上道心 *anuttara(samyaksam)bodhicitta و به معنای «اندیشه غایت روشن‌شدگی» است. مترجم 道 را، به جای آنکه bodhi ترجمه کند، به صورت تحت‌اللفظی «راه» ترجمه کرده است. بسنجید با سطر ۱۲۲، پی‌نوشت «راهِ بودا».

(BSTBL: n. p 17)

۷۴. متن سنسکریت : anuttara ، به معنای «والا، عالی ترین، بهترین» است.

(BHS GD)

۷۵. متن سنسکریت : triratna ، به معنای «سه جواهر» است که عبارت‌اند از :

(BHS GD). saṃgha و dharma, Buddha

۷۶. متن سنسکریت : bala ← قطعه Padm. ، سطر ۱۹، پی‌نوشت واژه.

۷۷. متن سنسکریت : vaiśāradya ، به معنای «بی‌باکی، اطمینان به خود» است که

تقریباً همیشه ویژگی بودا یا بدی ستوه به شمار می‌رود. (BHS GD)

۷۸. فعل اصلی در عبارت 不能發 به معنای «نمی‌تواند جلو بَرَد یا برافرازد» حذف

شده است. در اینجا 'wstl' از روی پاره‌نوشتار مشابه، یعنی سطر ۴۶ اضافه شده است، اما

'wst'yt در سطر ۲۳ برای همان نشانه 發 به کار رفته است. (BSTBL: n. p 17)

۷۹. متن سنسکریت : rūpakāya ، به معنای «کالبد شکل یا تن صوری» (هانس

ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ص ۱۱۶)

و نیز «تن صوری یا تن مادی (بودا)» است. (BHS GD)

۸۰. در واقع این مترجم سغدی است که از نام بدی ستوه با عوض کردن ترتیب

کلمات در عبارت 普現色身 ، مفهومی به وجود آورده است ← ضمیمه ، ترجمه

فارسی متن چینی، یادداشت ۵۰.

و نیز برای همان واژه‌های چینی، با همان ترتیب، بسنجید با قطعه Dhy. ، سطر ۳۱۵ :

wyspy ZKw ywnc CWRH 'nšt't به معنای «همه (شروع می‌کنند) به نشان دادن

» rūpakāya . (BSTBL: n. p 17)

۸۱. متن سنسکریت : gr̥hapati ، به معنای «رئیس خانواده، ارباب خانه» است.

(ASED)

۸۲. ptz'ncykt ترجمه تحت‌اللفظی 知識 چینی به معنای «دانستن - فهمیدن» و

برگردان واژه mitra است (بسنجید با 親友 در ترجمه هوان - تسانگ). در سطر ۷۳ به

kalyāṇamitra، که معادل با 善知識 است، واژه «نیک» - افزوده شده و سپس به صورت تحت اللفظی šyr'k ptz'ncy ترجمه شده است؛ اما از آنجا که همین اصطلاح در متن SCE سطر ۲۸۳، به صورت šyr'nk'r'kw آمده و از قرار معلوم در قطعه Dhu. سطر ۱۳۶ و سطر بعدی šyr'nk'ry ptz'ncyk ذکر شده است، احتمالاً -cy به اشتباه در سطر ۷۳ به جای -cyk آمده است. مع هذا 知識 مبهم است و می تواند به معنای «آگاهی و دانایی» نیز باشد. اما مترجم ماهرتری واژه mitra را در متن تشخیص داده و در قطعه P6، سطر ۹۱ به صورت ywtyrwštk و نیز در سطر ۱۰۱ همان قطعه šyrywz'yt ترجمه کرده است. (BSTBL: n. p 17)

متن سنسکریت : mitra، به معنای «دوست یا همراه» است. (BHSgd)

۸۳. عبارت 't ZNH prm'n pty'wš'yt 't sp's'yt ترجمه تحت اللفظی 僮僕 به معنای «پسر (= غلام بچه) - برده» است که می تواند اصطلاحی عام برای «خدمتکاران یا نوکران» باشد، گر چه از تمامی ترجمه ها مشخص می شود که دو واژه در اصل سنسکریت نیز به صورت عطفی (hendiadys) به کار رفته اند در حالی که می باید صفت و موصوف بوده باشند. در سطر ۱۷۳ همین متن، همان نشانه های چینی، تحت اللفظی تر، یعنی به صورت tyw'kk 't prm'nh ptywš'k ترجمه شده اند. (BSTBL: n. p 17)

۸۴. متن سنسکریت : śloka، به معنای «سرود ستایش، نوعی وزن حماسی خاص در شعر» است. (ASEd)

و نیز متن سنسکریت : gāthā، به معنای «ترانه، شعر و یا شعری است که در وداها نیامده ولی بیشتر شکل حماسی دارد». در آیین بودا به بخش موزون هر سوتره نیز اطلاق می شود. (ASEd)

۸۵. متن سنسکریت : Jñāna، به معنای «دانش» است. (BHSgd)

۸۶. 'w 'zn'kh ZY 'ymn ترجمه تحت اللفظی 智度 به معنای «عقل، دانش - گذر» و معادل با prajñāpāramitā است. 度 معادل با pāramitā در سطر ۷۵ به صورت wy'rš'k ترجمه شده است. بسنجید با βwk' به معنای «آزادی یا رهایی» در متن SCE،

سطر ۲۱۵. علاوه بر آن، نشانه چینی فوق به معنای «قاعده، درجه، اندازه و حد» نیز به کار می‌رود، بنابراین به سختی می‌توان به معنای اصلی واژه کم استعمال ymn' در سغدی پی برد. این واژه مشتق از -āyamana* ایرانی باستان است و با ابهام «آوردن، گرفتن یا بردن» نیز معنا می‌دهد. (BSTBL: n. p 17)

متن سنسکریت: pāramitā، به معنای «برتری، تفوق و کمال» است که یکی از فضیلت‌های والای بودایان است و بُدی ستوه‌ها نیز باید آن را در خود پدید آورند. pāramitā متشکل از یک یا چند فضیلت در فهرست فضایل والای بودا (معمولاً شش فضیلت، گاهی ده و به ندرت پنج تا هفت) است. (BHS GD)

۸۷. عجیب است که در این متن pry'npyh ترجمه‌ای مناسب برای 方便 (به معنای تحت‌اللفظی «جای راحت») معادل با upāya است. بسنجید با قطعه P2، سطر ۸۶۶، عبارت pry'npyh ... nykr'n c'wn که برابر با nirupāyena است و قطعه P6 سطرهای ۷۶ و ۷۹، عبارت γwpw p* که برابر با upāyakauśalya است. در /paryambe/ (نه /-yā/) همان ریشه gamb* را می‌بینیم که در سطرهای ۴۳ و ۷۲ در واژه γnp'wnh و نیز در واژه γmbn سغدی مانوی به معنای «درد(ها)، تلاش، زحمت» دیده می‌شود. بسنجید با γmptq t'f به معنای «شما را به زحمت خواهد انداخت» در

(BST II, 67 = C2/13,1). مترجم در سطرهای ۱۱۲ و ۱۷۶ دو بار واژه ناشناخته pry'wn را برای همان اصطلاح به کار برده است که مطلب را پیچیده‌تر می‌کند. در مورد šyr'k pry'wn zn'kh، که مترجم معادل با upāyajñāna آورده است، بسنجید با قطعه Dhu.، سطرهای ۸، ۱۳ و ۸۶، عبارت pry'npy zn'kh. (BSTBL: n. p 17)

متن سنسکریت: upāya، «اقتضا، مصلحت، صلاح و تدبیر» معنا می‌دهد.

(BHS GD)

۸۸. متن سنسکریت: saṃgha: ← قطعه Padm.، سطر ۵۰، پی‌نوشت واژه.

۸۹. عبارت wysp 'nt'c ywen'k mwck' ترجمه تحت‌اللفظی 一切衆導師 به معنای «همه همه (انجمن) هدایت می‌کنند (آموزش می‌دهند) آموزگار» است، زیرا

«همه nāyakaها» به کلی غلط فهمیده شده است. همچنین 'nt'c در سطر ۷۲ ترجمه

نادرست 衆 است. (BSTBL: n. p 18)

متن سنسکریت : nāyaka ، «رهبر، راهنما، یا شخصی که راهبر مردم به آموزش‌های بودا است» معنا می‌دهد. این واژه به بوداها و بدی‌ستوها نیز اطلاق می‌شود. (BHSGD)

۹۰. متن سنسکریت : guru ، به معنای «مرشد یا معلم دینی» است. (هانس ولفگانگ

شومان، ۱۳۶۲: ص ۱۸۰)

گورو شخصی قابل احترام است و پدر روحانی برای نوجوانی به شمار می‌رود که می‌خواهد منترها یا دعا‌های اولیه را از او فراگیرد. (ASED)

۹۱. متن سنسکریت : nanda ، به معنای «شادی، خوشی و سرور» است. (ASED)

۹۲. متن سنسکریت : karuṇā ← قطعه Padm. ، سطر ۳۰، پی‌نوشت واژه.

و نیز متن سنسکریت : sauratya ← قطعه Padm. ، سطر ۳۰، پی‌نوشت واژه.

۹۳. مترجم پایان سرود مذهبی را کاملاً به اشتباه دریافته است. 畢竟 را قید و به

معنای «سرانجام، به فرجام، عاقبت، دست آخر» و 空寂 را صفت برای توصیف خانه و به

معنای «تهی، آرام» ترجمه کرده است. در حالی که این نشانه‌های چینی معادل با

atyanta-śūnyatā و به معنای «خلا مطلق» آمده است. (BSTBL: n. p 18)

۹۴. متن سنسکریت : śūnya ، به معنای «تهی و خالی» است. (ASED)

۹۵. کاربرد ZY و نیز 'PZY در همان سطر روشن نیست و معنای خاصی از آن

بر نمی‌آید.

۹۶. عبارت zw'rt prw'rt ، که در قطعه Intox. ، سطر ۶ و قطعه Dhy. ، سطر ۵۷ و

سطر بعد از آن (به جای 往返) به معنای «پس و پیش، عقب و جلو» آمده است، این

تصور را به ذهن می‌آورد که احتمال دارد دو واژه zw'rt و prw'rt'nt با یک دیگر

ترجمه 轉 و به معنای «گشتن، دگرگون شدن، تغییر کردن» باشد. اما ترکیب دیگری را نیز

باید در نظر گرفت؛ واژه سغدی 'pyšm در عبارت 'pyšm δ'myh zw'rtی که در

(ST II, b7,22) آمده است احتمالاً به جای 隨 برابر با anu قرار گرفته است و غالباً

نیز به همین صورت در متن به چشم می‌خورد؛ و $\delta'myh\ zw'rti$ به معنای «گردش دنیا» نیز به جای 世俗 برابر با $saṃvṛti$ آمده که به معنای «بینش‌ها یا راه‌های دنیوی یا رایج» (SH164a) است. به نظر می‌رسد که در اینجا عبارت $pyšm\ m'n\ zw'rt$ از همان ساخت برخوردار است و به صورت تحت‌اللفظی «براساس سلوک ذهن» معنا می‌دهد. عبارت $pyšm\ zw'rt$ ، که به جای 隨 آمده است، همراه با ضمائر متصل غیر فاعلی قبل از خود در سطرهای ۱۱۱ و ۱۷۵ به کار رفته است، حال آنکه در قطعه Dhy.، سطر ۹ (- پی‌نوشت واژه) و سطرهای ۱۱ و ۵۱ ترکیب فوق قیدی است و به جای 順 ترجمه شده است. از آن رو که $prwyrtynt$ برای ترجمه صورت سببی معادل در قطعه Dhy.، سطر ۳۱۷ آمده است، این قرائت نشان می‌دهد که واژه $prw'rt'nt$ صرفاً ترجمه 轉 است. (BSTBL: n. p 18)

سیمیز ویلیامز این عبارت را $pyšm\ (...) n/zw'rt\ (y)$ قرائت کرده است. وی خاطر نشان ساخته است که روی هم رفته این عبارت ۹ مرتبه در قطعه Vim.، سطرهای ۷۲، ۱۱۱ و ۱۷۵؛ قطعه Dhy.، سطرهای ۹، ۱۱ و ۵۱؛ قطعه P15، سطر ۳۱ و متن ST II، شماره ۷ سطر ۲۲ و شماره ۸ سطر ۷ آمده است.

از آنجا که حرف z هرگز در این عبارت به شکلی مشخص یا نشانه‌دار نیامده است (برای مثال به شکل z یا $-z$ و یا با یک الف پیش هشت، همان طور که در فعل $zw'rt-$ (') دیده می‌شود)، احتمال بیشتری می‌رود که واژه $n/zw'rt(y)$ با n قرائت شود. این واژه را با واژه مانوی $nw'rt$ در (Henning 1937a: P 82) بسنجید.

(Sims-Williams 1978: 259)

۹۷. $'PZY\ k'w\ r'\delta h\ s'r\ wkry$ به معنای «به سوی راه (= طریقت گونه)» ترجمه

تحت‌اللفظی و بی‌معنای 道品 است که «راه طبقه» معنا می‌دهد و عبارت

$bodhipakṣikā\ dharmāḥ$ (37) معادل سنسکریت آن است. (BSTBL: n. p 18)

عبارت فوق در زبان سنسکریت به معنای «(۳۷) شرط مناسب برای روشن شدگی»

است. (BHSGD)

و نیز ← همین قطعه ، سطر ۹، پی‌نوشت واژه «راه»

۹۸. 成正覺 به معنای «کامل درست درک» همان samyaksambodhi است، ولی نخستین نشانه چینی را در اینجا می‌توان با معنای فعلی و برابر با «کامل کردن» گرفت (Weller 1935: 348). هرچند مترجم فعل لازم -sptk 'wšt- را به کار برده است، در سطر ۱۱۴ از فعل متعدی -'sptyk 'wst'y- به معنای «کامل کردن» برای 成就 استفاده کرده است.

عبارت wyzrrw ptβyōy ترجمه تحت‌اللفظی قابل قبولی برای sambodhi است. بسنجید با نشانه‌های چینی مشابه، مانند sambuddha در قطعه P2، سطر ۸۷: wrzry ... ptβyōn'k و همین طور در قطعه Dhy.، سطر ۱۴: wrzrw ... ptβystk (BSTBL: n. p 18)

۹۹. با وجود آنکه 諸度法等侶 «همه پāramitā (ها) گروه قانون‌ی‌آور (آند)» معنا می‌دهد، اما اگر مترجم چنین فهمیده بود، انتظار می‌رفت که از عبارت ڊرم'یک 'پستک'رک * ڊرم'یک 'پستک'رک استفاده کند. در مورد اصطلاحاتی که با dharma شروع می‌شود، بسنجید با

؛ Dhy.: 272 ڊرم'یک CWRH = -kāya ؛ Vim.: 68 ڊرم'یک' wyšy = -nandi
؛ SCE: 56 ڊرم'یک w'γš = -vāc ؛ Dhy.: 365 ڊرم'یک βs'nt' = -putra
SCE: 506 ڊرم'یک' šmn' = -pati

مکنزی ، با وجود تمام احترامی که برای ولر قایل است ، در این مورد با ولر (Weller 1935: 348) موافق نیست و اظهار داشته است که رایشلت با ذکر عبارت «هرنوع قوانین آزادکننده» تقریباً معنای صحیح‌تری را از متن دریافته است . به هر حال wytš'k اسم مصدر است و «رهایی و رستگاری» معنا می‌دهد (← سطر ۶۶، پی‌نوشت واژه کمال). بنابراین بدیهی است که مترجم 度法 را «قوانین رستگاری» ترجمه کرده باشد. (BSTBL: n . p 18-19)

متن سنسکریت : pāramitā ، به معنای «تفوق، برتری و کمال» است. (BHS GD)

۱۰۰. 'nš'yyp که بنویست آن را اسم مصدر -'nš'yyp (در سغدی مسیحی -š'yp)

می‌داند و «پیچیدن، در لفاف گذاشتن و دفن کردن» معنا می‌دهد

(Benveniste 1955: 308) ترجمه‌ای دور از ذهن برای 攝 معادل با samgraha به معنای «جذب و کشش» است، حتی اگر مترجم «(فضیلت‌های) تماماً فراگیر» را از آن دریافت کرده باشد. احتمال می‌رود که او این نشانه چینی را به اشتباه 括 خوانده باشد که به معنای «پوشاندن، دربرگرفتن» است. (BSTBL: n. p 19)

متن سنسکریت: samgraha vastu، به معنای «اسباب جذب (= کشش)، یعنی وسیله‌ای که بودا یا بدی ستوه با آن مخلوقات را جذب می‌کند یا به طرف خود و زندگی مذهبی می‌کشانند». (BHS GD)

۱۰۱. 'prswkyh جمع مؤنث /əpsrōka/ است (Gershevitch 1954: § 1187) که

ترجمهٔ 伎女 به معنای «زیرک دختر» است، احتمالاً حسن تعبیری برای 妓女 — به معنای «آوازه‌خوان دختر، زن بدکاره» است (Weller 1935: 349). آیا مترجم متوجه این مطلب شده است یا نه، جای بحث دارد. فقط -upa-sraw- تأیید شده است و نه -apa* و این واژه بیشتر «شنیدن، درک و فهم» معنا می‌دهد تا «آواز خواندن».

(BSTBL: n. p 19)

۱۰۲. z't، به معنای «سرود، نغمه، گزارش چیزی بانغمه» (Weller 1935: 351)،

احتمالاً باید از فعل سغدی مانوی -z'y (و سغدی مسیحی -z'y، z't به معنای «گفتن، سخن گفتن» باشد، گرچه z'y «نطق، گفتار» معنا می‌دهد (ST. II, c6, 40). اگر در سطر ۷۷ قرائت واژه ntyh به همین اندازه مورد تردید نمی‌بود، گمان می‌رفت که شاید این حروف صورت غلطی برای znt* بوده باشد، به‌ویژه از این لحاظ که znth در متن SCE سطر ۱۲۲ و در قطعه DN=P5، سطرهای ۴۲ و ۸۰ ترجمهٔ 歌 است. در حالی که zntyh در قطعه P5، سطر ۴۲ معمول حرف اضافهٔ cnn است، مورد ما در اینجا حالت نهادی دارد. شاید مترجم zandyā* را که اسم معنا است برای 音樂، معادل با gandharva و gīta، ساخته است. واژه‌ای که صرفاً «موسیقی» معنا بدهد و متمایز از

واژه «آواز» (= سرود) باشد، در سغدی معمول نیست، در این صورت، کاملاً امکان دارد که نسخه بردار با حذف یک $n=z$ اشتباه کرده باشد. (BSTBL: n. p 19)

سیمز ویلیامز معتقد است که باید 𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿𐮀𐮁𐮂𐮃𐮄𐮅𐮆𐮇𐮈𐮉𐮊𐮋𐮌𐮍𐮎𐮏𐮐𐮑𐮒𐮓𐮔𐮕𐮖𐮗𐮘𐮙𐮚𐮛𐮜𐮝𐮞𐮟𐮠𐮡𐮢𐮣𐮤𐮥𐮦𐮧𐮨𐮩𐮪𐮫𐮬𐮭𐮮𐮯𐮰𐮱𐮲𐮳𐮴𐮵𐮶𐮷𐮸𐮹𐮺𐮻𐮼𐮽𐮾𐮿𐯀𐯁𐯂𐯃𐯄𐯅𐯆𐯇𐯈𐯉𐯊𐯋𐯌𐯍𐯎𐯏𐯐𐯑𐯒𐯓𐯔𐯕𐯖𐯗𐯘𐯙𐯚𐯛𐯜𐯝𐯞𐯟𐯠𐯡𐯢𐯣𐯤𐯥𐯦𐯧𐯨𐯩𐯪𐯫𐯬𐯭𐯮𐯯𐯰𐯱𐯲𐯳𐯴𐯵𐯶𐯷𐯸𐯹𐯺𐯻𐯼𐯽𐯾𐯿𐰀𐰁𐰂𐰃𐰄𐰅𐰆𐰇𐰈𐰉𐰊𐰋𐰌𐰍𐰎𐰏𐰐𐰑𐰒𐰓𐰔𐰕𐰖𐰗𐰘𐰙𐰚𐰛𐰜𐰝𐰞𐰟𐰠𐰡𐰢𐰣𐰤𐰥𐰦𐰧𐰨𐰩𐰪𐰫𐰬𐰭𐰮𐰯𐰰𐰱𐰲𐰳𐰴𐰵𐰶𐰷𐰸𐰹𐰺𐰻𐰼𐰽𐰾𐰿𐱀𐱁𐱂𐱃𐱄𐱅𐱆𐱇𐱈𐱉𐱊𐱋𐱌𐱍𐱎𐱏𐱐𐱑𐱒𐱓𐱔𐱕𐱖𐱗𐱘𐱙𐱚𐱛𐱜𐱝𐱞𐱟𐱠𐱡𐱢𐱣𐱤𐱥𐱦𐱧𐱨𐱩𐱪𐱫𐱬𐱭𐱮𐱯𐱰𐱱𐱲𐱳𐱴𐱵𐱶𐱷𐱸𐱹𐱺𐱻𐱼𐱽𐱾𐱿𐲀𐲁𐲂𐲃𐲄𐲅𐲆𐲇𐲈𐲉𐲊𐲋𐲌𐲍𐲎𐲏𐲐𐲑𐲒𐲓𐲔𐲕𐲖𐲗𐲘𐲙𐲚𐲛𐲜𐲝𐲞𐲟𐲠𐲡𐲢𐲣𐲤𐲥𐲦𐲧𐲨𐲩𐲪𐲫𐲬𐲭𐲮𐲯𐲰𐲱𐲲𐲳𐲴𐲵𐲶𐲷𐲸𐲹𐲺𐲻𐲼𐲽𐲾𐲿𐳀𐳁𐳂𐳃𐳄𐳅𐳆𐳇𐳈𐳉𐳊𐳋𐳌𐳍𐳎𐳏𐳐𐳑𐳒𐳓𐳔𐳕𐳖𐳗𐳘𐳙𐳚𐳛𐳜𐳝𐳞𐳟𐳠𐳡𐳢𐳣𐳤𐳥𐳦𐳧𐳨𐳩𐳪𐳫𐳬𐳭𐳮𐳯𐳰𐳱𐳲𐳳𐳴𐳵𐳶𐳷𐳸𐳹𐳺𐳻𐳼𐳽𐳾𐳿𐴀𐴁𐴂𐴃𐴄𐴅𐴆𐴇𐴈𐴉𐴊𐴋𐴌𐴍𐴎𐴏𐴐𐴑𐴒𐴓𐴔𐴕𐴖𐴗𐴘𐴙𐴚𐴛𐴜𐴝𐴞𐴟𐴠𐴡𐴢𐴣𐴤𐴥𐴦𐴧𐴨𐴩𐴪𐴫𐴬𐴭𐴮𐴯𐴰𐴱𐴲𐴳𐴴𐴵𐴶𐴷𐴸𐴹𐴺𐴻𐴼𐴽𐴾𐴿𐵀𐵁𐵂𐵃𐵄𐵅𐵆𐵇𐵈𐵉𐵊𐵋𐵌𐵍𐵎𐵏𐵐𐵑𐵒𐵓𐵔𐵕𐵖𐵗𐵘𐵙𐵚𐵛𐵜𐵝𐵞𐵟𐵠𐵡𐵢𐵣𐵤𐵥𐵦𐵧𐵨𐵩𐵪𐵫𐵬𐵭𐵮𐵯𐵰𐵱𐵲𐵳𐵴𐵵𐵶𐵷𐵸𐵹𐵺𐵻𐵼𐵽𐵾𐵿𐶀𐶁𐶂𐶃𐶄𐶅𐶆𐶇𐶈𐶉𐶊𐶋𐶌𐶍𐶎𐶏𐶐𐶑𐶒𐶓𐶔𐶕𐶖𐶗𐶘𐶙𐶚𐶛𐶜𐶝𐶞𐶟𐶠𐶡𐶢𐶣𐶤𐶥𐶦𐶧𐶨𐶩𐶪𐶫𐶬𐶭𐶮𐶯𐶰𐶱𐶲𐶳𐶴𐶵𐶶𐶷𐶸𐶹𐶺𐶻𐶼𐶽𐶾𐶿𐷀𐷁𐷂𐷃𐷄𐷅𐷆𐷇𐷈𐷉𐷊𐷋𐷌𐷍𐷎𐷏𐷐𐷑𐷒𐷓𐷔𐷕𐷖𐷗𐷘𐷙𐷚𐷛𐷜𐷝𐷞𐷟𐷠𐷡𐷢𐷣𐷤𐷥𐷦𐷧𐷨𐷩𐷪𐷫𐷬𐷭𐷮𐷯𐷰𐷱𐷲𐷳𐷴𐷵𐷶𐷷𐷸𐷹𐷺𐷻𐷼𐷽𐷾𐷿𐸀𐸁𐸂𐸃𐸄𐸅𐸆𐸇𐸈𐸉𐸊𐸋𐸌𐸍𐸎𐸏𐸐𐸑𐸒𐸓𐸔𐸕𐸖𐸗𐸘𐸙𐸚𐸛𐸜𐸝𐸞𐸟𐸠𐸡𐸢𐸣𐸤𐸥𐸦𐸧𐸨𐸩𐸪𐸫𐸬𐸭𐸮𐸯𐸰𐸱𐸲𐸳𐸴𐸵𐸶𐸷𐸸𐸹𐸺𐸻𐸼𐸽𐸾𐸿𐹀𐹁𐹂𐹃𐹄𐹅𐹆𐹇𐹈𐹉𐹊𐹋𐹌𐹍𐹎𐹏𐹐𐹑𐹒𐹓𐹔𐹕𐹖𐹗𐹘𐹙𐹚𐹛𐹜𐹝𐹞𐹟𐹠𐹡𐹢𐹣𐹤𐹥𐹦𐹧𐹨𐹩𐹪𐹫𐹬𐹭𐹮𐹯𐹰𐹱𐹲𐹳𐹴𐹵𐹶𐹷𐹸𐹹𐹺𐹻𐹼𐹽𐹾𐹿𐺀𐺁𐺂𐺃𐺄𐺅𐺆𐺇𐺈𐺉𐺊𐺋𐺌𐺍𐺎𐺏𐺐𐺑𐺒𐺓𐺔𐺕𐺖𐺗𐺘𐺙𐺚𐺛𐺜𐺝𐺞𐺟𐺠𐺡𐺢𐺣𐺤𐺥𐺦𐺧𐺨𐺩𐺪𐺫𐺬𐺭𐺮𐺯𐺰𐺱𐺲𐺳𐺴𐺵𐺶𐺷𐺸𐺹𐺺𐺻𐺼𐺽𐺾𐺿𐻀𐻁𐻂𐻃𐻄𐻅𐻆𐻇𐻈𐻉𐻊𐻋𐻌𐻍𐻎𐻏𐻐𐻑𐻒𐻓𐻔𐻕𐻖𐻗𐻘𐻙𐻚𐻛𐻜𐻝𐻞𐻟𐻠𐻡𐻢𐻣𐻤𐻥𐻦𐻧𐻨𐻩𐻪𐻫𐻬𐻭𐻮𐻯𐻰𐻱𐻲𐻳𐻴𐻵𐻶𐻷𐻸𐻹𐻺𐻻𐻼𐻽𐻾𐻿𐼀𐼁𐼂𐼃𐼄𐼅𐼆𐼇𐼈𐼉𐼊𐼋𐼌𐼍𐼎𐼏𐼐𐼑𐼒𐼓𐼔𐼕𐼖𐼗𐼘𐼙𐼚𐼛𐼜𐼝𐼞𐼟𐼠𐼡𐼢𐼣𐼤𐼥𐼦𐼧𐼨𐼩𐼪𐼫𐼬𐼭𐼮𐼯𐼰𐼱𐼲𐼳𐼴𐼵𐼶𐼷𐼸𐼹𐼺𐼻𐼼𐼽𐼾𐼿𐽀𐽁𐽂𐽃𐽄𐽅𐽆𐽇𐽋𐽍𐽎𐽏𐽐𐽈𐽉𐽊𐽌𐽑𐽒𐽓𐽔𐽕𐽖𐽗𐽘𐽙𐽚𐽛𐽜𐽝𐽞𐽟𐽠𐽡𐽢𐽣𐽤𐽥𐽦𐽧𐽨𐽩𐽪𐽫𐽬𐽭𐽮𐽯𐽰𐽱𐽲𐽳𐽴𐽵𐽶𐽷𐽸𐽹𐽺𐽻𐽼𐽽𐽾𐽿𐾀𐾁𐾃𐾅𐾂𐾄𐾆𐾇𐾈𐾉𐾊𐾋𐾌𐾍𐾎𐾏𐾐𐾑𐾒𐾓𐾔𐾕𐾖𐾗𐾘𐾙𐾚𐾛𐾜𐾝𐾞𐾟𐾠𐾡𐾢𐾣𐾤𐾥𐾦𐾧𐾨𐾩𐾪𐾫𐾬𐾭𐾮𐾯𐾰𐾱𐾲𐾳𐾴𐾵𐾶𐾷𐾸𐾹𐾺𐾻𐾼𐾽𐾾𐾿𐿀𐿁𐿂𐿃𐿄𐿅𐿆𐿇𐿈𐿉𐿊𐿋𐿌𐿍𐿎𐿏𐿐𐿑𐿒𐿓𐿔𐿕𐿖𐿗𐿘𐿙𐿚𐿛𐿜𐿝𐿞𐿟𐿠𐿡𐿢𐿣𐿤𐿥𐿦𐿧𐿨𐿩𐿪𐿫𐿬𐿭𐿮𐿯𐿰𐿱𐿲𐿳𐿴𐿵𐿶𐿷𐿸𐿹𐿺𐿻𐿼𐿽𐿾𐿿𐀀𐀁𐀂𐀃𐀄𐀅𐀆𐀇𐀈𐀉𐀊𐀋𐀌𐀍𐀎𐀏𐀐𐀑𐀒𐀓𐀔𐀕𐀖𐀗𐀘𐀙𐀚𐀛𐀜𐀝𐀞𐀟𐀠𐀡𐀢𐀣𐀤𐀥𐀦𐀧𐀨𐀩𐀪𐀫𐀬𐀭𐀮𐀯𐀰𐀱𐀲𐀳𐀴𐀵𐀶𐀷𐀸𐀹𐀺𐀻𐀼𐀽𐀾𐀿𐁀𐁁𐁂𐁃𐁄𐁅𐁆𐁇𐁈𐁉𐁊𐁋𐁌𐁍𐁎𐁏𐁐𐁑𐁒𐁓𐁔𐁕𐁖𐁗𐁘𐁙𐁚𐁛𐁜𐁝𐁞𐁟𐁠𐁡𐁢𐁣𐁤𐁥𐁦𐁧𐁨𐁩𐁪𐁫𐁬𐁭𐁮𐁯𐁰𐁱𐁲𐁳𐁴𐁵𐁶𐁷𐁸𐁹𐁺𐁻𐁼𐁽𐁾𐁿𐂀𐂁𐂂𐂃𐂄𐂅𐂆𐂇𐂈𐂉𐂊𐂋𐂌𐂍𐂎𐂏𐂐𐂑𐂒𐂓𐂔𐂕𐂖𐂗𐂘𐂙𐂚𐂛𐂜𐂝𐂞𐂟𐂠𐂡𐂢𐂣𐂤𐂥𐂦𐂧𐂨𐂩𐂪𐂫𐂬𐂭𐂮𐂯𐂰𐂱𐂲𐂳𐂴𐂵𐂶𐂷𐂸𐂹𐂺𐂻𐂼𐂽𐂾𐂿𐃀𐃁𐃂𐃃𐃄𐃅𐃆𐃇𐃈𐃉𐃊𐃋𐃌𐃍𐃎𐃏𐃐𐃑𐃒𐃓𐃔𐃕𐃖𐃗𐃘𐃙𐃚𐃛𐃜𐃝𐃞𐃟𐃠𐃡𐃢𐃣𐃤𐃥𐃦𐃧𐃨𐃩𐃪𐃫𐃬𐃭𐃮𐃯𐃰𐃱𐃲𐃳𐃴𐃵𐃶𐃷𐃸𐃹𐃺𐃻𐃼𐃽𐃾𐃿𐄀𐄁𐄂𐄃𐄄𐄅𐄆𐄇𐄈𐄉𐄊𐄋𐄌𐄍𐄎𐄏𐄐𐄑𐄒𐄓𐄔𐄕𐄖𐄗𐄘𐄙𐄚𐄛𐄜𐄝𐄞𐄟𐄠𐄡𐄢𐄣𐄤𐄥𐄦𐄧𐄨𐄩𐄪𐄫𐄬𐄭𐄮𐄯𐄰𐄱𐄲𐄳𐄴𐄵𐄶𐄷𐄸𐄹𐄺𐄻𐄼𐄽𐄾𐄿𐅀𐅁𐅂𐅃𐅄𐅅𐅆𐅇𐅈𐅉𐅊𐅋𐅌𐅍𐅎𐅏𐅐𐅑𐅒𐅓𐅔𐅕𐅖𐅗𐅘𐅙𐅚𐅛𐅜𐅝𐅞𐅟𐅠𐅡𐅢𐅣𐅤𐅥𐅦𐅧𐅨𐅩𐅪𐅫𐅬𐅭𐅮𐅯𐅰𐅱𐅲𐅳𐅴𐅵𐅶𐅷𐅸𐅹𐅺𐅻𐅼𐅽𐅾𐅿𐆀𐆁𐆂𐆃𐆄𐆅𐆆𐆇𐆈𐆉𐆊𐆋𐆌𐆍𐆎𐆏𐆐𐆑𐆒𐆓𐆔𐆕𐆖𐆗𐆘𐆙𐆚𐆛𐆜𐆝𐆞𐆟𐆠𐆡𐆢𐆣𐆤𐆥𐆦𐆧𐆨𐆩𐆪𐆫𐆬𐆭𐆮𐆯𐆰𐆱𐆲𐆳𐆴𐆵𐆶𐆷𐆸𐆹𐆺𐆻𐆼𐆽𐆾𐆿𐇀𐇁𐇂𐇃𐇄𐇅𐇆𐇇𐇈𐇉𐇊𐇋𐇌𐇍𐇎𐇏𐇐𐇑𐇒𐇓𐇔𐇕𐇖𐇗𐇘𐇙𐇚𐇛𐇜𐇝𐇞𐇟𐇠𐇡𐇢𐇣𐇤𐇥𐇦𐇧𐇨𐇩𐇪𐇫𐇬𐇭𐇮𐇯𐇰𐇱𐇲𐇳𐇴𐇵𐇶𐇷𐇸𐇹𐇺𐇻𐇼𐇽𐇾𐇿𐈀𐈁𐈂𐈃𐈄𐈅𐈆𐈇𐈈𐈉𐈊𐈋𐈌𐈍𐈎𐈏𐈐𐈑𐈒𐈓𐈔𐈕𐈖𐈗𐈘𐈙𐈚𐈛𐈜𐈝𐈞𐈟𐈠𐈡𐈢𐈣𐈤𐈥𐈦𐈧𐈨𐈩𐈪𐈫𐈬𐈭𐈮𐈯𐈰𐈱𐈲𐈳𐈴𐈵𐈶𐈷𐈸𐈹𐈺𐈻𐈼𐈽𐈾𐈿𐉀𐉁𐉂𐉃𐉄𐉅𐉆𐉇𐉈𐉉𐉊𐉋𐉌𐉍𐉎𐉏𐉐𐉑𐉒𐉓𐉔𐉕𐉖𐉗𐉘𐉙𐉚𐉛𐉜𐉝𐉞𐉟𐉠𐉡𐉢𐉣𐉤𐉥𐉦𐉧𐉨𐉩𐉪𐉫𐉬𐉭𐉮𐉯𐉰𐉱𐉲𐉳𐉴𐉵𐉶𐉷𐉸𐉹𐉺𐉻𐉼𐉽𐉾𐉿𐊀𐊁𐊂𐊃𐊄𐊅𐊆𐊇𐊈𐊉𐊊𐊋𐊌𐊍𐊎𐊏𐊐𐊑𐊒𐊓𐊔𐊕𐊖𐊗𐊘𐊙𐊚𐊛𐊜𐊝𐊞𐊟𐊠𐊡𐊢𐊣𐊤𐊥𐊦𐊧𐊨𐊩𐊪𐊫𐊬𐊭𐊮𐊯𐊰𐊱𐊲𐊳𐊴𐊵𐊶𐊷𐊸𐊹𐊺𐊻𐊼𐊽𐊾𐊿𐋀𐋁𐋂𐋃𐋄𐋅𐋆𐋇𐋈𐋉𐋊𐋋𐋌𐋍𐋎𐋏𐋐𐋑𐋒𐋓𐋔𐋕𐋖𐋗𐋘𐋙𐋚𐋛𐋜𐋝𐋞𐋟𐋠𐋡𐋢𐋣𐋤𐋥𐋦𐋧𐋨𐋩𐋪𐋫𐋬𐋭𐋮𐋯𐋰𐋱𐋲𐋳𐋴𐋵𐋶𐋷𐋸𐋹𐋺𐋻𐋼𐋽𐋾𐋿𐌀𐌁𐌂𐌃𐌄𐌅𐌆𐌇𐌈𐌉𐌊𐌋𐌌𐌍𐌎𐌏𐌐𐌑𐌒𐌓𐌔𐌕𐌖𐌗𐌘𐌙𐌚𐌛𐌜𐌝𐌞𐌟𐌠𐌡𐌢𐌣𐌤𐌥𐌦𐌧𐌨𐌩𐌪𐌫𐌬𐌭𐌮𐌯𐌰𐌱𐌲𐌳𐌴𐌵𐌶𐌷𐌸𐌹𐌺𐌻𐌼𐌽𐌾𐌿𐍀𐍁𐍂𐍃𐍄𐍅𐍆𐍇𐍈𐍉𐍊𐍋𐍌𐍍𐍎𐍏𐍐𐍑𐍒𐍓𐍔𐍕𐍖𐍗𐍘𐍙𐍚𐍛𐍜𐍝𐍞𐍟𐍠𐍡𐍢𐍣𐍤𐍥𐍦𐍧𐍨𐍩𐍪𐍫𐍬𐍭𐍮𐍯𐍰𐍱𐍲𐍳𐍴𐍵𐍶𐍷𐍸𐍹𐍺𐍻𐍼𐍽𐍾𐍿𐎀𐎁𐎂𐎃𐎄𐎅𐎆𐎇𐎈𐎉𐎊𐎋𐎌𐎍𐎎𐎏𐎐𐎑𐎒𐎓𐎔𐎕𐎖𐎗𐎘𐎙𐎚𐎛𐎜𐎝𐎞𐎟𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾𐎿𐏀𐏁𐏂𐏃𐏄𐏅𐏆𐏇𐏈𐏉𐏊𐏋𐏌𐏍𐏎𐏏𐏐𐏑𐏒𐏓𐏔𐏕𐏖𐏗𐏘𐏙𐏚𐏛𐏜𐏝𐏞𐏟𐏠𐏡𐏢𐏣𐏤𐏥𐏦𐏧𐏨𐏩𐏪𐏫𐏬𐏭𐏮𐏯𐏰𐏱𐏲𐏳𐏴𐏵𐏶𐏷𐏸𐏹𐏺𐏻𐏼𐏽𐏾𐏿𐐀𐐁𐐂𐐃𐐄𐐅𐐆𐐇𐐈𐐉𐐊𐐋𐐌𐐍𐐎𐐏𐐐𐐑𐐒𐐓𐐔𐐕𐐖𐐗𐐘𐐙𐐚𐐛𐐜𐐝𐐞𐐟𐐠𐐡𐐢𐐣𐐤𐐥𐐦𐐧𐐨𐐩𐐪𐐫𐐬𐐭𐐮𐐯𐐰𐐱𐐲𐐳𐐴𐐵𐐶𐐷𐐸𐐹𐐺𐐻𐐼𐐽𐐾𐐿𐑀𐑁𐑂𐑃𐑄𐑅𐑆𐑇𐑈𐑉𐑊𐑋𐑌𐑍𐑎𐑏𐑐𐑑𐑒𐑓𐑔𐑕𐑖𐑗𐑘𐑙𐑚𐑛𐑜𐑝𐑞𐑟𐑠𐑡𐑢𐑣𐑤𐑥𐑦𐑧𐑨𐑩𐑪𐑫𐑬𐑭𐑮𐑯𐑰𐑱𐑲𐑳𐑴𐑵𐑶𐑷𐑸𐑹𐑺𐑻𐑼𐑽𐑾𐑿𐒀𐒁𐒂𐒃𐒄𐒅𐒆𐒇𐒈𐒉𐒊𐒋𐒌𐒍𐒎𐒏𐒐𐒑𐒒𐒓𐒔𐒕𐒖𐒗𐒘𐒙𐒚𐒛𐒜𐒝𐒞𐒟𐒠𐒡𐒢𐒣𐒤𐒥𐒦𐒧𐒨𐒩𐒪𐒫𐒬𐒭𐒮𐒯𐒰𐒱𐒲𐒳𐒴𐒵𐒶𐒷𐒸𐒹𐒺𐒻𐒼𐒽𐒾𐒿𐓀𐓁𐓂𐓃𐓄𐓅𐓆𐓇𐓈𐓉𐓊𐓋𐓌𐓍𐓎𐓏𐓐𐓑𐓒𐓓𐓔𐓕𐓖𐓗𐓘𐓙𐓚𐓛𐓜𐓝𐓞𐓟𐓠𐓡𐓢𐓣𐓤𐓥𐓦𐓧𐓨𐓩𐓪𐓫𐓬𐓭𐓮𐓯𐓰𐓱𐓲𐓳𐓴𐓵𐓶𐓷𐓸𐓹𐓺𐓻𐓼𐓽𐓾𐓿𐔀𐔁𐔂𐔃𐔄𐔅𐔆𐔇𐔈𐔉𐔊𐔋𐔌𐔍𐔎𐔏𐔐𐔑𐔒𐔓𐔔𐔕𐔖𐔗𐔘𐔙𐔚𐔛𐔜𐔝𐔞𐔟𐔠𐔡𐔢𐔣𐔤𐔥𐔦𐔧𐔨𐔩𐔪𐔫𐔬𐔭𐔮𐔯𐔰𐔱𐔲𐔳𐔴𐔵𐔶𐔷𐔸𐔹𐔺𐔻𐔼𐔽𐔾𐔿𐕀𐕁𐕂𐕃𐕄𐕅𐕆𐕇𐕈𐕉𐕊𐕋𐕌𐕍𐕎𐕏𐕐𐕑𐕒𐕓𐕔𐕕𐕖𐕗𐕘𐕙𐕚𐕛𐕜𐕝𐕞𐕟𐕠𐕡𐕢𐕣𐕤𐕥𐕦𐕧𐕨𐕩𐕪𐕫𐕬𐕭𐕮𐕯𐕰𐕱𐕲𐕳𐕴𐕵𐕶𐕷𐕸𐕹𐕺𐕻𐕼𐕽𐕾𐕿𐖀𐖁𐖂𐖃𐖄𐖅𐖆𐖇𐖈𐖉𐖊𐖋𐖌𐖍𐖎𐖏𐖐𐖑𐖒𐖓𐖔𐖕𐖖𐖗𐖘𐖙𐖚𐖛𐖜𐖝𐖞𐖟𐖠𐖡𐖢𐖣𐖤𐖥𐖦𐖧𐖨𐖩𐖪𐖫𐖬𐖭𐖮𐖯𐖰𐖱𐖲𐖳𐖴𐖵𐖶𐖷𐖸𐖹𐖺𐖻𐖼𐖽𐖾𐖿𐗀𐗁𐗂𐗃𐗄𐗅𐗆𐗇𐗈𐗉𐗊𐗋𐗌𐗍𐗎𐗏𐗐𐗑𐗒𐗓𐗔𐗕𐗖𐗗𐗘𐗙𐗚𐗛𐗜𐗝𐗞𐗟𐗠𐗡𐗢𐗣𐗤𐗥𐗦𐗧𐗨𐗩𐗪𐗫𐗬𐗭𐗮𐗯𐗰𐗱𐗲𐗳𐗴𐗵𐗶𐗷𐗸𐗹𐗺𐗻𐗼𐗽𐗾𐗿𐘀𐘁𐘂𐘃𐘄𐘅𐘆𐘇𐘈𐘉𐘊𐘋𐘌𐘍𐘎𐘏𐘐𐘑𐘒𐘓𐘔𐘕𐘖𐘗𐘘𐘙𐘚𐘛𐘜𐘝𐘞𐘟𐘠𐘡𐘢𐘣𐘤𐘥𐘦𐘧𐘨𐘩𐘪𐘫𐘬𐘭𐘮𐘯𐘰𐘱𐘲𐘳𐘴𐘵𐘶𐘷𐘸𐘹𐘺𐘻𐘼𐘽𐘾𐘿𐙀𐙁𐙂𐙃𐙄𐙅𐙆𐙇𐙈𐙉𐙊𐙋𐙌𐙍𐙎𐙏𐙐𐙑𐙒𐙓𐙔𐙕𐙖𐙗𐙘𐙙𐙚𐙛𐙜𐙝𐙞𐙟𐙠𐙡𐙢𐙣𐙤𐙥𐙦𐙧𐙨𐙩𐙪𐙫𐙬𐙭𐙮𐙯𐙰𐙱𐙲𐙳𐙴𐙵𐙶𐙷𐙸𐙹𐙺𐙻𐙼𐙽𐙾𐙿𐚀𐚁𐚂𐚃𐚄𐚅𐚆𐚇𐚈𐚉𐚊𐚋𐚌𐚍𐚎𐚏𐚐𐚑𐚒𐚓𐚔𐚕𐚖𐚗𐚘𐚙𐚚𐚛𐚜𐚝𐚞𐚟𐚠𐚡𐚢𐚣𐚤𐚥𐚦𐚧𐚨𐚩𐚪𐚫𐚬𐚭𐚮𐚯𐚰𐚱𐚲𐚳𐚴𐚵𐚶𐚷𐚸𐚹𐚺𐚻𐚼𐚽𐚾𐚿𐛀𐛁𐛂𐛃𐛄𐛅𐛆𐛇𐛈𐛉𐛊𐛋𐛌𐛍𐛎𐛏𐛐𐛑𐛒𐛓𐛔𐛕𐛖𐛗𐛘𐛙𐛚𐛛𐛜𐛝𐛞𐛟𐛠𐛡𐛢𐛣𐛤𐛥𐛦𐛧𐛨𐛩𐛪𐛫𐛬𐛭𐛮𐛯𐛰𐛱𐛲𐛳𐛴𐛵𐛶𐛷𐛸𐛹𐛺𐛻𐛼𐛽𐛾𐛿𐜀𐜁𐜂𐜃𐜄𐜅𐜆𐜇𐜈𐜉𐜊𐜋𐜌𐜍𐜎𐜏𐜐𐜑𐜒𐜓𐜔𐜕𐜖𐜗𐜘𐜙𐜚𐜛𐜜𐜝𐜞𐜟𐜠𐜡𐜢𐜣𐜤𐜥𐜦𐜧𐜨𐜩𐜪𐜫𐜬𐜭𐜮𐜯𐜰𐜱𐜲𐜳𐜴𐜵𐜶𐜷𐜸𐜹𐜺𐜻𐜼𐜽𐜾𐜿𐝀𐝁𐝂𐝃𐝄𐝅𐝆𐝇𐝈𐝉𐝊𐝋𐝌𐝍𐝎𐝏𐝐𐝑𐝒𐝓𐝔𐝕𐝖𐝗𐝘𐝙𐝚𐝛𐝜

معنای «بی جریان درمه» و نیز معادل با *anāsraṇa* است، بسنجید با
prw'r ('pw) ST.II b10, 20,30: در مورد واژه *prw'r*، که «جریان» معنا می‌دهد،
 بسنجید با واژه *prw'r-* در زبان خوارزمی که صورت ماضی غیرتام (imperfect) آن
p'rw'rd به معنای «رخنه کردن، تراوش کردن و آب ول دادن» است.

(BSTBL: n. p 19)

متن سنسکریت: *anāsraṇa* به معنای «خالص، فارغ از شر و بدی، رها از شرارت و
 بدکرداری» است. (BHS GD)

۱۰۶. *ywn 't wn'βr'wδ* ترجمه تحت‌اللفظی 林樹 به معنای «پیشه درخت»
 و معادل با *upavana* است، یعنی به جای کاربرد واژه معادل آن در ترجمه از چند واژه
 برای رساندن مفهوم استفاده شده است. *wn'βr'wδ* متشکل از دو واژه *wn-* به معنای
 «درخت» و *βr'wδ* سغدی مانوی به معنای «رشد، رویش» است، اما اگر واژه *ywn* نیز
 دارای *wn-* باشد، بخش *y-* آن مبهم باقی می‌ماند. (BSTBL: n. p 19)

متن سنسکریت: *vana*، به معنای «جنگل و نیز توده انبوهی از نیلوفر آبی یا هر نوع
 گیاه دیگر» است. (ASED)

۱۰۷. متن سنسکریت: *bodhi*، به معنای «روشن شدگی، اشراق و پی بردن به
 رنج آور بودن تمام هستی و درک امکان فرونشاندن رنج» است. (هانس ولفگانگ شومان
 ۱۳۶۲: ص ص ۷ و ۱۵۴)

۱۰۸. متن سنسکریت: *śuddha*، به معنای «پاک، خالص، درست، بی اشتباه» است.
 (ASED)

۱۰۹. در عبارت *γwyck'w'k zn'kh p'zn*، مترجم 解脱 را معادل با *vimukti*
 گرفته و *γwyck'w'k* ترجمه کرده است، که این ترجمه در همین متن، سطر ۹۴ و در
 قطعه Dhy.، سطر ۳۶۰ نیز دیده می‌شود، اما 智慧 معادل با *jñāna* را، تشخیص
 نداده است. او آن را به وضوح «دانش ذهن» ترجمه کرده است — فقط در اینجا واژه
p'zn خطای نسخه برداری است، زیرا 慧 معمولاً به تنهایی معادل با *prajñā* است و در

قطعه Dhy. سطر ۳۶۰، $\gamma\tau\beta'ky'$ را به معنای «ذهن» ترجمه کرده که درست نیست. مع
 هذا در قطعه Vim. سطرهای ۹۳ و ۱۷۹ همان اصطلاح برای $j\tilde{n}\tilde{a}na$ بدون هیچ دلیل
 روشنی به $\gamma wyck' p'z'nyh$ و $-y'$ ~ به معنای «دانندگی و اشراق» ترجمه شده است.
 (BSTBL: n. p 19)

متن سنسکریت: *vimukti*، به معنای «رهایی، رستگاری و نجات» است. (BHSgd)
 ۱۱۰. به نظر می‌رسد که $'wy$ به غلط بین $\gamma wyck'w'k$ و $\gamma st'wkry$ برای 入解
 آمده و معادل با *vimokṣāḥ* ۸ است. شاید نیز صرفاً یک ستون پرکن باشد.
 (BSTBL: n. p 19)

۱۱۱. متن سنسکریت: *puṣkariṇī*، به معنای «استخر یا حوض نیلوفر آبی» است.
 (BHSgd)
 ۱۱۲. متن سنسکریت: *samādhi*، به معنای «یکدلی، وصال و فنا، بیخودی و جذب»
 است. (BHSgd)

سمادی یا یکدلی، به معنای «سیر در عوالم درونی، تفکر و تمرکز». (ع. پاشایی ۱۳۵۷
 : پانویست ص ۱۵)
 ۱۱۳. عبارت $\beta t'zprt'sprym'k$ برداشت نادرست از 七淨華 به معنای «۷-
 ناب، پاک‌گی - گل» است. (BSTBL: n. p 19)

نیز ← ضمیمه، ترجمه فارسی متن چینی، یادداشت ۷۶ و نیز ← همین متن، سطر
 ۷۹، پی‌نوشت واژه.

۱۱۴. روشن است که $'pw\ rm$ به اشتباه به جای $'pw\ rym$ و معادل با 無垢 و
vimala آمده است. بسنجید با سطر ۲۰۷: واژه *rym* که معادل با 垢 و *saṃkleśa*
 است. (BSTBL: n. p 19)

متن سنسکریت: *vimala*، به معنای «پاکیزه، خالص، درخشان، بی‌لکه و بدون
 آرایش» است. (ASed)

این واژه همچنین «بوم نیالوده» معنا می‌دهد که یکی از ده بوم یا ده مقام مطرح شده

در متن‌های مختلف بودایی است که هر «پیش‌نشین یا رهرویی» می‌تواند با طی کردن آن به مقام بُدی ستوه‌ای برسد. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ص ۱۴۵)

۱۱۵. ولر (Weller 1935: 356) آوردن واژه «زور» در عبارت pnc wkry prn 't z'wr را اصطلاحی برابر با 5 abhijñā، معادل با 五通 در متن ما دانسته که دارای نشانه اضافی 力 است و مانند bala، در زبان سنسکریت، در متنِ سفدی z'wr ترجمه شده است که این نظر کاملاً صحیح است، برای مثال ← همین متن، سطر ۵۷. مع هذا از فرض دیگر او، مبنی بر آنکه مترجمان با واژه‌نامه‌هایی کار کرده‌اند که حاوی مترادفات چینی به سفدی بوده است، با این مثال‌های اندک و نیز فراوانی ترجمه‌های تحت‌اللفظی که در این متن آمده است، نمی‌توان دفاع کرد. توجه کنید که در سطر ۱۷۰، عبارت

pnc wkry prn صرفاً معادل با 五通 است، حال آنکه در قطعه P6، سطر ۶۵، عبارت prn ZY z'wr ترجمه 威力 معادل با prabhāva است (احتمالاً این امر در قطعه Dhu، سطر ۲۲۴، عبارت pwt'n'k prn 't z'wry نیز مصداق دارد) که مفهوم آن کاملاً متفاوت است. به هر حال، این امکان وجود دارد که واژه prn ← که برای نشانه‌های دیگر چینی و نیز برای śri و lakṣaṇa آمده است ← آن قدر مبهم بوده است که حتی این مترجم نیز متوجه ضرورت توضیحاتی چند در این مورد شده است. همچنین توجه کنید به عبارت prn 't wrc'wny که معادل با 神通 و abhijñā است ← قطعه Dhy، سطر ۳۱۰. (BSTBL: n. p 20)

متن سنسکریت: abhijñā، به معنای «دانش برتر یا فوق‌طبیعت، فراست و شهود» است. معمولاً ۵ یا ۶ abhijñā وجود دارد (BHS GD)

برترین دانش‌ها یا شش نیرو و یا شش دانش فوق‌طبیعی عبارت‌اند از:

(۱) نیروهای جادویی (۲) گوش آسمانی، یعنی شنوایی خدایی (۳) راه یافتن در دل‌های دیگران (۴) چشم آسمانی، یعنی بینایی خدا مانند (۵) به یاد آوردن تولدهای پیشین (۶) فرو نشانیدن آلودگی‌ها. پنج تا از این دانش‌ها در «نگرش» دست می‌دهند و «جهانی» خوانده می‌شوند و ششمی که «برتر از جهانی» است در مقام «بینش» حاصل

می‌شود. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۲۸۹)

۱۱۶. واژه $\beta'r'k$ ترجمه‌ای آزاد از 馳 به معنای «یورتمه رفتن، تاختن» است. از سوی دیگر، مترجم چنان از روی متن چینی واژه به واژه ترجمه کرده که حتی حرف اضافه را نیز در متن سغدی حذف کرده است و این امر با عبارت $pr'yw'y\delta py\delta h \beta'r'w$ به معنای «سوار شده برفیل»، در متن VI، سطر ۱۳۳ تناقض دارد. هر چند در زبان یغناپی هیچ حرف اضافه‌ای مورد نیاز نیست، برای مثال $aspe vora avu$ به معنای «او سوار براسبی شده بود» است. (BSTBL: n. p 20)

۱۱۷. متن سنسکریت: $mahāyāna$ ، به معنای «ارابه بزرگ یا چرخ بزرگ» است. در حدود چهار صد سال پس از درگذشت بودا، شکل تازه‌ای از آیین بودا در هند پدیدار آمد که مَهایانه نامیده شد؛ در واقع، یعنی «ارابه بزرگی برای گذشتن از بیابان رنج». این آیین نسبت به آیین کهن‌تر بودایی راه‌های جدیدی را برای رهایی می‌نمایاند و بدین سان این مقصد عالی را در دسترس انسان‌های بیشتری قرار می‌دهد. به همین دلیل آیین کهن‌تر بودایی نام تحقیرآمیز «هینایانه یا ارابه کوچک» به خود گرفته است. (ع. پاشایی ۱۳۶۲: ص ۱۰۱)

۱۱۸. احتمال نمی‌رود که مفهوم $y'\beta$ در مورد مسافر ثابت قدمی که بر «راه شریف هشتگانه» گام می‌نهد، درست باشد. در متن SCE، سطرهای ۲۸ و ۳۰۰، این واژه برای «آوارگان شوریده و پریشان» به کار رفته است. بسنجید با «یافه» (در فارسی نو) به معنای «یاوه، یله، رهاو سرگردان و گمراه» (Henning 1939: 102). این واژه در اینجا معادل با فعل چینی 遊 است. این فعل هم به معنای «آواره شدن، سرگردان شدن» است و هم به معنای «مسافرت کردن»، و هر چند به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده ولی اشتباه است. (BSTBL: n. p 20)

و نیز ← زهره زرشناس ۱۳۶۹ (الف): ص ص ۲۸۰-۲۸۱.

۱۱۹. متن سنسکریت: $lakṣaṇa$ ، به معنای «نشان، نشانه، نشانه بیرونی و نمود بارز»

است. (BHS GD)

و نیز ← قطعه. Vaj.، سطر ۱۶، پی‌نوشت واژه «دخشه».

۱۲۰. در عبارت ZK prn 'sptk ZKZY šypr ywnc، علی‌رغم توضیح ولر (Weller 1935: 358)، واژه sptk که در جای اصلی خود نیامده است باید صفتی و وصفی باشد؛ ترتیب کلمات صرفاً تقلیدی از نشانه‌های چینی 相具 به معنای «نشان‌ها-کامل» است. prn معادل با lakṣaṇa در قطعه. Dhy.، سطرهای ۸۹، ۱۰۹ و ۳۶۶ و در قطعه DN=P5، سطر ۴۱ نیز آمده است. به نظر می‌رسد که سرهم نوشتن šypr تصادفی باشد، زیرا حرف اضافه pr باید عامل واژه ywnc باشد و نه واژه šy؛ بسنجید با ZKZY šy pr به معنای «که در آن» در همین متن، سطر ۸۱. اما در قطعه Dhu.، سطر ۳۳ عبارت ZKZYšy prw pry'npy 'nšt'yt، به معنای «آنکه به او با تدبیر نیک نشان دهد»، آمده است. (BSTBL: n. p 20)

و نیز متن سنسکریت : rūpa ← قطعه. Vaj.، سطر ۱۳، پی‌نوشت واژه.

۱۲۱. برای واژه šyr'k در عبارت 'm'ty'kh "m'ty'kh 'yw wyspw wkry šyr'k نشانه 好 به معنای تحت‌اللفظی «خوب، عالی» معادل با anuvyañjanāni (80) به کار رفته است، بنابراین ترجمه تحت‌اللفظی šyr'w'y در قطعه DN=P5، سطر ۴۱ و nywβ'w'k در قطعه. Dhy.، سطر ۱۰۹ به معنای «برتری، امتیاز، مزیت» است. مع هذا در اینجا به نظر می‌رسد که مترجم آن را به منزله صفتی برای نشانه 好 به معنای «آرای - ش» (adorn-ment) که بعداً آمده، گرفته و جمله‌واره‌ای را بدون مسند ساخته است. (BSTBL: n. p 20)

متن سنسکریت : anuvyañjana 80، به معنای «هشتاد ویژگی مادی چشمگیر بودا» است. (BHSGD)

۱۲۲. متن سنسکریت : hrīrapatrāpya، به معنای «شرمساری، شرم و آزر» است. (BHSGD)

۱۲۳. عبارت سغدی ZK nyx p'zn ترجمه تحت‌اللفظی 深心 به معنای «عمیق دل یا اندیشه ژرف» و معادل با adhyāśaya به معنای «عزم راسخ» است. بسنجید با

عبارت *nyy pyr p'zn* در قطعه DN-P5، سطر ۷۰ که معادل با 深信 به معنای «عمیق دل ایمان یا ایمان از بُن دل» آمده است. (BSTBL: n. p 20)

۱۲۴. عبارت سغدی *ZK 'βt wkry rtny* نظیر عبارت *'yw 'βt wkry rtn* در متن SCE سطر ۵۴۱ ترجمه *saptaratna* است. اما در اینجا در متن اصلی 七財寶 آمده که به معنای «۷ ثروت گوهر» معادل با «هفت *dhanāni*» است. (BSTBL: n. p.20-21) متن سنسکریت: هفت *dhanāni*، به معنای «۷ گنج معنوی» است. (BHSGD) و نیز متن سنسکریت: *ratna* ← همین قطعه، سطر ۴۰، پی نوشت واژه «گوهر».

۱۲۵. به نظر می‌رسد بعد از واژه *'ny'rtk* واژه‌ای که به معنای «سود، بهره» بوده، افتاده است؛ زیرا در متن چینی 滋息 به معنای «شکوفه رشد یا رشد بالنده» به چشم می‌خورد و در سطر ۳۱ 滋 صرفاً *'ny'rtk* ترجمه می‌شود. مکتبی نتوانسته است ترجمه دیگری برای 息 پیدا کند. *wr'kh* برای آزمایش از روی نزدیک‌ترین مترادف پرسامند یعنی 利 به معنای «سود، بهره»، که برای مثال در سطرهای ۹۱ و ۱۵۹ آمده، انتخاب شده است؛ اما تقریباً هر واژه‌ای برای مفهوم «رشد» می‌تواند به کار رفته باشد. برای معنی آن بسنجید با واژه خوارزمی *wxk* به معنای «بهره، ربا، سود» و *wx-* به معنای «رشد کردن» که مشتق از *waxš** است. (BSTBL: n. p 21)

۱۲۶. عبارت *'rtwsp'y šwt* (-*rt'w* بهتر است) برابر با 修行 و معادل با مفهوم *pratipatti* به معنای «رفتار درست» است. در این عبارت و نیز در قطعه Dhu، سطرهای ۱۱۱، ۱۱۷ و ۲۳۰ مشاهده می‌شود *'rt'wspy* صفتی است که به صورت قیدی به کار رفته است. عبارت *prw 'rt'wspy' šwt* در قطعه Dhu، سطر ۲۶۵ و در قطعه P2، سطر ۱۱۷۶ (واژه *'rt'wspy* به صورت *'rt'wpsyh* آمده است!) مترادف با عبارت فوق است و با اسم معنایی که معمولاً حرف اضافه است، می‌آید. گنج‌کننده است که تمایز میان صفت (مثال‌های بیشتر در قطعه Dhu) و اسم معنی در همه جا حفظ شده است، به جز در این عبارت مشابه: *pr 'rt'wspy wyl'r* در قطعه P9، سطر ۱۱۹ و متن STII، b8, 8 (که در آن نشانه ساده 𐰽 به معنای «رفتن» را بسط معنایی داده است) و نیز در

ترجمه‌ای نامطمئن در متن SCE، سطر ۵۵۵. در این سه مورد آخر فقط ممکن است لازم باشد که مفهوم اسم معنی را به صفت نسبت دهیم. (BSTBL: n. p 21)

از آنجا که این متن‌های سفدی بودایی ترجمه متن‌های چینی‌اند و در متنی اصلی چینی تمایزی صوری میان صفات و اسامی وجود ندارد، گاهی در این متن‌ها اسامی و صفات سفدی به جای یک دیگر به کار می‌روند. (Kudara & Sundermann 1998: 118-119, n.15)

متن سنسکریت : pratipatti ، به معنای «رفتار خوب، رفتار درستکارانه و نیکوکارانه» است. (BHSgd)

۱۲۷. prw'rt از نظر دستوری مبهم است، ممکن است اسم به معنای «تغییر شکل، استحاله» (مانند موردی که در قطعه P2، سطرهای ۱۳۱ و ۴۷۷ با h- آمده است) یا سوم شخص مفرد زمان حال فعل «گشتن، شدن» باشد. با وجود آنکه رایشلت (Reichelt 1928: 1-13) و ولر (Weller 1935: 360)، هر دو، آن را عملاً به منزله اسم گرفته‌اند، اما این مطلب به چنان نحو پیچیده‌ای منجر شده است که روی هم رفته آسان‌تر است فرض کنیم که مترجم مجدداً مطلب را نفهمیده است. نشانه 迴向 معادل با parīṇāmanā (ضمیمه ، ترجمه فارسی متن چینی، پی‌نوشت ۸۷) آمده و فعل تلقی شده و به صورت تحت‌اللفظی به معنای «گشتن به سوی، گشتن به طرف» ترجمه شده است. در قطعه Dhy. سطر ۳۰۷ نیز به همان صورت و به منزله فعلی سببی ، یعنی prwyr't'y ... (s'ct) فهمیده شده است. (BSTBL: n. p 21)

۱۲۸. متن چینی در اینجا برای فیشر (Fischer) که عبارت را به صورت «او زندگی را بدون هیچ لکه ننگی می‌گذراند» ترجمه کرده کاملاً مبهم است (به ویژه 生 «زندگی و تولد» معنا می‌دهد)، اما رابینسن (Robinson) مانند مترجم سفدی آن را «بستر و جای نشستن ... او که از زندگی پاکی حاصل می‌شود» ترجمه کرده است. (BSTBL: n. p 21)

۱۲۹. متن سنسکریت : bahuśruta ، به معنای «شخص بسیار دانا و بسیار آموخته» است. (ASEd)

۱۳۰. متن سنسکریت : prajñā ، به معنای «شناسایی آزادکننده» است.

prajñā از نظر ریشه لغوی همان «فرزانگی» فارسی است و در زبان سنسکریت اصطلاحی برای «عرفان» و «معرفت» است. البته در مفهوم بودایی آن، مراد شناسایی شهودی است نه شناسایی منطقی. (هانس ولفگانگ شومان، ۱۳۶۲: ص ص ۱۲۶ و ۱۳۸) و نیز همین متن، سطر ۸۰، پی‌نوشت واژه «رستگاری».

۱۳۱. متن سنسکریت: amṛta، به معنای «بی‌مرگی» است. (ASED)

۱۳۲. واژه چینی 品، که به جای āṅga به معنای «گروه» به کار رفته است، همچنین می‌تواند parivarta، یعنی «بخش و فصل» معنا دهد؛ همان طور که برای مثال در سطر ۱۸۵ نیز آمده است و در اینجا به اشتباه wyδβ'γ ترجمه شده است. (BSTBL: n. p 21)

۱۳۳. متن سنسکریت: śikṣāpada، به معنای «دستورات اخلاقی یا فریضة دینی» است. (BHSGD)

همچنین «گام‌های تربیت» نیز معنا می‌دهد. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۲۹) و نیز متن سنسکریت: śīla، به معنای «رفتار، سلوک، هنر (درمقابل عیب)، منش نیکو، به طور کلی اخلاق نیکو» است. (ع. پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۲۹)

۱۳۴. s'nw ترجمه نادرستی از 𐭪𐭫𐭮𐭭 معادل با caura (هم K و هم H) است. شاید این امر براساس تکرار این واژه در پاره‌نوشتاری دیگر باشد که در آن kleśa هابه عنوان «دشمنان» توصیف شده‌اند (← قطعه Intox، سطر ۲۴ و سطر بعدی، پی‌نوشت واژه «رنج»). در متن تبتی dgra=śatru آمده است که بایستی مطابق با همین واژه باشد. (BSTBL: n. p 21)

متن سنسکریت: caura، به معنای «دزد، راهزن یا تاجرِ نادرست» است. (ASED) ۱۳۵. ctβ'r, wkry 'tōrmnwkw'ch ← همین قطعه، سطر ۱۴، پی‌نوشت واژه «چهار».

۱۳۶. متن سنسکریت: Māra، به معنای «میراننده، کشنده» است. همچنین «وسوسه کننده» معنا می‌دهد و نیز شخصیتی است که در اساطیر بودایی مظهر شرّ و بدی است.

(APDB)

ماژه، در متن‌های بودایی، گاهی همچون شخصی (یعنی همچون یکی از خدایان) ظاهر می‌شود و گاهی همچون تجلی تمایلات و شهوات. (ع. پاشایی ۱۳۶۸: ص ۵۶۸)

۱۳۷. متن سنسکریت: paṭākā، به معنای «درفش، بیرق، پرچم» است. (ASED)

۱۳۸. (pr'kh) 'sk ترجمه تقریباً تحت‌اللفظی 𑖦𑖅𑖫𑖛 معادل agra به معنای «ما فوق، بالاتر، بالاتر» است، در حالی که -jaya به معنای «(درفش) پیروزی» مد نظر بوده است. افزودن c'wn به جمله، آن را بی‌معنا کرده است. (BSTBL: n. pp 21-22)

۱۳۹. متن سنسکریت: maṇḍa، به معنای «بالاترین نقطه یا بهترین بخش» است.

(BHS GD)

۱۴۰. واژه «راه» در عبارت سغدی mw r'δwh mntry با 道 و bodhi و واژه mntr نیز معادل با maṇḍala آمده است، بسنجید با قطعه P3، سطر ۱۶۲. قرائت ناصحیح bodhimaṇḍala به معنای «مکان و جای بُدی» به جای maṇḍa - به معنای «بهترین یا عالی‌ترین نقطه» (BHS GD) شاید به‌ناچار از متن چینی برخاسته باشد، زیرا در متن چینی رکن دوم به صورت 場 به معنای «جا، مکان، ناحیه» آمده است. (BSTBL: n. p 22)

و نیز ← همین متن، سطر ۹، پی‌نوشت واژه «راه».

۱۴۱. متن سنسکریت: pradhvaṃs ← قطعه Vaj، سطر ۶ و ۷، پی‌نوشت واژه.

۱۴۲. واژه przp'r، به معنای «زیرا» است (همچنین در متن VJ، سطر ۱۶۷). سیمز ویلیامز معتقد است که اگر این واژه prnp'r با تلفظ /parmbār/ خوانده شود، تجزیه و تحلیل آن به صورت pr-m+*p'r امکان‌پذیر می‌گردد. بسنجید با حرف ربط سغدی مسیحی prywyd p't به معنای «زیرا». در اینجا p't با واژه p'rZY سغدی بودایی برابر است. (Sims-Williams 1978: 259)

۱۴۳. متن سنسکریت: jāti، به معنای «تولد، زاییده شدن و نیز یازدهمین حلقه از دوازده حلقه زنجیر علی» است. (ع. پاشایی ۱۳۶۸: ص ۵۵۹)

۱۴۴. مترجم 十方 معادل با *daśaśiś* را بسط داده و طوری ترجمه کرده که گویی 界 | | بوده است، که این نشانه در واقع ترکیب پربسامدی معادل با «جهان» (-نواحی) (*lokadhātu*) در ده جهت است، ← قطعه *Dhy.*، سطرهای ۱۳۹ و ۳۲۴: *10 kyr'n 'rδ'r* و نیز سطر ۳۸۴: *δ'myh 'rδ'r* (Weller 1938: 125) و سطرهای ۲۱۶ و ۲۴۷: *βwmh*؛ و نیز قطعه *Dhu.*، سطر ۲۹۳. (*BSTBL*: n. p 22)

و همچنین ← قطعه *Padm.*، سطر ۵۸، پی نوشت واژه.

۱۴۵. گرچه یک سندی زبان احتمالاً عبارت *prynh* ('ny'z'nk'w'k) را به صورت «نوعی (از تمایز)» می فهمیده است، ولی این عبارت ترجمه 想 معادل با *saṃjñā* است. این با *prynh* که معادل 相 است نیز مطابقت دارد، البته به شرط آنکه *saṃjñā* در معنای «نشان» به کار رفته باشد؛ برای مثال، قطعه *Vaj.*، سطرهای ۹-۱۱ و (*ST II*, b7, 20). همچنین *prynh* = 相 با *lakṣaṇa* در (*ST II*, b8, 2) و (*DN=P5*, 11)، و با *nimitta* در قطعه *Vaj.*، سطر ۱۶ (← پی نوشت واژه «دخشه») معادل است. (*BSTBL*: n. p 22)

و نیز ← همین متن، سطر ۱۱۸، پی نوشت واژه.

متن سنسکریت: *saṃjñā* ← قطعه *Vaj.*، سطر ۹، پی نوشت واژه «نشان».

۱۴۶. *'rt'wsp'y wnty*، که صرفاً معادل با *car* و 修 است، گویی که با 修行

مطابقت دارد. (*BSTBL*: n. p 22)

و نیز ←: همین متن، سطر ۹۰، پی نوشت واژه.

۱۴۷. متن سنسکریت: *īryāpatha*، به معنای «رفتار، روش، سلوک مردم، خواه بد یا خوب و به خصوص سلوک تأیید شده بوداییان متقی، مانند راهبان یا بدی ستوها یا بوداییان» است. (*BHSGD*)

۱۴۸. متن سنسکریت: *viśārada*، به معنای «بی باک، مطمئن از خود» است.

(*BHSGD*)

۱۴۹. متن سنسکریت: *vastu*، به معنای «چیز، شیء، جوهر، مقر، جا، مکان» است.

(BHS GD)

و نیز متن سنسکریت : karman ، به معنای « کردار و کرمه » است. (هانس ولفگانگ شومان ۱۳۶۲ : ص ۱۱۲)

۱۵۰. pry'wn ← همین متن، سطر ۶۷، پی‌نوشت واژه «اِزار».

۱۵۱. متن سنسکریت : māyā ، به معنای «وهم، گمان، خیال بیهوده و فریب» است.

(ASED)

و نیز متن سنسکریت : indrajāla ، به معنای «وهم، گمان و خیال» است. (ASED)

۱۵۲. متن سنسکریت : nirmita ← قطعه Vaj.، سطر ۳، پی‌نوشت «افسون زاده».

۱۵۳. kwm'r'y pr'yist ← قطعه Intox، سطر ۲۱، پی‌نوشت واژه.

۱۵۴. متن سنسکریت : apratihata ، به معنای «پیوسته، دایم، بی‌مانع، بی‌بازدارنده»

است. (ASED)

۱۵۵. βskstw معادل با 劫 و برابر با kalpa است که با سطر ۱۳ از قطعه P20

هماهنگی دارد، در آنجا βskstw نوشته شده است. علی‌رغم صورتِ سغدی واژه، که به

احتمال زیاد غلط نوشته شده، آمدن آن در قطعه P20، که از هرجهت متنی مفهوم

است، این مطلب را اراائه می‌کند که واژه βskstw ترجمه‌ای پذیرفتنی برای 劫 است؛

گرچه این واژه از معنای تحت‌اللفظی آن، یعنی «دستبرد، دزدی» به دست آمده باشد

(Gershevitch 1954: § 365, n.1)، مترجم در سطر ۱۸۱ نشانه (krph) را تشخیص داده و

در سطرهای ۱۳۰، ۱۳۳ و ۱۳۵ آن را به صورت آزاد ترجمه کرده است. (BSTBL: n.)

(p 22)

متن سنسکریت : kalpa ، «دوران جهانی (world age)، دورانی که تصور سال و

قرن‌های آن ناممکن است» معنا می‌دهد. (BHS GD)

۱۵۶. متن سغدی : فعل مضارع از ماده ناگذر شوا (medio-passive).

۱۵۷. متن سنسکریت : nitya ، به معنای «ابدی، جاودانی و دایمی» است. (ASED)

۱۵۸. اگر بپذیریم که از واژه samjnā دو معنای متفاوت «نشان» و «ادراک،

اندريافت» برمی آید، عبارت سغدی nwšy'kh prynh ترجمه نادرست 常想 معادل با nityasamjñā است. در مورد این واژه با معنای «نشان» ← سطر ۱۰۵، پی نوشت واژه و با معنای «ادراک، اندريافت» 想 به درستی به šm'r' و غیره ترجمه شده است ← قطعه Vaj، سطرهای ۴ و ۵ و قطعه Dhy، سطر ۲۸ و سطرهای دیگر (← Weller 1937a: 375 و قطعه P2، سطر ۷۶۸. BSTBL: n. p 22)

۱۵۹. متن سنسکریت : anityatā، به معنای «هستی ناپایدار و گذرا یا محدود» است.

(ASED)

۱۶۰. متن سنسکریت : apramāṇa ← قطعه Vaj، سطر ۷، پی نوشت واژه.

و نیز متن سنسکریت : asaṃkhyeya ← قطعه Vaj، سطر ۷، پی نوشت واژه.

۱۶۱. pwt'n'k r'dh ترجمه تحت اللفظی 佛道 است که در سطر ۹ «بودا راه»

معنا می دهد، اما در اینجا و در سطر ۱۷۶ بیشتر معادل با (bodhi) به معنای «روشن شدگی» آمده است. (BSTBL: n. p 22)

۱۶۲. متن سنسکریت : sūtra ← قطعه Intox، سطر ۳۲، پی نوشت واژه.

۱۶۳. ptsrwm yñ' با mantra-vidyā و krnw'nc مساوی با śilpasthāna و

yñ' (wysp-) مساوی با kalā در زبان سنسکریت است. (Weller 1937b: 46)

هنینگ برابری های yñ- و krnw'nc را وارونه آورده است، گرچه آنها در سنسکریت

مترادف اند. (Henning 1945: 469, n.4)

متن سنسکریت : kalā، به معنای «هرگونه هنر عملی یا هنر ظریفه» است. (ASED)

و نیز متن سنسکریت : vidyā، به معنای «دانش» است. این واژه در متن های پالی به

صورت vijjā آمده است و کاربرد زیادی دارد. مراد از vijjā دانش سه گونه یا هشت گونه است.

همچنین «بینش و نیروی جادویی» معنای دهد. (ع پاشایی ۱۳۵۷: ص ۱۹۱)

۱۶۴. متن سنسکریت : mantra ← قطعه Padm، سطر ۵۴، پی نوشت واژه.

۱۶۵. متن سنسکریت : śilpasthāna، به معنای «مهارت دستی یا فنی»، مهارت در

هنر» است. (ASED)

و نیز ← همین متن ، سطر ۱۲۳ ، پی‌نوشتِ واژه «هنر».

۱۶۶. در مورد عبارت *wysp r'ōh pōkh* ← ضمیمه، ترجمه فارسی متن چینی ،

یادداشت ۱۲۱.

۱۶۷. حرفی که در نسخه دوم به آغاز واژه دوم عبارتِ *wysp 'z/n'kh* افزوده شده

است می‌تواند *y-* یا صورت مخدوش شده *n/z-* باشد. 悉於中 اصلی که معادل با

sarvatra است، در اینجا واژه مناسبی برای «دانش» نیست (و نشانه | | 遍 در ترجمه

هوان - تسانگ خلاف عقیده ولر (Weller 1937 b: 47) را، مبنی بر آنکه 於 به

اشتباه به جای 智 آمده است، اثبات می‌کند). اما قرائتِ آن به صورت *'zn'kh* به معنای

«دانش» این فرض را تقویت می‌کند که *'zn'kh** به این منظور به کار رفته است که مترجم

از عهده ترجمه مطلب برآید، در حالی که *y'n'kh* به معنای «این» (نهادی مفرد مؤنث)

(Gershevitch 1954 : § 1497) چنین منظوری را نمی‌رساند. این واژه را نمی‌توان

به راحتی *y'n'kh* به معنای «خانه» خواند. مترجم با آوردن فعلی معادل با *pravraj-* نیز از

ابهام این معما نمی‌کاهد، زیرا که این فعل تقریباً با معنایی که از جمله استنباط می‌شود،

همانک نیست. بسنجید با قطعه Dhy. سطر ۱۶۵، عبارت *cnn kty'kyh nyz'yl*.

(BSTBL: n. p.22-23)

و نیز ← همین متن سطر ۶۶، پی‌نوشتِ واژه.

متن سنسکریت : *pravraj-*، به معنای «از خانه به بی‌خانگی رفتن، رها کردنِ خانه به

منظورِ درپیش گرفتنِ زندگی مرتاضانه ، رها کردنِ خانه به منظور پرسه گردی و سیر و

سیاحتِ دنیا و رهبان شدن» است. (ASED)

۱۶۸- احتمالاً مترجم 日月天 نسبتاً مبهم را به صورت مساوی با *Sūrya*

و 月天 را مساوی با *candradeva* به جای «خورشید، ماه، Śakra (به عبارتِ دیگر

Indra ایندیره)»، که مورد نظر بوده، گرفته است. (BSTBL: n. p 23)

۱۶۹. متن سنسکریت : *Brahma(rājan)* ، که *Brahma* به معنای «روح قایم به

ذات، روح مجرّد و مطلق» و rājan به معنای «شاه، شاهزاده و حاکم» است. (ASED)
 ۱۷۰. بهترین توجیه برای w'n این است که نسخه بردار p را به غلط رونویسی کرده
 و، هنگام اصلاح غلط، آن را حذف نکرده است. (BSTBL: n. p 23)

۱۷۱. عبارت prm δ'm(w)h، که در سطرهای ۱۳۳ و ۱۳۵ هم آمده است،
 ترجمه آزادی از عبارت چینی به معنای «در طولِ کَلْپِه kalpa، در خلالِ کَلْپِه» است.
 (BSTBL: n. p 23)

و نیز ← همین متن، سطر ۱۱۶، پی نوشت واژه «شکست».
 ۱۷۲. املاي zy'r برای /žār/ مشتق از -jāθra* منحصر به فرد است و این تردید را به
 وجود می آورد که آیا این صرفاً اشتباهی ساده به جای z'r است یا املایی تاریخی و
 ساختگی. (BSTBL: n. p 23)

۱۷۳. برگردان واژه به واژه عبارت ZKw ... z'r'y m'n wnty در زبان سغدی چنین
 است: «... و منشِ دلسوز ... را کند».

۱۷۴. مترجم نشانه چینی 住 به معنای «اقامت کردن، سکنا گزیدن» را دو بار
 نوشته است. برای -nc'y با همین مفهوم بسنجید با wdy wy'q qw xwny trs'q nc'ty sty
 (BST, I, 173f)

معنای عبارت فوق چنین است: «آنجا مکانی (است) که آن ترسا ساکن است».
 (BSTBL: n. p 23)

۱۷۵. prw در اینجا املایی استثنایی برای prw است، همان طور که با عبارتی مشابه
 (همچنین معادل با 令住) در سطر ۱۶۴ و سطر بعد نشان داده شده است. عبارت چنین
 است: m'δ 'PZY prw pwt'n'k srcy r'δh 'wšt'nt (BSTBL: n. p 23)

۱۷۶. عبارت p'δ'y 'wšt از 立 است که دارای دو معنای «ایستادن» و
 «برقرار کردن» است. ولر (Weller 1937b: 56) در پاره نوشتار مشابه دیگری که از قطعه
 Dhy. سطر ۲۸۱ نقل کرده، با درآمیختن این دو معنا، اشتباه کرده است. در آنجا
 p'δy wm't'nt و p'δy 'wšt'nt که به نظر می رسد ترجمه 立 و 住 باشد جدا از

یک دیگر گرفته شده است، یعنی «(مانند گذشته) آنها ایستادند، آنها می مانند» معنا می دهد. اما از این مطلب سغدی می توان ترجمه ای آزاد را هم برداشت کرد. در سطر ۱۲ از قطعه DN=P5 عبارت p'dy w'st مجدداً معادل با 立 آمده است.

(BSTBL: n. p 23)

۱۷۷. عبارت ZK tm'y βwt wy''k مفهوم چندانی ندارد. در متن چینی به معنای

«بودن دوزخ مکان!» است. (BSTBL: n. p 23)

۱۷۸. pcwštw، همان طور که ولر (Weller 1937b: 58) دیده، بی تردید

ترجمه 轉 است. به صورت pcwštw در کتاب رایشلیت (Reichelt 1928: 58f) و نیز در قطعه Dhy. سطر ۲۶۴ دیده می شود. (← پی نوشت واژه.) در همه موارد معنای مناسب

آن «ناگهانی، مستقیماً» است. (BSTBL: n. p 23)

۱۷۹. ترجمه تحت اللفظی 苦惱 است. در مورد واژه نخست

بسنجید با 苦 که معادل با βyz(y)βr'n در متن SCE، سطرهای ۱۱ و ۱۸ است و

受苦 که برابر با βzy' βr's در قطعه Padm. سطر ۲۰ است و به ترتیب معادل با

duḥkha و duḥkhin آمده است. sr'yβt'm که معادل با 惱 است از اصطلاحی که

برای kleśa به کار می رود، شناخته می شود. این اصطلاح در قطعه Vim.، سطرهای ۱۹،

۲۰، ۲۸، ۳۷ و غیره آمده است (Weller 1935: 324). بسنجید با قطعه Dhy. سطر ۳۹۷،

واژه sryβt'mync (Weller 1938 : 127). (BSTBL: n. p 23)

۱۸۰. عبارت kw'yty، همان طور که در سطر ۱۴۲ آمده است، می تواند به جای

kw-ty به کار رفته باشد. مصراع های نخستین (۲۸) و (۲۹) در متن چینی با هم

مشابه اند. (BSTBL: n. p 23)

۱۸۱. wr'kh 't' pcy'y (ترکیبی که در سطر ۱۲۵ دیده می شود) مجدداً در قطعه

Dhy. سطر ۲۹۹ به چشم می خورد. wr' 't pcy'y برابر با 利益 و معادل با upakāra

و hita آمده است. واژه wr'kh در قطعه P7 سطرهای ۱۳۱، ۱۵۷، ۱۸۳، ۱۸۸ و

۱۹۹ به تنهایی ترجمه هر دو نشانه متن چینی است. (BSTBL: n. p 24)

۱۸۲. نشانه 受 معمولاً معادل bhoga است و در اینجا معادل vedanā (Weller 1937b: 59) آمده است. اما مترجم سغدی صرفاً واژه را «دریافت کردن، پذیرفتن» ترجمه کرده است. بسنجید با قطعه Dhy. سطر ۲۴۰ که در آن واژه pcyrtβty به معنای «دریافت می‌کند (کلام بودا را)» آمده است. (BSTBL: n. p 24)

۱۸۳. متن سغدی : sym، به معنای «سرآسیمه (سیمه سار)، مضطرب، سردرگم، گمراه» است.

از آنجا که این متن‌های سغدی ترجمه متن‌های چینی‌اند و در متن اصلی چینی تمایزی صوری میان صفات و اسامی وجود ندارد، اسامی و صفات سغدی گاهی به جای یک‌دیگر به کار می‌روند. (Kudara & Sundermann 1998: 118-119, n.15)

عبارت sym 't' wyštk برگردان ترکیب مترادف 憤亂 به معنای «گمراه شده، آشفته» است. واژه sym، برخلاف آنچه قبلاً مورد قبول بوده است، به معنای «گمراه شده، گمراهی» است و «ترس» معنا نمی‌دهد. این مطلب را بنونیست (Benveniste 1940: 902, note) نیز خاطر نشان ساخته است؛ در آنجا این واژه معادل 迷 و در ترکیبی آمده است که برگردان mūdha و muhyate است. همچنین بنونیست (Benveniste 1946: 1063) آسیمه (āsime) فارسی نو را ذکر کرده است. امروزه مشخص شده است که واژه symy سغدی مسیحی به معنای «مغشوش، دست‌پاچه، سرگشته، مبهوت» است (BST II, 850=C2/3 (1)', 2, واژه سریانی twyr).

(BSTBL: n. p 24)

۱۸۴. متن سغدی : wyštk، به معنای «آشفته، منقلب» است. و نیز ← پی‌نوشت

۱۸۳.

亂، که معادل kṣubdha است، در قطعه Dhy. سطر ۲۴۱ و قطعه P6، سطر ۱۴ به صورت -'ywyz (← همین متن، سطر ۱۵۴، پی‌نوشت واژه «آشوبد») ترجمه شده است (反 反)، که به معنای «مغایر، ناسازگار، خودسر» است، sp'yn' ترجمه شده است، همان طور که در قطعه P2، سطر ۸۳۸ دیده می‌شود). مطلب فوق باعث ارائه این

نظر می‌شود که *wyšt* صرفاً به اشتباه به جای *ywšt*، یعنی صفت مفعولی *ywz-* آمده است. بسنجید با واژه *y'wšt'k* در قطعه *Dhū*، سطر ۴ و واژه *ywšt*g در زبان پارتی که به معنای «مشوش، معذب» است، مع هذا، به نظر می‌رسد که کلمه کم استعمال *wyž* این واژه را تأیید می‌کند، که در عبارت *wyž 't xwšywny 'br'z (wyd'yt)y* به معنای «بلافاصله، شاه به شدت تکان خورد (تحت اللفظی: برافروخته شد) و مضطرب شد» (BST II, 843=C2/2 (1), 51f) آمده است: واژه *wyž*، که معادل واژه سریانی *'tdlh* است، ماضی غیر تام (در این متن‌ها ماضی غیر تام افعالی که با *-ā* شروع می‌شوند، *m-* نمی‌گیرند، مانند *'br'z*، *'y'z* و غیره) فعل *wyž-* است که از فعل *'wyz-* (ST II) مساوی با *wyž-* (¹⁰878، ⁵⁸827 BST II) به معنای «گرد آوردن، جمع آوری کردن» متمایز است. فعل *wyž-*، *wyšt-* بایستی از **waiz* مشتق شده باشد که اشتقاق بیلی

(Bailey 1967: 18) را از واژه ختنی *āvištai* رد می‌کند. وی این واژه را مشتق از واژه سنسکریت *viṣ* دانسته است. اما احتمال ارتباط با واژه اوستایی *wištāspa* (Benveniste 1936: 229) به قوت خود باقی است. (BSTBL: n. p 24)

متن سنسکریت: *kṣubdha*، به معنای «مضطرب شده، به هیجان آمده، آشفته و معذب» است. (ASED)

۱۸۵. واژه نخستین عبارت *y'wz't* *kršn'wty* به معنای «زیبایان، زیبارویان» است. ولر (Weller 1937b: 63) این واژه را به شکلی پذیرفتنی شرح داده است: مترجم بایستی در این بافت 好色者 را به غلط، به جای «عشق زیبایی که»، «ظاهر خوب که» ترجمه کرده باشد؛ به عبارت دیگر، «به هیئت زنانه درآورنده» مورد نظر بوده است. کاربرد *y'wz-* را به جای *ṣ* به معنای «جذب کردن، اغوا کردن، فریفتن» یا «هدایت کردن و راهنمایی کردن» باید ناشی از ترجمه آزاد مترجم دانست، مگر آنکه مترجم به دلیلی واژه 諸 را، که بعد از آن آمده است، به غلط به منزله واژه‌ای به معنای «عذاب یا زحمت» خوانده باشد. مکنزی معتقد است که بنونیست (Benveniste 1967: 506f) ما را وادار به قبول این مسئله می‌کند که *y'wz-*، فعلی لازم است و «به زحمت افتادن، معذب شدن» یا «ایجاد

زحمت کردن» معنا می‌دهد، اما بحث او، به علت ذکر برخی نقل قول‌های نادرست، باطل و پوچ است. نخست آنکه او تمایزی بین -y'wz و -y'wz' قایل نیست: چهار مثال نخستین او از فعل لازم؛ یعنی قطعه Dhu.، سطر ۱۶۸، قطعه Dhy.، سطر ۲۴۱ و قطعه P6، سطرهای ۱۴ و ۱۴۷، برخلاف آنچه نقل شده‌اند، تماماً با املای -y'wz هستند و با املای -y'wz' نوشته نشده‌اند. او می‌توانست عبارت

KZNH 'PZY 'yw m'n L' "y'wz't به معنای «بنابراین اندیشه مشوش نشود»

(VJ: 1196) را اضافه کند. در این عبارت، واژه -y'wz't دقیقاً به همین شکل آمده است. حتی اگر از نمونه قطعه P2، سطر ۱۰۴۵ به علت ابهام صرف نظر کنیم (گرچه چنان که خواهیم دید در متن تقریباً با اطمینان می‌توان آن را متعدی دانست)، درست نیست که قطعه P5، سطر ۱۰۹ و سطر بعدی را «نمونه منحصر به فرد» بخوانیم. در جایی که به قول بنونیست «به نظر می‌رسد -y'wz' صرف متعدی داشته باشد»، گرچه به‌راستی این مورد صرفاً تنها مثال واحد از این نوع است. این واژه همچنین در عبارت

-y'wzt "y'wz'ty Zkw mrtym'y ZKZY 'pδ'yx SCE در متن سطر ۱۴۶ آمده است و معادل چینی آن «کسی که عذاب می‌دهد (𐭪𐭫𐭬𐭭) دیگری را ناعادلانه» است. در سطر ۲۶۸ عبارت -y'wzt rty در متن اصلی هیچ برابر دقیقی ندارد، اما به‌وضوح به فاعلی شرور اشاره دارد که «در دسر ایجاد می‌کند». با مراجعه به قطعه P2، سطر ۱۰۴۵ می‌بینیم که عبارت‌های ذیل

wy'wšw mz'yx t'y ... wβyw ZY šy ms pckwyr wnty rtyšy m'n pc 'wt ZY "y'wzt به‌روشنی چنین معنا می‌دهد: «شش راهزن بزرگ (← همین متن، سطر ۱۵، پی‌نوشت واژه آمدگاه) ... هر دو باعث ترس او می‌شوند و اندیشه او را مشوش می‌سازند و عذاب می‌دهند». خلاصه آنکه -y'wz همیشه فعل لازم است و «به زحمت افتادن، مضطرب شدن، در عذاب و اضطراب (برای مثال γδ'yšt در قطعه P6، سطر ۱۴) معنا می‌دهد» و -y'wz- با «الف» میانی فعل متعدی است و «به زحمت انداختن، عذاب دادن» معنا می‌دهد. از این رو، فعل لازم -ā-yuzya- / <āyuž- که به معنای «حرکت کردن، تکان

خوردن» است در تقابل با āyōž-/āyaozoya دیده می‌شود. حرف ʒ (با نقطه) در هر دو مورد حایز اهمیت است. (BSTBL: n. p 24-25)

۱۸۶. واژه wnty در اینجا از روی پاره‌نوشتار مشابهی در سطر ۱۶۷ و سطر بعدی همین متن افزوده شده است. سطر مشابه در متن چینی با 後令 ... به معنای «پس از آن باعث می‌شود که» آغاز می‌گردد. (BSTBL: n. p 25)

۱۸۷. ولر (Weller 1937b: 65f.) درباره ترجمه نادرست واژه ntrykt به معنای «خواجگان» که برابر با 邑 معادل باواژه سنسکریت grāma به معنای «دهکده» آمده (مکتزی با نظر ولر موافق نیست)، با این استدلال توضیح داده است که مترجم این واژه را معادل با antaḥpura، به ویژه به معنای «حرم» برداشت کرده است. مکتزی گمان می‌کند که مترجم به غلط واژه را 宮 به معنای «خواجه» قرائت کرده است. (BSTBL: n. p 25)

۱۸۸. ترکیب منحصر به فرد 商人導 که معادل با sārthavāha آمده است به صورت تحت‌اللفظی «تاجر مرد (vaṇik) راه (بر)» معنا می‌دهد، زیرا که در ترجمه تحت‌اللفظی هوان - تسانگ صورت معیار 商主 آمده است. (BSTBL: n. p 25)

۱۸۹. عبارت prm n'βcy' mwck' ترجمه نادرست 國師 معادل با purohita است. این دو نشانه فقط می‌تواند «سلطنتی آموزگار» معنا دهد و به معنای «آموزگار کشور» نیست. (BSTBL: n. p 25)

۱۹۰. متن سنسکریت: āmātya، به معنای «وزیر، مشاور و دستور» است. (ASED)

۱۹۱. متن سغدی: ny'zkynt به معنای «نیازمندان» است.

۱۹۲. متن سنسکریت: ananta، به معنای «بی‌پایان و جاودانی» است. (ASED)

و نیز متن سنسکریت: apramāṇa، به معنای «بی‌اندازه» است. (APDB)

۱۹۳. متن سنسکریت: abhimānikā، به معنای «خودگرایی، خوداندیشی،

خودپسندی و خودفریبی» است. (ASED)

۱۹۴. عبارت ZKw mz'yx z'wr 't ZKw s'ḍynp'y' ترجمه 大力士 به معنای

«بزرگ نیرو پهلوان»، یعنی mahānagna است. واژه s'ḍynp'y' سغدی به نظر نمی‌رسد

و می‌تواند وام واژه باشد؛ شاید یک اسم معنای مختوم به 'y- از واژه 's'dynp* باشد که خود از صورت هندی میانه sādhanabhāga به معنای «شخص والامقام یا صاحب منصب» است، و به این مناسبت از آن معنای «توانایی، اقتدار*» اراده شده است. (BSTBL: n. p 25)

۱۹۵. متن سنسکریت : ṛṣi، به معنای «مرد مقدس» است. (BHSgd)
 «خواننده سرودهای مقدس، شخصی که به تنهایی یا با دیگران خدایان را با کلام منظوم یا با سرودی از نشانه‌های مقدس احضار می‌کند.» (ASEd)
 ریشی، «عارف، حکیم و مرشد» نیز معنا می‌دهد. (داریوش شایگان ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۷۸ و ج ۲، ص ۴۴۷)

۱۹۶. برگردان واژه به واژه عبارت ZKw ... z'r'y m'n wn'nt در زبان سغدی چنین است: «... و منشِ دلسوز ... راکنند».

۱۹۷. چون مترجم 住令 را که به معنای «موجب اسکان یافتن» است، در سطرهای ۱۳۸ (← پی‌نوشت واژه «مانند») و ۱۶۵ در عبارت 'PZY ... 'wšt'nt به درستی فهمیده است، احتمالاً حدس ولر درست است (Weller 1937b: 73) که مترجم در عبارت ZKw ... pt''wyn'k z'r'y m'n wn'nt به غلط آن را 作令 به معنای «سبب ورزیدن شد» خوانده است. عبارت 'PZY ... wn'nt نیز تابع KZNH، در سطر ۱۷۰، است که در حقیقت در جای صحیحی نیامده است. همچنین به نظر می‌رسد که مترجم 忍 معادل با ksānti را به منزله صفت گرفته است، مگر آنکه <wkry 't> را بعد از pt''wyn'k بیفزاییم. «بردباری» در سطر ۱۹۴ و در متن SCE، سطر ۶۸، به pt''w(y)n'k wkry ترجمه شده است. (BSTBL: n. p 25)

متن سنسکریت : ksānti به معنای «بردباری، صبر و متانت» است. (ASEd)
 برتافته به معنای «تحمل کرده و تاب آورده» است. (فرهنگ فارسی معین)
 در اینجا به قیاس با آن واژه «برتافته» (صفت فاعلی) انتخاب شده است.
 ۱۹۸. ys در آخر سطر پس از واژه ZKw فقط می‌تواند دو حرف اول واژه بعدی،

یعنی 'sp's'k باشد که مترجم به اشتباه آن را دوباره نوشته است. ولر (Weller 1937b: 74) نمی‌دانت که در اینجا با واژه خدمتکاران چه کند، اما رایشلت مطلب سغدی را بهتر درک کرده است. عبارت ZKZY ... ZKw 'sp's'k k'mt برگردان 須供事者 به معنای «نیاز پیشکش خدمت به آن» معادل با واژه upasthānaguru است. بدیهی است که 供事 به جای 侍 | معادل با upasthāna به معنای «خدمت» آمده است. (BSTBL: n. p 25-26)

۱۹۹. lyw'kk – همین متن، سطر ۶۳، پی‌نوشت واژه «فرمان‌نویس».
۲۰۰. متن سنسکریت : anulomam به معنای «با نظم و ترتیب یا ترتیب با قاعده» است. (ASED)

۲۰۱. در عبارت γw 'ywnk' r'δyh γrβcy βwt، مترجم 如是 قیدی به معنای «مانند این، از این رو» را همچون صفتی برای نشانه 道 به معنای «راه، جاده» گرفته است؛ بسنجید با قطعه Dhy.، سطر ۱۹۱، واژه‌های γw 'ywnk, 'ywnk. (BSTBL: n. p 26)

۲۰۲. γrβcy به معنای «شخص باید بداند» است، بسنجید با سطر ۳۶. این واژه به اشتباه به جای γrβy به معنای «بسیار» به کار رفته است که ترجمه‌ای از 無量 به معنای «اندازه‌ناگرفتنی، مقیاس‌ناپذیر» است و در متن SCE، سطر ۵۶۳ و قطعه Vaj.، سطر ۶ نیز دیده می‌شود. (BSTBL: n. p 26)

۲۰۳. عبارت k'w šwt ترجمه تحت‌اللفظی 所行 معادل با gocara است. (BSTBL: n. p 26)

متن سنسکریت : gocara، به معنای «حوزه‌گردار، بُرد، میدان عمل» است. (ASED)
۲۰۴. متن سنسکریت : puṇya – قطعه Vaj.، سطر ۱۷، پی‌نوشت واژه.
و نیز متن سنسکریت : guṇa – قطعه Vaj.، سطر ۱۷، پی‌نوشت واژه.
۲۰۵. متن سغدی : فعل مستقبل در وجه تمنایی.

۲۰۶. متن سنسکریت : mūdha – قطعه Intox.، سطر ۲۹، پی‌نوشت واژه.

۲۰۷. aprajñā ← همین متن، سطر ۹۳، پی‌نوشت واژه «دلِ رها». این کلمه با پیشوند a- معنای منفی دارد.

۲۰۸. گرچه رایشلت به ... 'ZKZY L' توجهی نکرده است، اما به خلاف نظر ولر (Weller 1937b: 78) مطلب را به‌درستی دریافته که مترجم در اینجا عنوانِ بخش بعدی را احتمالاً تشخیص نداده و آن را به طرز مسخره‌ای در پایان آخرین جمله این بخش افزوده است. مترجم هر بار که 入不二法門 آمده است صورت منفی advaya به معنای «عدم ثنویت» را به فعل تحویل کرده و در نتیجه جمله را نامفهوم ساخته است. (BSTBL: n. p 26)

منظور از «دروازه عدم ثنویت»، شاید «دروازه درمه نا - دویی» یا «آستانه درمه توحیدی» باشد.

۲۰۹. ترجمه نادرست رایشلت از واژه 'n'wmyk' به «قانون» دال بر این امر است که وی فقط از ترجمه متن چینی به زبان‌های اروپایی استفاده کرده و متن اصلی را مد نظر قرار نداده است (چنان که ولر نیز اغلب تلویحاً به این مطلب اشاره کرده است). او از نشانه ساده 九 باید درمی‌یافت که این واژه به معنای «بخش نهم» است و هرگز نمی‌بایست آن را با واژه nwm در سغدی مانوی و مسیحی، به معنای «قانون، حکم و اصل جزمی (νόμος)» اشتباه کند. (BSTBL: n. p 26)

۲۱۰. متن سغدی : ḍrm ryzkr به معنای «در قانون به کام عمل کننده» و نام خاص است.

متن سنسکریت : Dharmeśvara، نام پسر یک خدا است. (ASED)

۲۱۱. متن سنسکریت : jāti، به معنای «تولد و محصول» است. (ASED)

و نیز متن سنسکریت : utpāda، به معنای «تولد و محصول» است. (ASED)

۲۱۲. عبارت ḍw' wkry pōkh خطایی دو گانه در تقسیم‌بندی و فهم جمله است. با

法 به معنای درمه به عنوان «چیز» جمله جدیدی آغاز می‌گردد.

۲۱۳. در عبارت $prw\ L' \text{ } ^{\prime\prime}z'yt\ p\delta kh$ امکان ندارد در یابیم آیا مترجم 無生 را که معادل *anutpāda* است به صورت فعل مضارع سوم شخص مفرد، یعنی «زاده نه» ($ny\ L' =$) شود یا «نازاده» ($n' = L'$ + صفت مفعولی) آورده است.
(BSTBL: n. p 26)

۲۱۴. $pt' \text{ } ^{\prime\prime}wyn'k\ wkry$ ← همین متن، سطر ۱۷۱ و سطر بعدی، پی نوشت واژه.
۲۱۵. کاربرد $p'sh$ به جای 德، معادل با $\acute{s}r\acute{i},\ gu\tilde{n}a$ ، استثنایی است. در جای دیگر، این نشانه به prn ترجمه شده است، برای مثال در قطعه *Padm.*، سطر ۲۱ و نیز $prn\beta yrt'$ در قطعه *Dhy.*، سطر ۱۳ و یا $\acute{s}yr'krtyh$ در قطعه *Dhu.*، سطرهای ۷۵ و ۱۷۰ و غیره؛ حال آنکه $p'sh(p'\delta r)$ در تعدادی از ترکیبات به جای 敬 به معنای «احترام» آمده است، برای مثال در قطعه *Dhy.*، سطرهای ۸ و ۲۸۷. هر چند به رغم آنکه معمولاً $p'sh$ با $p'y-$ می آید و نه با $\beta y-$ ، و نیز با توجه به امکان وجود ارتباط $p'sh$ به معنای «نگهبان، ناظر، مراقب» با 守 معادل با $p\tilde{a}la,\ gupta$ ، این کاربرد نزدیک ترین ترجمه برای درک متن اصلی به نظر می رسد و نیز ← همین متن، سطر ۲۰۷، پی نوشت واژه «تارک».
(BSTBL: n. p 26)

۲۱۶. متن سنسکریت: *\acute{s}r\acute{i}gupta*، در ادبیات بودایی، نام مردی است. این نام مرکب از واژه *\acute{s}r\acute{i}* به معنای «شکوه، درخشش، زیبایی» و *gupta* به معنای «حفظ شده، نگهبانی شده، مخفی شده» است. (ASED)

۲۱۷. $mn' \text{ } ^{\prime\prime}wy''k'$ ترجمه ای تحت اللفظی و بی معنی برای 我所 معادل با *\acute{a}tmiya* است. به دلیل مبهم بودن 所 به معنای «که آن» است که در اینجا «جایی که» (بسنجید با همین متن، سطر ۱۷۸، پی نوشت واژه «شود») و «جا» ترجمه شده است.
(BSTBL: n. p 26)

۲۱۸. متن سغدی: ضمیر اول شخص مفرد غیر فاعلی و معمولاً در حالت اضافی یا وابستگی.

۲۱۹. عبارت $\delta w' \text{ } ^{\prime\prime}wkry \text{ } ^{\prime\prime}n\beta'nt$ نیز ناشی از همان تقسیم بندی نادرست جملاتی

است که در سطر ۱۹۲ پی‌نوشتِ واژه «درمه» ذکر شده است. در اینجا با 𐭩 به معنای «علت، سبب» باید جمله جدیدی آغاز شود. ترجمه تا حدی به کمک نشانه دوم ترکیب 𐭩 ... 故 به معنای «به خاطر، به سبب، برای» تصحیح شده است.
(BSTBL: n. p 27)

و نیز ← همین متن، سطر ۶، پی‌نوشت واژه.
۲۲۰. هر مترجمی ممکن است اندیشه‌های Animīṣa را با چشم بسته از نظر بگذرانند. مترجم ما هم جز این هنر دیگری نکرده و معنای 𐭩 معادل با dharma را به اشتباه دریافته است. (BSTBL: n. p 27)
متن سنسکریت: animīṣa، به معنای «کسی که خیره می‌شود، کسی که چشمک نمی‌زند» است. (ASED)

۲۲۱. متن سنسکریت: ādāna، به معنای «گرفتن و چسبیدن (به حیات یا چیزهای مادی) و نیز دلبستگی» است. (BHS GD)
۲۲۲. متن سنسکریت: anādāna، به معنای «نادار و بدون دلبستگی» است. (ع).
پاشایی ۱۳۵۷: ص ۲۸۸

۲۲۳. متن سغدی: فعل امکانی مجهول سوم شخص مفرد تمنایی.
۲۲۴. متن سنسکریت: grāha، به معنای «گرفتن، درک کردن و دریافت کردن» است. (ASED)
۲۲۵. متن سنسکریت: tyāga، به معنای «ترک کردن و دور انداختن» است. (ASED)

۲۲۶. واژه "wn'ycyk"، به طور قطع برای تشخیص 𐭩 معادل با kriyā از 𐭩 معادل با carapa ساخته شده است. هر دو نشانه چینی در جای دیگر، 𐭩 و 𐭩 (ST II, b10, 12, 14) و 𐭩 (P6, 75, 79)، به برگردانده شده است. در این واژه، wn- تشخیص داده می‌شود، اما تعداد و انواع پسوندهایی که در آن به کار رفته است، مشخص نیست. بسنجید با واژه kwncykw (در خط سوتره) به معنای «در شرف

ساختن» (Gershevitch 1954: § 1018). (BSTBL: n. p 27)

۲۲۷. عبارت $ZKZY t'r \beta yrt$ ، که با آن می‌خواهیم به تحشیه این متن پایان دهیم، کاملاً گیج‌کننده است. نخست آنکه قرائت حروف دستنویس مورد تردید است. حرف آغازی $t'r$ آن قدر برای رایشلت نامشخص بوده که آن را $w'r$ خوانده است، اما $t'r$ که معادل با 頂 آمده و به معنای «قله، اوج، نوک» است، در قطعه Dhy، سطرهای ۴۸ و ۵۱ و غیره تأیید شده است. $ZKZY$ ، که حروف آن با فاصله نوشته شده است، تردید بیشتری را برمی‌انگیزد. اما از آنجا که چنین ترکیبی بی‌معنی است و $ZKZY$ هیچ مشکلی را در اینجا حل نمی‌کند، پس قطعی به نظر می‌رسد که واژه‌ای حذف شده است. واژه پیشنهادی در اینجا بازنمای 德 معادل با $\acute{s}r\acute{i}$ است. اگر فرض کنیم که مترجم واژه $\acute{s}r\acute{i}gupta$ را، که در سطر ۱۹۶ آمده و برای آن $p'\acute{s} \beta yrtk$ را آورده و نیز $p'\acute{s}$ را که او دوباره برای همین نشانه به کار برده، در ذهن داشته است، آن‌گاه توجیحی برای نوشتن زاید و توضیح ناپذیر واژه βyrt در اینجا خواهد بود. (BSTBL: n. p 27)

ضمیمہ

متن اصلی چینی

示有妻

姜采女而常遠離五欲淤泥。現於鈍鈍而成就辯才。總持無失。示入邪濟而以正濟度諸衆生。現遍入諸道而斷其因緣。現於涅槃而不斷生死。文殊師利菩薩能如是行於非道。是爲通達佛道。

10 於是維摩詰問文殊師利。何等爲如來種。文殊師利言。有身爲種。無明有愛爲種。貪恚礙爲種。四顛倒爲種。五蓋爲種。六入爲種。七識處爲種。八邪法爲種。九惱處爲種。十不善道爲種。以要言之。六十二見及一切煩惱皆是佛種。曰何謂也。答曰。若見無爲入正位者。不能復發。阿耨多羅三藐三菩提心。譬如高原陸地不生蓮華。卑濕淤泥乃生此華。如是見無爲法入正位者。終不復能生於佛法。煩惱泥中乃有衆生起佛法耳。又如殖種於空終不得生。糞壤之地乃能滋茂。如是入無爲正位者不生佛

法起。於我見如須彌山。猶能發于阿耨多羅三藐三菩提心。生佛法矣。是故當知一切煩惱爲如來種。譬如不下巨海不能得無價寶珠。如是不入煩惱大海。則不能得一切智寶。

40 爾時大迦葉歎言。善哉善哉文殊師利。快說此語。誠如所言。塵勞之。時爲如來種。我等今者不復堪任發阿耨多羅三藐三菩提心。乃至五無間罪。猶能發意生於佛法。而今我等永不能發。譬如根敗之士。其於五欲不能復利。如是聲聞諸結斷者。於佛法中無所復益。永不志願。是故文殊師利。凡夫於佛法有返復。而聲聞無也。所以者何。凡夫聞佛法能起無上道心。不斷三寶。正使聲聞終身聞佛法力無畏等。永不能發。無上道意。

60 爾時會中有菩薩名普現色身。問維摩詰。居士。父母妻子親戚眷屬吏民知識悉爲是誰。奴婢僮僕象馬車乘皆何所在。於是維摩詰以偈答曰。

70 智度菩薩母 一切衆導師 法喜以爲妻 善心誠實男 弟子衆塵勞 道品善知識 諸度法等侶 歌詠誦法言 總持之園苑 覺意淨妙華 八解之浴池 布以七淨華 象馬五通馳 調御以一心 相具以嚴容 慚愧之上服 富有七財寶 如所說修行 四禪爲床座 多聞增智慧

方便以爲父 無不由是生 慈悲心爲女 畢竟空寂舍 隨意之所轉 由是成正覺 四攝爲伎女 以此爲音樂 無漏法林樹 解脫智慧果 定水湛然滿 浴此無垢人 大乘以爲車 遊於八正路 衆好飾其姿 深心爲華鬘 教授以滋息 迴向爲大利 從於淨命生 以爲自覺音

100 甘露法之食 淨心以深浴 摧滅煩惱賊 降伏四種魔 雖知無起滅 悉現諸國土 供養於十方 諸佛及己身 雖知諸佛國 而常修淨土 諸有衆生類 無畏力菩薩 覺知衆魔事 以善方便智 或示老病死 了知如幻化 或現劫盡燒 衆人有常想 無數億衆生 一時到其舍 解脫味爲漿 戒品爲塗香 勇健無能踰 勝幡建道場 示彼故有生 如日無不見 無量億如來 無有分別想 及與衆生空 教化於群生 形聲及威儀 一時能盡現 而示隨其行 隨意皆能現 成就諸群生 通達無有礙 天地皆洞然 照令知無常 俱來請菩薩 化令向佛道

90 多聞增智慧 四禪爲床座 如所說修行 富有七財寶 慚愧之上服 相具以嚴容 調御以一心 象馬五通馳 布以七淨華 八解之浴池 覺意淨妙華 總持之園苑 歌詠誦法言 諸度法等侶 道品善知識 弟子衆塵勞 善心誠實男 法喜以爲妻 一切衆導師 智度菩薩母

80 覺意淨妙華 總持之園苑 歌詠誦法言 諸度法等侶 道品善知識 弟子衆塵勞 善心誠實男 法喜以爲妻 一切衆導師 智度菩薩母

120 無數億衆生 一時到其舍 或現劫盡燒 衆人有常想 了知如幻化 或示老病死 以善方便智 覺知衆魔事 無畏力菩薩 諸有衆生類 而常修淨土 雖知諸佛國 諸佛及己身 供養於十方 悉現諸國土 雖知無起滅 降伏四種魔 摧滅煩惱賊 淨心以深浴 甘露法之食

經書禁呪術
盡現行此事
世間衆道法
因以解人惑
或作日月天
或時作地水
劫中有疾疫
若有服之者
劫中有飢饉
先救彼飢渴
劫中有刀兵
化彼諸衆生
若有大戰陣
菩薩現威勢
一切國土中
輒往到于彼
一切國土中
皆現生於彼
示受於五欲
令魔心憤亂

工巧諸伎藝
饒益諸群生
悉於中出家
而不墮邪見
梵王世界主
或復作風火
現作諸藥草
除病消衆毒
現身作飲食
却以法語人
爲之起慈心
令住無諍地
立之以等力
降伏使和安
諸有地獄處
勉濟其苦惱
畜生相食噉
爲之作利益
亦復現行禪
不能得其便

火中生蓮華
在欲而行禪
或現作姪女
先以欲鉤牽
或爲邑中主
國師及大臣
諸有貧窮者
因以勸導之
我心憍慢者
消伏諸貢高
其有恐懼衆
先施以無畏
或現離婬欲
開導諸群生
見須供事者
既悅可其意
隨彼之所須
以善方便力
如是道無量
智慧無邊際

是可謂希有
希有亦如是
引諸好色者
後令人佛道
或作商人導
以祐利衆生
現作無盡藏
令發菩提心
爲現大力士
令住無上道
●居前而慰安
後令發道心
爲五通仙人
令住戒忍慈
現爲作僮僕
乃發以道心
得入於佛道
皆能給足之
所行無有涯
度脫無數衆

假令一切佛 於無量億劫

讚歎其功德 猶尚不能盡

誰聞如是法 不發菩提心

除彼不肖人 癡冥無智者

*維摩詰*所說經入不二法門品第九

爾時維摩詰。謂眾菩薩言。諸仁者。云何菩

薩入不二法門。各隨所樂說之。會中有

菩薩名法自在。說言。諸仁者。生滅爲二。法

本不生。今則無滅。得此無生法忍。是爲入

不二法門。

德守菩薩曰。我我所爲二。因有我。故便有

200 我所。若無有我。則無我所。是爲入不二法

門。

不胸菩薩曰。受不受爲二。若法不受。則不可

得。以不可得。故無取。無捨。無作。無行。是

爲入不二法門。

德頂菩薩曰。垢淨爲二。

برگردانِ فارسیِ متنِ چینی^۱

«... به نظر می‌رسد که او دارای همسران و معشوقه‌هایی است، با وجود این همواره خود را از گِلِ کثیف پنج آرزو^۲ دور نگاه می‌دارد.

او در میان احمق‌های الکن ظاهر می‌شود، ولی از موهبت بلاغت و فصاحت کامل^۳ برخوردار است و ورد جادویی^۴ او از اشتباه مبرا است.

به نظر می‌رسد که او داخل گُدار نادرستی می‌شود، اما همهٔ موجودات را به گُدار درست می‌بَرَد.

به نظر می‌رسد که او همه جا، در همهٔ راه‌های^۵ (سرنوشت) داخل می‌شود، اما علتِ آنها را قطع می‌کند.

او در نیروانه^۶ ظاهر می‌شود، اما سنساره^۷ را نمی‌بَرَد.

(ای) منجوشری^۸، (اگر) بدی ستوه^۹ بتواند این طور در راه‌های اهریمنی برود، به این ترتیب است که راه بودا را پیماید».

۱۰ § ۲. از این رو ویمَلَه کیرتی^{۱۰} از منجوشری پرسید: «خانوادهٔ تناگته^{۱۱} از چه نوعی است؟»

منجوشری گفت: «کالبِد موجود^{۱۲} خانواده است؛ نادانی^{۱۳} و عطشِ

حیات^{۱۴} خانواده‌اند؛ آزمندی، نفرت و خیال باطل^{۱۵} خانواده‌اند؛ چهار

انحراف^{۱۶} خانواده‌اند؛ پنج مانع^{۱۷} خانواده‌اند؛ شش بُن (= مرکز) حسی^{۱۸}

خانواده‌اند؛ هفت جایگاه ادراک^{۱۹} خانواده‌اند؛ هشت عمل^{۲۰} یا درمۀ^{۲۱}

دروغین خانواده‌اند؛ نه مَسندِ رنج^{۲۲} خانواده‌اند؛ ده راه اهریمنی (کردار)^{۲۳}

خانواده‌اند؛ کوتاه سخن، می‌توان گفت: شصت و دو بینش^{۲۴} (کاذب) و تمام

۲۰ شهوت‌ها^{۲۵} — همهٔ اینها خانوادهٔ بودايند».

§ ۳. (ویمَلَه کیرتی) گفت: «چرا چنین گویی؟»

(منجوشری)^{۲۸} پاسخ داد: «اگر کسی با دیدنِ شکل نیافته^{۲۶} / در وضع (تغییرناپذیر) کمال^{۲۷} داخل شود، دیگر قادر به پدید آوردنِ اندیشه برترین روشن شدگی^{۲۸} کامل نیست. برای مثال، سرزمین‌های مرتفع و زمین خشک گل نیلوفرآبی نمی‌رویند، اما (مکان) گلی، پست و باتلاقی محل رویدن این گل است. درست مثل کسی که با دیدنِ امرِ شکل نیافته^{۲۹} در وضع (تغییرناپذیر) کمال داخل می‌شود، هرگز توانا تر به پدید آوردنِ درمه‌های بودا^{۳۰} نیست، اما فقط در گِلِ شهوات موجوداتی هستند (که) موجب انگیزش درمه بودا می‌شوند.

۳۰ همچنین، اگر شخص تخمی در فضا^{۳۱} بکارد، هرگز آن تخم رویدن آغاز نخواهد کرد، اما در لجنزارِ ریمن جوانه خواهد زد و شکوفا خواهد گشت. درست مثل کسی که به شکل نیافته (و)^{۳۲} وضع (تغییرناپذیر) کمال داخل می‌شود، درمه‌های بودا را پدید نمی‌آورد.

حتی اگر شخص [در نسخه بدل: اندیشه] بینش (دروغین) خوشتن^{۳۳} را به (بلندای) کوه سومرو پدید آورد، هنوز می‌تواند اندیشه برترین روشن شدگی کامل را متجلی سازد و درمه‌های بودا را پدید آورد.

به این دلایل است که شخص باید دریابد که تمام شهوت‌ها خانوادهٔ تناگته‌اند. برای مثال، اگر کسی در دریای بزرگ^{۳۴} فرو نرود، نمی‌تواند مرواریدهای گرانبهای پرارزش^{۳۵} را به دست آورد. درست مثل کسی که اگر به دریای بزرگ ۴۰ شهوت‌ها داخل نشود، جواهر دانش لایتناهی^{۳۶} را نمی‌تواند به دست آورد.

§ ۴. سپس مهاکاشیه^{۳۷} (اورا) ستود (و) گفت: «خوب، خوب (ای) منجوشری! تو این موارد را دقیقاً شرح می‌دهی و آنچه می‌گویی درست است. (تمام) رده‌های رنج‌های^{۳۸} دنیوی، خانوادهٔ تناگته است. اکنون دیگر قادر نیستیم اندیشه برترین روشن شدگی کامل را پدید آوریم. حتی اگر (گناهکاری با) پنج گناه مستحق جزای^{۳۹} فوری (باشد)، می‌تواند هنوز اندیشه خود را (تا روشن شدگی)

بالا بَرَد و درمه‌های بودارا پدید آورد، اما اکنون هرگز نمی‌توانیم آنها را (چندان) بالا ببریم.»

§ ۵. «برای مثال، شخص معلول^{۴۰} (= ناتوان) بیش از این توانا به لذت بردن از

پنج موضوع آرزو نیست. درست مثل مریدی^{۴۱} که همه

۵۰ بندها^{۴۲} را بریده است، نه تنها دیگر بهره‌ای از درمه‌های بودا نمی‌برد، بلکه هرگز سودای (آن) ندارد.

(ای) منجوشری، به این دلیل است که مردم عامی^{۴۳} (= غیرروحانی) نسبت به

درمه‌های بودا قدرشناسی^{۴۴} دارند، اما مریدان ندارند و چرا این طور است؟ مردم

عامی درمه‌های بودا را می‌شنوند و می‌توانند اندیشه برترین روشن شدگی^{۴۵} را

پدید آورند و از سه جواهر^{۴۶} نمی‌گسلند، اما مریدان با وجود آنکه در تمام

زندگی‌شان درمه‌های بودا را می‌شنوند، (یعنی) توانایی‌ها^{۴۷} و اطمینان‌ها^{۴۸} و دیگر

چیزهای^{۴۹} (او) را، هرگز نمی‌توانند اندیشه برترین روشن شدگی را پدید آورند.»

۶۰ § ۶. آن‌گاه بدی ستوه‌ای به نام روپه کایه سَمَن تَدَرَشَنه^{۵۰} در انجمن^{۵۱} بود.

او از ویمَلَه کیرتی پرسید، چنین گویان: «(ای) صاحب خانه^{۵۲} پدر و مادر (تو)،

همسر و فرزندان، خویشاوندان نزدیک^{۵۳} و اقوام^{۵۴}، مقامات و مردم و

دوستان^{۵۵} - همه اینها چه کسانی‌اند؟ بردگان و کنیزان، خدمتکاران و کارگران

(تو)، فیل‌ها، اسب‌ها، ارابه‌ها و گردونه‌های (تو) - همه آنها کجایند؟

"آن‌گاه ویمَلَه کیرتی با سرود^{۵۶} پاسخ داد، چنین گویان:

(۱) «خرد متعالی^{۵۷} مادر بدی ستوه‌ها است؛ تدبیرها^{۵۸} پدر آنهایند. در میان

تمام مرشدان^{۵۹} کسی نیست که از اینها زاده نشده باشد.

(۲) خوشیِ قانون^{۶۰} همسر آنها است؛ قلب (= ذهن) رحیم و خیرخواه دختران

آنها است

۷۰ قلب نیک و حقیقت پسران آنهایند؛ خلاء مطلق^{۶۱} اقامتگاه آنها است

(۳) تمام شهوات^{۶۲} مریدان^{۶۳} آنهایند (که) براساس خواست آنها تغییر می‌یابند.

یاوری‌ها به روشن شدگی^{۶۴} دوستانِ خوب (و مشاوران معنوی)^{۶۵} آنهایند که از طریق آنان به روشن شدگی کامل نایل می‌شوند.

(۴) تمامی (شش) کمال^{۶۶} همدمانِ قانونشان‌اند. چهار شیوهٔ کیشندگی^{۶۷}، دوشیزگانِ آوازه‌خوانِ آنهایند؛ در ترنم و آوازِ واژهٔ قانون – این را آنها ترانه^{۶۸} می‌دانند

(۵) (در) بوستانِ اوراد^{۶۹} (آنها) چیزهای رها از شهوات^{۷۰} درختستان‌اند، اندیشهٔ روشن شدگی^{۷۱} گل‌های شگفتِ پاک و دانشِ ۸۰ رستگاری^{۷۲} میوه است.

(۶) حوضچهٔ گرمابهٔ هشت آزادی^{۷۳} (آنها) به صفا سرشار از آبِ تمرکز^{۷۴} است. گل‌های نیلوفر^{۷۵} هفت پاکی^{۷۶} روی آن گسترده شده است و آنان که در آن حمام می‌کنند مبرا از آلودگی^{۷۷}‌اند.

(۷) با پنج بینش^{۷۸} فراطبیعی نظیر فیل‌ها و اسب‌ها (یشان) می‌تازند؛ در حالی که گردونهٔ بزرگ^{۷۹} ازابَه (آنان) است، گردونه رانِ (آنان) یکدلی است و آنان بر هشت راهِ راست^{۸۰} سفر می‌کنند.

(۸) (سی و دو) نشان^{۸۱} نخستین روی هم رفته به آنان جلوه‌ای حیرت‌انگیز می‌بخشد و همه (هشتاد) نشان^{۸۲} دومین زیباییِ آنان را زینت داده است. فروتنی و شرم^{۸۳} جامهٔ زبرینِ آنان است؛ عزمِ قوی (تحت اللفظی: اندیشهٔ عمیق)^{۸۴} حلقهٔ گل (آنان) است.

(۹) بختِ (آنان) هفت ثروت^{۸۵} را دربر می‌گیرد که بهرهٔ فراوانِ آنها از گسترشِ آموزه^{۸۶} است.

۹۰ (اینکه آنان) براساسِ آموزشِ (خود) خوب رفتار می‌کنند و شایستگی^{۸۷} (خود) را انتقال می‌دهند بهرهٔ عظیم (آن) است.

(۱۰) چهار (مرحلهٔ) جذبه^{۸۸} تخت (آنان) است: آنها بنابر معاشی پاک^{۸۹} زندگی می‌کنند. شنیدنِ بسیار^{۹۰} (آنان) دانش^{۹۱} آنان را می‌افزاید و (این برای آنان)

آوای خود - بیداری^{۹۲} است.

(۱۱) قانون مائده بهشتی^{۹۳} خوراک آنان است، طعم رهایی^{۹۴} آب - برنج (آنان) است. طبع پاک^{۹۵} گرمابه (آنان) است و گروه احکام^{۹۶} مرهم^{۹۷} معطر (آنان) است.

(۱۲) آنها شهوت‌های غارتگر^{۹۸} را نابود می‌کنند، آنان (یا کسانی که) نباید در شجاعت پشت سر گذاشته شوند. آنها چهار {گونه} مازه^{۹۹} را افسرده می‌کنند و درفش پیروزی را بر سکوی روشن شدگی^{۱۰۰} برمی‌افرازند.

۱۰۰ (۱۳) گرچه آنان می‌دانند تولد و نابودی^{۱۰۱} (وجود ندارد)، با وجود این، آنها برای آنکه (آن را به) آن (دیگران) نشان دهند تولد (مجدد) دارند. آنها در همه کشورها، بر همه مانند خورشیدی ظاهر می‌شوند (که) نیست کس، که نتواند ببیند. (۱۴) آنها در ده جهت^{۱۰۲} پیشکش^{۱۰۳} می‌کنند (به) بی‌شمار بیوز (= هزاران) تناگه‌ها، (با وجود آنکه) میان همه بودایان و آنان هیچ نشانی^{۱۰۴} از تمایز^{۱۰۵} دیده نمی‌شود.

(۱۵) گرچه آنان می‌دانند که همه کشتزارهای - بودا^{۱۰۶}، با همه موجودات، تهی^{۱۰۷} اند، با وجود این، آنها سرزمین‌های^{۱۰۸} پاک را شخم می‌زنند و انبوهی از موجودات را می‌آموزند و کیش آنان را تغییر می‌دهند.

(۱۶) شکل، صدا، همراه با سلوک^{۱۰۹} انواع موجوداتی که وجود دارند - بدی ستوه جسور پُر توان می‌تواند همه آنها را در یک لحظه متجلی کند.

۱۱۰ (۱۷) آنان تمامی کردارهای مازه^{۱۱۰} را می‌فهمند و می‌شناسند و خودشان را با رفتار آنها منطبق می‌کنند. به علت شناخت آنان از ابزار نیک^{۱۱۱} (رستگاری) آنها می‌توانند همه چیز را به نیروی اراده متجلی سازند.

(۱۸) آنها وانمود می‌کنند که پیر، بیمار (یا) مرده‌اند (تا) همه موجودات جاندار را به بلوغ^{۱۱۲} رسانند. آنان به خوبی می‌دانند که (چنین چیزهایی) پندار^{۱۱۳} اند؛ آنها بی‌هیچ مانعی به خوبی می‌فهمند.

(۱۹) یا آنان حریق مدهش را در پایان دوره جهانی^{۱۱۴}، (هنگامی که) آسمان و زمین با هم می سوزند، می نمایانند. آنها تمام مردانی را که مفهومی از دوام (= پابندگی)^{۱۱۵} دارند آگاه می کنند و باعث دانستن بی دوامی (= ناپابندگی)^{۱۱۶} (هرچیز) می شوند.

۱۲۰ (۲۰) بیور بی شماری از موجودات با هم برای فراخواندن بدی ستوه ها (به منظور خوردن) می آیند. آنها به خانه همه همزمان می رسند و کیش آنان را تغییر می دهند و باعث می شوند که به روشن شدگی^{۱۱۷} متمایل گردند.

(۲۱) سوتره ها، کتاب ها، هنرافسون^{۱۱۸} تمامی انواع مهارت ها^{۱۱۹} و هنرهای دستی^{۱۲۰} - آنها خود را به صورت اجراکنندگان این چیزهانشان می دهند تا به تمامی نوع انسان بهره و سود برسانند.

(۲۲) در تمام فرقه های^{۱۲۱} ارتدادی در جهان، هر جا که خانه را ترک کنند (= پرسه گردی آغازند) (مانند راهبان^{۱۲۲}) بدان وسیله انسان را از توهم می رهانند؛ از این رو، (انسان) در بینش های کثر آیینی^{۱۲۳} سقوط نمی کند.

(۲۳) آنان خود را خورشید، ماه، شکره^{۱۲۴}، برهما^{۱۲۵} (یا) سرور جهان^{۱۲۶} می کنند؛ گاهی خود را زمین (یا) آب یا دوباره

۱۳۰ باد (یا) آتش می کنند

(۲۴) در طول کَلْپه (= دوره جهانی)^{۱۲۷}، (هنگامی که) بیماری^{۱۲۸} هست، آنها خود را به صورت گیاهان دارویی عرضه می کنند. اگر کسی آنان را مصرف کند آنها بیماری او را برطرف و تمام زهرها را زایل می کنند.

(۲۵) در طول کَلْپه (هنگامی که)، قحطی باشد، آنان خود را به صورت غذا و آشامیدنی متجلی می سازند. نخست آنها را، که گرسنه و تشنه اند، می رهانند، آن گاه درباره قانون^{۲۱} با انسان ها سخن می گویند.

(۲۶) در طول کَلْپه (هنگامی که) تیغ و سلاح موجود باشد، برآن اساس آنان اندیشه های شفیق را ترقی می دهند. آنها تمام موجودات را تعلیم می دهند

(تغییر شکل می دهند) و آنان را وادار به سکونت در جهانی بدون مشاگره^{۱۲۹} می کنند.

(۲۷) اگر نبردی بزرگ درگیرد، آنها (هر دو طرف) را به نیروی مساوی مجهز می کنند.

۱۴۰ بدی ستوه (ها) شکوه و اقتدار را به نمایش می گذارند و (آنها را) مطیع می کنند و صلح را پدید می آورند.

(۲۸) در همه سرزمین ها، هر جا که مکان های جهنمی باشد، آنها مستقیماً به آنجا می روند و می کوشند به آنها که در درد و رنج اند^{۱۳۰} کمک کنند.

(۲۹) در تمامی سرزمین هایی که درندگان یک دیگر را می بلعند، آنها به ظاهر در آنجا زندگی می کنند و برای آنان سود فراهم می آورند.

(۳۰) آنها لذت خود را از پنج آرزو^{۱۳۱} متجلی می کنند و همچنین در حال فرورفتن در جذبه^{۱۳۲} ظاهر می شوند. آنها ذهن ماره را آشفته می کنند تا نتواند امتیازی به دست آورد.

۱۵۰ (۳۱) این مطلب که گل نیلوفر آبی باید در آتش رشد کند ممکن است شگفت انگیز^{۱۳۳} به نظر رسد. زندگی کردن در (لذت) آرزوها و همزمان فرورفتن در جذبه نیز همان گونه امری غیر عادی است.

(۳۲) آنان گاهی همچون زنان شهوتران ظاهر می شوند که تمامی «عشاق زیبایی» را مجذوب می سازند. نخست آنها را با قلاب آرزو می کشند، آن گاه سبب می شوند که در فرزانگی بودا^{۱۳۴} داخل شوند.

(۳۳) گاه نظیر کدخدای^{۱۳۵} دهی عمل می کنند، گاه نظیر کاروان سالار^{۱۳۶}، معلم دربار^{۱۳۷} و وزیر بزرگ انجام وظیفه می کنند، که حامی و سود رساننده به همه موجودات باشند.

۱۶۰ (۳۴) بر آنها که تنگ دست اند نظیر گنج هایی بی پایان ظاهر می شوند و از این رهگذر، با راهنمایی و توصیه به آنان، آنها را وامی دارند که به اندیشه روشن

شدگی^{۱۱۷} دست یابند.

(۳۵) به آنها که مغرورند و (در) اندیشهٔ بیهوده‌اند (که در آن اندیشه یک) «مَن» (وجود دارد)، آنها خود را به شکل قهرمانان زورمندی نشان می‌دهند. تمامی غرور آنها را نابود می‌کنند و آنها را فروتن می‌گردانند، سبب می‌شوند که آنها در والاترین روشن شدگی^{۱۳۸} ساکن شوند.

(۳۶) آنان خود را با همهٔ آنهایی که می‌ترسند روبرو می‌کنند و آنها را تسکین می‌دهند و آرام می‌گردانند. نخست به آنان بی‌باکی می‌بخشند، آن گاه سبب می‌شوند که ذهن آنان تا روشن شدگی ارتقاء یابد.

(۳۷) گاه آنها وانمود می‌کنند که آرزوهای شهوانی را ترک گفته‌اند و

۱۷۰ ریشی^{۱۳۹} هایی با پنج بینش^{۱۴۰} شده‌اند. آنها انواع موجودات را روشن شدگی می‌بخشند و سبب می‌شوند که درونِ اصول اخلاقی^{۱۴۱} با بردباری^{۱۴۲} و شفقت^{۱۴۳} سکنا گیرینند.

(۳۸) هنگامی که آنان را نیازمند خدمت^{۱۴۴} می‌بینند خود را خدمتکارِ آنان می‌کنند. پس از برآوردن خواستِ آنان، آن گاه ذهن آنها را تا روشن شدگی ارتقاء می‌دهند.

(۳۹) بنابر آنچه هرکسی نیاز دارد، آنها (او را) قادر به ورود به راه بودا (= به بُدی) می‌کنند. با نیروی تدبیر خوب^{۱۴۵}، آنها می‌توانند آنچه را درخورِ او است فراهم سازند.

(۴۰) از این رو راه‌های آنان سنجش ناپذیر است و میدانِ کردارِ^{۱۴۶} آنها مرزی ندارد. با داشتن خردِ بی‌کران، آنها رهایی را به انسان های بی‌شماری می‌بخشند.

۱۸۰ (۴۱) اگر کسی سبب می‌شد همهٔ بودایان، در گذارِ هزاران هزار اعصار^{۱۴۷} بی‌شمار، شایستگی^{۱۴۷} های آنان را بستانند، هنوز نمی‌توانستند ستایش خود را به پایان رسانند.

(۴۲) چه کسی، چون چنین آموزه‌ای^{۲۱} را بشنود، ذهن خود را به

روشن شدگی^{۱۱۶} بر نمی کشد، مگر انسان منحط که احمق، کوردل و بی خرد
است؟

سوتره ویمله کیرتیردشه

ورود به «دروازه» آموزه نا- دویی (= عدم ثنویت^{۱۴۸}). فصل نهم.

۱۴۸. آن گاه ویمله کیرتی انجمن بدی ستوه‌ها را مورد خطاب قرار داد، چنین گویان:

«سرورانِ نیک^{۱۴۹}، بگویید چگونه بدی ستوه‌ها وارد «دروازه» آموزه نا- دویی

می‌شوند. هر یک از شما همان گونه که دلخواه شما است آن را شرح دهید.»

۱۹۰. در میان جمع، بدی ستوه‌ای بود درمشوره^{۱۵۰} نام. او شرح داد، چنین گویان:

«سرورانِ نیک، تولد^{۱۵۱} و نابودی^{۱۵۲} دویی پدید می‌آورد. اشیاء^{۲۱}، که در

اصل بی‌تولد^{۱۵۳}‌اند، اکنون، بر آن اساس، بدون نابودی^{۱۵۴}‌اند. نایل شدن به این

درک^۱ بر دبارانه درخصوص اشیایی که زاده نشده‌اند^{۱۵۵} یعنی ورود به آموزه نا-

دویی.»

۲۴۸. بدی ستوه شری گوپته^{۱۵۶} گفت: «من^{۱۵۷} و مال^{۱۵۸} من دویی را پدید

می‌آورند. زیرا من^۱ و مال من^۱ وجود دارد اما اگر من^۱ نباشد مال من^۱ هم نیست.

۲۰۰ (فهمیدن) این است ورود به آموزه نا- دویی.»

۳۴۸. بدی ستوه انیمیشه^{۱۵۹} گفت: «دریافتن^{۱۶۰} و درنیافتن^{۱۶۱} دویی پدید

می‌آورد. اگر اشیاء^{۲۱} فارغ از هر دریافتن باشند آنها درک ناپذیر^{۱۶۲}‌اند؛

(چون) درک ناپذیر بودن نه گرفتن^{۱۶۳} آنان است (و) نه طرد کردن^{۱۶۴} آنها،

آنان بی‌کردار^{۱۶۵} و بی‌خویشکاری^{۱۶۶}‌اند (فهمیدن) آن است ورود به آموزه

نا- دویی.»

۴۴۸. بدی ستوه شری کوته^{۱۶۷} گفت: «آلودگی^{۱۶۸} و پالایش^{۱۶۹} (= تطهیر)

دویی پدید می‌آورد. ...

پی‌نوشت‌های متن چینی

۱. این برگردان به فارسی از متنی انگلیسی است، که خود از متن اصلی چینی ترجمه شده است.
 ۲. پنج (SH 121a; BHS_{GD}) kāmagaṇa به معنای «پنج آرزو است که از پنج حس ناشی می‌شود». همچنین به معنای «پنج آرزو، یعنی ثروت، رابطه جنسی، خوردنی و نوشیدنی، نام و آوازه و خواب» است. (BSTBL: n. p 37)
 ۳. متن سنسکریت: pratibhāna، به معنای «اعتماد به نفس و حضور ذهن، به‌ویژه حضور ذهن هنگام سخن گفتن و فصاحت کلام» است. (BHS_{GD})
 ۴. متن سنسکریت: dhāraṇi ← قطعه Padm.، سطر ۵۹، پی‌نوشت واژه «دارنی».
 ۵. متن سنسکریت: mārga، که همان شش gati است (BHS_{GD})، یعنی «چگونگی حیات که تولد مجدد در آن وضع امکان دارد، تقدیر: جهنم، حیوانات، ارواح، ایزدان، انسان‌ها، اسوره‌ها». (SH, 138 b). (BSTBL: n. p 37)
 ۶. متن سنسکریت: nirvāṇa ← قطعه Vim.، سطر ۶، پی‌نوشت واژه.
 ۷. متن سنسکریت: saṃsāra ← قطعه Intox.، سطر ۶، پی‌نوشت واژه.
 ۸. متن سنسکریت: Mañjuśrī ← قطعه Vim.، پی‌نوشت معرفی متن، شماره ۱.
 ۹. متن سنسکریت: bodhisattva ← قطعه Vaj.، سطر ۹، پی‌نوشت واژه.
 ۱۰. متن سنسکریت: vimalakīrti ← قطعه Vim.، سطر ۱۰، پی‌نوشت واژه.
 ۱۱. متن سنسکریت: Tathāgatagotra ← Lam. 425-30.
 ۱۲. متن سنسکریت: satkāya، به معنای «تن، شخصیت و وجود» است. (BHS_{GD})
 ۱۳. متن سنسکریت: avidyā، به معنای «تاریکی و تیرگی بدون روشنایی است، جهلی که ظاهر را به جای «وجود» می‌نمایاند، یاپدیده موهوم به جای حقایق» (SH 379b). (BSTBL: n. p 37)
- و نیز ← قطعه Vim.، سطر ۱۲، پی‌نوشت واژه «بی‌روشنی».

۱۴. متن سنسکریت : bhavatrṣṇā، به معنای «عشش حیات یا آرزوی حیات» است.
(BHS GD)

۱۵. متن سنسکریت : moha, dveṣa, rāga(lobha)، به معنای «سه زهر، منبع همه شهوت‌ها و اوهام» است (SH 69a)؛ سه نوع «تبهکاری‌ای که به نیروی عقلانی تعلق دارد (400a)؛ واژه‌ها، به ترتیب، «حرص و آرز (364a)، نفرت (325a) و توهم (408a)» معنا می‌دهد. (BSTBL: n. p 37)

۱۶. چهار viparyāsa (Lam. 289, n.14) یا viparyāsa (BHSGD) به معنای «گمراهی و تصور باطل» است. (← ذیل «هشت بینش وارونه»، SH 170b, 41a) و نیز چهار viparyaya به معنای «باورهای کاذب درباره (پایندگی، لذت، شخصیت و پاکی)» است. (BSTBL: n. p 37)

۱۷. پنج nīvaraṇa، به معنای «ممانعت یا کارشکنی در زندگی مذهبی، گناه گریبانگر» است (BHSGD)

همچنین «پنج پوشش، یعنی موانع ذهنی و اخلاقی، آرزو، خشم، خواب‌آلودگی، برانگیختگی، تردید» معنا می‌دهد. (SH 126a) (BSTBL: n. p 37)

۱۸. شش āyatana، به معنای «اندام حسی و همین‌طور ماده محسوس» است.
(BHSGD)

همچنین به معنای «شش مدخل» است، حال چه عضو باشد و چه حواس: چشم، گوش، بینی، زبان، تن و ذهن؛ بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه و قوه مدرکه (= نیروی دریافت). (SH 132b) (BSTBL: n. p 37)

۱۹. هفت vijñānasthiti، به معنای «هفت جایگاه آگاهی» است. (Lam 289, n.16,). (Dīgha III). (← ذیل «نه واقعیت»)

همچنین «هفت منزل یا هفت مرحله ادراک» معنا می‌دهد. (SH 18a) (BSTBL: n. 37p)

۲۰. هشت mithyātvā، به معنای «نادرستی، کذب» است. (Lam. 153, n.25; BHSGD). همچنین «هشت عمل ارتدادی یا ناشایست» معنا می‌دهد که در مقابل «هشت راه

درست» آمده است. (SH 41a ذیل 37b) (BSTBL: n. p 37)

۲۱. متن سنسکریت : dharma ← قطعه Vaj. ، سطر ۱۳ ، پی نوشت واژه.

۲۲. نه āghātavastu ، به معنای «نه بنیادِ نزاع» است. (Lam. 289, n.18, Dīgha III)

و نیز چنین معنا می دهد: «او موجب شده است ، موجب می شود یا خواهد شد که به من یا دوستم بدی برسد؛ او به دشمنم خدمت کرده است، می کند یا خواهد کرد».

(BSTBL: n. p 37)

۲۳. ده akuṣālakarmapatha ، به معنای «ده نادرست یا اعمال شیطانی : کشتن، دزدیدن، زنا، دروغ گویی، دو گونه گویی، لحن بی ادبانه، کلام زشت و کثیف، آزمندی، خشم و بینش های انحرافی» است. (Lam. 118. n.73; SH 50a)

۲۴. شصت و دو drṣṭi-kṛta ، (BHISGD) drṣṭigata ؛ به معنای «بینش های

ارتدادی» است. (Lam. 144, n.6)

و نیز برای شرح «شصت و دو بینش» ← SH 132b. (BSTBL: n. p 37)

۲۵. متن سنسکریت : kleśa ، به معنای «ناپاکی، انحطاط و انحراف» است. (BHISGD)

همچنین «شهوته ها» معنا می دهد. (Lam.)

و نیز «او هام، آزمایش ها یا وسوسه های شهوت ها و کوردلی که ذهن را آشفته و

پریشان می کند» و «پریشانی اخلاقی» معنا شده است. (SH 406) (BSTBL: n. p 37)

۲۶. متن سنسکریت : asaṃskṛta ، به معنای «نیامیخته، نابه هم کرده، نامشروط»

است. (Lam; BHISGD)

۲۷. متن سنسکریت : samyaktvaniyāma ، (niyāma به معنای «وضع یا شرایط

تغییرناپذیر، جریان تثبیت شده» (BHISGD) و نیز به معنای «عزم راسخ جهت کسب برترین

خیر است» ← Lam. 115, n.65 و SH184b. (BSTBL: n. p 37)

۲۸. متن سنسکریت : anuttarasamjaksambodhicitta ← قطعه Vim. ، سطر ۲۳ ،

پی نوشت واژه.

۲۹. متن سنسکریت : asaṃskṛta-dharma ، در اینجا به معنای «هر چیزی است که

تابع علت، شرط یا وابستگی نباشد». (SIH 380b) (BSTBL: n. p 37)

۳۰. متن سنسکریت: Buddhahadharma ← همین بخش، پی‌نوشت‌های ۴۷-۴۹.

۳۱. متن سنسکریت: ākāśa ← قطعه Vaj.، سطر ۱۸، پی‌نوشت واژه.

۳۲. ولر (Weller 1937b: 12) خاطر نشان ساخته است که ترجمه کوماره جیوه مطابق با ترجمه تبتی است. لاموت (Lamotte) «موجوداتی که بی‌کرداری (= آزادگی از قید تعین یا نامشروط) در تقدیر دارند» ترجمه کرده است و مترجم سغدی بار دیگر ترجمه خود را از پاراگراف قبلی که عبارت است از «(چنین بیند کسی از) بی‌کرداری (= بی‌اثری) داخل شود... کمال»، تکرار کرده است. هوان - تسانگ نیز بند را تکرار کرده است. از این رو احتمال می‌رود که مترجم سغدی ترجمه کوماره جیوه را همراه با متنی مشابه دنبال می‌کرده است. (BSTBL: n. p 37)

۳۳. ātmaḍṛṣṭi (در متن کوماره جیوه ذکر شده است) اما در اصل satkāyadṛṣṭi است که به معنای «عقیده ارتدادی درباره شخصیت حقیقی» است. (BHSGD) و نیز «آموزه نادرست که 'من' یا 'خود را' حقیقی و پاینده می‌داند». (SH 239a, 246a) (BSTBL: n. p 37)

۳۴. متن سنسکریت: mahāsamudra، به معنای «دریای بزرگ» است. mahā «بزرگ» و samudra «دریا» معنا می‌دهد. (ASED)

۳۵. متن سنسکریت: anarghamapīratna ← قطعه Vim.، سطر ۳۸، پی‌نوشت «گوهر بی‌بها».

۳۶. متن سنسکریت: sarvajñatā، به معنای «همه‌آگاهی، دانش متعالی و علم لایتناهی» است. (ASED)

۳۷. متن سنسکریت: Mahākāśyapa ← قطعه Vim.، سطر ۴۱، پی‌نوشت «کاشیپه بزرگ».

۳۸. معنای kleśa در متن چینی نیز مانند SH 422a «رنج جهان یا شهوات» است. (BSTBL: n. p 37)

۳۹. متن سنسکریت : ānantarya ، به معنای « گناه سزاوارِ مرگ یا اعمال (شیطانی) است که کیفر فوری به همراه دارد ». (BHS GD)

همچنین « کشتن مادر یا پدر و یا آزَهت (= انسان کامل و تمام)، ایجاد تفرقه در دین و مذهب و مجروح کردن عمدی بودا » معنا می دهد. (Lam. 156, n.32; SH 128a) (BSTBL: n. p 38)

۴۰. متن سنسکریت : vihinendriya ، به معنای « محروم، تهی دست ، از کار افتاده، ناتوان » است. (ASED)

۴۱. متن سنسکریت : śrāvaka ، به معنای « نیوشنده یا شنونده » است. شنونده اصطلاحی است که به شاگردانِ شخصِ بودا و نیز کلاً به پیروان بودا اطلاق می شود، اما ضمناً به صورت کلی پیروان فرقه هینایانه (Hīnayāna) نیز چنین نامیده می شوند. (SH 462a)

۴۲. متن سنسکریت : samyojana ، به معنای « بندهای تناسخ » است. (SH 386a) و نیز « سه پیوند » (74a)، « پنج بند » (125b) و « نه بند » (19a) معنا می دهد. (BSTBL: n. p 38)

۴۳. متن سنسکریت : prthagjana ← قطعاً Vim. ، سطر ۵۲ ، پی نوشت «غیرروحانی».

۴۴. در متن هوان - تسانگ و در متن تبّی ، kṛtajña به معنای « سپاسگزار » آمده است. ترجمه تحت اللفظی کومارَه جیوه به معنای « بازگشت - دوباره » مبهم و نامشخص است. (BSTBL: n. p 38)

۴۵. متن سنسکریت : anuttarā bodhi ، در مورد واژه anuttarā ← قطعاً Vim. ، سطر ۵۴ ، پی نوشت واژه «سَر» ، و در مورد واژه bodhi ← قطعاً Vim. ، سطر ۷۹ ، پی نوشت «روشن شدگی».

۴۶. متن سنسکریت : triratna ، به معنای « سه جوهر گرانبها، یعنی بودا، قانون، انجمن (buddha , dharma و saṃgha) » است. (SH 63b) (BSTBL: n. p 38)

۴۷. ده bala، به معنای «ده نیروی هر بودا است»، که به تفصیل شرح داده شده است.
(BSTBL: n. p 38) (BHSgd, Lam. 140, n.35, SH 46b)

۴۸. چهار vaiśāradya، به معنای «اطمینان به خود» است. (BHSgd)
همچنین «چهارگونه بی باکی: بی باکی بودا که از علم لایتناهی، کمال در شخصیت،
غلبه بر تضاد و پایان رنج او نشئت گرفته است» معنا می دهد.
(BSTBL: n. p 38) (SH 178a; Lam. 126, n.3, 140, n.36)

۴۹. هوان - تسانگ هجده āveṇika-dharma را ذکر کرده است. هجده صفت هر
بودا در مقایسه با بُدی ستوه ها در (SH45b) آمده است. (BSTBL: n. p 38)
۵۰. نام Rūpakāysamantadarśana در کتاب K شامل چهار نشانه به معنای «تجلی
جهانی شکل تن (بودا)» است، در جایی که فیشر (Fischer)
Samantadarśanarūpakāya را آورده است. رایشلت Samantāvabhāsa را ذکر
کرده است که احتمالاً بر دو نشانه نخستین متکی است، و در (MVy. 244, 43) نیز به
همین صورت به کار رفته است. هوان - تسانگ دو نشانه برای sarva قبل از rūpa دارد.
ولر و لاموت Sarvarūpa (saṃ)darśana را، که در متن تبتی بوده است، به کار برده اند.
(BSTBL: n. p 38)

۵۱. متن سنسکریت: parṣad، به معنای «انجمن، گروه و اجتماع» است. (ASED)
۵۲. متن سنسکریت: gr̥hapati ← قطعه Vim. سطر ۶۰، پی نوشت واژه «کده دار».
۵۳. متن سنسکریت: jñāti، به معنای «خویشاوند نزدیک، خویشاوند نسبی، قوم و
خویش» است. (ASED)

۵۴. متن سنسکریت: sālohita، «شخصی که به واسطه خون منسوب است، قوم و
خویش» معنا می دهد. (ASED)

۵۵. متن سنسکریت: mitra، به معنای «دوست یا همراه» است. (BHSgd)
۵۶. متن سنسکریت: gāthā ← قطعه Vim. سطر ۶۵، پی نوشت واژه «شلوکه».
۵۷. متن سنسکریت: prajñāpāramitā، به معنای «کمال معرفت» است. (Lam.)

همچنین «ششمین pāramitā از شش pāramitā است؛ معرفتی است که انسان را به نیروانده می‌برد». (SH 374b) (BSTBL: n. p 38)

و نیز ← همین بخش، پی‌نوشت ۶۶.

۵۸. متن سنسکریت: upāya، به معنای «وسیله، شیوه و ابزار» است. (BHS GD)
و نیز «تدبیر - آموزش براساس قابلیت شنونده، با هر روش مناسبی، است که شامل تمهید یا ترفند نیز بشود» معنا می‌دهد. (SH 154; Lam. 116, n.68) (BSTBL: n. p 38)
۵۹. متن سنسکریت: nāyaka، «رهبر، راهنما یا شخصی که راهبرِ مردم به آموزش‌های بودا است» معنا می‌دهد. این واژه به بوداها و بُدی ستوها نیز اطلاق می‌شود. (SH 447a) (BSTBL: n. p 38)

۶۰. متن سنسکریت: dharma pramuditā، - nandī، در مورد واژه dharma
← Vaj.، سطر ۱۳، پی‌نوشت واژه. Pramuditā، به معنای «بوم (= مقام) نخستین بُدی ستوه، بوم شادی‌انگیز همان بوم سُرور و شادی» است؛ nandī، به معنای «شادمانی» است. (BHS GD)

۶۱. متن سنسکریت: atyantaśūnyatā، به معنای «خلاء مطلق» است. atyanta
«مطلقاً، به هیچ وجه» معنا می‌دهد. (BHS GD) و در مورد śūnyatā ← Vim.، سطر ۷۱، پی‌نوشت واژه «تهی».

۶۲. متن سنسکریت: kleśa ← قطعۀ Intox.، سطر ۲۴، پی‌نوشت واژه «رنج».

۶۳. متن سنسکریت: śiṣya، به معنای «شاگرد، مرید و حواری» است. (ASED)

۶۴. سی وهفت bodhipākṣikadharma در واقع همان سی وهفت شرط است که به روشن‌شدگی (bodhi) منجر می‌شود و به تفصیل شرح داده شده است. (SH 61a) BHS GD
؛ (Lam. 117, n.69) (BSTBL: n. p 38)

۶۵. متن سنسکریت: kalyāṇamitra، «دوست خوب یا کسی که یاور در تشریف مذهبی یا تعالی دینی است» معنا می‌دهد. (SH 369a و BHS GD) (BSTBL: n. p 38)

۶۶. شش pāramitā، به معنای «فضیلت‌های تعالی» است. (SH 134b, 267a, 301a)

(BSTBL: n. p 38) (BHS GD)

۶۷. چهار samgraha(vastu)، به معنای «مقوله‌های کشندگی و جذب» است.

(BHS GD)

این مقوله‌ها عبارت‌اند از: dāna به معنای «آنچه دیگران دوست دارند به آنها بدهند تا آنها را به عشق راهبر شوند و آنها به حقیقت دست یابند»؛ priyavacana به معنای «گفتار محبت‌آمیز»؛ arthakṛtya به معنای «رفتار سودمند برای دیگران» و samānārthatā به معنای «همکاری با ... دیگران». (Lam 116, n.67; SH 175 f.).

(BSTBL: n. p 38)

۶۸. متن سنسکریت: gītā، «ترانه، آواز، سرود و به خصوص سرود یا شعر مقدس و نیز آموزه‌های مذهبی که به صورت موزون و منظوم ارائه می‌شود» معنای دهد. (ASED)

۶۹. متن سنسکریت: dhāraṇi، به معنای «فرمول جادویی» است و در زبان تبتی

ترجمه تحت‌اللفظی آن «حمایت کردن، نگاه داشتن» است. (BHS GD)

۷۰. متن سنسکریت: anāsravadharma، به معنای «راه پاکی و خلوص، یا گریز از

شهوت‌ها و تناسخ به سطح پایین‌تر» است. (SH 380)

و نیز ← āsrava. (BHS GD, SH. 425a) (BSTBL: n. p 38)

۷۱. متن سنسکریت: bodhicitta، در کتاب K با نشانه‌ای برای «اندیشه (روشن

شدگی)» در انتهای پاراگراف ۵ آمده است. در ترجمه هوان - تسانگ bodhyaṅga

دیده می‌شود. (BSTBL: n. p 38)

۷۲. متن سنسکریت: vimukti jñāna، به معنای «دانش رستگاری»، که Vimukti

«رهایی، رستگاری و نجات» و jñāna «دانش» معنای دهد. (BHS GD)

۷۳. هشت vimokṣa به معنای «رهایی و آزادی ... در هشت شکل» که یکی یکی

ذکر شده است. (BHS GD و SH, 39f) (BSTBL: n. p 38)

۷۴. متن سنسکریت: samādhi ← قطعه Vim. سطر ۸۱، پی‌نوشت واژه «سمادی».

۷۵. متن سنسکریت: padma ← قطعه Vim. سطر ۲۴، پی‌نوشت «گل نیلوفر آبی».

۷۶. هفت *viśudhi*، به معنای «دُرست در احکام، در قلب، در بینش‌ها، در تشخیص آنچه در آن تردید است، در داوری، در رفتار و در نیروانّه» است.

(*BSTBL*: n. p 38) SH 14b; Weller 1935: 354; Lam. 294, n.26. (ذیل هفت گُل).

۷۷. متن سنسکریت: *amala*، به معنای «بی‌اشتباه، بی‌غلط، بی‌عیب» و نیز به معنای «روشن و درخشان» است. (*ASED*)

۷۸. پنج *abhiñjā* به معنای «دانش متعالی یا فوق طبیعی» است. (*BHISGD*)
همچنین «پنج نیروی فوق طبیعت» معنا می‌دهد که به تفصیل شرح داده شده است.
(*BSTBL*: n. p 38) (SH 123a)

۷۹. متن سنسکریت: *Mahāyāna* ← قطعه Vim. سطر ۸۴، پی‌نوشت «گردونه بزرگ».

۸۰. هشت *āryamārga*. (*BHISGD* ذیل *mārga*)
به معنای «راه شریف هشت‌گانه‌ای است که ارهت برای رسیدن به نیروانّه می‌پیماید».
مختصر آنکه، بینش، فکر، گفتار، کردار، معاش، حمیت، حافظه و مراقبه دُرست است.
(*BSTBL*: n. p 38) (SH 37b)

۸۱. سی و دو *lakṣaṇa* دَخْشَه یا نشان‌های مادی هر چکُرورتی (*cakravartī*) یا (شاه - چرخ)، به خصوص مربوط به بودا، که فهرست شده است. (SH 60a)
همچنین (*BHISGD*)، ذیل (4) *lakṣaṇa* و (*Lam*, II, 55*)، ذیل *saṃgraha*.
(*BSTBL*: n. p 39)

۸۲. هشتاد *anuvyañjana*، «هشتاد ویژگی مادی برجسته بودا است». (SH 34b)

(*BHISGD*) ذیل واژه فهرست شده است.
و نیز ← (*Lam*, II, 56*)، ذیل *saṃgraha* (*BSTBL*: n. p 39)

۸۳. متن سنسکریت: *hrīrapatrāpya*، به معنای «شرم و شرمسار، شرم از خطاهای خود شخص» است. (SH 423b; *BHISGD*) (*BSTBL*: n. p 39)

و نیز «شرمنده به سبب اعمال خلافِ دیگران» معنا می‌دهد. (SH 399a) (BSTBL: n. p) (39)

۸۴. متن سنسکریت : *adhyāśaya* ، به معنای «ذهنی که عمیقاً مجذوب (حقیقت بودا، یا اندیشه ...)» است. (SH 356b, BHSGD) (BSTBL: n. p 39) و نیز ← Lam. 406 II.

۸۵. هفت *dhana* ، به معنای «هفت ثروت ایمان، حمیت، قیدهای اخلاقی، شرم، شنیدنِ فرمانبردارانه (قانون)، ایثار و معرفتِ برخاسته از مراقبه» است. (Weller 1935: 359 = SH 13a ; BHSGD = Lam. 294, n.27) (BSTBL: n. p 39)

۸۶. متن سنسکریت : *avavāda* ، به معنای «فرمان، دستور، آموزش، تعلیم، آموزه بودا» است. (ASED)

۸۷. متن سنسکریت : *pariṇāmanā* ، به معنای «بخششِ شایستگی (= نیکی کرمه‌ای) های به دست آمده خود به دیگری یا دیگران، به خصوص شایستگی‌هایی که بدی ستوه یا بودا برای رستگاری همه به دست آورده‌اند». (SH 205a) (BSTBL: n. p 39) همچنین به معنای «انتقالِ شایستگی به دست آمده برای نیل به پیشرفتِ بیشتر در روشن شدگی (bodhi)» است. (Lam. 118, n.70) (BSTBL: n. p 39)

۸۸. چهار *dhyāna* ، «چهار مرحله از مراقبه عارفانه (= نگرشِ رازورزانه) که در این مراحل ذهنِ ایمان آورندگان از تمام احساسات زمینی بَری می‌شود.» معنا می‌دهد. (SH459a; BHSGD) (BSTBL: n. p 39)

۸۹. متن سنسکریت : *śuddhājīva* ، به معنای «معاش پاک» که *śuddhā* «پاک» ، خالص، رها، درخشان» و *jīva* «هستی، زندگی» معنا می‌دهد. (ASED)

۹۰. متن سنسکریت : *bahuśruta* ← قطعه Vim. سطر ۹۲، پی‌نوشت «بسیار شنیده».

۹۱. متن سنسکریت : *Jñāna* ← قطعه Vim. سطر ۴۰، پی‌نوشت واژه.

۹۲. متن سنسکریت : *ahaṃkāra* ، به معنای «خود بیداری»، «من سازی»، «هم ذات

پنداری» و «همان شدگی» است. (ASED)

۹۳. متن سنسکریت : amṛtadharmā ، به معنای «درمه جاوید، قانون افشرد» نامیرایی» است. (ASED)

و نیز ← قطعه Vim.، سطر ۹۴، پی نوشت «انوشگی درمه‌ای».

۹۴. متن سنسکریت : vimuktirasa ، به معنای «طعم رهایی» که vimukti «رهايي، رستگاری و نجات» و rasa «افشرد، شیر، طعم و مزه» معنا می دهد. (ASED)

۹۵. متن سنسکریت : viśuddhāśaya ، متشکل از دو واژه viśuddha به معنای «کاملاً پاک و خالص و تصفیه شده به خصوص از نظر آیینی» و نیز به معنای «امین، متقی و به دور از ناپاکی» و śaya به معنای «حالت، وضع، طبع و احساس» است. (ASED)

۹۶. śīlāṅga ، به معنای «گروه بندی ها یا موضوعات متفاوت فرمان ها یا مقررات است ، به عبارت دیگر ۵، ۱۰، ۲۵۰ و غیره است». (SH 239) (BSTBL: n. p 39)

۹۷. متن سنسکریت : vilepana ، به معنای «اندودن و مالیدن (به خصوص باروغن های معطر)» است. ā- به معنای «مرهم و روغن و پماد» است. (ASED)

۹۸. متن سنسکریت : caura ، به معنای «دزد، راهزن یا تاجر نادرست» است. (ASED)

۹۹. چهار Māra (Weller 1935: 364; BHISGD)

و نیز ← قطعه Vim.، سطر ۹۸، پی نوشت «(موجود) اهریمنی».

۱۰۰. متن سنسکریت : bodhimaṇḍa ، به معنای «مکان روشن شدگی (bodhi) یا تکه زمین یامسندی که چون شاکیه مونی (śākyamuni) در آن به مقام بودایی نایل می شود، عروج می یابد» است. (SH 389a; BHISGD) (BSTBL: n. p 39)

۱۰۱. متن سنسکریت : utpāda-nirodha ، به معنای «تولد و مرگ، هستی یافتن و

نیست شدن» است. (SH 196b) (BSTBL: n. p 39)

۱۰۲. ده diś به معنای «ده جهت فضا، یعنی چهار جهت اصلی و چهار جهت فرعی

و سمت القدم (= حضيض) و سمت الرأس (= اوج)» است. (SH 50b) (BSTBL: n. p 39)

۱۰۳. متن سنسکریت : pūjana ، به معنای «احترام، توجه، ستایش و وسیله ای برای

اظهار سپاس و احترام» است. (ASED)

۱۰۴. متن سنسکریت : samjñā ← قطعه. Vaj. ، سطر ۹، پی نوشت واژه «نشان».

۱۰۵. متن سنسکریت : viśeṣa ، به معنای «تمایز و تفاوت میان دو چیز، نشانه‌های

ویژه و مخصوص، تفاوت خصیصه‌ای» است. (ASED)

۱۰۶. متن سنسکریت : Buddha kṣetra ، به معنای «کشتزار بودا» است. هر بودایی

با خود یک کشتزار بودا یا به گفته «بُدی گُسه» سه کشتزار بودا دارد. یکی کشتزار یا میدان تولد است، دیگری کشتزار اقتدار اوست و سومی سپهر اوست. (ع پاشایی ۱۳۶۹ : ص

(۲۷۵)

۱۰۷. متن سنسکریت : śūnya ← قطعه. Vim. ، سطر ۷۱، پی نوشت واژه «تهی».

۱۰۸. نشانه‌های سرزمین پاک در متن چینی عموماً دلالت بر Sukhāvati دارد.

«سرزمین پاک یا بهشت غرب زیر نظر Amitābha است»، «دیگر بوداها، هر یک، سرزمین‌های پاک دیگری دارند» (SH 357b). این نشانه‌ها در (Lam. 295, n.28) ترجمه buddhakṣetra است، حال آنکه انتظار می‌رود ترجمه pariśuddhakṣetra باشد.

(BSTBL: n. p 39)

۱۰۹. متن سنسکریت : ĩryāpatha ، (در کتاب K و H چنین آمده است ؛ صورت

اصلی سنسکریت ĩrītāḥ به معنای «سلوک کامل» است. (BHSGD)

و نیز «سلوک احترام برانگیز؛ شأن ، یعنی وقار در راه رفتن، ایستادن، نشستن و دراز

کشیدن» معنا می‌دهد. (SH 299b) (BSTBL: n. p 39)

۱۱۰. متن سنسکریت : Māra Karman ، به معنای «کردارِ ماره» ← قطعه. Vim. ،

سطرهای ۹۸ و ۱۱۰، پی نوشت های «(موجود) اهریمنی» و «چیز(های) اهریمنی».

۱۱۱. متن سنسکریت : upāyajñāna ، به معنای «آینده‌نگری، مآل اندیشی،

مصلحت اندیشی» است. (ASED)

و نیز ← قطعه. Vim. ، سطر ۱۱۲، پی نوشت «دانندگی تدبیر».

۱۱۲. متن سنسکریت : paripāka به معنای «به سوی کمال بردن» است. (SH 237b)

دو نشانه چینی که در کتاب K به کار رفته است معمولاً برای *siddhi* به کار می‌رود.
(BSTBL: n. p 39)

۱۱۳. متن سنسکریت : *māyā* و نیز *nirmita* ← قطعه Vim.، سطر ۱۱۵، پی‌نوشت
واژه‌های «پندار» و «افسون».

۱۱۴. متن سنسکریت : *kalpoddāha*، به معنای «حریق بزرگ پایان دوره، احتراقِ
پایان عصر» است. (ASED)

و نیز ← قطعه Vim.، سطر ۱۱۶، پی‌نوشت واژه «شکست».

۱۱۵. متن سنسکریت : *nityasaṃjñā* *، به معنای «انوشه‌نشان، دارای نشان ابدی و
پایندگی» است. (ASED)

۱۱۶. متن سنسکریت : *anityatā* * ← قطعه Vim.، سطر ۱۱۹، پی‌نوشت
«بی‌ایستایی».

۱۱۷. متن سنسکریت : *bodhi* ← قطعه Vim.، سطر ۱۶۱، پی‌نوشت واژه.

۱۱۸. متن سنسکریت : *mantravidyā* ← قطعه Vim.، سطر ۱۲۳، پی‌نوشت واژه‌های
«هنر» و «متر».

۱۱۹. متن سنسکریت : *śilpasthāna* ← قطعه Vim.، سطر ۱۲۳، پی‌نوشت واژه
«مهارت».

۱۲۰. متن سنسکریت : *kalā* ← قطعه Vim.، سطر ۱۲۳، پی‌نوشت واژه «هنر».

۱۲۱. در کتاب K و H، واژه *pāṣaṇḍa* «ارتدادی» و بدون بار معنایی مثبت یا منفی
«تمامی» راه درمه‌ها ترجمه شده است. همچنین «راه یا روش‌های نایل شلین به نیروانه»
معنا می‌دهد. (SH 416b) (BSTBL: n. p 39)

۱۲۲. متن سنسکریت : *pravraj-*، به معنای «از خانه به بی‌خانگی رفتن، رها کردن
خانه به منظور درپیش گرفتن زندگی مرتاضانه، رها کردن خانه به منظور پرسه‌گردی و
سیر و سیاحت دنیا و رهبان شدن» است. (ASED)

۱۲۳. متن سنسکریت : *mithyādrṣṭi*، به معنای «آموزه کاذب، بدعت‌گذاری»

است. (ASED)

۱۲۴. متن سنسکریت : Śakra ، به معنای «نیرومند، پرزور، قوی» است و به خدایان مختلف، به ویژه به ایندرا Indra اطلاق می شود. (ASED)

۱۲۵. متن سنسکریت : Brahmā ← Vim. قطعه ۱۲۹، پی نوشت واژه «برهما».

۱۲۶. متن سنسکریت : Prajeśvara ، به معنای «شاه، شاهزاده، سرور مخلوقات، خالق و سرور جهان» است. (ASED)

۱۲۷. متن سنسکریت : kalpa ، «اعصار یا دوران جهانی (world age)، دوران زمانی که تصور سال و قرن های آن ناممکن است» معنا می دهد. (BHSGD)

۱۲۸. متن سنسکریت : roga و غیره antarakalpa ← Lam. 296, n.37.

roga به معنای «بیماری، ضعف، مرض، ناخوشی» است. (ASED)

۱۲۹. متن سنسکریت : avyāpāda ، به معنای «بدون ویرانی، بدون بدخواهی و غرض ورزی، بدون نابودی» است. (ASED)

۱۳۰. متن سنسکریت : duḥkha ، به معنای «رنج، درد، زحمت، دردسر، نگرانی» است. (ASED)

از آنجا که این اصطلاح اولین حقیقت از چهار حقیقت عالی و دومین نشانه از سه نشانه وجود است، محدود به تجربه دردناک نیست، بلکه اشاره به سرشت ناخشنود کننده است. از این رو مفهوم «ناخشنود کنندگی» یا «دستخوش رنج بردن» برای این واژه مناسب تر است. (ع. پاشایی، ۱۳۶۸: ص ۵۵۵)

۱۳۱. متن سنسکریت : kāmabhoga ، به معنای «ارضای آرزوها، ارضای جسمانی، لذت امیال نفسانی یا شهوانی» است. (ASED)

۱۳۲. متن سنسکریت : dhyāna ← Vim. قطعه ۵، سطر ۵، پی نوشت واژه «دیانه».

۱۳۳. متن سنسکریت : adbhuta ، به معنای «شگفت انگیز، حیرت انگیز، خارق العاده» است. (ASED)

۱۳۴. متن سنسکریت : buddhajñāna ، به معنای «دانش، آگاهی و معرفت بودا» است. (ASED)

۱۳۵. متن سنسکریت : grāmika ، به معنای «کدخدا، رئیس ده» و نیز «روستایی» است. (ASED)

۱۳۶. متن سنسکریت : sārthavāha ، به معنای «کاروان سالار، تاجر و بازرگان» است. (ASED)

۱۳۷. متن سنسکریت : purohita ، به معنای «نماینده، شخصی که عهده‌دار تعهدی است و کشیش یا پدر روحانی خانوادگی» است. (ASED)

۱۳۸. متن سنسکریت : uttamā boddhi ، به معنای «بالا‌ترین روشن شدگی، آخرین درجه روشن شدگی» است. (ASED)

۱۳۹. متن سنسکریت : r̥ṣi ← قطعه Vim. ، سطر ۱۷۰، پی‌نوشت واژه.

۱۴۰. متن سنسکریت : abhijñā ، به معنای «دانش برتر یا فوق طبیعت ، فراست و شهود» است. معمولاً ۵ یا ۶ abhijñā وجود دارد. (BHSGD)

۱۴۱. متن سنسکریت : śīla ← قطعه Vim. ، سطر ۱۷۱، پی‌نوشت واژه «احکام».

۱۴۲. متن سنسکریت : kṣānti ، به معنای «بردباری، صبر و متانت» است. (ASED)

۱۴۳. متن سنسکریت : sauratya ← قطعه Vim. ، سطر ۶۹، پی‌نوشت واژه^۱ «مهرورز».

۱۴۴. متن سنسکریت : upasthānaguru ، به معنای «شایسته دریافت مراقبت و رسیدگی، نیازمند پیشکش خدمت» است. (ASED)

۱۴۵. متن سنسکریت : upāya ، به معنای «وسیله، روش، ابزار و تدبیر» است. (BHSGD)

۱۴۶. متن سنسکریت : gocara ، به معنای «بُرد، حوزه‌کردار، میدان عمل» است. (ASED)

۱۴۷. متن سنسکریت : guṇa ، به معنای «امتیاز، برتری و تفوق» است. (BHSGD)

و نیز ← قطعه Vaj.، سطر ۱۷، پی‌نوشت «کرده نیک».

۱۴۸. در مورد advaya - dharma - mukha - praveśa ← SH 103; Lam 301, n.1.

۱۴۹. متن سنسکریت : satpuruṣa، به معنای «مرد نیک، مرد خردمند»

است. (ASED)

۱۵۰. متن سنسکریت : Dharmeśvara، در کتاب K و H «درمه مستقل»، با

نشانه‌های چینی‌ای آمده است که معمولاً ترجمه īśvara است (SH 218b). اما در ترجمه

تبتی Dharmavikurvaṇa آمده است. (BSTBL: n. p 39)

۱۵۱. متن سنسکریت : utpāda ← قطعه Vim.، سطر ۱۹۱، پی‌نوشت واژه

«زادن».

۱۵۲. متن سنسکریت : nirodha، به معنای «محدودیت، بازداشتن، فشار، نابودی،

ویرانی» است. (ASED)

۱۵۳. متن سنسکریت : anutpāda، به معنای «هستی نگرفته، بدون تولد، به مرحله

وجود نرسیده» است. (ASED)

۱۵۴. متن سنسکریت : anirodha، به معنای «بدون نابودی، بدون محدودیت،

بی‌فشار، بدون ویرانی» است. (ASED)

۱۵۵. متن سنسکریت : anutpādadharmakṣānti، به معنای «قوة درک این

حقیقت که وضع یا حالت وجود، اصلی ندارد». دهمین دانش از ده Jñāna یعنی دانشِ

بدون اصل بودن (وضع وجود). (BHS GD)

۱۵۶. متن سنسکریت : śrīgupta ← قطعه Vim.، سطر ۱۹۶، پی‌نوشت «سرافرازی

یافته».

در کتاب H چنین است. در کتاب K نشانه‌های «شرافت، guṇa - نگهبان، gupta»

آمده است، اما در متن تبتی śrīgandha* نوشته شده است. (BSTBL: n. p 39)

۱۵۷. متن سنسکریت : ātman، مجموعه پنج گروه کیفیت گذران و پنج گروه

«اسکنده skanda» که با هم ترکیب می‌یابند و مظاهر شخصیت انسان و اشیاء را تشکیل

می‌دهند. اینها بقا و ثباتی ندارند، زیرا، به مجرد اینکه پدید می‌آیند، فانی می‌شوند و واقعیت ثابت و اصل ساکنی وجود ندارد. اسکنده در اصل به معنای ساقه درخت است و در فلسفه بودایی اشاره به پنج گروه عناصری است که جسم و روح انسان را تشکیل می‌دهند. در دین بودا این پنج گروه جایگزین آیین آتمنِ اوپانیشادها شده است. پنج اسکنده عبارت‌اند از جسم و احساس و ادراک و تأثرات ذهنی و آگاهی. (داریوش شایگان، ۲۵۳۶: ج ۱، ص ۱۵۳)

۱۵۸. متن سنسکریت : ātmīya ، به معنای «مال من، مال خود» است. (ASED)

۱۵۹. متن سنسکریت : Animiṣa ، به معنای «کسی که خیره می‌شود، کسی که چشمک نمی‌زند، چشمک نازنده» است. (ASED)

۱۶۰. متن سنسکریت : ādāna ← قطعه Vim. سطر ۲۰۱، پی‌نوشت واژه «پذیرفتگی».

۱۶۱. متن سنسکریت : anādāna ← قطعه Vim. سطر ۲۰۲، پی‌نوشت واژه «ناپذیرفتگی».

۱۶۲. متن سنسکریت : anupalabdha ، به معنای «دست نیافتنی، پی‌نابردنی، نافهمیدنی و غیرقابل درک» است. (ASED)

۱۶۳. متن سنسکریت : grāha ← قطعه Vim. سطر ۲۰۴، پی‌نوشت واژه «گرفتن».

۱۶۴. متن سنسکریت : tyāga ، به معنای «ترک کردن، طرد کردن، دور انداختن» است. (ASED)

۱۶۵. متن سنسکریت : kriyā ، به معنای «عمل و کردار» است. (ASED)

۱۶۶. متن سنسکریت : caraṇa ، به معنای «رفتار، منش زندگی، رفتار خوب و اخلاقی، به کار بستن، پیشه کردن و خویشکاری» است. (ASED)

۱۶۷. متن سنسکریت : śrīkūṭa ، در کتاب H و متن تبتی چنین است. در کتاب K «guṇa - قله، kūṭa» آمده است. (BSTBL: n. p 39)

۱۶۸. متن سنسکریت : saṃkleṣa ← قطعه Vim. سطر ۲۰۷، پی‌نوشت واژه

۱۸۲ شش متن سغدی

«ریمنی».

۱۶۹. متن سنسکریت : vyavadāna ، به معنای «تطهیر، ترکیه، پالایش، پادیابی»

است. (ASED)

اختصارات

AHDEL	= Morris, William (ed.). 1971.
AI	= Acta Iranica. Encyclopédie Permanente des Études Iraniennes. Tehran/Liège.
AM	= Asia Major. New Series. London.
AO	= Acta Orientalia. Copenhagen.
AoF	= Altorientalische Forschungen. Akademie-Verlag. Berlin.
APAW	= Abhandlungen der Preussischen Akademie der Wissenschaften. Phil-Hist. Klasse. Berlin.
APDB	= Humphreys, Christmas. 1962.
ASED	= Monier-Williams, Monier. 1974.
B	= Buddhist Sogdian
BHSGD	= Edgerton, F. 1953.
BSO(A)S	= Bulletin of the School of Oriental (and African) Studies. London.
BST I	= Hansen , O. 1941.
BST II	= Hansen , O. 1954.
BSTBL	= Mackenzie, D.N. 1976.
BTT	= Berliner Turfantexte. Schriften zur Geschichte und Kultur des Alten Orients. Berlin: Akade-

	mie-Verlag.
C2	= Sims-Williams, N. 1985.
ch.	= Chinese
chr.	= Christian Sogdian
Dhu.	= "Dhūta-sūtra", <i>BSTBL.</i> pp. 33-51. Notes 40-48.
Dhy.	= "Dhyāna Text", Part of the "Buddhadhyāna-samādhi-sāgara-sūtra", <i>BSTBL.</i> pp. 53-77. Notes 49-70.
DN	= "Dīrghanakhasūtra" = P ₅ .
H	= Hūan-tsang , translator of Vim. into Chinese.
H(b)O	= Handbuch der Orientalistik. Leiden.
IJ	= Indo-Iranian Journal. Dordrecht-Holland.
Intox.	= End of the "Sūtra of the condemnation of Intoxicating Drink", <i>BSTBL.</i> pp. 7-10. Notes 7-9.
JA	= Journal Asiatique. Paris.
JRAS	= Journal of the Royal Asiatic Society of the Great Britain and Ireland. London.
K	= Karlgren, B. 1923.
KT	= Khotanese Texts, VI. 1967. Cambridge.
Lam.	= Lamotte, E. 1962.
M	= Manichean Sogdian
Mathews	= Mathews, R.H. 1972.

MS	= Manuscript
MSS	= (1) Manuscripts (2) Münchener Studien zur Sprachwissenschaft. Munich.
Muq.	= Togan, z.v. 1951.
MVy.	= Mahāvvyutpatti, references to abridged edition by U.Wogihara. 1915.
n	= Notes: <i>BSTBL</i> , Notes. pp. 1-64.
Notes	= Benveniste, E. 1933a (=Notes I). 1933b (=Notes II). 1936 (=Notes III). 1938 (=Notes IV)
P	= Signature of the Sogdian MSS of Paris, published as <i>TSP</i> .
P2	= "laṅkāvatārasūtra", <i>TSP</i> . pp. 603-912; "Aṅgulimālīyasūtra", <i>TSP</i> . pp. 914-939.
P3	= <i>TSP</i> . pp. 59-73.
P5	= "Dīrghanakhsūtra", <i>TSP</i> . pp. 74-81.
P6	= "Bhaiṣajyaguruvaiḍūryaprabhātathāgatasūtra", <i>TSP</i> . pp. 82-92.
P7	= "Amoghapāśaḥradayasūtra", <i>TSP</i> . pp. 93-104.
P8	= "Avalokiteśvarasyanāmāṣṭaśatakastotra", <i>TSP</i> . pp. 105-117.
P9	= <i>TSP</i> . pp. 118-125.
P14	= <i>TSP</i> . pp. 137-139.
P15	= <i>TSP</i> . pp. 140-141.

- P17 = *TSP*. pp. 145-147.
- P20 = *TSP*. pp. 151-152.
- Padm. = "Padmacintāmani-dhāraṇi-sūtra", *BSTBL*. pp. 12-17; Notes. pp. 10-12.
- SCE = (1) Sūtra of the causes and effects
(2) Mackenzie, D.N. 1970.
- Ser. = Stein, A. 1921.
- SH = Soothill, W.E. & L. Hodus 1937.
- SPAW = Sitzungsberichte der Preussischen Akademie der Wissenschaften. Phil-Hist. Klasse. Berlin.
- ST I = Müller, F.W.K. 1912.
- ST II = Müller, F.W.K. & W. Lentz, 1934.
- T = Takakusu, J. & H. Watanabe (eds.). 1924 - 1935.
- TPS = Transactions of the Philological Society. London.
- TSP = Benveniste, E. 1940.
- Vaj. = "Vajracchedikā Fragment", *BSTBL*. pp. 3-5. Notes 1-6.
- Vim. = "Vimalakīrtinirdesā-sūtra", *BSTBL*. pp.18-31. Notes 13-39.
- VJ. = Benveniste, E. 1946.
- ZDMG = Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft. Leipzig. Wiesbaden.
- ZII = Zeitschrift für Indologie und Iranistik. Leipzig.

کتابنامه

فارسی:

- برهان قاطع. ۱۳۶۱. محمد حسین بن خلف تبریزی. به اهتمام دکتر محمد معین. ج ۵. تهران: امیرکبیر.
- بغدادی، شیخ عبدالقادر. ۱۸۹۵. لغت شهنامه. ویرایش کارلوس زالمان. سنت پترزبورگ.
- پاشایی، ع. ۱۳۵۷. راه آیین (ذمه پده یا سخنان بودا). ترجمه. تهران: انجمن فلسفه.
- _____. ۱۳۶۸. چ ۴. تهران: مروارید.
- _____. ۱۳۶۹. تاریخ آیین بودا، جلد ۱ (هینه یانه). تهران: ابتکار.
- دستنویس م. او. ۲۹. ۱۳۵۵/۲۵۳۵. به کوشش ماهیار نوابی و دیگران. گنجینه دستنویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی. ش ۲۶. شیراز: مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز.
- [این کتاب را خانم دکتر کتایون مزداپور از روی متن پهلوی آوانویسی و به فارسی ترجمه کرده‌اند. ← مزداپور، کتایون ۱۳۷۸]
- زرشناس، زهره. ۱۳۶۵. بررسی متن‌های سغدی موزۀ بریتانیا (رساله دکتر چاپ نشده). دانشگاه تهران.
- _____. ۱۳۶۶. «داستان سغدی سه ماهی»، چیستا. س ۵. ش ۳. صص ۲۳۹ - ۲۴۴.
- _____. ۱۳۶۹ الف. «چند وامواژه سغدی در شاهنامه فردوسی»، فرهنگ، کتاب هفتم. صص ۲۶۹ - ۲۹۳.
- _____. ۱۳۶۹ ب. «داستان سغدی مروارید سنب»، سیمرغ. س ۱. ش ۷-۹. صص ۲۳۳-۲۴۲.

_____ ۱۳۷۵. «داستان سغدی میمون و روباه»، فرهنگ. س ۹. ش ۱. ص ص ۳۴۹-۳۵۸.

_____ ۱۳۷۶. «قصه‌ای در ادبیات سغدی مانوی»، نامه فرهنگستان. س ۳. ش ۳. ص ص ۹۸-۱۱۲.

_____ ۱۳۷۷ الف. «یک داستان سغدی»، مجموعه مهر و داد و بهار (یادنامه استاد دکتر مهرداد بهار). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ص ص ۱۹۷-۲۰۸.

_____ ۱۳۷۷ ب. «اصطلاحی فلسفی در ادبیات سغدی بودایی»، نامه فرهنگستان. س ۴. ش ۱. ص ص ۸۴-۹۴.

شایگان، داریوش. ۱۳۵۶/۲۵۳۶. ادیان و مکتبهای فلسفی هند. ۲ ج. تهران: امیرکبیر.
شومان، هانس ولفگانگ. ۱۳۶۲. آیین بودا. ترجمه ع. پاشایی. تهران: مروارید.
علوی، رضا. ۱۳۵۷/۲۵۳۷. راه حق دمپادا. تهران: سروش.
قریب، بدرالزمان. ۱۳۵۷. «رستم در روایات سغدی»، شاهنامه‌شناسی. تهران: بنیاد شاهنامه فردوسی. ص ص ۴۴-۵۳.

_____ ۱۳۶۹. «صرف اسم در زبان سغدی»، مجله زبانشناسی. س ۷. ش ۱. ص ص ۸۹-۱۰۴.

_____ ۱۳۷۱. داستان تولد بودا به روایت سغدی. بابل: نشر آویشن.

_____ ۱۳۷۲. «نظام فعل در زبان سغدی»، مجله زبانشناسی. س ۱۰. ش ۱. ص ص ۲-۵۶.

_____ ۱۳۷۳. «بلبل سغدی»، چیستا. س ۱۲. ش ۵. ص ص ۳۳۹-۳۴۱.

_____ ۱۳۷۴. فرهنگ سغدی (سغدی - فارسی - انگلیسی). تهران: نشر فرهنگان.

_____ ۱۳۷۷. «پژوهشی پیرامون روایت سغدی داستان رستم»، مهر و داد و بهار (یادنامه استاد دکتر مهرداد بهار). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ص ص ۲۳۳-۲۶۲.

کلیم کایت، هانس یوآخیم. ۱۳۷۳. هنرمانوی. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز.

مزداپور، کتایون. ۱۳۷۸. داستان گرشاسپ، تهمورث و جمشید، گلشاه و متن‌های دیگر (بررسی دستنویس م. او. ۲۹). آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی. تهران: آگاه (← دستنویس م. او. ۲۹)

معین، محمد. ۱۳۵۲. فرهنگ فارسی. ۶ ج. تهران: امیرکبیر.
نیکنام، مهرداد. ۱۳۶۳. آفت‌ها و آسیب‌های کتاب، روشهای علمی و عملی پیشگیری و ترمیم. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی.

- Bailey, H.W. 1955. "Indo-Iranian Studies - III", *TPS*. pp. 55-82.
- . 1967. *Prolexis to the Book of Zambasta*. Khotanese Texts, VI. Cambridge.
- . 1979. *Dictionary of Khotan Saka*. Cambridge.
- Bartholomae, Chr. 1904. *Altiranisches Wörterbuch*. Strassburg.
- Benveniste, E. 1929. *Essai de Grammaire Sogdienne II*. Paris.
- . 1933a. "Notes sur les Textes Sogdiens Bouddhiques du British Museum", *JRAS*. pp. 29-66. (= Notes I)
- . 1933b. "Notes sur le Fragment Sogdien du Buddhadyānasamādhisagarasūtra", *JA*, 223. pp. 193-245. (= Notes II)
- . 1936. "Notes Parthes et Sogdiennes", *JA*, 228. pp. 193-235. (= Notes III)
- . 1938. *Notes Sogdiennes*, *BSOS*, IX/3. pp. 495-518. (= Notes IV)
- . 1940. *Textes Sogdiens* (Mission Pelliot, III). Librairie Orientaliste. Paul Geuthner. Paris. (= TSP)
- . 1946. *Vessantra Jātaka* (Mission Pelliot, IV). Paris. (= VJ.)
- . 1955. "Études sur quelques Textes Sogdiens Chrétiens" (I), *JA*, 243. pp. 297-335.
- . 1959. "Études sur quelques Textes Sogdiens Chrétiens"

- iens (II), *JA*, 247. pp. 115-134.
- . 1967. "Le Verbe Iranien NAM-EN Sogdien", *BSOAS*, 30. pp. 505-511.
- Boyce, M. 1960. *A Catalogue of the Iranian Manuscripts in Manichean Script*. Berlin.
- . 1977. *A Word-List of Manichean Middle Persian and Parthian*. *AI*, 9a. Leiden, Téhéran-Liège.
- Conze, E. 1957. *Vajracchedikā prajñāramitā*. Rome.
- Dresden, M.J. 1993. "Sogdian language and literature", *The Cambridge History of Iran*. vol.3(2). Ehsan Yarshater (ed.). New York: Columbia University Press. pp. 1216 - 1229.
- Edgerton, F. 1953. *Buddhist Hybrid Sanskrit dictionary*. New Haven.
- Eliade, M. 1974. *Shamanism*. Willard R. Trask (trans.), Bollingen Series LXXVI. Princeton University Press.
- Emmerick, R.E. 1969. "Old age in Sogdian", *Studia Classica et Orientalia Antonino pagliaro oblata*. 3 vols. vol.2. Rome. pp. 131-7.
- . 1987. "Buddhism in central Asia", *The Encyclopædia of Religion*. M. Eliade (ed.). 16 vols. vol. 2. New York. pp. 400-404.
- Fischer, J. & T. Yokota. 1944. *Das Sūtra Vimalakīrti*. Tokyo.
- Gauthiot, R. & E. Benveniste. 1914-1929. *Grammaire Sogdienne*. 2

- vols. Gauthiot, Robert. 1914 -1923. vol. I. Paris ; Benveniste, E. 1929. vol. II. Paris.
- Gershevitch, I. 1954. *A Grammar of Manichean Sogdian*. Oxford.
- . 1975. "Sogdians on a Frogplain", *Mélanges linguistiques offerts à Émile Benveniste*. Paris. pp. 195-211.
- Gharib, B. 1965. *Analysis of the Verbal System in the Sogdian language*. Ph.D. Dissertation. Univ. of Pennsylvania. Ann Arbor, Michigan: University Microfilms, Inc.
- . 1974. "An Old Persian-Sogdian isoglass", *Memorial Jean de Menasce*. Louvain.
- Giles, L. 1957. *Descriptive Catalogue of the Chinese Manuscripts from Tunhuang in the British Museum*. London.
- Hansen, O. 1941. *Berliner Soghdische Texte I*. Berlin. (= BST I)
- . 1954. *Berliner Soghdische Texte II*. Wiesbaden. (= BST II)
- . 1968. "Die buddhistische literatur der Sogdier and Die christliche Literatur der Sogdier", *Iranistik II, Literatur I*. Leiden. pp. 83-90, 91-99. (HOI. IV. 2. I).
- Hastings, J. (ed.) 1971. *Encyclopædia of Religion and Ethics*. 13vols. New York.
- Henning, W.B. 1937a. *Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch*. Berlin.
- . 1937b. "A list of Middle-Persian and Parthian words", *BSOS*, IX. pp. 79-92.

- _____. 1939. "Sogdian loan-words in New Persian",
BSOS, X. pp. 93-106.
- _____. 1940. *Sogdica*. London: James G. Forlong Fund.
- _____. 1942. "The disintegration of the Avestic Studies",
TPS. pp. 40-56.
- _____. 1945. "Sogdian Tales", *BSOS*, XI. pp. 465-487.
- _____. 1948a. "A Sogdian fragment of the Manichaean
cosmogony", *BSOAS*, XII. pp. 306-318.
- _____. 1948b. "The date of the Sogdian Ancient letters",
BSOAS, XII. pp. 601-615.
- _____. 1958. "Mitteliranisch", *HbO*, Abt. 1. Bd.4, *Iranistik*
I. *linguistik*. Leiden. pp. 20-130.
- Humbach, H. 1972. "D.N. MACKENZIE (ed.): *The sūtra of the cau-
ses and effects of Actions in Sogdian*. London: Oxford
Univ. press 1970", *ZDMG* 122, pp. 389-390.
- _____. 1980. *Die soghdischen Inschriften funde von oberen
Indus (Paksitan)* Allgemeine und vergleichende Archäo-
logie, Beiträge des Deutschen Archäologischen Instituts
2. pp. 201-228.
- Humphereys, Christmas. 1962. *A Popular Dictionary of Buddhism*.
London. (= APDB)
- Karlgren, B. 1923. *Analytic dictionary of Chinese and Sino-Japanes*.
Paris.
- Kundara, K. & W. Sundermann. 1987. "Zwei Fragmente einer

- Sammelhandschrift buddhistischer Sūtras in Soghdischer Sprache', *AoF*, XIV. pp. 334-349.
- _____. 1998. "A Second Text of the Sogdian Viś-eṣacin-tibrahma-paripṛcchā-sūtra", *Studies on the inner Asian Languages*, XIII. pp. 111-130.
- Lamotte, E. 1962. *L'enseignement de Vimalakīrti*. Louvain. (= Lam.)
- Livshitz, V.A. 1970. "A Sogdian alphabet from Panjikand", *W.B. Henning Memorial Volume*. M. Boyce and I. Gershevitch (eds.). London. pp. 256-263.
- Mackenzie, D.N. 1970. *The Sūtra of causes and effects of actions in Sogdian*. London.
- _____. 1971a. *A Concise Pahlavi Dictionary*. London.
- _____. 1971b. *Buddhist terminology in Sogdian a glossary*. *AM*, XVII. pp. 28-89.
- _____. 1976. *The Buddhist Sogdian Texts of the British Library*. *AI*, 10. (= BSTBL)
- Mathews, R.H. 1972. *Mathews' Chinese-English Dictionary*. Cambridge. Mass. (= Mathews)
- Monier-Williams, Monier. 1974. *A Sanskrit-English Dictionary*. Oxford: Clarendon Press. (= ASED)
- Morris, William (ed.) 1971. *The American Heritage Dictionary of the English Language*. 9th Pr. New York. (= AHDEL)
- Müller, F.W.K. 1912. "Soghdische Texte I", *APAW*, II. (= ST I)

- _____. 1926. "Reste einer soghdischen Übersetzung des padma cintāmaṇi-dhāraṇi-sūtra", *SPAW*. pp. 2-8.
- Müller, F.W.K. & W. Lentz. 1934. "Soghdische Texte II", *SPAW*, XXI. pp. 504-607. (= ST II)
- On Ikeda, 1965. "A Sogdian colony at Tun-huang in the mid-eighth century", *Yurashia Bunka Kenkyu*. Hokkaido University, I. pp. 50-92.
- Ragoza, A.N. 1980. *Sogdijskie fragmenty central'no-aziatskogo sobranija Instituta Vostokovedenija* [Sogdian Fragments of the Central Asian collection of the Oriental Institute]. Moskva.
- Reichelt, H. 1928. *Die Soghdischen Handschriftenreste des Britischen Museums I*. Heidelberg.
- _____. 1931. *Die Soghdischen Handschriftenreste des Britischen Museums II*. Heidelberg.
- Robinson, R.H. 1954. "gāthā". *Chinese Buddhist Verse* (Wisdom of the East Series). London. pp. 22-27.
- Schaeder, H.H. 1942. "Beiträge zur mitte/iranischen Schrift und Sprachgeschichte", *ZDMG*, 96. pp. 1-22.
- Schwartz, M. 1967. *Studies in the Texts of the Sogdian Christians*. (University Microfilms, Ann Arbor).
- Sims-Williams, N. 1976. "The Sogdian fragment of the British Library", *III* 18. pp. 43-82.
- _____. 1978. "D.N. MACKENZIE (ed.) : *The Buddhist Sog-*

- dian texts of the British Library, Acta Iranica*, 10.", III 20, Nos. 3/4. pp. 256-260.
- . 1981. "The Sogdian fragments of Leningrad", *BSO- AS*, 44. pp. 231-240.
- . 1985. *The Christian Sogdian manuscript C2*. Berliner Turfantexte 12. Berlin.
- . 1989. "Sogdian", *Compendium linguarum Iranicarum*. R. Schmitt (ed.). Wiesbaden. pp. 173-192.
- Soothill, W.E. & L. Hodous. 1937. *A dictionary of Chinese Buddhist terms*. London. (= SH)
- Stein, A. 1921. *Serindia*. 5 vols. London. (= Ser.)
- Sundermann, W. 1974. "Nachlese zur F.W.K. Müller 'Soghdischen Texten I'", I Teil, *AoF* I. Berlin. pp. 217-255. (Schriften zur Geschichte und Kultur des Alten Orients II).
- . 1977. "D.N. MACKENZIE (ed.) : *The Buddhist Sogdian texts of the British Library, Acta Iranica*, 10", *BSOAS*, XL, 3. pp. 634-635.
- Takakusu, J. & H. Watanabe. (eds.) 1924-1935. *The Tripitaka in Chinese*. Taishō Shinshū Daizōkyō. Tokyo. (= T)
- Tedesco, P. 1926. "Ostiranische Nominalflexion", *ZII*, IV. pp. 94-166.
- Togan, Z.V. 1951. *Khorezmian glossary of the Muqaddimat al-Adab*. Istanbul. (= Muq.)
- Utz, D.A. 1980. "A Survey of Buddhist Sogdian Studies",

Bibliographia Philologica Buddhica, Series Minor, III.
Tokyo. II. pp. 1-25.

Weller, F. 1935. "Bemerkungen zum soghdischen Vimalakīrtinirdeśasūtra". *AM* (1st series), X. London. pp. 314-364.

_____. 1936. "Bemerkungen zur Soghdischen Vajracchedikā", *AO*, XIV. pp. 112-146.

_____. 1937a. "Bemerkungen zum soghdischen Dhyāna-
Texte", *Monumenta Serica*, II. Peking. pp. 341-404.

_____. 1937b. "Zum soghdischen Vimalakīrtinirdeśasūtra", *Abh. f. d.K.d. Morgenlandes*, XXII, 6. Leipzig.

_____. 1938. "Bemerkungen zum soghdischen Dhyāna-
Texte", *Monumenta Serica*, III. Peking. pp. 78-129.

Wogihara, U. 1915. *The Sanskrit-Chinese Dictionary of Buddhist technical terms*. Mahāvyutpatti, references to abridged edition. Tokyo. (= MVy.)

- Bailey = Sir Harold W. Bailey.
- Asica = "Asica", *TPS*, 1945, 1-38.
- Prolexis* = *Indo-Scythian studies, being Khotanese Texts*, vol.VI, *Prolexis to the Book of Zambasta*, Cambridge, 1967.
- Zor.Prob.* = *Zoroastrian problems in the ninth-century books*, Oxford, 1943.
- Benv. = E. Benveniste.
- Études* = "Études sur quelques textes sogdiens chrétiens", I, *JA*, 243, 1955, 297-337; II, *JA*, 247, 1959, 115-136.
- Gr.sogd. = *Essai de grammaire sogdienne*, 2^{me} partie, Paris, 1929.
- Notes = I, *JRAS*, 1933, 29-68; II, *JA* 223, 1933, 193-248; III, *JA*, 228, 1936, 193-239; IV, *BSOS*, 9, 1937, 495-519; V, *JA*, 239, 1951, 113-125.
- BST = O. Hansen, *Berliner Soghdische Texte*, I, Berlin, 1941; II, Wiesbaden, 1955.
- CAJ = *Central Asiatic Journal*, The Hague-Wiesbaden.
- Clauson = Sir Gerard Clauson, *An etymological dictionary of pre-thirteenth-century Turkish*, Oxford, 1972.

- Edg. = F. Edgerton, *Buddhist Hybrid Sanskrit dictionary*, New Haven, 1953 (reprint Delhi, 1970).
- G = I. Gershevitch.
- § = *Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford, 1954 (paragraph ref.).
- H = W.B. Henning.
- BBB = *Ein manichäisches Bet-und Beichtbuch*, Berlin, 1937.
- Cosmog.* = "A Sogdian fragment of the Manichaeian cosmogony", *BSOAS*, 12, 1948, 306-318.
- Date = "The date of the Sogdian Ancient letters", *BSOAS*, 12, 1948, 601-615.
- Dict. = *A fragment of a Khwarezmian dictionary*, edited by D.N. Mackenzie, London, 1971.
- Hb. = *Handbuch der Orientalistik*, I, Bd. IV, *Iranistik*, I, *Linguistik*, 20-130 "Mitteliranisch", Leiden, 1958.
- List = "A list of Middle-Persian and Parthian words", *BSOS*, 9, 1937, 79-92.
- Loanwords = "Sogdian loan-words in New Persian", *BSOS*, 10, 1939, 93-106.
- Mustard = "A grain of mustard", *Annali, Istituto Orientale di Napoli, Sezione Linguistica*, 6, 1965, 29-47.

- Sogdica* = London, 1940.
- Tales = "Sogdian tales", *BSOAS*, 11, 1945, 465-487.
- Texts* = "The Sogdian texts of Paris", *BSOAS*, 11, 1946, 713-740.
- HMV = *W.B. Henning memorial volume*, edited by E.M. Boyce and I. Gershevitch, London, 1970.
- IESOJ = V.I. Abaev, *Istoriko-ètimologičeskij slovar'osetinskogo jazyka*, I (A-K'), II(L-R), Moscow-Leningrad, 1958, 1973.
- JDP = V.A. Livšic, *SDM*, II, *Juridičeskie dokumenty i pis'ma*, Moscow, 1962.
- JT = M.S.Andreev and E.M.Peščereva, *Jagnobskie teksty*, Moscow-Leningrad, 1957.
- K = B. Karlgren, *Analytic dictionary of Chinese and Sino- Japanese*, Paris, 1923.
- Lam. = E. Lamotte, *L'enseignement de Vimalakīrti*, Louvain, 1962.
- A locust's leg.* = *Studies in honour of S.H. Taqizadeh*, edited by W.B. Henning and E. Yarshater, London, 1962.
- Minorsky vol.* = *Iran and Islam, a volume in memory of Vladimir Minorsky*, edited by C.E. Bosworth, Edinburgh, 1971.
- MVy. = *Mahāvvyutpatti*, references to abridged edition

- by U.Wogihara, *The Sanskrit-Chinese Dictionary of Buddhist technical terms*, Tokyo, 1915.
- O² = Signature of a MS published in *Izvestija Akademii Nauk*, 1920, 399-420, 455-474.
- Reichelt = H. Reichelt, *Die sogdischen Handschriftenreste des Britischen Museums*, Heidelberg, I, 1928, II, 1931.
- Rosenberg = O. Rosenberg, *Introduction to the study of Buddhism*, Pt.I, *Vocabulary*, Tokyo, 1916.
- SCEA = *The Sūtra of the causes and effects of actions in Sogdian*, edited by D.N. Mackenzie, London, 1970.
- Schwartz = M. Schwartz.
- STSC = *Studies in the texts of the Sogdian Christians*, University Microfilms, Ann Arbor, 1967.
- SDM = Sogdijskie dokumenty s gory Mug: v. JDP.
- SH = W.E. Soothill and L. Hodous, *A dictionary of Chinese Buddhist terms*, London, 1937.
- ST, I = F.W.K. Müller, *Soghdische Texte*, I, *APAW*, 1912.
- II = F.W.K. Müller and W.Lentz, *Soghdische Texte*, II, *SPAW*, 1934, 502-607.
- TSP = E.Benveniste, *Textes sogdiens*, Paris, 1940.
- VJ = *Vessantra Jātaka*, edited by E.Benveniste,

Paris, 1946.

Weller = Friedrich Weller.

AM, X = *Asia Major* (1st series), London, X, 1935, 314-364, "Bemerkungen zum soghdischen Vimalakīrtinirdeśasūtra".

Mon.Ser. = *Monumenta Serica*, Peking, II, 1937, 341-404, III, 1938, 78-129, "Bemerkungen zum soghdischen Dhyāna-Texte".

Zum s. Vim = *Zum soghdischen Vimalakīrtinirdeśasūtra* (Abh. f. d. K. d. *Morgenlandes*, XXII, 6), Leipzig, 1937.

فهرست‌های راهنما

کسان، جای‌ها، نام‌های خاص

آ، ۱	اسدی طوسی : ه
آتش - اُم ← آذر - اُم	اسکندر مقدونی : یک
آچریه : ۳۰	اسکنده : ۱۸۰، ۱۸۱
آذیغ : ۵۷	اَسوَرَه : ۸، ۵۴، ۵۹، ۱۶۵
آذر : ۹۸	اشم وهو، دعا : ش
آذر - اُم : ۴۶، ۵۵، ۵۷، ۶۳	اُم - درمه : ۵۶
آرنج، مقیاس : ۵۶، ۶۴	ایریک، رونالد : ۱۶، ۱۷، ۱۹
آریا و لوکی تیشوَره، بدی ستوه : یست و دو، ۴۶	انگلستان : شانزده
۴۷، ۵۵، ۵۸	انَوْتَرَه سَمِیک سَمبُدی : ۸۹، ۹۰، ۹۱
آسیای غربی : ۶۵	انیمیشه، بدی ستوه : یست و چهار، ۱۶۴
آسیای مرکزی : دو، سه، پنج، هفت، ده، یازده، پانزده،	اوپاسَکَه : ۸، ۳۰، ۳۸، ۴۷، ۵۸
یست و نه، ۶۴، ۶۵، ۶۸	اوپاسیکا : ۸، ۴۷، ۵۸
آکاشه : ۱۲، ۵۴، ۹۰	اوپانیشاد : ۱۸۱
آلتایی : ۶۸	اوتر، دیوید. ا. : یازده، دوازده، یست و نه
آندرئاس، ف. س. : دو	اورال : ۶۸
آئنده : یست و پنج	اوستا : یک
ابوالقاسمی، محسن : ۱۱۵	اولدنبِگ : پانزده
ابوشکور بلخی : ه	اَوَلوکی تیشوَرَه، بدی ستوه : ۵۷
ابی درمه : ۱۳، ۳۶، ۵۰	اهریمن : ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۹۴، ۹۵، ۹۸
إدگرتن، ف. ۷۲	۱۵۵، ۱۷۶
ارابه بزرگ ← مه‌ایانه	اهوَرَه : ۸
ارج، مقیاس : ۶۴	ایندره : ۱۳۷، ۱۷۸
آرنا و هارن : ۱۳	
آرَهت : ۱۵، ۱۹، ۳۶، ۱۶۹	ب
اژدها، سال : ۳۰، ۳۸	بخارا : ه
استاین، سراورل : شش، پانزده، شانزده	بُدی : ۵، ۶، ۱۳۳، ۱۶۲

بیرونی، ابوریحان : دو، سی
بیکشو : یست و دو
بیلی، هارولد : ۶۴، ۱۴۱

پ

پارس : پنج
پارمیتا : ۸
پاریس : دو، یازده، پانزده
پاشایی، ع. : ۱۳-۱۶، ۱۹، ۳۱، ۳۴، ۳۶،
۳۹، ۶۰، ۶۵، ۱۰۷، ۱۰۹-۱۱۲،
۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۳
۱۴۸، ۱۷۸
پاکستان : دو، هفت
پرتیگه بودا : ۸
پرجنا : ۲، ۸
پری نیروانه : ۱۵
پلیو، پل : چهارده
پنجیکند : هفت، سی
پوتی : ۸، ۷۲
پوتیان : یست و دو، ۳۰

ت

تاجیکستان : سه، هفت
تانگ : ۳۸
تتاگه : یست و سه، ۶، ۱۵۵، ۱۵۶
ترکستان چین : یک، دو
تری پیتکه : دوازده

بدی ستوه : یست و یک، یست و دو، یست و سه، ۵، ۶،
۱۱، ۱۲، ۱۸، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۵۸،
۶۱، ۶۲، ۶۶، ۷۴، ۸۸، ۹۲، ۹۵-
۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۱۹،
۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۴،
۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹-۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱،
۱۷۴، ۱۳ (توضیح)

بدی گشه : ۱۷۶

برهما : ۱۶۰، ۱۷۸

برهمنه راجن : یست و پنج

بریتانیا : پانزده، شانزده

بغان بگتم، بودا : ۵۸

بغدادی، عبدالقادر : سی و یک

بگون، لقب بودا : ۵۸

بنونیست، امیل : پانزده، ۱، ۱۵، ۲۲،

۳۳، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۴۳، ۶۰، ۷۰،

۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۴۰، ۱۴۱-۱۴۲

۱۴۲

بودا : یست و یک، یست و سه، یست و چهار، ۲، ۷، ۸،

۱۱، ۳۴، ۴۷، ۵۵، ۵۸، ۶۲، ۶۸،

۷۰، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۶۶، و

بسیاری موارد دیگر.

بودا بدره : یست و پنج

بودا کشته : ۵۵

بوداسف : ۱۱، ۱۳

بولایق : نه

بهدینان، گویش : ۱۴

کسان، جای‌ها، نام‌های خاص ۲۰۷

تَمَس : ۱۹

دَثَوَه : ۵۹

تورفان : دو، هفت، هشت، نه، یازده، پانزده

دارما : ۱۷

توشیتا، فردوس : ۱۳

دازنی : یست و سه، ۴۶، ۴۷، ۵۷، ۵۸، ۱۶۵

تون هوانگ : دو، شش، هفت

دَرْمَشَوَرَه : یست و چهار، ۱۶۴

دَرْمَه : یست و چهار، ۱۱، ۳۰، ۵۵، ۵۶، ۹۳

ج

۱۰۱، ۱۴۶، ۱۷ و ۱۸ (توضیح)

جائیسَمَرَه : ۴۶، ۵۷

درمه آذر - اُم : یست و دو

جاده ابریشم : یک، سه

درمه بودا : ۹۰

جیانِه چنتِه، بیکشو : یست و دو، ۳۰

درمه داتو : ۳۰

جیحون، رود : دو

درمه دوته : یست و چهار

درمه روشن شدگی : یست و چهار

چ

درمه نا - دویی : ۱۴۶

چرخ آب : ۶۰

دمما : ۱۷

چرخ باد : ۶۰

دوته : یست و چهار

چرخ بزرگ : ۱۲۸

دیانا : ۱۰۶

چرخ فضا : ۶۰

دیانه : یست و پنج، ۸۸، ۹۴، ۹۸، ۱۰۶، ۱۷۸

چرخ گیتی : ۶۲

دیواشتیج : شش

چَکُورَتی : ۴۷، ۵۵، ۵۸، ۱۷۳

ذ

چنتامنی : ۵۵، ۵۸

ذراع، مقیاس : ۶۴

چیته راجا، بدی ستوه : یست و چهار

ذمه : ۱۷

چین : یک، دو، سه، شش

ر

خ

رایسن، ر. ه. : ۷۲، ۱۳۱

خراسان : سه

رایشلت، هانس : شانزده، ۱، ۱۷، ۲۳، ۳۷

خیرآباد : شش

۷۰، ۸۳، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۵

د

۱۴۶، ۱۴۹، ۱۷۰

- رَجَس : ۱۹
رستم : هفت
رُتوُفت : ۴۲، ۱۰۳
روپه کایه سمن تَدَرَشْتَه، بَدی ستوه : یست و سه،
۱۵۷
رودکی : سه
- ز
زرافشان : یک
زرشناس، زهره : یست و هفت، بیست و هشت، سی و
یک، ۳۷، ۱۲۸
زوندِ رمان، ورنر : شانزده، نوزده، ۲، ۲۰، ۷۲،
۷۴، ۷۳
- س
سَرچَمیک : یست و دو، ۳۰
سَرغ : یست و دو، ۳۰
سغد : یک، دو، پنج
سمادی : ۹۳، ۱۲۶
سمرقند : یک، دو، سه، سیزده
سَمینک سَمبَدی : ۷۵، ۸۹
سن پترزبورگ : دو، پانزده
سند، رود : دو
سنساره : ۲۸، ۱۰۷، ۱۵۵
سوبوتی : یست و یک، ۲، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۲
سوتره : یست و دو، یست و سه، یست و چهار، ۸، ۲۳،
۳۰، ۳۲، ۳۳، ۷۰، ۳۶ (توضیح)
- سوتره بودا دیانه سَمادی - ساگره : یست و پنج
سوتره پَدَمه چنتامنی : یست و دو
سوتره پَدَمه چنتامنی - دازنی : ۴۱
سوتره چم و پادافراه کردار : دوازده، هفده، یست و
نه
سوتره دوته : یست و چهار
سوتره وِیَمَلَه کیرِ تیرِ دِشَه : یست و سه، ۷۰، ۱۶۴
سوت هیل، و.ا. : ۷۲
سوکاوتی لوکَه داتو : ۴۶، ۵۷
سومرو : ۹۰، ۱۵۶
سیری : ۶۸
سیحون، رود : دو
سیمز ویلیامز، نیکلاس : شش، شانزده، نوزده، سی و
یک، ۱، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۵، ۲۷، ۳۸
۳۹، ۴۳، ۴۹ - ۵۳، ۶۰، ۷۷، ۷۸
۸۰ - ۸۳، ۸۵ - ۸۷، ۱۰۴، ۱۱۵
۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۳
سین کیانگ : یک
- ش
شاکیه مونی : ۱۱۴، ۱۷۵
شاه چرخ ← چکرورتی
شایگان، داریوش : ۶، ۱۳، ۳۱، ۳۲، ۳۶
۳۹، ۶۱، ۶۳، ۶۶، ۱۰۶
۱۰۷، ۱۱۲، ۱۴۴، ۱۸۱
شراوکه : ۹۱
شری کوتاه، بَدی ستوه : یست و چهار، ۱۶۴

کسان، جای‌ها، نام‌های خاص ۲۰۹

کتابخانهٔ بریتانیا، متن‌های سغدی: پازده، شازده
کپلهٔ وِستو: یست و پنج
کرمِن: یست ونه
کَرمه: ۱۳۵
کَلْپَه: ۱۶۰، ۱۳۸، ۱۰۰
کلیم کایت، هانس یوآخیم: ۸
کنجور: ۷۱
کَنگک مَنگک شیانگک: یست وهشت
کومازه جیوه: یست ودو، یست وسه، ۱، ۳، ۱۳
۱۶۹، ۷۱، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۶۸، ۱۶۹
کوه مغ، اسناد: شش
کی‌نگیون: یست ودو، ۳۰

گ

گردونهٔ بزرگ ← مه‌ایانه
گرشویچ، ایلیا: یست وهشت
گرونودل: پازده
گوتیو، روبر: پازده، یست ونه، ۱۱۰

ل

لاموت، ایلی: ۷۱، ۷۲، ۱۶۸، ۱۷۰
لَدَخ: هفت
لنتس، و: ۷، ۸، ۳۷، ۸۸، ۱۰۳
لندن: دو، یازده، ۷۲
لنینگراد: دو، یازده، ۲
لوکوک: پازده
لوکه داتو: ۴۶

شری گوپته، بدی ستوه: یست و چهار، ۱۶۴
شَکْره: ۱۶۰
شَلوْکَه: ۷، ۹۲، ۱۷۰
شَمَن: ۸، ۴۷، ۵۸، ۶۸
شَمَن بانو: ۸، ۴۸، ۵۸
شمینیس: ۶۸
شوارتز، مارتین: ده، ۳۷، ۱۱۶
شومان، هانس ولفگانگ: ۱۳، ۱۴، ۱۷،
۱۹، ۳۱، ۳۴، ۳۶، ۳۹، ۶۲، ۱۱۷،
۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۵
شیک شاننده: ۴۲
شیوا: ۶۷

ع

علوی، رضا: ۱۶، ۱۸

ف

فر، فره: ۵۷، ۹۹
فیشر، ج: ۷۱، ۱۳۱، ۱۷۰

ق

قرقیزستان: هفت
قرب، بدرالزمان: یست وهشت، یست وهشت، سی،
۱۲۴، ۱۰۹

ک

کاشِپَه: یست وسه، ۹۰، ۱۶۸

لو - یانگ : یست و هشت، ۳۰

مهایانه : یازده، یست و یک، ۳، ۶۶، ۷۱، ۹۳،

۱۷۳، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۲۸

م

مائو : سی

مازه : ۱۴، ۹۴، ۹۸، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۵۹،

۱۶۱، ۱۷۶

مانی : نه، چهارده

ماوراءالنهر : ب

مزداپور، کتایون : ۱۱۶، ۱۲۴

معین، محمد : سی و یک

مغولستان : دو، هفت، ۶۸

مکتزی، دیوید ن. : شانزده - یست و دو، یست و هشت،

یست و نه، سی و یک، ۷، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۶-۱۸،

۲۵، ۳۷، ۴۲، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۶۰،

۶۵، ۷۰-۷۲، ۷۷، ۷۸، ۸۰-۸۸،

۱۰۳، ۱۰۴-۱۰۶، ۱۰۸-۱۰۸

۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۰،

۱۴۱، ۱۴۳

مشر : ۴۶، ۵۶، ۵۷، ۹۶، ۱۲۰

منجوشری، بدی ستوه : یست و سه، ۷۰، ۸۸-

۹۱-۱۵۵-۱۵۷

مندله : ۹۵

منگ - شیانگ : یست و هشت

مولر، ف. ک. : دو، شانزده، ۷، ۸، ۴۲، ۴۵،

۶۰، ۶۶، ۶۷

مهاسنوه ۱۱، ۵۸

مهاکاشیه : ۹۰، ۱۵۶

ن

نادویی، آموزه : یست و چهار، ۱۶۴

نارائنه ۵۷

نیروانه : ۵، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۸۸،

۱۰۷، ۱۵۵، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۷

نیزیه : ۶۰

نیکنام، مهرداد : ۷۴

نیلوفر آبی، گل : ۷۶، ۸۹، ۹۸،

۱۱۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۷۲

و

وبر، د. : ۳۷

وَجَر پانی : ۵۵، ۵۷

وَجَر جِ چدیکا : یست و یک، یست و دو، ۱، ۲، ۸

ودا : ۱۱۸

وسانتره جاتگه : ده

ولر، فردریش : شانزده، یست و نه، ۱، ۲۱، ۳۴،

۷۰، ۷۱، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۲،

۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۷-۱۳۹،

۱۴۱-۱۴۴، ۱۴۶، ۱۶۸، ۱۷۰

وید یادزه : ۵۷

ویشنو : ۶۷

ویگنه وینایگه : ۵۶

ویمله کیرتی، بدی ستوه : یست و سه، یست و چهار،

کسان، جای‌ها، نام‌های خاص ۲۱۱

هودس، ل.: ۷۲	۷۵، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۱۰۱،
هومباخ، ه.: ۱۰۸	۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۴
هینیاَنه: ۳، ۱۲۸، ۱۶۹	

ه

ی

هزاربودا، غار: شانزده	
هَترن، اولاف: ۲، ۸، ۷۲	
هنینگ، و.ب.: پنج، شش، ۱۷، ۳۷، ۴۳، ۶۱	
یزدگرد دوم: ه	
یغناپ: ب	۱۳۶
یغناپی، زبان: ب	هوان - تسانگ: ۳۸، ۷۱، ۱۱۰، ۱۱۶،
یوکوتا، ت.: ۷۱	۱۱۷، ۱۳۷، ۱۴۳
	۱۶۸-۱۷۰، ۱۷۲

سنسکریت

A

akuṣālakarmaṣaṭṭha ۱۶۷

agati ۱۰۷

agaru ۶۴

agra ۱۳۳

aṅga ۱۳۲

atmadṛṣṭi ۱۱۴

atyanta ۱۷۱

atyanta-śūnyatā ۱۲۰, ۱۷۱

atyaya ۶۴, ۱۱۵

adbhuta ۱۷۸

advaya ۱۴۶

advaya-dharma-mukha-praveśa ۱۸۰

adhyāśaya ۱۲۹, ۱۷۴

ananta ۱۶, ۱۴۳

anargha ۱۱۴

anarghamaniratna ۱۶۸

anādāna ۱۴۸, ۱۸۱

anāsrava ۱۲۵

anāsravadharma ۱۷۲

anityatā ۱۳۶, ۱۷۷

Animiṣa بیست و چهار, ۱۴۸, ۱۸۱

anirodha ۱۸۰

anu ۱۵, ۱۲۰

anuttara ۱۱۲, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۶۹

anuttarasamjaksambodhicitta ۱۶۷

anutpāda ۱۴۷, ۱۸۰

anutpādadharmakṣānti ۱۸۰

anupalabdha ۱۸۱

anupudhiśeṣa ۱۵

anulomam ۱۴۵

anuvyañjana ۱۲۹, ۱۷۳

anuvyañjanāni ۱۲۹

antarakalpa ۱۷۸

antaḥpura ۱۴۳

aprajñā ۱۴۵

apratihata ۱۳۵

apramāṇa ۱۶, ۱۳۶, ۱۴۳

abhijñā ۱۲۷, ۱۷۳, ۱۷۹

Abidharma ۳۶, ۴۱, ۴۵

abhimānikā ۱۴۳

abhyudgacchait ۶۱

amala ۱۷۳

Amitābha ۶۷, ۱۷۶

Amitāyus ۶۷

amitra ۶۴

amṛta ۱۳۲
amṛtadharma ۱۷۵
araṇāvihārin ۱۳
arupin ۱۴
arūpaloka ۳۴
arthakṛtya ۱۷۲
avalokita ۶۶
Avalokiteśvara ۶۳, ۶۷
avavāda ۱۷۴
avidyā ۳۲, ۱۰۹, ۱۶۵
avyāpāda ۱۷۸
asaṃkhyeya ۱۶, ۱۳۶
asaṃjnin ۱۵
asaṃskṛta ۱۱۲, ۱۶۷
asaṃskṛta-dharma ۱۶۷
asura ۵۹
aḥamkāra ۳۵, ۱۷۴

Ā

ākāśa ۲۰, ۶۰, ۱۱۳, ۱۶۸
āghātavastu ۱۶۷
ācariya ۳۹
ātmadr̥ṣṭi ۱۱۳, ۱۶۸
ātman ۱۸۰
ātmiya ۱۴۷, ۱۸۱
ādāna ۱۴۸, ۱۸۱
ānantarya ۱۶۹

Ānanda بیست و پنج
āmātya ۱۴۳
āyatana ۱۱۰, ۱۱۱, ۱۶۶
āryamārga ۱۷۳
Āryāvalokiteśvara ۶۱, بیست و دو
āveṇika-dharma ۱۷۰
āsrava

I

Indra ۱۳۷, ۱۷۸
indrajāla ۱۳۵
iśvara ۶۶

Ī

īritāh ۱۷۶
īryāpatha ۱۳۴, ۱۷۶
īśvara ۱۸۰

U

upakāra ۱۳۹
upavana ۱۲۵
upasthāna ۱۴۵
upasthānaguru ۱۴۵, ۱۷۹
upāya ۱۱۹, ۱۷۱, ۱۷۹
upāyakaūśalya ۱۱۹
upāyajñāna ۱۱۹, ۱۷۶
upāsaka ۳۸, ۶۸

واژه ها ۲۱۵

upāsikā ۶۸

utapla ۱۱۳

utāpādyā ۱۳

uttamā ۱۷۹

utpāda ۱۴۶, ۱۸۰

utpāda-nirodha ۱۷۵

Ṛ

r̥ṣi ۱۴۴, ۱۷۹

O

om ۶۳

om-dhāraṇī ۶۳

K

Kai-ngywan بیست و دو

Kapilavastu بیست و پنج

karuṇā ۶۲, ۱۲۰

karman بیست و نه, ۱۳۵, ۱۷۶

karmāvaraṇa ۶۳

kalā ۱۳۶, ۱۷۷

kalpa ۱۳۵, ۱۳۸, ۱۷۸

kalpoddāha ۱۷۷

kalyāṇamitra ۱۱۸, ۱۷۱

kāma ۱۰۹

kāmaguṇa ۱۶۵

kāmabhoga ۱۷۸

kāma-loka ۳۴

kāya ۱۳, ۳۱

kāruṇika ۶۱

kāśyapa بیست و سه, ۱۱۴

kārṇa ۲۱

Kumāra ۲۴, ۳۵

Kumārajīva بیست و دو, ۱

Kumārabhūta ۷۴

kūṭa ۱۸۱

kṛtajña ۱۱۶, ۱۶۹

kriyā ۱۴۸, ۱۸۱

kleśa ۲۴, ۳۶, ۶۳, ۱۱۲, ۱۳۲, ۱۳۹,

۱۶۷, ۱۶۸, ۱۷۱

kṣānti ۱۴۴, ۱۷۹

kṣubdha ۱۴۰, ۱۴۱

kṣetra ۱۷۶

G

Gaṇeśa ۶۴

gati ۱۰۷, ۱۶۵

gatiṃgata ۳۵

gandha ۱۹

gandharva ۱۲۳

gāthā ۱۱۸, ۱۷۰

gītā ۱۲۳, ۱۷۲

guṇa ۱۹, ۶۱, ۱۴۵, ۱۴۷, ۱۷۹, ۱۸۰

gupta ۱۴۷, ۱۸۰

guru ۱۲۰

gr̥hapati ۱۱۷, ۱۷۰

gocara ۱۴۵, ۱۷۹

gotra ۲۱, ۱۰۶, ۱۰۸

grāma ۱۴۳

grāmika ۱۷۹

grāha ۱۴۸, ۱۸۱

C

caura ۱۳۲, ۱۷۵

cakra ۶۰, بیست و چهار

cakravarti ۶۲, ۱۷۳

catvāryadhiṣṭānāni ۳۹

candana ۶۴

(candana)-citta-cakra ۶۷

candradeva ۱۳۷

car ۱۳۴

caraṇa ۱۴۸, ۱۸۱

cit ۱۳

citta ۱۳, ۳۶, ۱۱۳, ۱۱۴, بیست و چهار

cintāmaṇi ۶۳, ۶۸

cintāmaṇi-cakra-dhāraṇī ۶۷

J

jaya ۱۳۳

jāti ۱۳۳, ۱۴۶

jātismara ۴۲, ۴۳, ۴۵, ۶۷

jāy پنج

Ḥ ۱۷

jīva ۱۷, ۱۷۴

jīvātu ۱۷

jñāti ۱۷۰

jñāna ۱۱۱, ۱۱۸, ۱۲۵, ۱۲۶, ۱۷۲,

۱۷۴, ۱۸۰

Jñānacinta ۳۰, بیست و دو

T

ta بیست و پنج

Tathāgata ۶

Tathāgatagotra ۱۶۵

Tamas ۱۹

ṭṣṇā ۱۰۹

tyāga ۱۴۸, ۱۸۱

trāyas-triṃśaḥ ۶۵

triratna ۱۱۷, ۱۶۹

tryapāya ۳۱

D

dakṣiṇa ۲۰

daśadīś ۱۳۴

dātavyam ۱۸

dāna ۱۷۲

dīś ۲۰, ۶۶, ۱۷۵

durgati ۳۱

واژه‌ها ۲۱۷

duḥkha ۱۳۹, ۱۷۸

duḥkhin ۱۳۹

drṣti ۶۱, ۱۱۲, ۱۶۷

drṣti-kṛta ۱۶۷

drṣṭigata ۱۶۷

deva ۶۵, ۶۶, ۶۷

devāti ۶۷

dyāna ۱۰۶

dvīpa ۳۹

dveṣa ۱۶۶

DH

dhana ۱۷۴

dhanāni ۱۳۰

dharma بیست و چهار ۱۷, ۳۱, ۳۴, ۶۳, ۱۱۱, ۱۱۷, ۱۴۸, ۱۶۷, ۱۶۹, ۱۷۱

dharmadvīpa ۳۹

dharmadhātu ۳۹

dharmāḥ ۱۲۱

Dharmeśvara بیست و چهار ۱۴۶, ۱۸۰

dhāranā ۱۰۶

dhāraṇī بیست و سه ۶۶, ۱۰۴, ۱۰۵, ۱۲۴, ۱۶۵, ۱۷۲

Dhu بیست و پنج

Dhūta بیست و نه

Dhūta-Sūtra بیست و چهار

dhṛ ۱۸

dhyai ۱۰۶

dhyāna بیست و پنج ۱۰۶, ۱۷۴, ۱۷۸

N

na ۱۸

nanda ۱۲۰

nandī ۱۲۲, ۱۷۱

nāga ۳۸, ۵۹

nāma ۱۴

nāyaka ۱۲۰, ۱۷۱

Nārāyaṇa ۶۶

nāvāja پنج

nitya ۱۳۵

nityasaṃjñā ۱۳۶, ۱۷۷

nībarhita ۶۴

nimitta ۱۹, ۱۳۴

niyāma ۱۱۲, ۱۶۷

niraya ۶۰

nirupāyena ۱۱۹

nirodha ۱۸۰

nirmānakāya ۳۱

nirmita ۱۴, ۱۳۵, ۱۷۷

nirvāṇa ۱۰۷, ۱۶۵

nirvāṇadhātu ۱۵

nīvaraṇa ۱۱۰, ۱۶۶

P

paṭākā ۱۳۳
 padma ۱۱۳, ۱۷۲
 Padmacintāmaṇi-dhāraṇī-sūtra
 ۴۱, بیست و دو
 padhiśeṣa ۱۵
 paraloka ۳۴
 pariṇāmanā ۱۳۱, ۱۷۴
 parinirvān ۱۵
 paripāka ۱۷۶
 parivarta ۱۳۲
 pariśuddha ۶۵
 pariśuddhakṣetra ۱۷۶
 parṣad ۱۷۰
 pāramitā ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۲, ۱۷۱
 pāla ۱۴۷
 pāṣaṇḍa ۱۷۷
 Puṇya ۱۹, ۱۴۵
 purohita ۱۴۳, ۱۷۹
 puṣkaiṇī ۱۲۶
 puṣpa ۱۱۳
 pūjana ۱۷۵
 pūrvadiś ۱۹
 pūrvanivāsa ۴۲, ۴۵, ۶۷
 pṛthagjana ۱۱۶, ۱۶۹
 Prajeśvara ۱۷۸
 prajñā ۱۲۵, ۱۳۱, ۱۳۲

prajñāpāramitā ۱۱۸, ۱۷۰
 prajñāśāstra ۲
 pratipatti ۱۳۰, ۱۳۱
 pratibhāna ۱۶۵
 pratyaya ۱۰۶
 pratyekabuddha ۲
 pradhvaṃs ۱۵, ۱۳۳
 prabandha ۶۲
 prabhāva ۱۲۷
 Pramuditā ۱۷۱
 pravraj ۱۳۷, ۱۷۷
 priyakara ۶۳
 priyavacana ۱۷۲

B

bala ۶۱, ۱۱۷, ۱۲۷, ۱۷۰
 bahuśruta ۱۳۱, ۱۷۴
 bīja ۲۱, ۱۰۸
 Buddha بیست و پنج, ۵, ۳۴, ۱۱۷, ۱۷۶
 buddha ۶۲, ۱۶۹
 buddhakṣetra ۶۲, ۱۷۶
 buddhajñāna ۱۷۹
 Buddhadharma ۱۶۸
 Buddhābhaddra بیست و پنج
 bodhi ۱۳, ۳۳, ۳۵, ۱۱۶, ۱۲۵, ۱۳۳,
 ۱۳۶, ۱۶۹, ۱۷۱, ۱۷۴,
 ۱۷۵, ۱۷۷, ۱۷۹

واژه ها ۲۱۹

bodhicitta ۱۱۶, ۱۷۲

bodhipakṣikā ۱۲۱

bodhipākṣikadharmā ۱۷۱

bodhimaṇḍa ۱۷۵

bodhimaṇḍala ۱۳۳

bodhimārga ۳۳

bodhyaṅga ۱۷۲

bodhisattva ۱۳, ۶۲, ۱۰۷, ۱۶۵

Brahma بیست و پنج, ۱۳۷, ۱۷۸

BH

Bhagavat ۶۷

bhagavan ۶۷

bhaj ۳۹

bhava-trṣṇā ۱۰۹

bhavatrṣṇā ۱۶۶

bhikṣu ۳۹

bhoga ۱۴۰

M

Mañjuśrī بیست و سه, ۷۴, ۱۰۷, ۱۶۵

maṇḍa ۱۳۳

maṇḍala ۱۳۳

man ۳۲

manas ۳۵, ۱۱۴

mantra ۶۶, ۱۳۶

mantravidyā ۱۳۶, ۱۷۷

mariča ۶۴

mahā ۱۶۸

Mahākāśyapa ۱۶۸

mahānagna ۱۴۳

Mahāyāna ۱۲۸, ۱۷۳

mahārāja ۶۵

mahārājadeva ۶۵

mahāsattva ۱۳, ۶۸

mahāsamudra ۱۶۸

mānuṣyayoni ۳۲

mānuṣyavigraha ۳۲

māyā ۱۳۵, ۱۷۷

Māra ۱۴, ۱۱۰, ۱۳۲, ۱۷۵, ۱۷۶

mārga ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۶۵

mitra ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۷۰

mithyā ۳۵, ۱۰۶, ۱۱۱

mithyātva ۱۱۱, ۱۶۶

mithyādṛṣṭi ۱۷۷

muhyate ۱۴۰

mūḍha ۳۶, ۱۴۰, ۱۴۵

moha ۱۰۹, ۱۶۶

R

rakṣā ۶۶

Rakṣāvajra ۶۶

Rajas ۱۹

ratna ۱۱۴, ۱۳۰

rasa ۱۷۵
rāga ۱۰۹, ۱۶۶
rājan بیست و پنج ۱۳۷
rājā بیست و چهار
rūpa ۱۴, ۱۲۹
Rūpakāya بیست و سه ۱۱۷
Rūpakāysamantadarśana ۱۷۰
rūpa-loka ۳۴
roga ۱۷۸

L

lakṣaṇa ۱۹, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۴,
۱۷۳
lābha ۱۱۶
loka ۳۴
lokajyeṣṭha ۲۰
lokadhātu ۶۷, ۱۳۴
lokiteśvara ۶۶
lobha ۱۰۹, ۱۶۶

V

vaiśāradya ۱۱۷, ۱۷۰
vajra ۶۱
vajraka ۶۰
Vajracchedikā بیست و یک ۱, ۲
vajrapāṇi ۶۱
vaṇik ۱۴۳

vana ۱۲۵
vastu ۱۸, ۱۱۴, ۱۲۳, ۱۳۴, ۱۷۲
vi-garh ۳۳
vighnavināyaka ۶۴
vijñāna ۱۴, ۱۱۱
vijñānasthiti ۱۶۶
vidiśaḥ ۲۰
vidyā ۱۳۶
vidyādhara ۶۶
viparyaya ۱۶۶
viparyāsa ۱۱۰, ۱۶۶
vimala ۱۲۶
vimalakīrti ۱۰۷, ۱۶۵
Vimalakīrtinirdeśa بیست و سه
Vimalakīrtinirdeśasūtra ۷۰
Vimukti ۱۲۵, ۱۲۶, ۱۷۲, ۱۷۵
vimuktirasa ۱۷۵
vimokṣa ۱۷۲
*vimokṣanirvāṇa ۱۵
vimokṣāḥ ۱۲۶
vilepana ۱۷۵
vilepanā ۱۷۵
viśārada ۱۳۴
viśuddha ۱۷۵
viśuddhāśaya ۱۷۵
viśuddhi ۱۷۳
viśeṣa ۱۷۶

۲۲۱ واژه

Vishṇu ۶۷

viṣ ۱۴۱

vihiṃsā ۶۴

vihīnendriya ۱۶۹

vedanā ۱۴, ۱۴۰

vyavadāna ۱۸۲

Ś

Śakra ۱۳۷, ۱۷۸

śaya ۱۷۵

śākyamuni ۱۷۵

Śikṣānanda ۴۲

śikṣāpada ۱۳۲

śīla ۱۳۲, ۱۷۹

śilpasthāna ۱۳۶, ۱۷۷

śiṣya ۱۷۱

śīlāṅga ۱۷۵

śuddha ۶۵, ۱۲۵

śuddhājīva ۱۷۴

śūnya ۲۰, ۶۰, ۱۲۰, ۱۷۶

śūnyatā ۱۷۱

śramaṇa ۶۸

śrāvaka ۱۱۵, ۱۶۹

śrī ۶۱, ۶۳, ۶۷, ۱۲۷,

۱۴۷, ۱۴۹

Śrīkūṭa بیست و چهار ۱۸۱

Śrīgupta بیست و چهار ۱۴۷, ۱۴۹, ۱۸۰

śloka ۷, ۱۱۸

S

sauratya ۶۲, ۱۲۰, ۱۷۹

sat-kāya ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۶۵

satkāyadrṣṭi ۱۶۸

satpuruṣa ۱۸۰

sattva ۱۳, ۱۶, ۱۹, ۱۰۶

saptaratna ۱۳۰

samantadarśana بیست و سه

Samantadarśanarūpakāya ۱۷۰

Samantāvabhāsa ۱۷۰

samādhi ۱۲۶, ۱۷۲

samādhi-sāgara بیست و پنج

samānārthatā ۱۷۲

samudra ۱۱۴, ۱۶۸

sambhog ۳۱

sambhoya ۱۳

samyak ۳۴, ۱۰۶, ۱۱۲

samyaksam ۱۱۶

samyaksaṃbodhi ۱۲۲

samyakhtvānīyāma ۱۶۷

samyāñc ۳۴, ۱۰۶

samyojana ۱۶۹

saṃkleśa ۱۱۵, ۱۲۶, ۱۸۱

saṃgraha ۱۲۳, ۱۷۲, ۱۷۳

saṃgha ۶۵, ۱۱۷, ۱۱۹, ۱۶۹

saṃjñā ۱۴, ۱۶, ۱۵, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۷۶

saṃjñin ۱۵

saṃbuddha ۱۲۲

saṃbodhi ۱۱۲, ۱۲۲

saṃyojana ۱۱۵

saṃvṛti ۱۲۱

saṃsāra ۳۲, ۱۰۷, ۱۶۵

saṃskāra ۱۴

saṃskṛta ۱۱۲

saṃskṛtadharma ۱۱۲

sar ۳۲

Saragh بیست و دو

sarvajñatā ۱۶۸

sarva ۳۲, ۵۹, ۱۰۶

sarvra ۱۵

sarṣapa ۶۶

sārthavāha ۱۴۳, ۱۷۹

sādhu ۱۱۴

sāra ۳۲

sālohita ۱۷۰

siddhi ۶۲, ۱۷۷

siv ۳۶

Sukhāvati ۶۷, ۱۷۶

Sukhāvataṇḥkadhātu ۶۷

Subhūti بیست و یک

sumeru ۱۱۴

surgati ۳۱

sūtra بیست و سه, ۳۶, ۴۴, ۱۳۶

Sūrya ۱۳۷

setu ۵۹

skanda ۱۸۰

sthala ۱۱۳

svayaṃpratibhū ۳۴

H

hita ۱۱۵, ۱۳۹

Hīnayāna ۱۶۹

hetu ۱۰۷

hīrapatrāpya ۱۲۹, ۱۷۳

واژه‌ها ۲۲۳

اوستایی

ahura ۵۹

upa-sraw ۱۲۳

uzwaza ۶۱

karan(a) ۲۰

karəna ۲۱

ḫiti ۱۷

ḫyāti ۱۷

ḫyātu ۱۷

tav سی و یک

daēva ۵۹

wištāspa ۱۴۱

nawāza پنج

magu-pati ۶۵

zaya پنج

ایرانی باستان

* apa-kamp ۳۳

* apanasa ۳۶

* āyamana ۱۱۹

* ā-yuzya ۱۴۲

* gamb ۱۱۹

* gaubaya پنج

* gauša ۲۱

* gubya پنج

* jati ۱۲۴

* jā0ra ۱۳۸

* waiz ۱۴۱

* waxš ۱۳۰

پارتی

”ywštīg ۱۴۱

’h’z ۳۸

’ngd ۱۱۵

jydg ۱۷

n'w'z پنج

پالی

Ĵrāyujā ۱۴

samsvedajā ۱۴

sutta ۳۶

samana ۶۸

vijjā ۱۳۶

viññāna ۳۶

تبتی

Dharmavikurvaṇa ۱۸۰

śrīgandha ۱۸۰

ختنی

abišāta ۱۰۴

āviṣṭai ۱۴۱

bišā ۱۰۴

mireṃjsya ۶۴

خوارزمی

'knby ۳۳

'ngd ۱۱۵

bzβ'k ۱۰۴

γwβ(y) پنج

γwy پنج

p'rw'rd ۱۲۵

prw'r ۱۲۵

wx ۱۳۰

wxk ۱۳۰

سریانی

'tdlh ۱۴۱

rš' d-zwyt' ۲۰

واژه‌ها ۲۲۵

twyr ۱۴۰

tawdītā ۱۱۶

فارسی باستان

gaub پنج
çitiya- چهار

hačāma پنج

پهلوی

daxšag ۱۹

آسی دیگوری

ānyād ۱۱۵

دستنویس سغدی

20
 21
 22

10
 11
 12
 13
 14
 15
 16
 17
 18
 19
 20
 21
 22

20
25
30

1
 2
 3
 4
 5
 6
 7
 8
 9
 10

20
 21
 30

[illegible]

50
 55
 60

70

no 1

no 2

no 3

no 4

no 5

no 6

20
 21
 22
 23
 24
 25
 26
 27
 28
 29
 30

49
 50
 51
 52
 53
 54
 55
 56
 57
 58
 59
 60
 61
 62
 63
 64
 65
 66
 67
 68
 69
 70
 71
 72
 73
 74
 75
 76
 77
 78
 79
 80
 81
 82
 83
 84
 85
 86
 87
 88
 89
 90
 91
 92
 93
 94
 95
 96
 97
 98
 99
 100

50
 51
 52
 53
 54
 55
 56
 57
 58
 59
 60

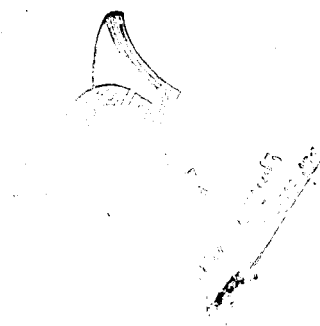
60
 70
 80
 90
 100
 110
 120
 130
 140
 150
 160
 170
 180
 190
 200
 210
 220
 230
 240
 250
 260
 270
 280
 290
 300
 310
 320
 330
 340
 350
 360
 370
 380
 390
 400
 410
 420
 430
 440
 450
 460
 470
 480
 490
 500
 510
 520
 530
 540
 550
 560
 570
 580
 590
 600
 610
 620
 630
 640
 650
 660
 670
 680
 690
 700
 710
 720
 730
 740
 750
 760
 770
 780
 790
 800
 810
 820
 830
 840
 850
 860
 870
 880
 890
 900
 910
 920
 930
 940
 950
 960
 970
 980
 990
 1000

151
 140
 141
 142
 143
 144
 145
 146
 147
 148
 149
 150

151

یادداشت

یادداشت



Six Sogdian Texts

(Part I)

by

Dr. Zohreh Zarshenas



**Institute for Humanities
and
Cultural Studies**

Tehrān 2001